بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

تاریخ (۳)

ایران و جهان معاصر

رشتهٔ ادبیات و علوم انسانی

پایهٔ دوازدهم

دورهٔ دوم متوسطه

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: تاریخ (۳) ایران و جهان معاصر ـ پایهٔ دوازدهم دورهٔ دوم متوسطه ـ ۱۱۲۲۱۹

پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: احمد ابوحمزه، اسماعیل باغستانی، مریم بیژنی، عباس پرتوی مقدم، فریده حشمتی، سیدابوالفضل رضوی، سیدحسین رضوی خراسانی، حشمت‌الله سلیمی، کوروش فتحی و پروانه صالحی‌نیا (اعضای شورای برنامه‌ریزی) احمد ابوحمزه (درس: ۹)، حسین احمدی (درس: ۳ و ۱۲)، عباس پرتوی مقدم (درس: ۳ و ۸ و ۹)، بر اساس درس‌های ۳ تا ۶ از کتاب تاریخ معاصر ایران (درس ۵)، سیدحسین رضوی خراسانی (درس:۱ و ۴)، کوروش فتحی (درس:۲) (اعضای گروه تألیف) ـ هادی بکائیان و اسماعیل باغستانی (همکاری در تألیف درس ۳)، سیده سمیه طباطبایی (همکاری در تألیف درس۶ و ۸)، بازنویسی کتاب تاریخ ایران و جهان(۲) (درس ۷، ۱۰ و ۱۱) ـ افسانه حجتی طباطبایی (ویراستار)

مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) ـ مجید ذاکری یونسی (مدیر هنری) ـ محمدعباسی (طراح گرافیک، طراح جلد و صفحه‌آرا) ـ فاطمه باقری‌مهر، مرضیه اخلاقی، حسین چراغی، پری ایلخانی‌زاده، فریبا سیر و مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.chap. sch.ir و www.irtextbook.ir

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ نهم ۱۴۰۵

شابک ۵ ـ ۳۱۲۳ ـ ۰۵ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
ISBN: 978-964-05-3123-5

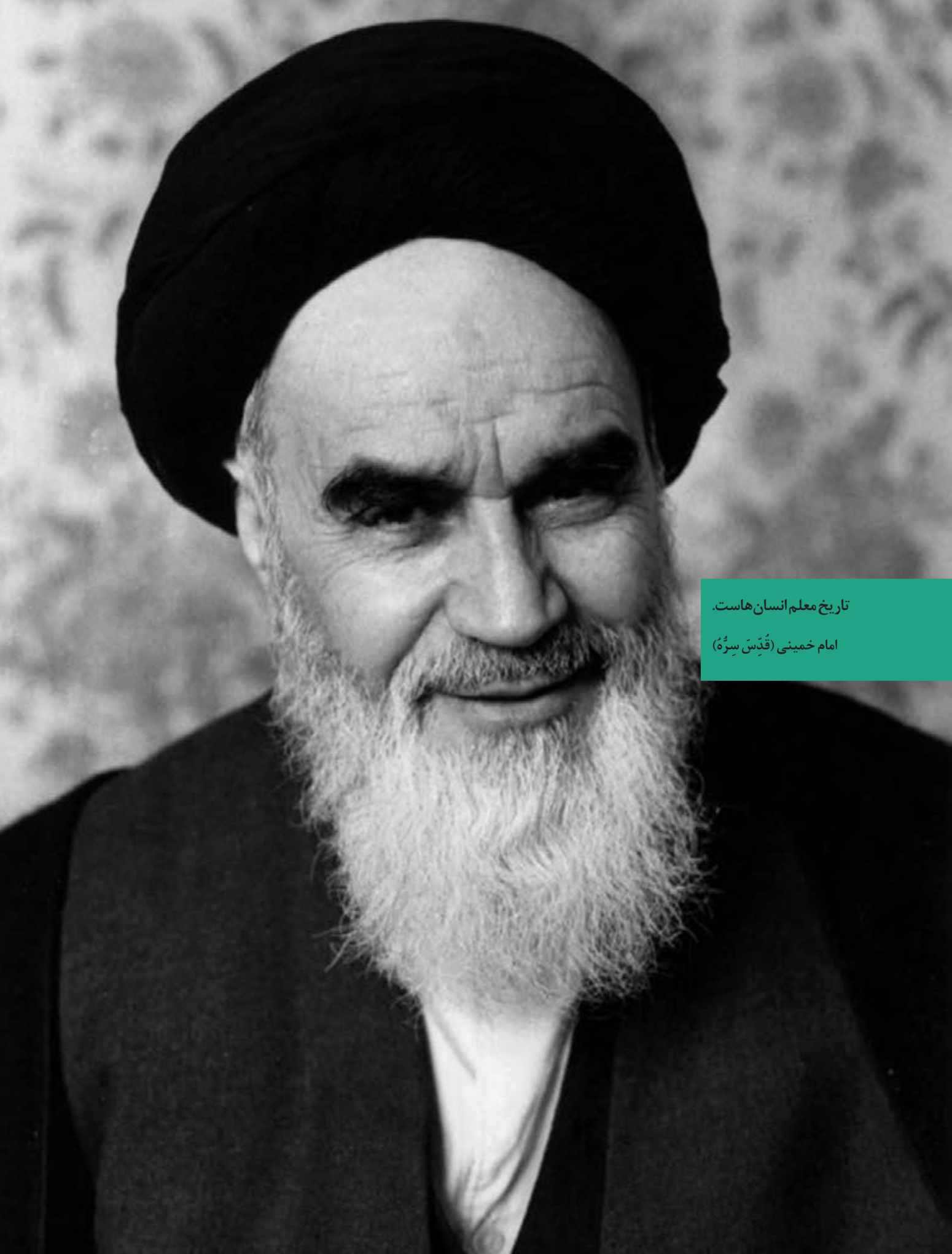

تاریخ معلم انسان‌هاست.

امام خمینی (قُدِّسَ سِرُّهُ)

کلیهٔ حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از این کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

این کتاب بر اساس نظرات واصله از مراکز علمی معتبر و دبیران مجرّب برای سال تحصیلی ۱۴۰۰ـ ۱۳۹۹ مورد بازبینی و اصلاح جزئی قرار گرفت.

نشانه‌های اختصاری

م	میلادی
ق.م	قبل از میلاد
ق	هجری قمری
ش	هجری شمسی
د	درگذشت
ح	حکومت

این کتاب بر جست‌وجوگری و انجام فعالیت‌های پژوهشی برای فهم زمینه‌ها، علل، عوامل، آثار و پیامدهای رویدادها و تحولات تاریخی توجه و تأکید ویژه دارد و به خاطر سپردن جزئیات و سطر به سطر مطالب کتاب را روا نمی‌دارد. بنابراین، به دبیران محترم درس تاریخ و طراحان سؤالات کنکور توصیه می‌شود که در ارزشیابی به این نکتهٔ مهم توجه کرده و آزمون‌هایی متناسب با اهداف و انتظارات عملکردی درس‌های کتاب طراحی کنند.

فهرست

درس ۱ـ تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر ۲
درس ۲ـ ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر ۱۶
درس ۳ـ سیاست و حکومت در عصر قاجار (از آغاز تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه) ۳۲
درس ۴ـ اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار ۴۷
درس ۵ـ نهضت مشروطهٔ ایران ۶۱
درس ۶ـ جنگ جهانی اول و ایران ۷۸
درس ۷ـ ایران در دورهٔ حکومت رضاشاه ۹۲
درس ۸ـ جنگ جهانی دوم و جهانِ پس از آن ۹۹
درس ۹ـ نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران ۱۱۷
درس ۱۰ـ انقلاب اسلامی ۱۲۸
درس ۱۱ـ استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ۱۴۲
درس ۱۲ـ جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۱۵۳
منابع و مآخذ ۱۶۴

جنگ جهانی اول
۱۹۱۴-۱۹۱۸ م

جنگ جهانی دوم
۱۹۳۹-۱۹۴۵ م

عصر جنـــــگ سرد

۱۲۶۱ ش/۱۳۰۰ ق/۱۸۸۲ م

۱۳۱۰ ش/۱۳۵۰ ق/۱۹۳۱ م

۱۳۵۸ ش/ ۱۴۰۰ ق/۱۹۷۹ م

قاجار

پهلوی

جمهوری اسلامی

ناصـــــرالدین شـــــاه

مظفرالدین شاه

محمدعلی شاه

احمد شاه

رضا شاه

محمدرضا شاه

دوران دفاع مقدس

معاهدهٔ پاریس
۱۲۷۳ ق /۱۸۵۷ م

معاهدهٔ آخال
۱۲۶۰ ش / ۱۲۹۹ ق /۱۸۸۱م

قیام تنباکو
۱۳۰۸ ق /۱۸۹۱ م

قرارداد رویتر
۱۲۵۰ ش / ۱۲۹۳ ق /۱۸۷۹م

امضای فرمان مشروطه
۱۲۸۵ ش /۱۳۲۴ ق

معاهده گلد اسمیت
۱۲۸۹ ق / ۱۸۷۲ م

به توپ بستن مجلس
۱۲۸۷ ش

امتیاز بانک شاهنشاهی به انگلیس
۱۲۶۷ ش / ۱۳۰۶ ق /۱۸۸۹م

فتح تهران
۱۲۸۸ ش

قرارداد رژی، امتیاز توتون و تنباکو
۱۲۶۸ ش / ۱۳۰۷ ق /۱۸۹۰م

قرارداد دارسی یا امتیاز نفت جنوب
۱۲۸۰ ش / ۱۳۱۹ ق /۱۹۰۱م

کودتای ۱۲۹۹ ش
۱۹۲۱ م

قرارداد ۱۹۱۹ م

قرارداد نفتی
۱۳۱۲ ش /۱۹۳۳ م

اشغال ایران
توسط متفقین
۱۳۲۰ ش /۱۹۴۱ م

تصویب قانون
ملی شدن نفت
۱۳۲۹ ش

کودتای ۲۸ مرداد
۱۳۳۲ ش

اعتراض به تصویب نامه انجمن‌های
ایالتی و ولایتی ۱۳۴۱ش

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش

اعتراض به کاپیتولاسیون و تبعید
امام خمینی ۱۳۴۳ش

پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ش

همه پرسی تعیین نظام
جمهوری اسلامی
۱۳۵۸ش

رحلت امام‌خمینی و آغاز رهبری آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۶۸ش

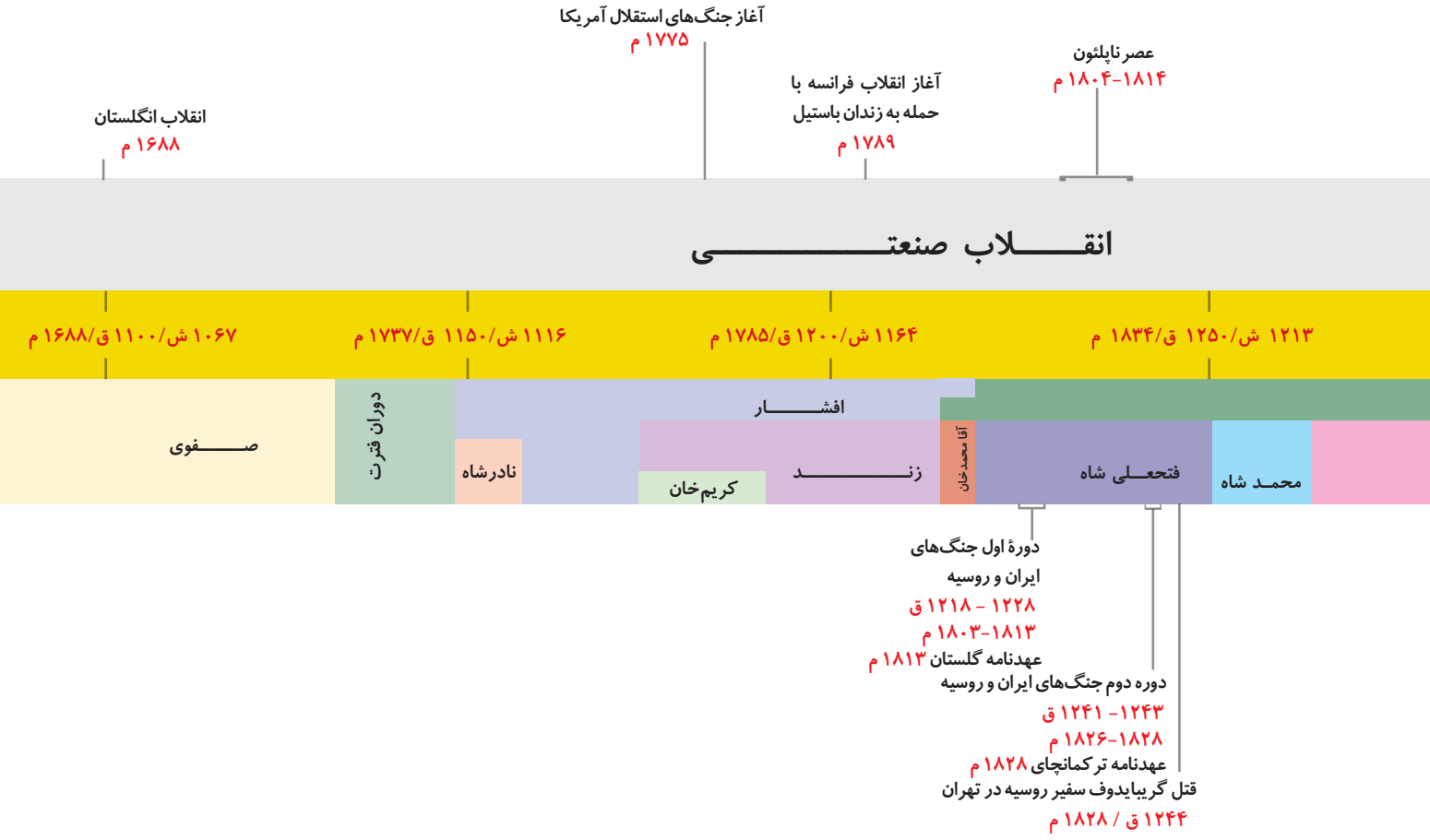
آغاز جنگ‌های استقلال آمریکا
۱۷۷۵ م
عصر ناپلئون
۱۸۰۴-۱۸۱۴ م
آغاز انقلاب فرانسه با
حمله به زندان باستیل
۱۷۸۹ م
انقلاب انگلستان
۱۶۸۸ م
انقلاب صنعتی
۱۰۶۷ ش/۱۱۰۰ ق/۱۶۸۸ م
۱۱۱۶ ش/۱۱۵۰ ق/۱۷۳۷ م
۱۱۶۴ ش/۱۲۰۰ ق/۱۷۸۵ م
۱۲۱۳ ش/۱۲۵۰ ق/۱۸۳۴ م
صفوی
دوران فترت
نادرشاه
افشار
کریم‌خان
زند
آقا محمد خان
فتحعلی شاه
محمد شاه
دورهٔ اول جنگ‌های
ایران و روسیه
۱۲۱۸ - ۱۲۲۸ ق
۱۸۰۳-۱۸۱۳ م
عهدنامه گلستان ۱۸۱۳ م
دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه
۱۲۴۱ - ۱۲۴۳ ق
۱۸۲۶-۱۸۲۸ م
عهدنامه ترکمانچای ۱۸۲۸ م
قتل گریبایدوف سفیر روسیه در تهران
۱۲۴۴ ق / ۱۸۲۸ م

سخنی با دانش‌آموزان عزیز

۱ــ دانش‌آموز گرامی شناخت جهان و کشوری که در آن زندگی می‌کنید به شما کمک خواهد کرد که شرایط و آینده بهتری را برای خود و دیگران رقم بزنید. علم تاریخ یکی از ابزارهای مناسب برای رسیدن به چنین شناختی است که از طریق تجزیه، تحلیل و تفسیر رویدادها و تحولات تاریخی حاصل می‌شود.

۲ــ محتوا و مطالب کتاب تاریخ ۳، اختصاص به دورهٔ معاصر تاریخ ایران و جهان دارد. آثار و پیامد تحولات و نیز شخصیت‌های تاریخی این دوره به مراتب بیش از سایر دوره‌ها بر زندگی فردی و جمعی شما تأثیرگذارند؛ بنابراین، مطالعه و کاوش در تاریخ معاصر از اهمیت و جذابیت خاصی برخوردار است. بسیاری از اتفاقات تاریخ معاصر مانند مواجههٔ سیاسی ــ نظامی و روابط علمی و فرهنگی ایران با کشورهای غربی، انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، موضوعی زنده و مسئلهٔ روز زندگی شماست.

۳ــ منابع و مآخذ مطالعه در تاریخ معاصر به مراتب از سایر دوره‌ها، متنوع‌تر و در دسترس‌پذیرتر است و این امکان برای شما وجود دارد که به راحتی دربارهٔ موضوع مورد علاقهٔ خویش در تاریخ معاصر کاوش کنید.

۴ــ در دورهٔ معاصر پیوندها و ارتباطات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع، ملت‌ها و دولت‌ها به مراتب بیشتر از گذشته است و برای فهم تحولات کشور خود ناگزیر خواهید بود که رویدادهای تاریخ جهان را نیز تا حدودی بشناسید.

۵ــ دانش‌آموز عزیز، هدف درس و کتاب تاریخ، محدود و منحصر به انتقال و به خاطر سپردن برخی اطلاعات مربوط به گذشته نیست، بلکه هدف تقویت علاقه به علم تاریخ، ارتقای مهارت‌های کاوشگری علمی، فراهم آوردن فرصت‌هایی برای مطالعه، بررسی علل، آثار و نتایج برخی رویدادها، ارزیابی نقش و تأثیر شخصیت‌های بزرگ تاریخی و همچنین عبرت‌آموزی و شناخت دشمن است.

۶ــ نقشه‌های تاریخی، نمودارها، جدول‌ها و مطالبی که با عنوان «بررسی شواهد و مدارک» و «بیشتر بدانیم» آمده است، یا با علامت مشخص شده است ارزش و اهمیتی همچون سایر بخش‌های کتاب دارد و نادیده گرفتن آنها، یادگیری مباحث دیگر را با مشکل مواجه می‌سازد. هر چند در آزمون‌های مستمر و پایانی و کنکور، از محفوظات این قسمت‌ها **نباید** پرسشی طرح شود، اما دبیر می‌تواند با ارائهٔ نقشه‌های تاریخی و یا متن شواهد و مدارک در آزمون‌ها، پرسش‌های استنباطی و تحلیلی دربارهٔ آنها طرح نماید.

۷ــ قطعه‌های تصویری، صوتی و ویدئویی مرتبط با موضوعات هر درس تهیه شده است که از طریق اسکن کردن رمزینه‌های سریع پاسخ می‌توانید به آنها دسترسی پیدا کنید. این قطعه‌ها به شما در یادگیری بهتر تاریخ کمک می‌کنند. رمزینه‌های سریع پاسخ را می‌توانید در ابتدای هر درس ببینید.

گروه تاریخ دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

سخنی با دبیران ارجمند

خداوند را سپاس می‌گوییم که توفیق تألیف کتاب تاریخ۳ با عنوان ایران و جهان معاصر، ویژهٔ دانش‌آموزان رشتهٔ ادبیات و علوم انسانی در پایهٔ دوازدهم را به گروه مؤلفان عطا کرد. همچنین از تمامی همکاران بزرگواری که در طرح اعتبارسنجی این کتاب مشارکت کردند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم. پیش از ورود به متن کتاب، توجه دبیران گرامی را به چند نکته جلب می‌نماییم.

۱ــ کتاب تاریخ۳، در چارچوب رویکرد و اهداف اسناد تحولی (سند تحول بنیادین و سند برنامهٔ درسی ملی) و در ادامهٔ کتاب تاریخ۲ طراحی و تألیف شده است. رویکرد برنامه و کتاب درسی تاریخ، تأکید بر توسعهٔ مهارت‌های سواد تاریخی، تحکیم هویت فردی، محلی، ملی و جهانی دانش‌آموزان و کمک به ارتقای تربیت سیاسی و اجتماعی آنان به مثابه شهروندانی خوب است.

۲ــ محتوا و مطالب کتاب تاریخ۳، اختصاص به دورهٔ معاصر تاریخ ایران و جهان دارد. با توجه به تأثیر فزایندهٔ حوادث جهانی بر رویدادها و تحولات ایران در دوران معاصر، مطالب تاریخ جهان و ایران به شکل درهم تنیده و بدون بخش‌بندی تدوین و ساماندهی شده است. این درهم تنیدگی به دانش‌آموزان کمک می‌کند که تأثیر متقابل رویدادهای خارجی و اتفاقات داخلی را راحت‌تر و بهتر درک کنند.

۳ــ در این کتاب نیز همچون کتاب‌های تاریخ۱ و تاریخ۲، تجزیه و تحلیل و فهم زمینه‌ها، علل، آثار و پیامدهای رویدادها و تحولات تاریخی مورد توجه و تأکید است و به هیچ وجه انباشت ذهنی و به خاطر سپردن جزئیات توصیه نمی‌شود. بنابراین، دبیران محترم و به خصوص طراحان آزمون نهایی حتماً در فرایند ارزشیابی مستمر و پایانی به این نکتهٔ مهم و اساسی توجه داشته باشند.

۴ــ رویکرد آموزشی برنامه و کتاب درسی تاریخ ناظر به روش‌های تدریس مشارکتی و تعاملی و تقویت روحیهٔ کنجکاوی و کاوشگری دانش‌آموزان است. به همین منظور فعالیت‌های گوناگونی در لابه‌لای مباحث و مطالب درس‌ها طراحی شده تا آنان را در فرایند یاددهی ــ یادگیری درگیر کند و موقعیت‌هایی برای تفکر و گفت‌وگوی علمی در کلاس فراهم آورد. این فعالیت‌ها را به‌عنوان بخش اصلی فرایند تدریس در نظر بگیرید و انجام آن را به خارج از کلاس موکول نکنید. پیشنهاد می‌شود به‌منظور تشویق دانش‌آموزان برای مشارکت فعال در اجرای فعالیت‌ها، قسمتی از نمرهٔ ارزشیابی مستمر را به انجام این نوع تکالیف اختصاص دهید و در آغاز سال تحصیلی به اطلاع آنان برسانید.

۵ــ از نمودار خط زمان و نقشه‌های تاریخی که ابزاری سودمند در آموزش تاریخ محسوب می‌شوند و تأثیر بسزایی در یادگیری درس تاریخ دارند، استفاده کنید. البته مطلقاً دانش‌آموزان را تشویق و یا وادار به حفظ کردن محتوای نقشه و نمودار ننمایید.

۶ــ موزه‌ها و آرشیوهای اسناد محیطی برای آموزش تاریخ معاصر بسیار مناسب و مؤثر هستند؛ بازدید فراگیران از آنها، موقعیت‌های یادگیری مطلوبی ایجاد خواهد کرد.

۷ــ با توجه به اینکه شاهدان و دست‌اندرکاران برخی از رویدادهای تاریخ معاصر ایران مانند نهضت ملی شدن نفت، کودتای ۲۸ مرداد، قیام ۱۵ خرداد، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و... در قید حیات و در دسترس هستند، می‌توانید از ظرفیت‌های تاریخ شفاهی به منظور تقویت مهارت‌های سواد تاریخی و توسعهٔ فرایند کاوشگری دانش‌آموزان بهره‌گیری نمایید.

۸ــ همکاران ارجمند، بار دیگر تأکید می‌کنیم که هدف برنامهٔ درسی تاریخ این نیست که دانش‌آموزان فقط مجموعه‌ای از گزاره‌های علمی را که در کتاب درسی قید شده است، به شکلی مستقل و مجزا از هم به ذهن بسپارند، بلکه مقصود آن است که فراگیران به تناسب ظرفیت‌های فردی خویش با مطالعهٔ کتاب درسی، جست‌وجو، بررسی شواهد و مدارک، همفکری و کار گروهی، علل و نتایج برخی رویدادهای مهم تاریخی و فراز و فرود سلسله‌های حکومتی و تمدن‌ها را تحلیل و درک کنند.

۹ــ همکار گرامی، رمزینه‌های سریع پاسخ به‌عنوان ابزاری برای دسترسی سریع به اطلاعات آموزشی می‌باشد. با هدایت دانش‌آموزان و پویش رمزینه‌های هر درس، دانش‌آموزان را برای استفاده از محتوای آن یاری نمایید. ارائه و نمایش این قطعه‌ها را بخشی از فرایند تدریس به حساب آورید و تمام کوشش خود را برای بهره‌مندی دانش‌آموزان از این رسانه در برنامه تدریس تاریخ به‌کار گیرید. با توجه به علاقه دانش‌آموزان به فناوری‌ها و رسانه‌های رقومی (دیجیتالی) آنان را تشویق و راهنمایی کنید که بخشی از فعالیت‌های کاوش و جست‌وجوی خود را از طریق فناوری‌ها و رسانه‌ها ارائه دهند.

گروه تاریخ دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

نظرسنجی کتاب درسی

تاریخ ۳

ایران و جهان معاصر

در این کتاب، شکل‌گیری حکومت قاجار و مواجهۀ سیاسی، نظامی، فکری و فرهنگی ایران با تمدن جدید غرب به‌عنوان سرآغاز تاریخ معاصر، غالباً بر اساس دیدگاه مشهور مورخان درنظر گرفته شده است.

درس ۱

تاریخ نگاری و منابع دورهٔ معاصر

شناخت تحولات تاریخ‌نگاری و منابع پژوهش تاریخی دورهٔ معاصر یکی از محورهای اساسی و مهم در بررسی‌های تاریخی این دوره محسوب می‌شود. آشنایی با دیدگاه‌های مختلف تاریخ‌نگاری در ایران، به شما در درک روش و بینش مورخان این دوره کمک می‌کند. در این درس تحولات تاریخ‌نگاری و گونه‌های منابع تاریخی دورهٔ معاصر را بررسی خواهید کرد.

تحولات تاریخ‌نگاری دورهٔ معاصر

۱ــ تاریخ‌نگاری سنتی و میراث تاریخی

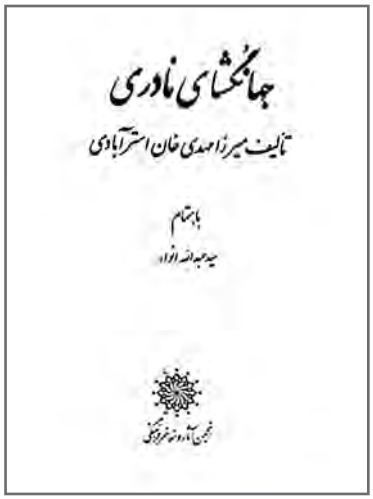

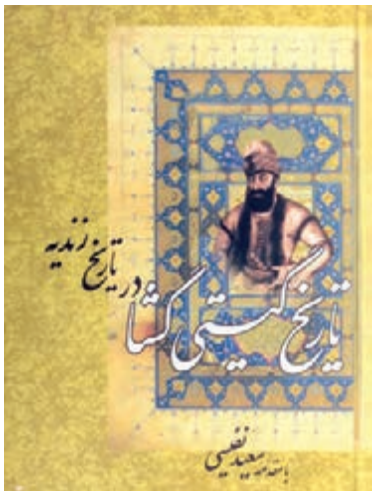

صدها سال ثبت و ضبط وقایع از سوی مورخان مسلمان که تعداد قابل توجهی از آنان ایرانی هستند، میراثی غنی و منبع مهمی برای فهم و تفسیر بسیاری از رخدادهای مهم تاریخی برای ما فراهم آورده است.

با این وجود، عده‌ای از تاریخ‌نگاران سنّتی، بیشتر به ثبت وقایع شاهان و امور آنها همت داشتند. آنها آثار خود را غالباً با خصوصیات ادبی تألیف می‌کردند و در این میان گاه با زبان تملّق و مدح شاهان سخن گفته و بیش از آنکه مورخ حقیقت باشند، کاتب دربار بودند. سبک نگارش نیز در بسیاری موارد، سخت است و تحلیل و تفسیر، کمتر در این آثار به چشم می‌خورد.[۱]

اگرچه تعداد زیادی از منابع در دسترس در تاریخ، بیشتر بر تاریخ شاهان و جنگ‌های آنها تأکید دارد، امّا با احیای میراث غنی و گنجینه‌هایی که شامل گستره‌ای فراتر از تاریخ‌نگاری صرف هستند (مانند تحقیقات رجالی، کتاب‌شناسی‌ها، زندگی‌نامه‌های عالمان، بزرگان و...)، می‌توان به مکتوبات ارزشمندی دربارهٔ زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گذشتگان و همچنین منابعی جدی برای سنجش و نقد وقایع گذشته دست یافت.

تا امروز تلاش‌های زیادی برای احیای میراث مکتوب صورت گرفته است، امّا اهتمام و حمایت از این اقدام، به‌اندازهٔ کافی وجود نداشته است؛ میراثی که بخش زیادی از آن نیاز به تصحیح، ترجمه و چاپ دارد و به‌دلیل غفلت در برهه‌هایی از تاریخ، بسیاری از نسخه‌ها از دست رفته است.

۱ــ میرزا مهدی‌خان استرآبادی، مورخ دربار نادرشاه افشار، در کتاب‌های ***جهانگشای نادری*** و ***دُرّهٔ نادره*** فتوحات نادر را شرح می‌دهد و وی را ستایش می‌کند. میرزا محمد صادق موسوی، نویسندهٔ ***تاریخ گیتی‌گشا*** نیز، تاریخ زندیه را با اسلوبی مصنوع و دشوار همراه با تملق‌گویی از فرمانروایان زند نوشته است.

فعّالیت ۱

بحث و گفت‌وگو

به چند گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود دربارهٔ نقاط قوت و ضعف میراث تاریخ‌نگاری ما، بحث و گفت‌وگو نمایید.

۲ـ تاریخ نگاری جدید

در دورهٔ معاصر تاریخ‌نگاری جدید به‌تدریج در ایران رواج یافت که از نظر بینش و روش با تاریخ‌نویسی سنتی متفاوت بود.

الف) زمینه‌های پیدایش : در دوران پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار، جنگ‌های ایران و روسیه توجه زمامداران و نخبگان ایران را به دنیای غرب جلب کرد. آنان با مقایسهٔ وضعیت ایران و غرب، در جست‌وجوی درک علل پیشرفت جوامع غربی و عقب‌ماندگی جامعهٔ ایران برآمدند. در نتیجهٔ چنین کنجکاوی‌هایی بود که ذیل برنامه‌های اصلاحی عباس‌میرزا (ولیعهد فتحعلی‌شاه) ترجمهٔ آثار اروپایی به تدریج آغاز شد و سپس در زمان ناصرالدین‌شاه با تأسیس مدرسهٔ دارالفنون و ایجاد دارُالطِباعهٔ[1] دولتی و دارالترجمهٔ همایونی گسترش یافت. محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، از مورخان مشهور عصر قاجار، یکی از چهره‌های برجستهٔ فرهنگی این دوره بود که به ریاست دارالترجمهٔ همایونی برگزیده شد. در دورهٔ ریاست او آثار فراوانی به فارسی ترجمه شد. نوشته‌های تاریخی بخش قابل توجهی از نخستین آثار ترجمه شده از زبان‌های اروپایی به زبان فارسی را تشکیل می‌دادند و ترجمهٔ آنها تأثیر بسزایی در آشنایی نویسندگان و مورخان ایرانی با بینش و روش مورخان اروپایی داشت.

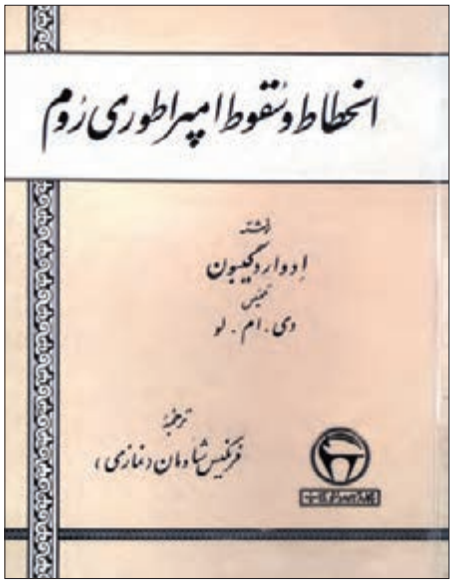

۱ـ چاپخانه، مرکز چاپ و نشر کتاب و روزنامه

بیشتر بدانیم

ترجمهٔ آثار فلسفی

علاوه بر ترجمهٔ نوشته‌های تاریخی، ترجمهٔ آثار فلسفی نیز تأثیر چشمگیری بر بینش و روش نویسندگان و مورخان ایرانی در عصر قاجار و پس از آن گذاشت. یکی از این آثار که از فرانسه به ایران ارسال و پس از چندی ترجمه شد، کتاب **گفتار در روش به‌کار بردن عقل** اثر معروف رنه‌دکارت[1] بود. دکارت که از پیش‌گامان تفکر فلسفی و علمی جدید در جهان غرب محسوب می‌شود، بسیاری از اندیشه‌های پیشینیان خود را نقد کرده بود. این کتاب دکارت در ۱۲۷۹ ق در دورهٔ ناصرالدین شاه به نام **حکمت ناصریه** یا کتاب دیاکرت به فارسی ترجمه شد. در این دوره، نوشته‌هایی از ولتر[2] و مونتسکیو[3] (دو فیلسوف و مورخ فرانسوی قرن ۱۸م) به فارسی ترجمه شد.

۱ـ Descartes ۲ـ Wolter (Voltaire) ۳ـ Monteskio (Montesqieu)

با گسترش فعالیت علمی شرق شناسان، کتیبه‌های بیستون و طاق‌بستان رمزگشایی شد و اطلاعات جدیدی دربارهٔ تاریخ ایران به‌دست آمد. گسترش کشفیات باستان‌شناسی در ایران، منابع نوینی را پیش روی مورخان قرارداد و زمینهٔ تحولی عمیق و اساسی را در تاریخ‌نگاری فراهم آورد[1].

سر هنری راولینسون، افسر و دیپلمات انگلیسی در عصر قاجار، نخستین شرق‌شناسی بود که با مطالعهٔ کتیبهٔ بیستون موفق به خواندن خط میخی شد.

کتیبهٔ بیستون

۱ـ فعّالیت‌های باستان‌شناسان و شرق‌شناسان، در برخی موارد از اعتبار و صحت کافی برخوردار نبود و از سوی دیگر، زمینه غارت آثار باستانی و استعمار ملّت‌ها را فراهم ساخت.

ب) انتقاد به تاریخ‌نویسی سنتی : در عصر قاجار برخی از تاریخ‌نگاران سنتی، در عین پایبندی به ساختار کلی تاریخ‌نویسی سنتی، بعضی از ویژگی‌های این نوع از تاریخ‌نگاری را نقد کردند. یکی از پیشگامان انتقاد به تملق و متکلّف‌نویسی، خاوری شیرازی مورخ مشهور زمان فتحعلی‌شاه و نویسندهٔ **تاریخ ذوالقَرنین** است. او به حقیقت‌نویسی و مختصرنویسی علاقه نشان داد و تملق‌گویی را نکوهش کرد؛ چنان‌که در این‌باره نوشته است : «تاریخ‌نگار را هم لازم است که راست‌گفتاری پیشه کند ... فرشته را دیو نخواند و دیو را فرشته نداند...».[1] البته او خود همه‌جا پایبند به این نظر نبوده است.

میرزا محمد جعفر خورموجی، از مورخان عصر ناصری و مؤلف کتاب **حقایق‌الاخبار ناصری** که از منتقدان تملق‌گویی بوده، نخستین کسی است که واقعیت قتل امیرکبیر را بازتاب داده است. محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه نیز اگرچه تاریخ‌نویسی درباری بود، گام‌های بلندی در حوزهٔ تاریخ‌نویسی عصر قاجار برداشت و سعی کرد آثار خود را تا حدودی از پرده‌پوشی‌ها و مداحی‌های رایج مورخان رسمی دور سازد. او در یکی از آثارش به نام **صدرالتواریخ**، امیر کبیر را ستایش می‌کند.

فعّالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک

متن‌های زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید.

متن ۱ـ «در عهد امیر چنان نظمی به‌کار بود که گرگان را از گوسفندان هراس بود و جمیع رعایا به بودن امیر راضی بودند، ولی اعیان مملکت چون مجال تعدّی و خودسری نداشتند، به عزل او کوشش نمودند و به مقصد رسیدند و آخر همه پشیمان شده قدر و رتبهٔ امیر را شناختند، که بقا و دوام او باعث نظام ملک و ملت بود» (اعتمادالسلطنه، **صدرالتواریخ**، ص ۲۳۰).

متن ۲ـ «پس از یک اربعین برحسب صوابدید امنا و امرا، فنایش بر بقا مرجح گردید. حاجی علیخان فراشباشی به کاشان شتافت. روز هجدهم ربیع‌الاول درگرمابه بدون ظهور عجز و لابه، ایادی‌ای[1] که مدتی متمادی از یمین و یسار[2] اعادی و اشرار[3] را مقهور و خوار می داشت، فَصّادِ[4] دژخیم نهاد ... به دیار عدمش روان ساخت» (خورموجی، **حقایق‌الاخبار ناصری**، ص ۳۲۷).

۱ـ مطابق متن یک، چه کسانی از امیرکبیر راضی و خشنود بودند و چه کسانی دشمن او محسوب می شدند؟ چرا؟

۲ـ از متن دوم، کدام ویژگی‌های امیرکبیر را می‌توان استخراج کرد و دربارهٔ چگونگی مرگ وی چه حقیقتی را می‌توان دریافت؟ بحث و استدلال کنید.

۳ـ به کمک دبیر خود بررسی کنید که آیا خورموجی بعد از فاش کردن این حقیقت با مشکلی روبه‌رو شده است یا نه.

۱ـ دست‌هایی ۲ـ راست و چپ ۳ـ دشمنان و آدم‌های بد ۴ـ رگ زن

میرزا فتحعلی‌خان آخوندزاده (۱۲۲۸ـ ۱۲۹۵ق)، یکی از متفکران دورهٔ قاجار، با اینکه مورخ نبود، تاریخ‌نویسی سنتی را به شیوهٔ علمی نقد کرد. وی در رسالهٔ ایراد، شیوهٔ تاریخ‌نویسی رضا قلی‌خان هدایت را به دلیل استفادهٔ او از شعر در بیان رویدادها و به‌کاربردن الفاظ مصنوع ادبی مورد انتقاد قرار داد.

۱ـ خاوری شیرازی، **تاریخ ذوالقرنین**، ج۱، ص ۷

ج) تغییر در روش تاریخ‌نگاری : در دورهٔ معاصر به‌تدریج شرایط و بستر مناسبی برای ظهور تاریخ‌نگاری جدید در ایران فراهم آمد. در تاریخ‌نگاری جدید، روش و شیوهٔ کار تاریخ‌نویسان و پژوهشگران بر اصول زیر استوار است :

۱ــ ارزیابی رویدادهای تاریخی با استفاده از روش تحقیق علمی

۲ــ بهره‌برداری از منابع و اسناد و مدارک معتبر و گزینش و نقد آنها

۳ــ استفاده از زبان ساده و به دور از تکلّف برای بیان یافته‌های علمی

۴ــ استفاده از نتایج تحقیقات علومی چون باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، جغرافیا، جامعه‌شناسی و اسطوره‌شناسی در مطالعه تاریخ

عواملی که در گسترش و ارتقای روش تاریخ‌نگاری جدید مؤثر بود عبارت‌اند از :

- گسترش مدارس جدید
- تأسیس دانشگاه و رواج آموزش تاریخ به‌عنوان یک رشته علمی
- ایجاد مراکز تحقیقاتی و نشریات تخصصی در حوزهٔ مطالعات تاریخی
- تألیف، ترجمه و نشر کتاب‌ها و مقاله‌های علمی فراوان

د) بینش تاریخ‌نگاری جدید : اساس کار تاریخ‌نگاری سنتی، غالباً بررسی زندگی پادشاهان و شرح فتوحات آنان بود اما در تاریخ‌نویسی جدید، به برخی جنبه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حیات انسانی بیشتر توجه می‌شود. انقلاب مشروطه تأثیر عمیقی بر دگرگونی بینش مورخان ایرانی داشت و توجه آنان را به ابعاد گوناگون رویدادهای تاریخی و به‌ویژه نقش مردم جلب کرد. این بینش در کتاب ***تاریخ بیداری ایرانیان*** نوشتهٔ میرزا محمد ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۲۸۰ـ۱۳۳۷ق) پدیدار شده است. نویسندهٔ این کتاب ضمن توجه به مردم، نقش طبقات اجتماعی مختلف را در انقلاب مشروطیت نشان داده است.

علاوه بر انقلاب مشروطه، رویدادهای مهم دیگری همچون نفوذ و دخالت کشورهای استعمارگر، جنگ‌های جهانی اول و دوم و اشغال ایران، جنبش ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی تأثیر عمیقی در بینش مورخان ایرانی گذاشتند و توجه آنان را به دیدگاه‌ها و جنبه‌های گوناگون علل و نتایج این وقایع جلب کردند.

در جدول صفحهٔ بعد، اسامی برخی از نمایندگان تاریخ‌نگاری معاصر ایران ذکر شده است. برخی از این افراد، دارای گرایش‌هایی مغایر با فرهنگ ایرانی ــ اسلامی بودند که در آثار آنها، منعکس شده است. بعد از انقلاب اسلامی ایران نیز محقّقانی با نگاه انتقادی در مواجهه با تاریخ‌نگاری رسمی، آثار مهمّی در این زمینه نگاشته‌اند.

میرزا حسن پیرنیا (مشیرالدوله)

عباس اقبال آشتیانی

محمد ابراهیم باستانی پاریزی

برخی از نمایندگان تاریخ‌نگاری معاصر ایران

مورخ / پژوهشگر	اثر و تألیف
حسن پیرنیا (مشیرالدوله) (۱۲۵۱ـ۱۳۱۴ش. تهران)	سیاستمدار و تاریخ‌نگار؛ مؤلف ***تاریخ ایران باستان*** در سه جلد
احمد کسروی (۱۲۶۹. تبریز ـ۱۳۲۴ش. تهران)	تاریخ‌نگار، زبان‌شناس و حقوق‌دان؛ نویسندهٔ ***تاریخ مشروطهٔ ایران***، ***تاریخ هیجده سالهٔ آذربایجان***، ***تاریخ پانصد سالهٔ خوزستان***
محمد قزوینی (علامه قزوینی) (۱۲۵۶. تهران ـ۱۳۲۸ش. تهران)	ادیب، مصحح و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ایران؛ از جمله آثار مهم وی تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی و مجموعه مقالات و یادداشت‌های تاریخی در چندین جلد است.
غلامرضا رشیدیاسمی (۱۲۷۵. دالاهو کرمانشاه ـ۱۳۳۰ش. تهران)	مؤلف، مصحح و مترجم آثاری در موضوع تاریخ و ادبیات؛ نویسندهٔ ***تاریخ ملل و نحل*** و ***تاریخ مختصر ایران***، مترجم چندین اثر مهم تاریخی مانند ***ایران در زمان ساسانیان*** اثر کریستن‌سن و ***تاریخ قرن هیجدهم***، ***انقلاب کبیر فرانسه*** و ***امپراتوری ناپلئون*** نوشتهٔ آلبر ماله و ژول ایزاک
عباس اقبال آشتیانی (۱۲۷۵. آشتیان ـ ۱۳۳۴ش. رم)	مورخ، ادیب، استاد دانشگاه و نویسندهٔ آثاری مانند ***تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه***، ***تاریخ مغول***، ***خاندان نوبختی*** و دیگر آثار تاریخی به‌صورت تألیف، ترجمه و تصحیح متون؛ مؤلف کتاب‌های درسی تاریخ در دوران پهلوی
سعید نفیسی (۱۲۷۴ش. تهران ـ۱۳۴۵ش. تهران)	ادیب، تاریخ‌نگار، مترجم و شاعر، استاد دانشگاه؛ مؤلف ***تاریخ تمدن ساسانی***، ***تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دورهٔ معاصر*** و ده‌ها اثر دیگر در موضوع تاریخ و ادبیات
نصرالله فلسفی (۱۲۸۰. تهران ـ۱۳۶۰ش. تهران)	مورخ، ادیب و مترجم و نویسندهٔ آثاری چون تألیف ***زندگانی شاه عباس اول*** در پنج جلد و آثار متعدد دیگر در تاریخ ایران و جهان؛ مؤلف کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیا در دوران پهلوی
عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۰۱ش. بروجرد ـ۱۳۷۸ش. تهران)	ادیب، تاریخ‌نگار، مترجم و استاد دانشگاه؛ نویسنده و مترجم آثار متعدد در تاریخ و ادبیات از جمله ***تاریخ مردم ایران***، ***روزگاران***، ***دو قرن سکوت***، ***بامداد اسلام***، ***کارنامهٔ اسلام***، و ***تاریخ در ترازو***
فریدون آدمیت (۱۲۹۹ش. تهران ـ۱۳۸۷ش. تهران)	تاریخ‌نگار؛ مؤلف آثار تاریخی متعدد که از جملهٔ آنهاست: ***امیرکبیر و ایران***، ***اندیشه‌های طالبوف***، ***اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده***، ***اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی و ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران***
محمد ابراهیم باستانی پاریزی (۱۳۰۴ش. پاریز سیرجان ـ۱۳۹۳ش. تهران)	تاریخ‌نگار، استاد دانشگاه؛ مؤلف و مصحح ده‌ها اثر تاریخی و ادبی، از جمله ***تاریخ کرمان***، ***فرماندهان کرمان***، ***سیاست و اقتصاد عصر صفوی***، ***یعقوب لیث*** و . . .

گونه‌های منابع تاریخی در دورهٔ معاصر

منابع پژوهش دورهٔ معاصر تاریخ ایران نسبت به دوران پیش از آن، کثرت و تنوع فراوانی دارند. عمده‌ترین منابع مهم این دوره شامل انواع **کتاب‌ها** (تاریخی، ادبی، خاطرات، سفرنامه‌ها، زندگی‌نامه‌ها (تَراجِم[1]) و ...)؛ **نشریات** (روزنامه‌ها و مجلات)؛ **اسناد** و منابع آرشیوی، بناها، وسایل و ابزارهاست.

۱ـ تراجم جمع ترجمه به معنی شرح حال و زندگی‌نامه

فعّالیت ۳

به چند گروه تقسیم شوید و با همفکری، سه دلیل برای فراوانی و تنوع زیاد منابع مکتوب در تاریخ معاصر ایران بنویسید.

الف) کتاب‌ها

۱ــ تاریخی؛ در دورهٔ معاصر و به‌ویژه عصر قاجار، مورخان ایرانی با دو رویکرد سنتی و جدید کتاب‌های متعددی در موضوع تاریخ نوشته‌اند که پیش از این با برخی از آنها آشنا شدید. علاوه بر این، در دورهٔ قاجار چند تن از اروپاییان که اغلب مدتی را در ایران به سر برده بودند، کتاب‌هایی دربارهٔ تاریخ ایران نوشتند که جزء منابع آن دوره به شمار می‌روند.

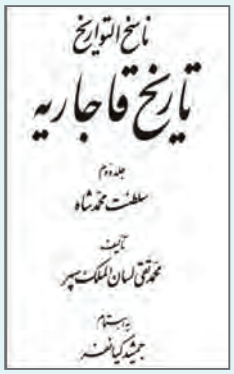

برخی از کتاب‌های تاریخی در دورهٔ قاجار

عنوان کتاب	مؤلف
تاریخ محمدی	محمد تقی ساروی
مآثرالسلطانیه	عبدالرزاق بیگ دنبلی خویی
تاریخ نو	جهانگیر میرزا
اکسیرالتواریخ	علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه
تاریخ جهان‌آرا	میرزا صادق وقایع‌نگار
ناسخ‌التواریخ	میرزا محمدتقی سپهر (لسان‌الملک)
روضة الصفای ناصری	رضاقلی هدایت
تاریخ تبریز	نادر میرزا
تاریخ منتظم ناصری	محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه
صدرالتواریخ	محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه
افضل‌التواریخ	غلامحسین افضل‌الملک
تاریخ دخانیه	شیخ حسن اصفهانی (کربلایی)

۲ــ خاطرات؛ در دورهٔ معاصر عدهٔ زیادی از شخصیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی و یا مردم عادی اقدام به نگارش خاطرات خویش کردند. این آثار حاوی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شرح حال رجال این دوره‌اند که به ندرت در سایر منابع یافت می‌شود.

تعدادی از خاطرات متعلق به دورهٔ معاصر را در جدول زیر ملاحظه می‌کنید.

عصر قاجار	دورهٔ پهلوی	دورهٔ جمهوری اسلامی
روزنامهٔ خاطرات ناصرالدین‌شاه	خاطرات سلیمان بهبودی، رئیس دفتر رضاشاه پهلوی	خاطرات آیت‌اللّٰه اکبر هاشمی رفسنجانی سیاستمدار برجسته جمهوری اسلامی ایران
روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه	خاطرات محمدعلی فروغی، سیاستمدار دوران قاجار و پهلوی	نورالدین پسر ایران، خاطرات سید نورالدین عافی، رزمندهٔ دوران دفاع مقدس
خاطرات سیاسی میرزا علی‌خان امین‌الدوله	خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق	من زنده‌ام، خاطرات دوران اسارت معصومه آباد، آزادهٔ دوران دفاع مقدس
خاطرات تاج‌السلطنه (دختر ناصرالدین‌شاه)	خاطرات محمدعلی مجتهدی، مؤسس دانشگاه صنعتی شریف و رئیس مدرسهٔ البرز	خاطرات آیت‌اللّٰه محمدرضا مهدوی‌کنی، شخصیت مذهبی و سیاسی برجستهٔ دوران جمهوری اسلامی ایران
شرح زندگانی من (خاطرات عبداللّٰه مستوفی از خاندان مستوفیان قاجار)	یادداشت‌های عَلَم، نخست‌وزیر و وزیر دربار محمدرضاشاه پهلوی	به اوجاقت قسم، خاطرات آموزشی محمد بهمن‌بیگی

کاوش خارج از کلاس

با مراجعه به کتابخانه، یکی از کتاب‌های خاطرات مربوط به دورهٔ معاصر را انتخاب کنید؛ چند سطر از آن را که به نظرتان جالب و مهم است، یادداشت کنید و به کلاس گزارش دهید.

۳ــ سفرنامه‌ها؛ در عصر قاجار، سفرنامه‌نویسی گسترش فراوانی یافت و تعداد قابل ملاحظه‌ای از شخصیت‌های این عصر، دیده‌ها و شنیده‌های خویش را از سفرهای داخلی و خارجی‌شان به رشتهٔ تحریر درآوردند. از ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه سفرنامه‌های متعددی به جا مانده است. برخی از مقام‌ها و رجال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دورهٔ قاجار نیز سفرنامه‌های جالبی نوشته‌اند. علاوه بر آنها، عده‌ای از سفرا، مأموران، بازرگانان و جهانگردان خارجی هم خاطرات سفر خود به ایران را در قالب سفرنامه نوشته و منتشر کرده‌اند. سفرنامه‌ها از نظر مطالعهٔ تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند و حاوی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ موضوع‌های اقتصادی مانند مالیات، گمرک، راه‌ها، مسائل اجتماعی از قبیل آداب و رسوم، پوشاک و تغذیه و مباحث فرهنگی، دینی، هنری و معماری هستند.

فعّالیت ۴

بررسی شواهد و مدارک

متن‌های زیر از سفرنامهٔ اوژن اوبن[1]، سفیر فرانسه، و بنجامین[2]، نخستین سفیر آمریکا در ایران عصر قاجار را بخوانید و بگویید: محتوای هر متن در چه حوزه‌ای از مطالعات تاریخی کاربرد دارد و از چه جهاتی حائز اهمیت است؟

متن ۱ـ «در شیوهٔ نفوذی انگلیسی‌ها، تلگراف همان نقش را دارد که راه‌ها در شیوهٔ نفوذی روس‌ها دارند. اگر عملکرد سیم‌ها و دستگاه‌های مخابراتی ضعیف باشد، معنایش این است که باید حوزهٔ عملیات انگلیسی را گسترش بیشتری داد. در برابر ایلغار[3] روسی،که گام به گام و حساب شده و یک‌دست در شمال ایران و اخیراً در حوالی جنوب هم آثار نفوذ و رسوخ تدریجی‌شان مشهود است. انگلیسی‌ها هم در هر شهری با تشکیلات کم و بیش مشابه هم، مانند استقرار بانک شاهنشاهی، ایجاد تلگراف، تأسیس نمایندگی‌های تجارت‌خانه‌های بزرگ که حمل و نقل ایران را در اختیار خود دارند، اعزام هیئت‌های مذهبی پروتستان و ... در همه جا حاضر و ناظرند» (اوبن، ایران امروز،۱۹۰۶ـ۱۹۰۷، ص ۲۸۰).

متن ۲ـ «یکی از هنرهای شکوفای ایران که به هیچ وجه از رکود در آن اثری نیست هنر معماری است. ایران در دوران گذشته در رشتهٔ معماری شهرت زیادی در دنیا داشته و آثار مهم و فناناپذیری خلق کرده است و اکنون هم در این رشته قدرت و نبوغ خود را حفظ کرده است.یکی از خصوصیات مهم و جالب توجه هنر معماری ایران، چه در گذشته و چه در زمان حال، تطابق کامل با شرایط موجود است. در جنوب ایران که سنگ‌های زینتی و خوب از جمله مرمر زیاد است، از آنها در ساختمان‌ها استفاده می‌کنند. در شهرستان‌های ساحلی دریای خزر که چوب فراوان است، از چوب به عنوان مادهٔ اولیه در ساختمان‌ها استفاده می‌شود... معماران ایران شرایط آب و هوا را در فرم و شکل پنجره‌های ساختمان رعایت می‌کنند؛ مثلاً در تهران و مناطق دیگر گرمسیری پنجره‌ها را طوری می‌سازند که وقتی آنها را باز کنند یک طرف اتاق به هوای آزاد و حیاط راه پیدا کند، و بدین ترتیب هوا به آسانی جریان یابد و خنک شود» (بنجامین، ایران و ایرانیان، ص ۲۷۳).

۱ـ Eugene Aubin ۲ـ Benjamin ۳ـ تهاجم و غارت

کاوش خارج از کلاس

با مراجعه به کتابخانه، سفرنامه‌های مربوط به دورهٔ معاصر آن را فهرست کنید.

بیشتر بدانیم

سفرنامهٔ خراسان ناصرالدین‌شاه (توصیف ناصرالدین شاه از ارگ و مردم سمنان)

«خودمان سواره آمده داخل دروازهٔ ارگ [سمنان] شدیم...این ارگ و عمارت را حاجی بهاءالدوله پسر... فتحعلی‌شاه ... در زمانی که در اینجا حکومت داشته ساخته است. ارگ را تماشا کرده داخل عمارت شدیم، بنیان عمارت محکم اما ظاهر آن قدری محتاج به تعمیر است.

...سپس برای مسجد راندیم. از کوچهٔ مستقیم و خوبی عبور شد که نهر آب خوبی از میان آن جاری است و اصناف مختلف از

همه صنف طرفین خیابان دکان دارند. جمعیت زیادی از زن‌ها بالای بام‌ها بودند. شهر سمنان پاکیزه است. رعایا و مردم اینجا بسیار مردم نجیب، بی‌صدای شاکر، کم حرف به قاعده هستند. همین‌طور می‌راندیم رسیدیم به مسجد شاه. پیاده شده داخل مسجد شدیم... این مسجد بسیار با روح و باصفا و از بناهای ... دورهٔ فتحعلی‌شاه است» (ناصرالدین‌شاه، **سفرنامهٔ خراسان**، صص ۲۶۶ـ۲۶۹).

دروازهٔ ارگ سمنان ــ دورهٔ قاجار

سفرنامهٔ دوم مظفرالدین‌شاه به فرنگ

«امروز بناست برویم به رامبوی[1]؛ نهار را مهمان جناب موسیو لوبه[2] رئیس جمهوری فرانسه هستیم. صبح برخاستیم، چایی خوردیم، رخت‌هامان را پوشیدیم، دعاهامان را خواندیم. آمدیم پایین، جناب اشرف اتابک اعظم و... با ما بودند. ترن حاضر بود. سوار شدیم از پهلوی شهر ورْسایل[3] گذشتیم ... راه آهن خیلی تند می‌رفت. ساعتی چهارده پانزده فرسخ می‌رفت. رفتیم تا رسیدیم به گار. موسیو دلکاسه، وزیر امور خارجهٔ فرانسه، هم حاضر بودند. رفتیم به رامبوی، جناب موسیو لوبه و بعضی از جنرال‌های فرانسه بودند، دست دادیم و احوالپرسی کردیم. با کمال گرمی و مهربانی ما را پذیرایی کردند. نهار [ناهار]خوردیم. بعد قدری در پارک گردش کردیم ... شام در منزل خوردیم. ساعت هشت و نیم به تئاتر رفتیم. بازی‌های غریب کردند» (**سفرنامهٔ دوم مظفرالدین‌شاه به فرنگ**، ص ۱۶۲).

۱ــ Rambouile، روستایی در جنوب غربی ایالت ورسای فرانسه

۲ــ موسیو امیل فرانسوا لوبه، هشتمین رئیس جمهور فرانسه (۱۸۹۹ـ۱۹۰۶م)

۳ــ شهری در شمال فرانسه و در جنوب غربی پاریس که کاخ مشهور ورسای در آن قرار دارد.

علاوه بر کتاب‌های قبل، آثار ادبی، زندگی‌نامه‌ها، کتاب های جغرافیایی و متون کلامی، فقهی، فلسفی و حقوقی مربوط به دوران معاصر نیز حاوی اخبار و اطلاعات سودمندی برای پژوهش‌های تاریخی هستند.

برخی از آثار ادبی عصر قاجار

شعر	دیوان ملک‌الشعرا فتحعلی‌خان صبا؛ گلشن صبا؛ مثنوی شاهنشاه‌نامهٔ صبا؛ دیوان وصال شیرازی؛ دیوان قاآنی؛ باغ بهشت، دیوان اشعار طنز سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)، شاعر آزادی‌خواه عصر مشروطه؛ دیوان اشعار میرزادهٔ عشقی، شاعر عصر مشروطه؛ مجموعهٔ اشعار عارف قزوینی، شاعر مشروطه‌خواه.
منشآت	مجموعهٔ **رسائل** و **منشآت میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی** که حاوی چند رساله، نامه‌های دوستانه، عهدنامه‌ها و وقف نامه‌هاست؛ منشآت امیرنظام گروسی مشتمل بر نامه‌های دوستانه و رسمی.
داستان و رمان	**کتاب احمد** یا **سفینهٔ طالبی** نوشتهٔ **عبدالرحیم طالبوف**، مشتمل بر داستان گفت‌وگوی پدری با فرزند خیالی خود. نویسنده ضمن شرح اختراعات و اکتشافات جدید، در هر فرصتی از پیشرفت اروپاییان و پس ماندن ایرانیان سخن به میان می‌آورد و به پسر خردسال خود، احمد درس اخلاق و میهن‌پرستی می‌آموزد و از رسوم و عادات ناپسند و خرافات و اوهام انتقاد می‌کند. **سیاحت نامهٔ حاج زین‌العابدین مراغه‌ای**، سفرنامه‌ای خیالی یا نخستین رمان اصیل اجتماعی به زبان فارسی است. در این اثر، نویسنده ضمن توصیف زندگانی مردم ایران، جنبه‌هایی از آن را مورد نقد قرار می‌دهد. این اثر در آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم ایران و جنبش آنان علیه نظام استبدادی و برقراری مشروطه تأثیر بسزایی داشت (آرین‌پور، از **صبا تا نیما**، ج ۱،صص ۲۹۳ـ۳۱۰).

ب) نشریات

نشریه (روزنامه) به عنوان رسانهٔ گروهی، یکی از ابداعات تأثیرگذار تمدن جدید غربی بود که در دورهٔ قاجار به ایران راه یافت. نشریات از طریق آگاهی‌بخشی عمومی، تأثیرات فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیادی بر جامعهٔ ایرانی گذاشتند. اولین روزنامهٔ ایران را میرزا صالح شیرازی، یکی از دانشجویان اعزامی به انگلستان با عنوان **کاغذ اخبار**[1] در تهران منتشر کرد (۱۲۵۳ق). چند سال بعد، امیرکبیر برای رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مردم و توسعهٔ فکری و فرهنگی جامعه، روزنامهٔ **وقایع اتفاقیه** را منتشر کرد که بعداً به روزنامهٔ **دولت عِلّیهٔ ایران** تغییر نام داد.

پس از آن، روزنامه‌های دولتی و غیردولتی دیگری در ایران انتشار یافت. به دلیل ماهیت استبدادی حکومت قاجار و نبود آزادی بیان، برخی از روزنامه‌نگاران در خارج از کشور اقدام به نشر روزنامه‌هایی به زبان فارسی کردند[2] که نسخه‌هایی از آنها به صورت مخفیانه به داخل ایران می‌رسید. پس از پیروزی انقلاب مشروطه، نشریات رشد سریعی پیدا کردند. پس از قاجار و در دوره‌های بعد با وجود آن که فعالیت‌های مطبوعاتی نوسان داشته است در مجموع نشریات توسعه و تنوع فراوانی یافتند و مجله‌های تخصصی در موضوعات تاریخی شروع به انتشار کردند[3]. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در کنار رشد بالای مراکز انتشاراتی، نشریات عمومی و تخصصی نیز از تنوّع و عمق بسیار بالایی برخوردار شدند.[4]

نشریات قدیمی منبع پژوهشی ارزشمندی در مطالعات تاریخ

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

صفحهٔ اول روزنامهٔ وقایع اتفاقیه

روی جلد مجلهٔ یادگار

۱ــ عنوان کاغذ اخبار ترجمهٔ تحت‌اللفظی واژهٔ انگلیسی Newspaper است.

۲ــ روزنامه‌های قانون و حبل‌المتین از جمله روزنامه‌های فارسی‌زبان معروفی بودند که قبل از انقلاب مشروطه در خارج از ایران منتشر می‌شدند. روزنامهٔ قانون را میرزاملکم از سال ۱۳۰۷ق در لندن منتشر می کرد و در آن حکومت قاجار را به تندی مورد انتقاد قرار می‌داد. روزنامهٔ حبل‌المتین به صورت هفتگی به همت سیدجلال‌الدین کاشانی در کلکتهٔ هندوستان منتشر می‌شد و نقش مؤثری در بیداری افکار ایران و ترویج اندیشهٔ آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی داشت.

۳ــ مجلهٔ یادگار (۱۳۲۴ـ۱۳۲۸ش) به مدیریت و سردبیری عباس اقبال آشتیانی، مجلهٔ وحید (۱۳۴۲ـ۱۳۵۷ش) به مدیریت سیف‌الله وحیدنیا و نشریهٔ بررسی‌های تاریخی (۱۳۴۵ـ۱۳۵۷ش) از جملهٔ قدیمی‌ترین نشریات تخصصی تاریخی به‌شمار می‌روند.

۴ــ پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) با ابتکار جمهوری اسلامی ایران و همراهی کشورهای اسلامی درسال ۱۳۸۷ به تصویب رسید و در همان سال این مؤسسه در شهر شیراز آغاز به‌کار کرد. هم‌اکنون نزدیک به ۳۵۰۰ نشریه علمی و ۲۵۰ دانشگاه در این نظام استنادی و رتبه‌بندی علمی حضور دارند.

معاصر محسوب می‌شوند. بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی نشریات مخصوص به خود را منتشر کرده‌اند و پژوهشگران با مراجعه به این منابع سودمند می‌توانند دیدگاه‌ها و مواضع آنان را بررسی کنند.

فعّالیت ۵

با اسکن کردن رمزینه می‌توانید فیلم کوتاهی در مورد روزنامه و ارزش آن به‌عنوان یک منبع تاریخی تماشا کنید. پس از مشاهده، توضیح دهید :

چرا یک روزنامه قدیمی می‌تواند برای پژوهشگر تاریخ، منبعی ارزشمند باشد؟ در پاسخ خود به یکی از بخش‌های روزنامه‌های معرفی شده در فیلم اشاره کنید.

پ) اسناد[1] و منابع آرشیوی

اسناد تاریخی از مهم‌ترین منابع پژوهش تاریخی به شمار می‌آیند و شامل کلیهٔ مکاتبات حکومتی، فرمان‌ها، معاهدات سیاسی، نامه‌های شخصی و اداری، اسناد مالی و قضایی، گزارش‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و حقوقی می‌شوند. با توجه به اهمیت اسناد در پژوهش‌های تاریخی، در بسیاری از کشورهای جهان محلی برای نگهداری، حفاظت، مرمت، طبقه‌بندی و آماده‌سازی آنها و استفادهٔ محققان ایجاد شده است که به آن آرشیو گفته می‌شود. آرشیو ملی هر کشور محل نگهداری اسناد و مدارک باارزش و معتبر مربوط به آن کشور است. اسناد حاوی اطلاعاتی بسیار ارزشمند و منحصر به فرد دربارهٔ مسائل و موضوع‌های سیاسی، اداری، اقتصادی (مالی، ملکی و معاملات) و فرهنگی، دیدگاه و عملکرد افراد، شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی است.

آرشیو ملی ایران (سازمان اسناد ملی) در سال ۱۳۴۹ ش با تصویب «قانون آرشیو» تأسیس شد.

فعّالیت ۶

با اسکن کردن رمزینه می‌توانید فیلم کوتاهی در مورد اسناد و ارزش آنها به‌عنوان یک منبع تاریخی تماشا کنید. پس از مشاهده، فعالیت‌های زیر را انجام دهید :

۱ــ یکی از اسناد قدیمی خانواده خود را انتخاب کنید؛ مانند نامه، مدرک تحصیلی، سند مالکیت، رسید، دفترچه یا گواهی.

از روی این سند، چه نکته‌ای درباره زندگی مردم، روابط اجتماعی یا شرایط اقتصادی گذشته می‌توان دریافت؟

۲ــ فرض کنید پنجاه سال بعد، یک پژوهشگر تاریخ به یکی از مدارک امروز شما دسترسی پیدا کرده است. کدام مدرک می‌تواند برای شناخت زندگی امروز مفیدتر باشد و چه اطلاعاتی در اختیار او می‌گذارد؟

۱ــ منظور از سند تاریخی، اوراق یا برگ نوشته‌هایی است که ارزش اداری و روزمره ندارند اما به دلیل اهمیت محتوایی‌شان، در پژوهش‌های تاریخی به‌آنها استناد می‌شود و قابلیت نگهداری دائمی دارند.

❊ دبیر محترم در صورت امکان دانش‌آموزان را به بازدید یکی از مراکز اسنادی و آرشیوی ببرید.

بیشتر بدانیم

انواع آرشیوهای اسنادی

اسناد، فقط شامل اسناد مکتوب نیست بلکه هر نوع اطلاعات ثبت شده را که به اشکال نوشتاری، دیداری، شنیداری، مغناطیسی، الکترونیکی و غیره تنظیم شده باشد و بتوان از آن در مطالعات تاریخی بهره‌برداری کرد، شامل می‌شوند. به همین سبب، آرشیوهای گوناگونی در هر کشور وجود دارد؛ برای مثال:

ـ **آرشیو مکتوب:** محل نگهداری انواع سندهای مکتوب و از قدیمی‌ترین نوع آرشیوهای جهان است.

ـ **آرشیو سمعی:** محلی است که نوارهای صوتی در آنجا جمع‌آوری شده‌اند؛ مانند آرشیو صدای جمهوری اسلامی ایران.

ـ **آرشیو فیلم:** محلی است که انواع گوناگون فیلم‌در آن نگهداری می‌شوند؛ مانند فیلم‌خانهٔ ملی ایران، آرشیو فیلم ملی ایران و آرشیو فیلم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

ـ **آرشیو عکس:** امروزه عکس و تصویر در مطالعات تاریخی اهمیت ممتازی دارند. در آرشیو عکس، عکس‌های قدیمی دربارهٔ رویدادهای مهم تاریخی و شخصیت‌ها و مردم عادی حفظ و نگهداری می‌شود.

آرشیوهای پوستر و نقشه و سکه را نیز می‌توان به این مجموعه‌ها اضافه کرد.

امروزه بسیاری از وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها آرشیوهایی مجزا ایجاد کرده‌اند؛ نظیر آرشیو وزارت امورخارجه، آرشیو سازمان میراث فرهنگی و مرکز آرشیو اسناد صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

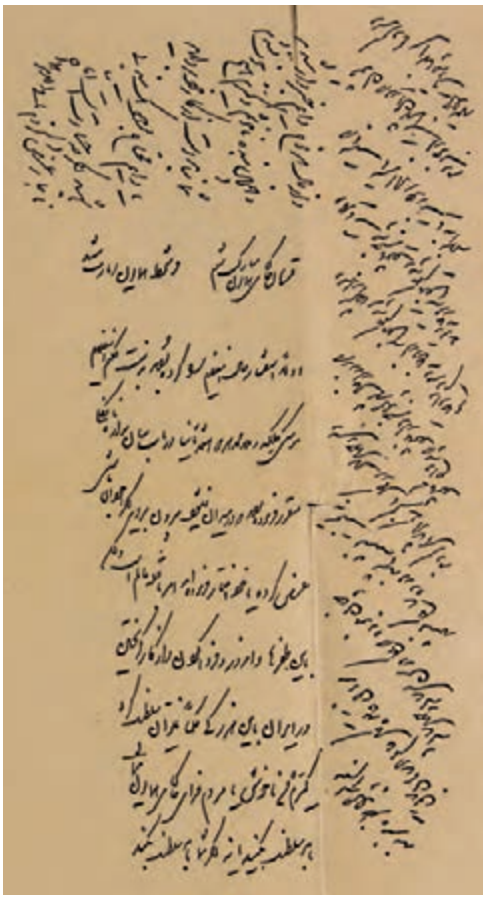

نامهٔ سرزنش آمیز امیرکبیر به ناصرالدین شاه - ۱۲۶۷ق

کاوش خارج از کلاس

با تهیهٔ چند عکس قدیمی از حوادث دوران معاصر و تکیه بر آنچه در این عکس‌ها آمده است، رویداد یا رویدادهایی را گزارش کنید و گزارش خود را در کلاس ارائه دهید.

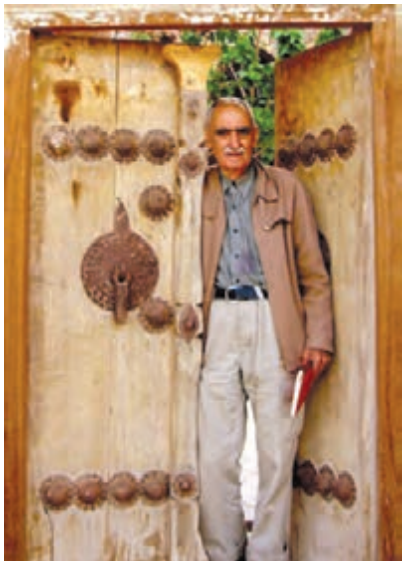

ایرج افشار

با رواج تاریخ‌نگاری جدید و اهمیت یافتن اسناد به عنوان منبعی مهم در مطالعات تاریخی، بسیاری از پژوهشگران و مؤسسات علمی و تحقیقاتی به انتشار اسناد اهتمام نشان دادند. از جمله برجسته‌ترین سند پژوهان و نسخه شناسان می‌توان به ایرج افشار (۱۳۰۴ـ۱۳۸۹ش) اشاره کرد.

ت) تاریخ شفاهی (Oral History)

یک روش پژوهشی تاریخی برنامه‌ریزی شده برای جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات تاریخی از حافظهٔ افرادی است که خود در وقایعی شرکت داشته‌اند یا از نزدیک شاهد آن وقایع بوده‌اند. بدین‌ترتیب تاریخ شفاهی به خاطره‌نویسی بسیار نزدیک است، اما با آن تفاوت‌هایی دارد :

- در خاطره‌نویسی یا خاطره‌نگاری، فقط گوینده یا نویسنده نقش‌آفرین است درحالی که در تاریخ شفاهی به‌دلیل حضور مصاحبه‌گر و طرح پرسش‌های آگاهانه، نقش‌آفرینی دوسویه صورت می‌گیرد و روایت و متن تولید شده حاصل گفت‌وگوی مصاحبه‌گر با مصاحبه‌شونده است، به همین دلیل اطلاعاتی که در مصاحبه تاریخ شفاهی تولید می‌شود یک منبع تاریخی و فراتر از یک خاطره‌نگاری است.
- معمولاً خاطرات را کسانی نوشته و منتشر می‌کنند که صاحب مقام بوده و کارهای مهمی برعهده داشته‌اند، اما تاریخ شفاهی می‌تواند دربردارنده اطلاعات مردم عادی از هر طبقه اجتماعی نیز باشد.
- در خاطرات تنها موضوعات مورد علاقه نگارنده و افرادی که در اطراف وی بوده‌اند مورد توجه قرار می‌گیرد، اما مسائل مربوط به زندگی، کار، فرهنگ، داد و ستد، آداب و رسوم و به‌طور کلی همه موضوعات و مسائل مورد توجه محققان تاریخ شفاهی است. به همین دلیل تاریخ شفاهی موجب گسترده‌تر شدن و تنوع آگاهی‌های تاریخی شده و امکانی فراهم می‌آورد که انسان‌های بیشتری در تحقیقات تاریخی شرکت کنند.

امروزه در سراسر دنیا مؤسسات پژوهشی دارای بخش «تاریخ شفاهی» هستند که در آنجا متخصصان از طریق مصاحبه و گفت‌وگوی آگاهانه و هدایت شده که ممکن است چندین جلسه به طول بینجامد، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات می‌کنند که به‌صورت صوتی یا تصویری ضبط می‌شود و سپس با دقت اعتبارسنجی شده و به‌صورت مکتوب یا غیرمکتوب منتشر می‌شود.

فعّالیت ۷

با مصاحبه با افراد خانواده و آشنایان درباره شیوه زندگی در سال‌های قبل، تغییرات محل زندگی خود یا حتی شرکت آنان در رویدادهای مهم و ویژه، پس از اعتبارسنجی مطالب، مقاله‌ای بنویسید.

ث) بناها، اشیا و وسایل

آثار معماری شامل بناها، خیابان‌ها، کوچه‌ها و میدان‌ها، اشیا و لوازم به جامانده، سکه‌ها، جواهرآلات، مهرها، نشان‌ها و سایر وسایلی که از عصر قاجار و حتی پهلوی به جا مانده است، به پژوهشگران در مطالعه و شناخت آن دوره کمک می‌کند.

قلمدان رنگ روغنی (قلمدان لاکی)، اثر «آقا نجف»، دوره قاجار ــ «موزه ملی ایران»، تهران
قلمدان با صحنه جنگ شاه اسماعیل روی زمینه زرد، دیواره با منظره چراگاه و شبان و گاو و گوسفند و اسب سوار و عمارت تزیین شده است.

پرسش‌های نمونه

۱ــ چه ظرفیت‌هایی در میراث غنی تاریخی ما برای فهم بهتر گذشته وجود دارد؟
۲ــ زمینه‌های پیدایش تاریخ‌نگاری نوین ایران چگونه فراهم شد؟
۳ــ ویژگی‌های تاریخ‌نگاری نوین را بیان کنید و تفاوت آن را با روش تاریخ‌نگاری سنتی توضیح دهید.
۴ــ بینش تاریخ‌نگاری نوین ایران برچه محورهایی استوار است؟
۵ــ نقش اسناد آرشیوی را در مطالعات تاریخ معاصر ایران ارزیابی کنید.

* دبیر محترم پیشنهاد می‌شود در صورت امکان دانش‌آموزان را به بازدید از مکان‌های تاریخی و موزه‌های تاریخ معاصر ببرید.

درس ۲

ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر

ایران در فاصلهٔ سقوط صفویه تا تأسیس حکومت قاجار (۱۱۳۵ـ ۱۲۱۰ق) فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشت. در این دوره، سلسله‌های افشاریه و زندیه مدت کوتاهی حکومت کردند. تا حدودی هم‌زمان با آن، در دیگر کشورها نیز رویدادهای سرنوشت‌سازی به وقوع پیوست که بر تحولات جهان در دوران معاصر تأثیرگذار بود. در این درس علل، آثار و نتایج مهم‌ترین تحولات ایران و جهان در دورهٔ مذکور بررسی و تحلیل می‌شود.

ایران از نادرشاه افشار تا آقامحمدخان قاجار

سقوط اصفهان و فروپاشی حکومت صفویان (۱۱۳۵ق/۱۱۰۲ش/۱۷۲۳م) موجب آشفتگی امور و بروز هرج و مرج و آشوب‌های داخلی شد. افغان‌ها به دلیل ناتوانی در تسلط بر تمام قلمرو صفوی و ناآشنایی با اصول کشورداری، نتوانستند حاکمیت مقتدری تشکیل دهند. روسیه و عثمانی نیز فرصت را مغتنم شمردند و بخش‌هایی از شمال و غرب میهن ما را اشغال کردند. در چنین شرایطی بود که نادر از ایل افشار، پا به عرصه نهاد.

فعّالیت ۱

بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر دربارهٔ زمینه و علل و عواملی که موجب شد ایلات و عشایر در تاریخ ایرانِ دوران اسلامی، به خصوص پس از صفویه، نقش مهمی در تحولات سیاسی و برآمدن و زوال حکومت‌ها داشته باشند، بحث و گفت‌وگو کنید.

حکومت افشاریه

ایل افشار از ایل‌های قزلباش بود که در به سلطنت رساندن حکومت صفویان نقش داشتند. در عصر صفوی، بخشی از این ایل را برای محافظت از مرزهای خراسان در برابر هجوم ازبکان به نواحی شمال آن دیار کوچاندند.

نادر، سرداری در رکاب شاهزادهٔ صفوی

پس از تسلط افغان‌ها بر اصفهان، یکی از پسران شاه سلطان حسین صفوی به‌نام تهماسب برای گردآوری نیرو و بازگرداندن حکومت صفویان، از پایتخت گریخت. برخی از سرداران و سران ایل‌ها مانند نادر افشار و فتحعلی‌خان قاجار (پدر بزرگ

مجسمهٔ نادرشاه افشار اثر ابوالحسن صَدیقی ـ باغ نادری ـ مشهد

آقامحمدخان) به او پیوستند و در نخستین گام، خراسان را تصرف کردند. پس از کشته شدن فتحعلی‌خان قاجار، نادر که جنگاوری شجاع و متهور بود، ابتکار عمل را به دست گرفت و فرماندهی سپاه تهماسب را عهده‌دار شد. او طی چندین جنگ افغان‌ها را شکست داد. (مسیر لشکرکشی‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی نادر را روی نقشه بررسی کنید.)

نقشهٔ لشکرکشی‌ها و جنگ‌های نادر

نادر سپس مهیای نبرد با روسیه و عثمانی شد. سپاه تحت فرمان او در چندین جنگ بر ارتش قدرتمند عثمانی پیروز شد و سرزمین‌های اشغال‌شدهٔ ایران را آزاد کرد. روس‌ها نیز با مشاهدهٔ توان نظامی نادر و جنگجویانش، پیش از برخورد نظامی، نیروهای خود را از ایران بیرون بردند.

نادر؛ شاه ایران

پیروزی‌های برق‌آسای نادر در جنگ‌های داخلی و خارجی زمینهٔ نشستن او بر تخت شاهی را فراهم آورد. او نخست تهماسب دوم را به بهانهٔ بی‌کفایتی از سلطنت خلع کرد. سپس بزرگان کشور، علما و سران ایل‌ها و طوایف را به شورای **دشت مُغان** فراخواند و شرایطی را برای پذیرفتن سلطنت مطرح کرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱ــ موروثی شدن سلطنت در خاندان او؛

۲ــ حمایت نکردن بزرگان و رؤسای طوایف از خاندان صفوی؛

۳ــ حل اختلافات مذهبی با دولت عثمانی.

با پذیرش شروط نادر در شورای دشت مغان، انقراض سلسله صفویه اعلام و نادر به‌عنوان شاه ایران انتخاب شد (۱۱۱۴ ش/ ۱۷۳۶ م).

نادر پس از اینکه به سلطنت رسید، برای حل مشکلات سیاسی و مذهبی، به‌ویژه رفع اختلافات مذهبی با عثمانی، بسیار تلاش کرد. او گاهی با جنگ و زمانی با زبان مصالحه و مذاکره و دادن امتیاز درصدد حل مشکل برمی‌آمد. نتیجه این اقدامات به سبب کارشکنی‌های عثمانی و گرفتاری‌های داخلی و خارجی نادر، چندان مطلوب نبود و در این دوره، عامل انسجام‌بخش مردم ایران، یعنی مذهب شیعه تضعیف گردید.

فعّالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک

نادرشاه از ابتدای حکومت تلاش می‌کرد اختلافات مذهبی میان دو کشور ایران و عثمانی را حل کند. آخرین و مهم‌ترین اقدام او، برپایی شورای نجف در ۱۱۵۵ق/۱۷۴۳م با شرکت ۷۰ تن از علمای شیعی و سنی ایران و مناطق هم‌جوار بود. در این شورا پس از مباحث گسترده سرانجام بیانیه‌ای تنظیم شد که مواد مهم آن چنین بوده است:

«اولاً آنکه اهل ایران از عقاید سالفه[1] و سَبّ و رَفْض[2] نُکُول[3] و مذهب جعفری را که از مذاهب حقه است قبول نموده و قضات و علما و اَفَنْدیان[4] کِرام روم اذعان کرده و آن را خامس مذاهب شمارند.

دوم اینکه چون در کعبهٔ معظمه ارکان اربعهٔ مسجدالحرام به ائمه و مذاهب اربعه تعلق دارد، ائمهٔ مذهب جعفری در رکن شافعی با ایشان شریک بوده بعد از ایشان عَلیٰحِده با امام خود به آیین جعفری نماز گزارند...» (میرزا مهدی استرآبادی، **جهانگشای نادری**، ص ۳۹۱).

متن نقل شده از میرزا مهدی استرآبادی را به فارسی روان برگردانید.

دربارهٔ متن فوق فکر کنید و به این سؤالات پاسخ دهید.

۱ـ هدف نادر از برپایی شورای نجف چه بود؟

۲ـ به نظر شما آیا این اقدام نادرشاه در آن زمان درست بوده است؟

۱ـ عقاید گذشته ۲ـ لعن و نفرین کردن ۳ـ روی گرداندن، دست کشیدن ۴ـ صاحب منصبان عثمانی

بیشتر بدانیم

نبرد کَرنال (۱۱۱۷ش/ ۱۷۳۹م)

یکی از اقدامات نادر، لشکرکشی به هندوستان و جنگ کَرنال بود. او به بهانهٔ تعقیب افغان‌ها و اعتراض به اینکه پادشاه گورکانی هند، به آنها پناه داده است، به این کشور لشکرکشی کرد. البته برای این کار انگیزهٔ مالی و اقتصادی نیز داشت؛ چون ادارهٔ ارتش بزرگ و پرشمار او بدون منابع مالی کافی ممکن نبود. نادر با پیروزی در جنگ کَرنال، دهلی را تصرف کرد و به غنایم گران‌بهایی همچون الماس دریای نور، تخت طاووس و گنجینه‌های بزرگ جواهرات و کتب نفیس دست یافت و آنها را به همراه هزاران هنرمند و صنعتگر هندی با خود به ایران آورد.

دریای نور یکی از بزرگ‌ترین الماس‌های تراش خوردهٔ جهان است که بعد از کشته شدن نادر شاه، حاکمان زند و سپس قاجار مالک آن شدند.
این الماس مورد علاقهٔ ناصرالدین‌شاه بود و قابی برازنده که جقه‌ای با نقش تاج کیانی و دو شیر و خورشید با ۴۷۵ قطعه برلیان کوچک و ۴ یاقوت بر خود داشت، برای آن ساخت.

نادرشاه افشار سرانجام هنگامی که مشغول سرکوب شورشی در خراسان بود، با توطئهٔ نزدیکان و سردارانش کشته شد (۱۱۲۶ ش/ ۱۷۴۷ م). او که سرداری بی‌باک و دارای نبوغ نظامی فوق‌العاده بود، در زمانی که آشوب‌های داخلی و هجوم ارتش‌های بیگانه موجودیت ایران را به خطر انداخته بود، وارد میدان شد و با طراحی نظامی، توانست بر ایران حاکم شود. با این حال، به عنوان پادشاه توفیق نیافت که زمینه را برای ثبات و امنیت پایدار، انتقال آرام قدرت و تثبیت حکومت افشاریه پس از خود فراهم آورد. از جمله علل و عوامل این ناکامی نادرشاه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

- اشتغال پیوستهٔ او به جنگ
- مالیات‌های اضافی که از مردم برای تأمین هزینه‌های جنگ گرفته می‌شد؛
- بدگمانی وی به نزدیکان و بزرگان کشور و برخورد خشن با آنان در سال‌های پایانی حکومت؛
- توجه نادر به تقویت قوای نظامی و غفلت از دیگر عوامل مؤثر بر پایداری حکومت.

فعّالیت ۳

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، نبودِ وزیران و مشاوران برجسته در کنار نادرشاه چه آثار و پیامدهای سیاسی داشت؟

افشاریان پس از نادر

با مرگ نادر دورانی از رقابت و جنگ برای به دست گرفتن قدرت آغاز شد. افرادی از خاندان نادر و سرداران و سران برخی ایل‌ها و طایفه‌ها با یکدیگر به ستیز برخاستند که خرابی و کشتار زیادی به بار آورد. به علاوه، افرادی با ادعای انتساب به خاندان صفوی خواهان بازگرداندن حکومت به این خاندان بودند. در چنین شرایطی، دو تن از برادرزادگان نادر[1] یکی پس از دیگری به عنوان جانشین او برای مدت کوتاهی مدعی حکومت شدند. سپس نوبت به نوهٔ او (شاهرخ) رسید. وی از قلمرو وسیع نادر، به شهر مشهد بسنده کرد و حکومتش تا زمانی که آقا محمدخان قاجار آن را از میان برداشت (۱۲۱۲ق)، ادامه یافت.

اعطای نشان ولیعهدی رضاقلی میرزا توسط پدرش نادرشاه افشار، اثر «ابوالحسن مستوفی غفاری» ــ «موزهٔ هنرهای زیبا»، مجموعه سعدآباد ــ تهران
در این تصویر دو پسر دیگر نادر پشت سر پدرشان ایستاده‌اند.

حکومت زندیه

کریم‌خان زند : کریم‌خان زند ــ رئیس طایفهٔ زند از طایفه‌های لُر ــ از جمله سردارانی بود که پس از کشته شدن نادرشاه، درصدد کسب قدرت برآمد. او تعدادی از رقیبان و مدعیان حکومت را از میان برداشت و با تسلط بر بخش وسیعی از ایران، سلسلهٔ زندیه را تأسیس کرد. به نقشهٔ صفحهٔ ۲۰ نگاه کنید.

کریم‌خان برخلاف نادر از ادامهٔ لشکرکشی و جنگ برای در اختیار گرفتن سایر مناطق ایران دست کشید و همین امر، موجبات آرامش،

۱ــ عادل‌شاه و ابراهیم‌شاه

رونق و آبادانی قلمرو او به ویژه شیراز، پایتخت زندیان را فراهم آورد.

کریم‌خان، برخلاف سنت معمول، از پذیرفتن عنوان شاه امتناع کرد و خود را وکیل مردم ایران (وکیل‌الرعایا)[1] خواند. بعضی از خصوصیات اخلاقی کریم‌خان مانند مدارا و همدردی با مردم، ساده‌زیستی و رفتار مناسب با اقلیت‌های دینی و مذهبی باعث شده است که نام و نشان نیکی از او در تاریخ ایران به جا بماند.

نگارهٔ «کریم خان زند به همراه سفیر عثمانی، وهبی افندی»، اثر منسوب به «ابوالحسن مستوفی غفاری» ــ «موزهٔ داوید دانمارک»، کریم خان به‌عنوان یک حاکم قدرتمند به تصویر کشیده، در حالی که سفیر عثمانی در حال تعظیم نشان داده شده است.

نقشهٔ ایران در دوران زندیه

فعّالیت ۴

نقشه‌های تاریخی ایران در دوران نادرشاه و عصر زندیه را مقایسه و تفاوت‌های آنان را با ذکر دلیل بیان کنید.

۱ــ کریم‌خان در آغاز، خود را وکیل‌الدوله خواند که به منزلهٔ وکالت از طرف شاهزاده‌ای صفوی بود اما اندکی بعد لقب وکیل‌الرعایا را که به معنای نمایندهٔ مردم ایران بود، برای خود برگزید (**سفرنامهٔ نیبور**، ص ۲۰۷؛ آصف، **رستم‌التواریخ**، ص ۳۸۳).

زندیه پس از کریم‌خان

با مرگ کریم‌خان زند (۱۱۵۷ش/۱۷۷۹م) دوباره آشوب ایران را فراگرفت. افرادی از طایفهٔ زند برای رسیدن به تاج و تخت باهم به رقابت و ستیز برخاستند و صفحهٔ خونین دیگری از تاریخ ایران را رقم زدند؛ به گونه‌ای که در کمتر از ۱۵ سال، هفت تن از این خاندان به قدرت رسیدند. نتایج این کشمکش‌ها، فروپاشی سیاسی و اقتصادی و آسیب دیدن توان نظامی و اداری کشور بود.

لطفعلی‌خان، آخرین فرمانروای زند، با وجود شجاعت، لیاقت و محبوبیت نسبی در بین مردم نتوانست سلسلهٔ زند را حفظ کند و به دلیل اشتباهات نظامی و روی گردانی عده‌ای از درباریانش[1]، از آقامحمدخان قاجار شکست خورد و پس از دستگیری کشته شد. با مرگ لطفعلی‌خان سلسلهٔ زندیه منقرض شد (۱۱۶۷ش/۱۷۹۴م).

بیشتر بدانیم

لطفعلی‌خان زند از نگاه مردم

سِرهار فورد جونز انگلیسی که در زمان فتحعلی‌شاه قاجار سفیر انگلستان در ایران بود، در واپسین روزهای زندگی لطفعلی‌خان زند به خدمت او رسید تا ترتیب فروش برخی جواهرات سلطنتی را بدهد؛ از جمله دو الماس مشهور دریای نور و تاج ماه را که در اختیار لطفعلی‌خان بود. توصیف او از لطفعلی‌خان خواندنی است: «مردم لطفعلی‌خان را به خاطر صفات شایسته‌اش بسیار دوست داشتند. شهامت، پایداری، شجاعت و... هنوز موضوع ترانه‌هایی است که شاید تا زبان فارسی زنده است، زنده بمانند....»

(سرهار فورد جونز، **آخرین روزهای لطفعلی‌خان زند**، ص۸).

اوضاع سیاسی، اداری و اقتصادی ایران در عصر افشاریه و زندیه

در دوره تسلط افغان‌ها، افشاریه و زندیه به‌طور کلی ایران شاهد بی‌ثباتی سیاسی، کوتاه بودن دوران سلسله‌های حاکم، حاکمیت عناصر ایلی، برخوردهای سیاسی با همسایگان غربی و شمالی، آشفتگی‌های اجتماعی و اقتصادی بود. این شرایط اثرات جبران‌ناپذیری داشت که به تفکیک به بررسی آن خواهیم پرداخت :

۱ــ روابط خارجی

مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران با جهان خارج در دوران افشاریه و زندیه کاهش چشمگیری یافت. مهم‌ترین مسائل ایران در این دوره، برخوردهای سیاسی ــ نظامی با عثمانی و روسیه بود که در ابتدای همین درس و در صفحه ۱۶ درباره آن سخن گفتیم. اختلافات با زمامداران عثمانی با عقد معاهده‌ای میان دو طرف به صلح منجر شد که تا اواخر حکومت کریم‌خان، که سپاه زندیه بصره را تصرف کرد، دوام آورد.

در دوران افشاریه و زندیه، مناسبات سیاسی و اقتصادی و ارتباطات فرهنگی ایران با کشورهای اروپایی چندان رونقی نداشت. در این دوره، نمایندگانی از بعضی کشورهای اروپایی به ایران آمدند. نادر برای انگلیسی‌ها معافیت‌های گمرکی در نظر گرفت و درصدد برآمد از دانش آنان در زمینه تأسیس نیروی دریایی در دریای خزر و خلیج فارس استفاده کند. در دوره کریم‌خان هیئت‌هایی از فرانسه و انگلستان برای گرفتن امتیاز و ایجاد مراکز تجاری به ایران آمدند اما چون با او به توافق نرسیدند، گشایشی در روابط صورت نگرفت.

۱ــ حاج ابراهیم‌خان کلانتر

۲ـ نظام اداری و سیاسی

سازمان اداری و دیوانی در این دوره اعتبار و قوت سابق را نداشت. حکومت نادرشاه بر اقتدارگرایی، تمرکز بر امور نظامی و ارتش متکی بود و نهادهای اداری در عصر حکومت او رونق چندانی نداشتند. نادرشاه در امور اداری و اقتصادی، بیشتر از دوستان و نزدیکانش به‌عنوان مشاور، استفاده می‌کرد و به وزارت و دیوان‌سالاری توجهی نداشت. این بی‌توجهی به نظام اداری تا جایی بود که او شهری را به‌عنوان پایتخت خود انتخاب نکرد. البته در منابع از مشهد و کلات به‌عنوان پایتخت او یاد شده است، ولی این مراکز بیشتر محل گردآوری خزاین و غنایم نادر بوده‌اند.

شیوه اداره ایالات، ولایات، شهرها و روستاها در عصر افشاریه و زندیه همانند دوره صفویه بود و صاحب منصبانی با همان عناوین سابق این مراکز را اداره می‌کردند.[۱]

۳ـ اقتصاد، تجارت و کشاورزی

تداوم جنگ‌های داخلی و خارجی در زمان نادرشاه شرایط زیر را در کشور حاکم کرد؛

- کاهش شدید نیروی انسانی در بخش کشاورزی به‌دلیل نیاز تشکیلات نظامی به نیروی رزمنده
- دریافت مالیات‌های سنگین از مردم برای تأمین هزینه‌های نظامی
- ناامنی حاصل از اشغال بخش‌هایی از نواحی غربی و شمالی ایران

در نتیجهٔ این شرایط ضعف و رکود شدید در بخش کشاورزی و تجارت به‌وجود آمد.

در دورهٔ کریم‌خان‌زند اقداماتی برای بهبود وضع کشاورزی و بازرگانی صورت گرفت و شهرهای شیراز و بندر بوشهر به مراکز مهم تجارت داخلی و خارجی تبدیل شدند. آرامش و ثبات سیاسی نسبی، کاهش مالیات‌ها، دربار کم‌تجمل و تلاش کریم‌خان برای تثبیت قیمت کالاها از جمله عوامل مؤثر در رونق اقتصادی این دوره بود.

۴ـ ادبیات، علم و آموزش

در عصر افشار و زند، علم و آموزش رونق دوران صفویان را نداشت. در پی سقوط صفویه، مدارس و حوزه‌های علمیه اصفهان و شهرهای دیگر تعطیل شدند یا از رونق افتادند. عده‌ای از علما و طلاب که از هجوم افغان‌ها جان سالم به در برده بودند، به عتبات عالیات مهاجرت کردند. با این حال در نتیجهٔ آرامش نسبی که در زمان کریم‌خان زند به‌وجود آمد، فعالیت‌های علمی و آموزشی کمی رونق گرفت و مدرسه‌های جدیدی ساخته شد.[۲]

مدرسهٔ علمیهٔ خان یزد؛ این مدرسه به همت محمدتقی‌خان، والی خیراندیش یزد در سال ۱۱۸۶ق بنا شد.

۱ـ در این دوران؛ ایالات بزرگ خراسان و فارس و آذربایجان را سه بیگلَربیگی (فرمانداران بزرگ) و بقیه شهرها را خان (فرمانداران کوچک) اداره می‌کردند، تعدادی بازرس نیز بر کار این فرمانداران نظارت داشتند. نظام مالیاتی، هم پولی بود و هم کالایی و بخش اعظم مالیات‌ها صرف نگهداری قشون می‌شد. مخارج کمرشکن جنگ‌ها و حتی لباس و خواربار سربازان را، مردم تأمین می‌کردند.

۲ـ مهم‌ترین تحول ادبی در دوره زندیه شکل‌گیری انجمن‌های ادبی است. در این انجمن‌های ادبی که کانون اصلی بیشتر آنها اصفهان است، نهضت بازگشت ادبی شکل می‌گیرد. منظور از بازگشت ادبی تکرار و تقلید از سبک‌های خراسانی و عراقی است و اعتراضی به سبک هندی محسوب می‌شود. شاعران بازگشتی قصیده را به سبک شاعران خراسان و غزل را به سبک عراقی می‌سرودند. جریان ادبی بازگشت در دوره‌های افشاریه و قاجاریه نیز ادامه یافت.

فقیهان، فیلسوفان، پزشکان و ادیبان سرشناس عصر افشاریه و زندیه

دانشمندان و ادیبان	آثار و اقدامات علمی
محمد وحید بهبهانی (۱۱۱۷ـ۱۲۰۵ق)	فقیه و مجتهد بزرگ شیعه و احیاگر مکتب اصولی و صاحب آثار متعددی در فقه و اصول
سید محمد مهدی بحرالعلوم (۱۱۱۵ـ۱۲۱۲ق)	فقیه اصولی و رجال‌نویس شیعه و صاحب آثاری در فقه و علم رجال
آقامحمد بیدآبادی (د : ۱۱۹۸ق)	فقیه، حکیم و فیلسوف برجسته و صاحب آثاری در تفسیر، حکمت و کلام
میرزا محمد نصیر اصفهانی (د : ۱۱۹۱ق)	پزشک کریم‌خان، عالم به علوم پزشکی، ریاضی، نجوم و حکمت و فنون شعر و موسیقی
مشتاق اصفهانی (۱۱۰۱ـ۱۱۷۱ق)	شاعر بزرگ عهد نادرشاه و از بنیان‌گذاران نهضت بازگشت ادبی
لطفعلی‌خان آذربیگدلی (۱۱۳۴ـ۱۱۹۵ق)	شاعر و تذکره‌نویس برجستهٔ قرن ۱۲ق و از بنیان‌گذاران نهضت بازگشت ادبی
هاتف اصفهانی (د : ۱۱۹۸ق)	شاعر نامی ایران در عهد افشاریه و زندیه و از پیشروان نهضت بازگشت ادبی

کاخ خورشید ـ کلات نادری ـ خراسان رضوی

۵ـ هنر و معماری

با وجود شرایط موجود در این دوره، امکان رشد و ترقی هنر و معماری دور از انتظار بود. با این حال، در زمان حکومت نادرشاه و دوره استقرار کریم خان زند در شیراز اقدامات قابل توجهی صورت گرفت. ورود هنرمندان و صنعتگران هندی پس از فتوحات نادر در هند، موجب تلفیق هنر ایرانی و هندی شد. در دوره نادر شهر اصفهان بازسازی شد و در منطقه کلات که محل نگهداری خزاین نادر بود، بناهای باشکوهی مانند **کاخ خورشید** ساخته شد.

مدارا و احترام کریم‌خان نسبت به هنرمندان و علما نیز موجب رونق هنر و معماری در زمان او شد. وی علاقه زیادی به ساختن بناهای باشکوه داشت. ساخت مجموعه **مسجد و بازار و حمام وکیل، ارگ کریم‌خانی** و بازسازی آرامگاه **حافظ، سعدی و باغ دلگشا**، گوشه‌ای از اقدامات عمرانی او در شیراز است. در دوره زند نوعی از بناها با کاربرد تفریحی گسترش یافت که به

کلاه‌فرنگی معروف بود و آن بنایی کوچک و گاهی تزیینی بود که در وسط باغ‌ها یا تفریحگاه‌ها ساخته می‌شد.

در نقاشی و نگارگری، به‌ویژه در عصر کریم‌خان زند، تحولی بزرگ به‌وجود آمد و نقاشان به‌تدریج هنر خود را با معیارهای هنری اروپا تطبیق دادند. **مکتب نقاشی شیراز** که در دوره مغولان شکل گرفته بود، در زمان زندیه به اوج رونق و زیبایی رسید.

عمارت کلاه فرنگی شیراز در باغ نظر شیراز قرار دارد که در زمان کریم خان زند ساخته شده است. این عمارت اکنون به‌عنوان موزه استفاده می‌شود.

بیشتر بدانیم

این پرتره نمونه‌ای شاخص از مکتب نقاشی شیراز در دوره زندیه است؛ مکتبی که در آن چهره‌پردازی دقیق، رنگ‌های گرم، تزیینات سطحی و تلفیق فضاهای تخت و سه‌بعدی جایگاهی مهم دارد. در این اثر، ویژگی‌هایی دیده می‌شود که در روند تکامل هنر ایرانی شکل گرفته و در دوره زندیه به بیانی پخته‌تر رسیده است: تأکید بر نگاه نافذ، آرایه‌های تکرارشونده در لباس، حضور عناصر نمادین مانند سیب و معماری تزیینی پس‌زمینه. این شیوه را می‌توان پلی میان سنت‌های پیشین نقاشی ایرانی و پرتره‌نگاری درباری دوره‌های بعدی دانست.

پرتره‌ای از «رستم‌خان زند»، اثر «محمدصادق» از نقاشان مکتب شیراز ـ موزه «هنر بروکلین»، نیویورک

جهان در آستانهٔ دوران معاصر

الف) حکومت‌های مسلمان در گرداب مشکلات

سده‌های هفدهم تا نوزدهم میلادی دو سوی عالم وضعیت دوگانهٔ متضادی داشت؛ در جانب شرق سه حکومت مسلمان یعنی ایران، عثمانی و گورکانیان هند دوران ضعف خود را سپری می‌کردند و در جانب غرب، امپراتوری‌ها و دولت‌های روسیه، فرانسه و انگلستان در مسیر قدرت و شکوفایی قرار داشتند. ضعف امپراتوری‌های مسلمان دلایل خاص خود را داشت. علل ضعف دولت‌های اسلامی به‌ویژه ایران، هند و عثمانی در قرون اخیر، از مهم‌ترین مسائلی است که همچنان بررسی‌ها دربارهٔ آن ادامه دارد. در این بررسی‌ها، چگونگی عملکرد و نقش استعمار غربی و همچنین کانون‌های داخلی وابسته به آن در بروز و تشدید عقب‌ماندگی دولت‌های بزرگ اسلامی، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

نگارهٔ سلطان سلیم سوم (۱۷۸۹ـ۱۸۰۷ م) هنگام به حضورپذیرفتن مقام های امپراتوری در کاخ توپ‌کاپی ـ کاخ موزهٔ توپ کاپی، استانبول

۱ـ عثمانی، امپراتوری بیمار؛ امپراتوری مسلمان عثمانی در قرن ۱۸ م بر بخش‌های وسیعی از شمال آفریقا و آسیای غربی تا اروپای شرقی حکومت می‌کرد. این امپراتوری در مسیر اصلی تجارت زمینی و دریایی بین شرق و غرب قرار داشت و پل ارتباطی بین آسیا و اروپا بود.

ترکان عثمانی تا این زمان با قدرت در عرصه نظامی و سیاسی حکمرانی می‌کردند؛ ولی تقریباً هم‌زمان با روی کار آمدن افشارها مجموعه عوامل مختلف داخلی و همچنین نفوذ و مداخله قدرت‌های استعماری، موجب ضعف و زوال عثمانی شد، چنان‌که اصلاحات دولتمردان عثمانی هم نتوانست از شدت آن بکاهد. در چنین شرایطی کشورهای اروپایی به ویژه انگلستان، روسیه، فرانسه و اتریش به بهانه دفاع از حقوق اقلیت‌ها در امور داخلی عثمانی مداخله می‌کردند، ولی در واقع به دنبال گسترش مستعمرات و تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود در این امپراتوری وسیع بودند. در نتیجه این دخالت‌ها، اروپایی‌ها توانستند به تدریج بخش‌هایی از قلمرو عثمانی را تصاحب کنند و بر ضعف دولت آن بیفزایند. با این وجود رقابت بین دولت‌های اروپایی مانع شد که عثمانی به طور کامل تحت سلطه یکی از آنان دربیاید و تا پایان جنگ‌جهانی اول این امپراتوری به حیات خود ادامه داد.

۲ـ گورکانیان هند اسیر استعمارغربی؛ چنان‌که در سال گذشته خواندید، حکومت گورکانیان هند در قرن ۱۶م تشکیل شد و بر بخش بزرگی از هندوستان حکومت می‌کرد. در قرن ۱۸م، حکومت گورکانی هند همانند امپراتوری عثمانی رو به ضعف نهاد. اختلاف و دشمنی میان هندوها و مسلمانان، سوء مدیریت و ضعف شاهان، دسته‌بندی و توطئه‌های درباریان و ورود استعمارگران به این سرزمین از عوامل اصلی ضعف و انحطاط گورکانیان هند بود.

پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها نخستین استعمارگرانی بودند که به هند وارد شدند. دولت گورکانی به اروپاییان امتیازات تجاری و گمرکی قابل توجهی داد. در سدهٔ ۱۸م، دولت‌های فرانسه، هلند و انگلستان نیز وارد هندوستان شدند و با تأسیس شرکت‌های بزرگ تجاری با نام **کمپانی هند شرقی** فعالیت‌های استعماری خود را گسترش دادند. استعمارگران اروپایی به تدریج با دامن زدن به اختلافات دینی و قومی در هند، بخش‌هایی از آن سرزمین را تصرف کردند. در همان حال، میان استعمارگران رقابت شدیدی وجود داشت و جنگ‌هایی میان آنان درگرفت که با پیروزی انگلستان به پایان رسید. انگلیسی‌ها با غارت سرزمین ثروتمند هند قدرت خود را در جهان توسعه دادند و برای حفظ سلطهٔ خویش، اقدام به دست‌اندازی بر سرزمین‌های مجاور و مداخله در امور کشورهای همسایهٔ هند از جمله ایران کردند. سرانجام در سال ۱۲۳۶ش (۱۸۵۷م) پس از سرکوب شورش سربازان هندی، دولت انگلستان رسماً هند را جزئی از قلمرو خویش اعلام کرد و ملکهٔ انگلستان به **امپراتریس هند و بریتانیا** ملقب شد.

بهادرشاه دوم، آخرین فرمانروای گورکانی هند (۱۸۳۷ـ۱۸۵۷م) که کمپانی هندشرقی انگلستان او را از قدرت برکنار و به برمه تبعید کرد، اثر آگوست شوفت (نقاش اتریشی) ـ مجموعهٔ خصوصی «بامبا»، لاهور ـ تاج بهادرشاه به همراه کرسی سلطنت وی در اختیار مجموعهٔ سلطنتی انگلستان است.

ب) اروپا و آمریکا؛ انقلاب و استعمار

کشورهای اروپایی در سده‌های پس از عصر رنسانس شاهد انقلاب[1]های سیاسی بزرگی بودند که به تغییرات سیاسی و اجتماعی عمیق و بنیادینی در این کشورها منجر شد. ظهور انقلاب صنعتی نیز تحولات مهمی در پی داشت که شتاب گرفتن و گسترش استعمار[2] از جملهٔ آنها بود.

ملکه ویکتوریا (۱۸۱۹ـ ۱۹۰۱ م)، اثر الکساندر باسانو ـ «گالری ملی پرتره»، لندن

۱ـ انگلستان، انقلابی برای نظام مشروطه؛ در اواخر قرن ۱۷م تحول سیاسی بزرگی در انگلستان رخ داد که بر جهان پس از خود تأثیر چشمگیری گذاشت. اگرچه از قرن ۱۳م در انگلستان مجلس (پارلمان) به وجود آمده بود اما این نهاد قدرت چندانی نداشت. در سال ۱۶۴۶م میان مجلس به رهبری **الیور کِرامولِ**[3] و **چارلز یکم**[4]، پادشاه انگلستان، جنگی درگرفت که به پیروزی مجلس انجامید. کرامول نظام پادشاهی را برانداخت و خود رئیس‌جمهور شد. او سپس به دلایل مذهبی با مجلس درگیر شد و آن را منحل کرد.

پس از مرگ کرامول، مجلس و نظام سلطنت دوباره احیا شدند، اما پادشاه انگلستان، به مجلس توجهی نداشت. ازاین‌رو، بار دیگر با یکدیگر ستیز کردند تا اینکه مجلس پیروز شد (۱۶۸۸م). این اتفاق در تاریخ انگلستان به **انقلاب با شکوه** شهرت دارد.

یکی از پیامدهای این انقلاب این بود که منشأ الهی سلطنت نفی و مجلس منشأ قدرت و تعیین‌کنندهٔ اختیارات پادشاه شناخته شد. انگلستان پس از انقلاب باشکوه، رقبای بزرگی همچون اسپانیا و فرانسه را شکست داد و مستعمرات خود را در گوشه و کنار جهان گسترش داد. این کشور به ویژه در دوران حکومت طولانیِ **ملکه ویکتوریا** به قدرت اول جهان تبدیل شد و به بخش‌های بزرگی از آفریقا، آسیا، اقیانوسیه و آمریکای شمالی دست یافت.

۲ـ آمریکا در راه استقلال؛ سرزمین آمریکا تا قرن ۱۸ شامل تنها چند ایالت در ساحل اقیانوس اطلس بود. ایالت‌های ساحل شرقی بر ویرانه خانه‌ها، مزارع و املاک بومیان سرخ‌پوست بنا شده بود. اروپاییان زیادی به دلایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، اروپا را ترک کرده و در سرزمین‌های تازه تصاحب شده منزل گزیدند. بریتانیا بر اکثر این مناطق حکومت می‌کرد.

در نتیجهٔ وضع قوانین سخت توسط دولت انگلیس و تمایل اشراف آمریکایی به بیرون راندن رقیب و تحریکات فرانسویان، مردم این سرزمین برای رسیدن به استقلال وارد جنگ طولانی با انگلستان شدند (۱۷۷۵م). این جنگ سرانجام با پیروزی مستعمره‌نشینان و

۱ـ انقلاب (Revolution) به معنای دگرگونی سریع و بنیادی همراه با تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و گاه اجتماعی در یک کشور است.

۲ـ استعمار (Colonization) در لغت به معنی آباد کردن است و در اصطلاح عبارت است از تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشوری قدرتمند بر کشور یا سرزمینی دیگر برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و اقتصادی و گاه استفاده از امکانات نظامی آن کشور یا سرزمین.

۳ـ Oliver Cromwell

۴ـ Charles I

استقلال آمریکا به پایان رسید(۱۱۶۲ش/ ۱۷۸۳م) و جورج واشنگتن[1] به عنوان نخستین رئیس‌جمهور این کشور انتخاب شد (۱۷۸۹م).

دولت آمریکا پس از استقلال این کشور با پیشروی به سوی غرب و کشتار وسیع سرخ‌پوستان که ساکنان و صاحبان صدها سالهٔ اصلی آمریکا بودند، سرزمین‌های وسیعی را تصاحب کرد. در جنوب هم، با اشغال سرزمین پهناوری از مکزیک، بزرگ‌ترین ایالت‌های جنوبی و جنوب غربی مانند کالیفرنیا و تگزاس را به ایالات خود افزود. این دولت همچنین با بهره‌گیری از نیروی کار بردگان آفریقایی اقتصاد خود را توسعه بخشید و در پایان سدهٔ ۱۹م به پیشرفت‌های وسیع سیاسی، اقتصادی و صنعتی دست یافت و به رقیبی برای کشورهای استعمارگر اروپایی تبدیل شد.

نگارهٔ جورج واشنگتن (۱۷۲۲ـ۱۷۹۹ م)، اثر گیلبرت استوارت ـ نگارخانهٔ ملی هنر، واشنگتن

نگارهٔ تکومسه (Tecumseh)، رهبر جنگجوی قبایل سرخ پوست که در برابر پیشروی سربازان آمریکایی مقاومت بسیاری کرد (اوایل قرن ۱۹ م).

فعّالیت ۵

بررسی شواهد

در ژوئیهٔ ۱۷۷۶م مستعمره‌نشینان که برای کسب استقلال با انگلستان می‌جنگیدند، اعلامیهٔ استقلال ایالات‌متحده را صادر کردند. در مقدمهٔ این اعلامیه آمده است: «ما این حقایق را بدیهی می‌انگاریم که همهٔ انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و آفریدگارشان حقوق سلب نشدنی معینی به آنها اعطا کرده است که حق زندگی، آزادی و جست‌وجوی خوشبختی از جملهٔ آنهاست...».

با بررسی رفتار غیرانسانی سفیدپوستان آمریکا در قتل چندمیلیون سرخ‌پوست که ساکنان اصلی آن سرزمین بودند و نیز بردگان سیاه‌پوست آفریقایی، میزان پایبندی آمریکا به اعلامیهٔ استقلال را تجزیه و تحلیل کنید.

۱ـ George Washington

۳ـ فرانسه، انقلابی برای آزادی و برابری؛ کشور فرانسه در قرن ۱۸م به سبب شکست نظامی از انگلستان و صَرف منابع مالی هنگفت در سرزمین آمریکا برای عقب نماندن از مسابقهٔ استعماری به راه افتاده، با ورشکستگی اقتصادی و ضعف سیاسی و نظامی روبه‌رو شد. از نظر اجتماعی نیز در فرانسه مشکلاتی به وجود آمد. جامعهٔ فرانسه در آن زمان دارای سه طبقهٔ اجتماعی مشخص بود :

الف) طبقهٔ ممتاز شامل اشراف و زمین‌داران بزرگ که علاوه بر داشتن امتیازات بسیار، از پرداخت مالیات معاف بودند.

ب) طبقهٔ متوسط که اغلب تحصیل کرده بودند و مشاغلی همچون وکالت، نویسندگی، طبابت، روزنامه‌نگاری و تجارت داشتند. آنها از اینکه طبقهٔ ممتاز برایشان امتیازی قائل نبود، به‌شدت ناراضی بودند.

پ) طبقهٔ فقیر جامعه که در این زمان جمعیت بسیار زیادی بودند و بار اصلی مالیات‌ها و خدمات نظامی بر دوش آنان بود. اینان حکومت فرانسه و طبقهٔ ممتاز را عامل سیه‌روزی خود می‌دانستند.

سردیس ژان ژاک روسو (۱۷۱۲ـ ۱۷۷۸م)، اثر ژان آنتوان هودون ـ موزهٔ متروپولیتن، نیویورک

در کنار این عوامل، تحولات فکری جامعهٔ فرانسه نیز نقش بزرگی در پیدایش انقلاب داشت. در این کشور تحت تأثیر عصر روشنگری اروپا، فلاسفه و روشنفکرانی ظهور کردند که اندیشه‌های آنان مردم را به سوی انقلاب رهنمون ساخت. گروهی از این روشنفکران که به **اصحاب دایرةالمعارف** شهرت داشتند، با طرح مباحث علمی و ادبی شروع به انتقاد از وضع موجود کردند. **وُلتِر، مونتِسکیو و روسو**[1] سه تن از مشهورترین روشنفکران فرانسه در این دوره بودند. ولتر از اطاعت انسان از عقل مادی و مبارزه با خرافات سخن می‌گفت. مونتسکیو از تفکیک قوای سیاسی و حقوق بشر دفاع می‌کرد. روسو نیز بر اهمیت انتخابات تأکید می‌کرد و تشکیل حکومت را حاصل قراردادی اجتماعی می‌دانست. این‌گونه نظریات دیدگاه مردم فرانسه را تغییر داد. غفلت لویی شانزدهم از احوال مردم از یک سو و تجملات و ولخرجی‌های او و درباریان از سوی دیگر آتش خشم مردم را شعله‌ور ساخت.

بیشتر بدانیم

نامه‌های ایرانی

شارل مونتسکیو از متفکران عصر انقلاب فرانسه است. **روح‌القوانین** و **نامه‌های ایرانی** مهم‌ترین آثار اوست. او در نامه‌های ایرانی، از زبان دو مسافر ثروتمند ایرانی در فرانسه، به شکل غیرمستقیم آموزه‌های کلیسا و اخلاق عمومی فرانسویان را زیر سؤال می‌برد و از استبداد حاکم انتقاد می‌کند. مونتسکیو در مقدمهٔ کتاب به کوته‌فکری فرانسویان طعنه می‌زند که نمی‌دانند ایران کجاست و همچنین غیر از فرانسوی‌ها، ملت‌های دیگری نیز در جهان وجود دارند.

نگارهٔ مونتسکیو(۱۶۸۹ـ ۱۷۵۵م)

۱ـ Rousseau

سرانجام در ۱۴ ژوئیهٔ ۱۷۸۹م (۱۱۶۸ش) مردم اغلب بینوا و خشمگین پاریس با حمله به **زندان باستیل** انقلاب خود را آغاز کردند. انقلابیون سرانجام **لویی شانزدهم**، پادشاه مستبد فرانسه را وادار به امضای قانون اساسی جدید و پذیرش نظام مشروطهٔ سلطنتی کردند. مدتی بعد، انقلابیون تندرو پادشاه را عزل و نظام جمهوری را برقرار نمودند. آنان سپس لویی و همسرش، **ماری آنتوانت** را اعدام کردند. اعدام این دو و بسیاری از مخالفان با گیوتین و همچنین افکار و شعارهای آزادی‌خواهانهٔ انقلابیون موجب ترس و خشم دولت‌ها در کشورهای اروپایی شد. در نتیجه، آنها با فرانسه وارد جنگ شدند. طی این جنگ‌ها یکی از فرماندهان ارتش فرانسه به نام **ناپلئون بناپارت** با پیروزی‌های درخشانی که به دست آورد، به شهرت رسید. او با اجرای یک کودتا به قدرت دست یافت (۱۷۹۹م) و سپس به عنوان امپراتور فرانسه انتخاب شد. در دوران حکومت ناپلئون (۱۸۰۴ـ ۱۸۱۴م) تحولات سیاسی و نظامی زیادی در اروپا و ایران صورت گرفت و او مانند بسیاری از حاکمان پیشین، در مصر و آفریقا جنایات زیادی کرد.

تابلوی نقاشی حملهٔ انقلابیون فرانسه به زندان باستیل، نماد استبداد ـ پاریس ـ ۱۷۸۹م، اثر منسوب به ژان بتیست لالمان ـ موزهٔ انقلاب فرانسه، پاریس

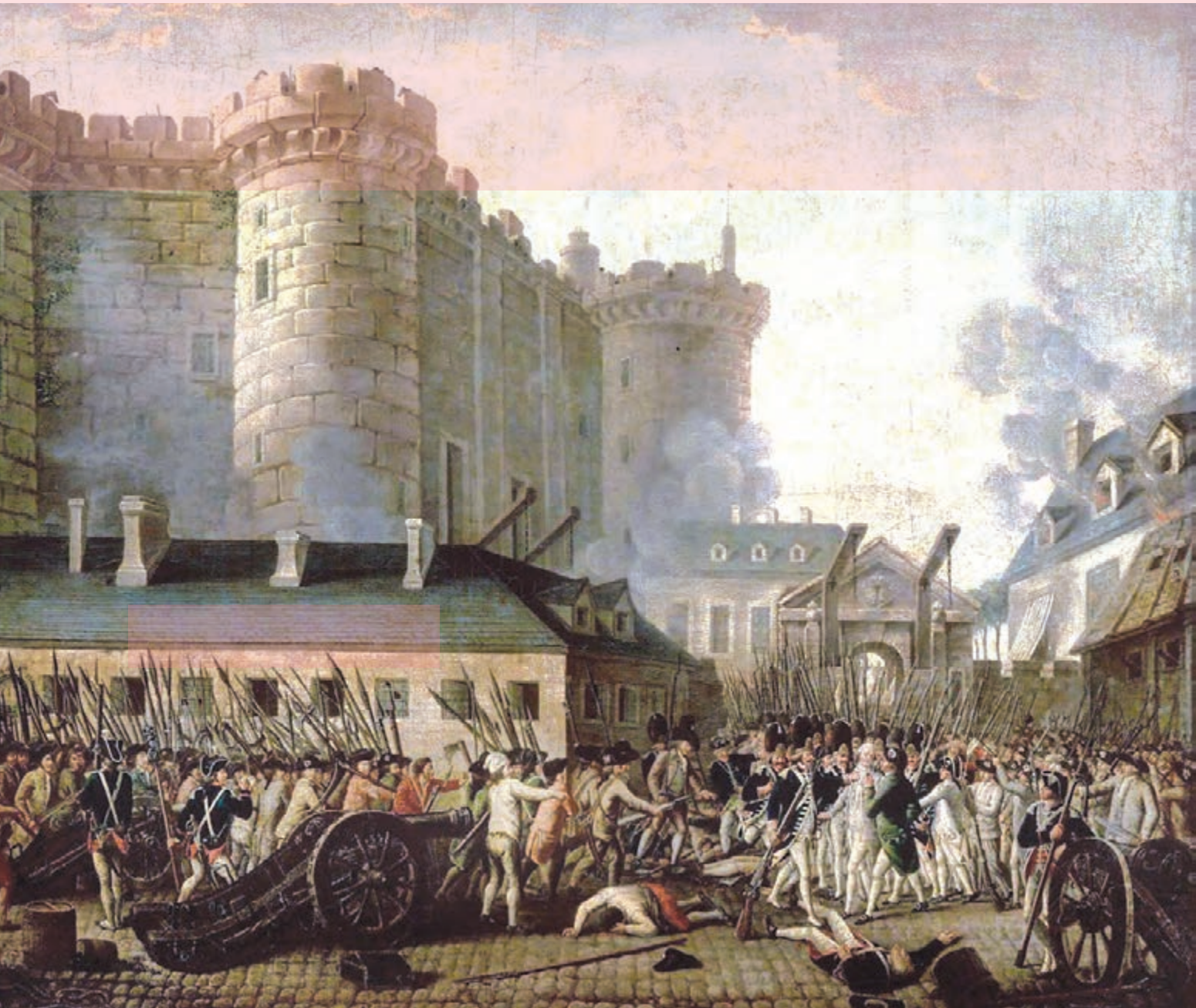

۴ـ انقلاب صنعتی، دگرگونی جهان؛ تا اواخر قرن ۱۸م عامل اصلی تولید نیروی بازوی انسان بود. صنعتگران برای تولید کالای بیشتر، مهارت های فکری، جسمی و هنری خود را به کار می‌بستند و از دیگر نیروهای طبیعت، مانند آب و باد، کمتر استفاده می‌کردند. در انقلاب صنعتی نیروی محرکهٔ آب و سپس بخار جایگزین نیروی جسمی انسان شد. این انقلاب با اختراع و تکمیل **ماشین بخار** در انگلستان آغاز گردید. اگرچه سرازیر شدن ثروت افسانه‌ای سرزمین‌های استعمار شده‌ای مانند هند و آمریکا (قبل از قرن ۱۸) و همچنین نظام گستردهٔ برده‌داری و تجارت پرسود آن نیز، به شکل‌گیری انقلاب صنعتی کمک کرد.

تابلوی «آهن و زغال‌سنگ» اثر «ویلیام بل‌اسکات» (نقاش اسکاتلندی)، اواسط سدهٔ نوزدهم ـ موزهٔ «والینگتون هال»، انگلستان
ویلیام بل‌اسکات از اولین هنرمندانی است که صحنه‌های متعددی از عصر انقلاب صنعتی را به تصویر کشیده است.

نخستین تحول صنعتی در نساجی و پارچه‌بافی صورت گرفت. سپس، این انقلاب در کشاورزی، حمل و نقل و دیگر بخش‌های تولید نیز رخ داد و در نتیجهٔ آن، تولیدات صنعتی افزایش قابل توجهی یافت. انقلاب صنعتی موجب تغییر مناسبات انسانی، اجتماعی و اقتصادی در اروپا و جهان شد؛ زیرا در نتیجهٔ صنعتی شدن، کشورهای اروپایی به مواد اولیه، نیروی کار ارزان، بازار فروش محصولات، سرمایهٔ مادی فراوان و حمایت دولت‌ها نیاز پیدا کردند. این امر دو پیامد مهم داشت:

الف) گسترش استعمار و غارت کشورهای آسیایی و آفریقایی،

ب) افزایش استثمار و بهره‌کشی از کارگران (در داخل اروپا).

انقلاب صنعتی اگرچه موجب قدرت و رفاه بیشتر اروپاییان شد، اما مسائل و مشکلات بزرگی همچون گسترش بی‌رویهٔ شهرها، رشد سریع جمعیت، به وجود آمدن فاصلهٔ طبقاتی، نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی و آلودگی‌های زیست‌محیطی به‌وجود آورد.

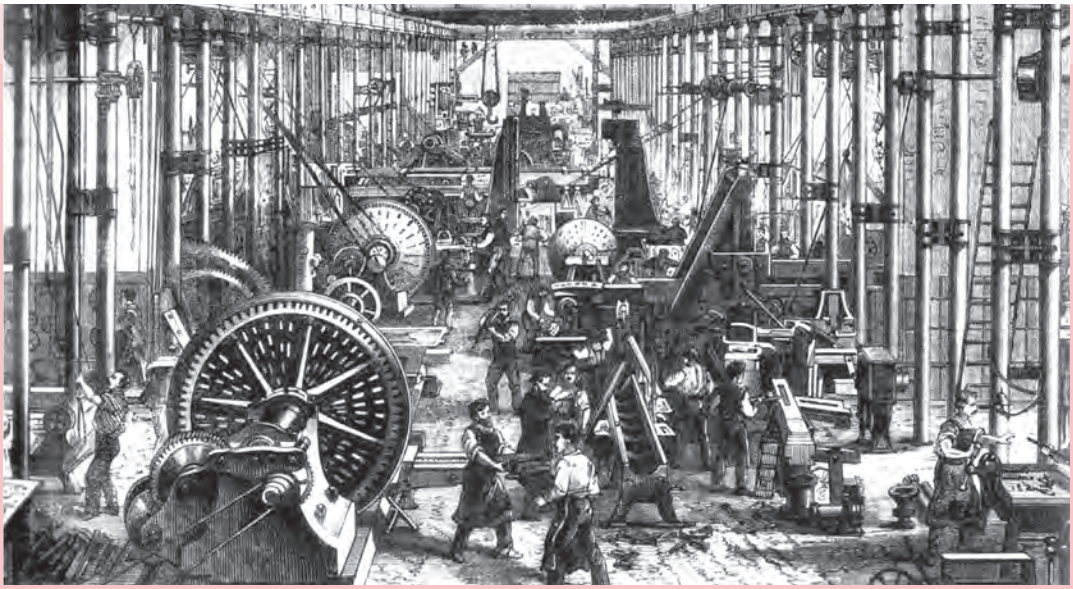

نگارهٔ یکی از کارخانه های صنعتی بزرگ آلمان ـ ۱۸۶۸م

۵ـ روسیه در مسیر توسعه‌طلبی نظامی؛ روسیه تا پیش از به قدرت رسیدن پترکبیر[1] (۱۶۸۲ـ ۱۷۲۵م) در رقابت استعماری اروپاییان جایگاهی نداشت. اما سیاست و اقدام‌های پترکبیر، این کشور را متحول کرد و در مسیر توسعه‌طلبی سیاسی و نظامی قرار داد. او با استخدام کارشناسان اروپایی، تأسیس مدارس و دانشگاه‌های جدید و تقویت ارتش به ویژه نیروی دریایی، این کشور را وارد مسابقه استعمار کرد. یکی از برنامه‌های پتر برای قدرتمندشدن روسیه، گسترش سرزمین روسیه و دستیابی به دریاهای آزاد برای کسب منافع تجاری و سیاسی بود. جانشینان او تلاش کردند به این برنامه عمل کنند و به همین سبب در نواحی شرقی اروپا و حوزهٔ دریاهای بالْتیک، سیاه و کاسْپی (خزر) اقدامات نظامی وسیعی انجام دادند. این اقدامات موجب جنگ‌های متعدد روسیه با ایران، عثمانی و برخی کشورهای اروپایی، نظیر فرانسه شد.

پرترهٔ «پتر کبیر»؛ بنیان‌گذار روسیهٔ جدید، اثر «گادفری نِلِر» ـ بنیاد مجموعهٔ سلطنتی بریتانیا

در این نقاشی پتر تمام قد با زره درخشان و ردای سلطنتی خزدار طلادوزی شده در حالی‌که تاجش در سمت چپ در کنار اوست و کشتی‌های روسی در سمت راست دیده می‌شوند، کشیده شده تا اعلام کنندهٔ مواضع روسیه به‌عنوان یک قدرت دریایی و امپراتوری نظامی در کنار اروپا در عصر استعمار باشد.

پرسش‌های نمونه

۱ـ وضعیت سیاسی و نظامی ایران در دوران افشاریه و زندیه را با عصر صفویه مقایسه کنید.

۲ـ قضاوت خود را دربارهٔ شخصیت نادر و نقش او در تاریخ ایران در پنج سطر بیان کنید.

۳ـ علل، آثار و نتایج ضعف و ناکارآمدی نظام اداری (دیوان‌سالاری) ایران در دوران افشاریه و زندیه را توضیح دهید.

۴ـ به نظر شما، انقلاب باشکوه انگلستان چه تأثیراتی بر اروپای قرن هیجدهم گذاشت؟

۵ـ علل اجتماعی ـ سیاسی، فکری و فرهنگی انقلاب بزرگ فرانسه چه بود؟

۶ـ انقلاب صنعتی چه آثار و پیامدهایی داشت؟

۱ـ Peter the Great

درس ۳

سیاست و حکومت در عصر قاجار

(از آغاز تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه)

در آغاز قرن ۱۳ق/۱۹م، هم‌زمان با اوج‌گرفتن رقابت دولت‌های اروپایی برای تسلط سیاسی ـ اقتصادی بر کشورهای مشرق زمین، حکومت قاجار در ایران تأسیس شد. در این درس شما با استفاده از شواهد و مدارک، تحولات سیاسی ـ نظامی، تشکیلات و نهادهای حکومتی و روابط خارجی ایران را در عصر قاجار بررسی و تحلیل خواهید کرد.

فعّالیت ۱

بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر و با توجه به مطالبی که در درس۲ خوانده‌اید، دربارهٔ تأثیر وقوع انقلاب‌های سیاسی و صنعتی در کشورهای اروپایی (قرن ۱۸م) بر روابط آن کشورها با ایران در دورهٔ قاجار بحث و گفت‌وگو کنید.

تحولات سیاسی

یک توضیح

پیشینهٔ ایل قاجار

ایل قاجار از جمله ایل‌های قزلباش بود که به شاه اسماعیل صفوی در تأسیس حکومت یاری رساندند. شاه عباس اول برای مقابله با حملات ازبکان، ایل قاجار را مانند بسیاری از ایل‌های دیگر به مناطق شمال شرقی ایران کوچاند و در ناحیهٔ استرآباد (دشت گرگان)، اسکان داد. قاجاریان پس از سقوط صفویه، برای مقابله با افغان‌های شورشی به تهماسب دوم صفوی پیوستند. سران ایل قاجار در درگیری‌های داخلی پس از سقوط صفویه، همواره در اندیشهٔ به‌دست گرفتن قدرت، با دیگر مدعیان کشمکش داشتند و دو تن از آنان (فتحعلی‌خان و پسرش محمد حسن‌خان) جان بر سر این هدف گذاشتند.

آقامحمدخان قاجار (۱۱۷۴ـ۱۱۷۵ش)

آقامحمدخان پسر بزرگ محمد حسن‌خان قاجار بود که پس از کشته شدن پدرش، به عنوان گروگان در شیراز، پایتخت کریم‌خان زند، به‌سر می‌برد و حتی مورد مشورت کریم‌خان قرار می‌گرفت. آقامحمدخان پس از مرگ کریم‌خان فرصت را غنیمت شمرد و از شیراز به استرآباد (گرگان) رفت و با متحد کردن افراد ایل قاجار، آمادهٔ رویارویی با زندیان شد. او نخست نواحی شمالی و مرکزی ایران را تصرف کرد و تهران را پایتخت خود قرار داد، سپس با غلبه بر لطفعلی‌خان زند و سرکوب طغیان حاکم گرجستان، در سال ۱۲۱۰ق/۱۱۷۴ش در تهران تاج‌گذاری کرد.

نقاشی دیواری اثر عبدالله خان نقاش باشی ـ «عمارت سلیمانیه» کرج ، استان البرز
در این نقاشی دیواری آقا محمد خان قاجار و پدرش محمدحسن خان قاجار و برادران و ولیعهدش و باقی بزرگان ایل قاجار نشان داده شده‌اند.

آقامحمدخان پس از تاج‌گذاری به عزم برچیدن بساط حکومت جانشینان نادرشاه و دستیابی به غنایم و گنجینهٔ جواهرات وی، راه خراسان را درپیش گرفت. او سپس به منظور برقرارکردن نظم و امنیت به منطقهٔ قفقاز لشکرکشی کرد و در همین زمان به‌دست چند تن از همراهانش به قتل رسید (۱۲۱۱ق/ ۱۱۷۵ش).

آقامحمدخان برای ایجاد یکپارچگی سیاسی و بازگرداندن حاکمیت دولت مرکزی به سرتاسر قلمرو ایران بسیار کوشید، ولی به سبب بی‌رحمی و کینه‌توزی‌اش در برخورد با مخالفان و رقیبان که تا حدودی ریشه در ستم‌هایی داشت که در زمان کودکی و نوجوانی بر او رفته بود، در تاریخ نام او به نکویی برده نمی‌شود.

بیشتر بدانیم

تهران چگونه پایتخت شد؟

تهران تا دویست سال پیش، آبادی خوش آب و هوایی در دامنهٔ رشته کوه البرز در شمال شهر کهن ری بود و شاه‌راه‌هایی که شرق و غرب ایران را به هم متصل می‌کرد، از کنار آن می‌گذشت. شاه تهماسب صفوی به این آبادی توجه خاصی نشان داد و به دستور او بارو و خندقی به دور آن کشیده شد. تهران برای نادرشاه اهمیت نظامی داشت و به همین سبب، او پسرش، رضاقلی میرزا، را حاکم آنجا کرد. نادر پس از بازگشت از هندوستان مجلسی از علمای مذهبی در این محل تشکیل داد. کریم‌خان زند نیز به تهران توجه داشت؛ چنان که در سال ۱۱۷۲ق در تهران بر تخت سلطنت نشست و برای آباد کردن آن کوشید. او قصد داشت آنجا را پایتخت خود کند. به این ترتیب، تهران به تدریج با مجهز شدن به بناهایی با کارکردهای سیاسی، نظامی، مذهبی و اقتصادی و داشتن جمعیت کافی، در اواخر دورهٔ زندیه ویژگی یک شهر را یافت. آقامحمدخان قاجار با انتخاب تهران به پایتختی، در این شهر تاج‌گذاری کرد و به نام خود سکه زد و بناهای حکومتی و تأسیسات دفاعی این شهر را گسترش داد.

علل انتخاب شهر کوچک تهران به عنوان پایتخت توسط آقامحمدخان قاجار چنین برشمرده شده است: نزدیک بودن به خاستگاه ایل قاجار در مازندران و استرآباد؛ موقعیت راهبردی (استراتژیک) و ارتباطی مناسب؛ وجود منابع آب کافی، آب و هوای مناسب و هم‌جواری آن با سکونتگاه ایلات افشار و ساوجبلاغ و خلج‌های ساوه و عرب‌های ورامین که طرف‌دار آقامحمدخان بودند (**دانشنامهٔ جهان اسلام**، ج۸، مدخل تهران با تلخیص و تصرف).

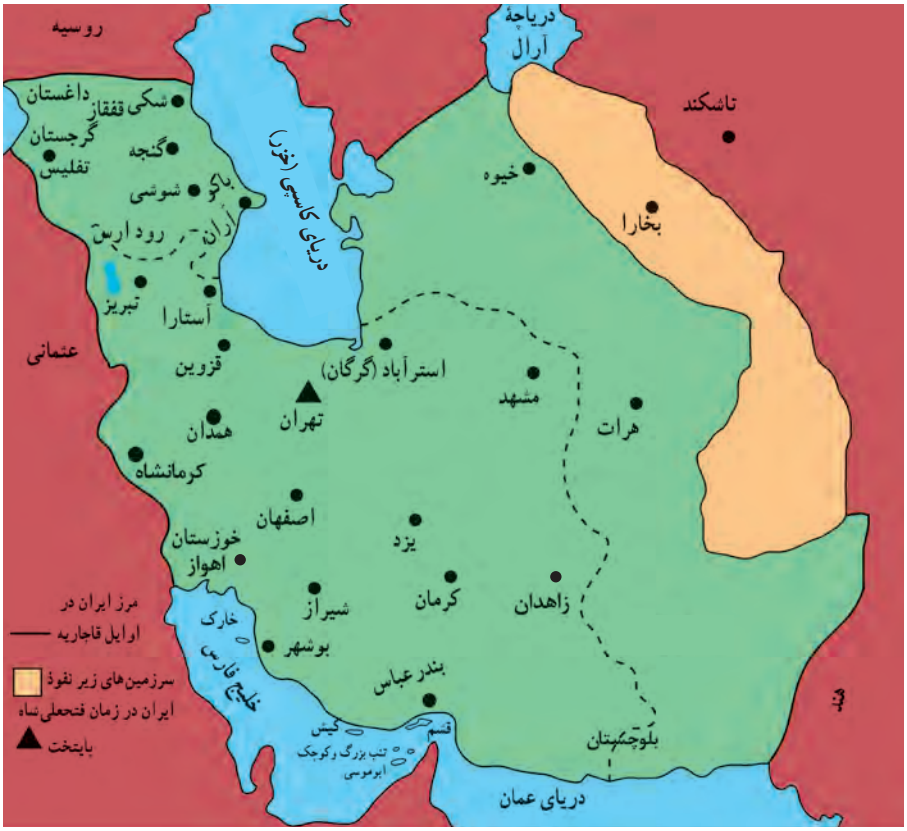

قلمرو حکومت قاجار در زمان فتحعلی شاه

فتحعلی‌شاه (۱۱۷۵ـ۱۲۱۳ش)

پس از مرگ آقامحمدخان، برادرزاده‌اش فتحعلی‌شاه زمام امور را به‌دست گرفت. سال‌های نخست سلطنت فتحعلی‌شاه به سرکوب شورش‌های داخلی و تحکیم پادشاهی در خاندان قاجار گذشت.در دوران سلطنت نسبتاً طولانی او، حکومت قاجار از یک سو با تهاجم نظامی گستردهٔ روسیه و از سوی دیگر با رقابت دولت‌های انگلستان و فرانسه برای نفوذ سیاسی و اقتصادی در ایران مواجه بود. فتحعلی‌شاه در حفظ یکپارچگی کشور و سامان دادن به اوضاع داخلی موفق بود اما در مقابله با تهاجم نظامی و نفوذ سیاسی کشورهای اروپایی ناکام ماند.

پرترهٔ فتحعلی شاه قاجار، اثر مهرعلی نقاش ـ موزهٔ «هنرهای زیبا» مجموعه سعدآباد، تهران

پرترهٔ عباس میرزا، اثر الله‌وردی افشار ـ «موزهٔ هنرهای شرقی،مسکو»

محمد شاه (۱۲۱۳ـ۱۲۲۷ش)

فتحعلی‌شاه پسرش، عباس‌میرزا، را به جانشینی خود برگزیده بود اما به دنبال مرگ زودهنگام این شاهزادهٔ لایق، مقام ولیعهدی به محمدمیرزا، فرزند عباس میرزا رسید. محمدمیرزا پس از مرگ فتحعلی‌شاه با تدابیر میرزا ابوالقاسم‌خان قائم‌مقام فراهانی و سرکوب چند تن از عموها و برادران خود، که مدعی سلطنت بودند، به تخت پادشاهی نشست. اگرچه تدابیر قائم‌مقام موجب سر و سامان یافتن امور کشور شد، ایستادگی او در مقابل زیاده‌خواهی‌های انگلیسی‌ها و تلاش برای کاستن از دخالت ناروای محمدشاه و درباریان در امور کشور، اسباب دسیسه‌گری مخالفانش را فراهم آورد و شاه را نسبت به این وزیر بزرگ بدبین کرد. در نتیجه، قائم‌مقام پس از هفت ماه از مقام وزارت برکنار و کشته شد و حاجی میرزا آقاسی، مراد و معلمِ درویش‌مسلک شاه، به‌جای او نشست. در دوران صدارت میرزا آقاسی، نفوذ دولت‌های روسیه و انگلستان در ایران افزایش یافت.

فعّالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک

وصف قائم مقام فراهانی را از زبان یکی از شاهزادگان قاجاری بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

«از عهد کیومرث که بنای سلطنت در ایران شد، چنان وزیری با تدبیر و دستوری بی‌نظیر به نظر ارباب بصیرت نرسیده. الحق که از جمیع علوم و کمالات آراسته، در علم عَرَبیّت و حکمت الهی استاد و در علوم ریاضی رایِض میدان بلاغت و استحضار... اشعار دَری و تازیش دُرّ شاهوار... باری با وجود کثرت مشاغل نهایت غرابت را دارد که شخصی به این قِسم بتواند از هر علمی از علوم با بهره باشد ... از هنگام حرکت محمدشاه از آذربایجان تا پنج ماه توقف در دارالخلافهٔ طهران، قائم‌مقام به اقتدار گذرانیده، به طریقی که احدی بدون اذن وی قدرت رفتن خدمت شاه را نداشته و محمدشاه بدون اذن او دیناری به کسی نداده، چنانچه اگر هم مایل به بخشش بود هرآینه موجب ملامت قائم‌مقام می‌گردید. در این موارد که گرفت و گیر قائم‌مقام از حد اعتدال گذشت، جمعی دوستان بدو گفتند که این‌قدر بر پادشاه تنگ گرفتن و غدغن نمودن که هیچ کس نزد او آمد و رفت نکند و پادشاه معاشرت با احدی ننماید، درست نیست، عاقبت به تو کم مرحمت خواهد شد. در جواب گفته بود که این امور سلطنت را پادشاه درست مطلع نیست؛ چون که اول دولت است، می‌ترسم غافل شوم و غفلتی به هم رسد و کارهای پخته خام گردد. دلم به جهت زحمت‌های خودم خواهد سوخت» (**سفرنامهٔ رضاقلی میرزا** نوهٔ فتحعلی‌شاه، صص ۳۱ـ۳۲).

۱ـ با توجه به اینکه قائم‌مقام برای به سلطنت رساندن محمد شاه، پدر رضاقلی میرزا را از میان برداشت، آیا نویسنده انصاف را دربارهٔ او رعایت کرده است؟

۲ـ قضاوت و تحلیل شما از اقدام قائم‌مقام در ممانعت از دخالت ناروای شاه، حرم‌سرا و درباریان در ادارهٔ امور کشور چیست؟

محمدشاه قاجار در کنار صدراعظم خود میرزا آقاسی ـ موزه «مترو پولیتن»، نیویورک

ناصرالدین‌شاه (۱۲۲۷ـ۱۲۷۵ش)

پس از مرگ محمدشاه، ولیعهد او، ناصرالدین‌میرزا، با درایت میرزاتقی‌خان فراهانی بر تخت شاهی نشست. ناصرالدین‌شاه جوان در آغاز سلطنتش، میرزاتقی‌خان را با لقب امیرکبیر به مقام صدراعظمی برگزید و به او در ادارهٔ امور کشور اختیار تام بخشید. امیرکبیر که تربیت‌یافتهٔ قائم‌مقام بود، با استفاده از تجربه‌های سیاسی ارزشمند خود، علاوه بر سامان‌دادن به اوضاع کشور، برنامهٔ منسجمی‌را برای اصلاح امور سیاسی و اقتصادی کشور تهیه کرد و بخشی از آن را به اجرا درآورد. از جمله برنامه‌های اصلاحی امیرکبیر می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ تنظیم امور اداری و مالیاتی، نشر روزنامه، ایجاد مدرسه دارالفنون، جلوگیری از دخالت عناصر خارجی در امور داخلی ایران و تلاش در جهت استقلال اقتصادی کشور. امیرکبیر نیز با توطئه و دسیسهٔ مخالفان داخلی و خارجی به سرنوشت قائم‌مقام دچار شد و اصلاحاتش به نتیجهٔ مطلوب نرسید.

ناصرالدین شاه در سفر سوم به فرنگ ـ انگلستان، قصر هاتفیلد ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م ـ بنیاد مجموعهٔ سلطنتی بریتانیا

یک توضیح

ملاقات ناصرالدین‌شاه با لویی پاستور

«امشب پاستور معروف را که برای آدم سگِ هار گرفته معالجه و علاج پیدا کرده است، دیدم، شرح احوال او را در روزنامه‌جات خوانده بودم، حالا هم او را دیدم و با او خَیلی صحبت کردم. می‌گفت معالجهٔ این کار را خوب پیدا کرده‌ام... حالا پاستور در اینجا مدرسه دارد و درس می‌گوید و مردم مشغول تحصیل این کار هستند. حقیقت، این پاستور خیلی خدمت به انسانیت کرده است» (**روزنامهٔ خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان**، کتاب دوم، ص ۱۹۱).

ناصرالدین‌شاه شور و اشتیاق فراوانی به نوگرایی و اخذ تمدن اروپایی نشان می‌داد. او در دوران پادشاهی خود طی سه مسافرت خارجی، از چندین کشور اروپایی دیدن کرد و تحت تأثیر پیشرفت‌های علمی و صنعتی اروپاییان قرار گرفت. میرزاحسین‌خان سپهسالار، یکی از صدراعظم‌های عصر ناصری، نقش مؤثری در تشویق شاه برای سفر به فرنگ[1]، اخذ تمدّن اروپایی و ترغیب وی به دادن امتیازهای فراوان به انگلیس و روس تزاری داشت. اما برنامه‌های او به سبب مخالفت‌های داخلی و تردیدهای شاه به جایی نرسید. ناصرالدین‌شاه اگرچه ضرورت نوگرایی و جبران عقب‌ماندگی کشور را درک کرده بود، از نتایج سیاسی آن، که

۱ـ واژهٔ فرنگ فارسی شدهٔ کلمهٔ فرانک (Frank) یا فرانسه (France) است. اما فارسی زبانان این واژه را در مفهوم وسیع‌تری به معنای کل اروپا و جهانِ مسیحیت یا همهٔ جهانِ غرب به کار برده‌اند.

کاهش قدرت و اختیارات نامحدود شاه بود، به شدت وحشت داشت. برای مثال، او مدرسهٔ دارالفنون را نماد ترقی قلمداد می‌کرد و علاقهٔ فراوانی به انتشار کتاب و روزنامه داشت اما در عین حال، از نشر اندیشهٔ سیاسی جدید و ترویج افکار مشروطه‌طلبی و جمهوری‌خواهی در ایران سخت بیمناک بود. ازاین‌رو، اصلاحات عهد او به تغییر اساسی منجر نشد.

کاوش خارج از کلاس

با راهنمایی دبیر، بخشی از سفرنامه‌های ناصرالدین‌شاه به فرنگستان را انتخاب و گزارشی از خاطرات و بازدیدهای او در یک صفحه تهیه کنید.

در زمان ناصرالدین‌شاه نیز دولت‌های روسیه و انگلستان نفوذ سیاسی خود را در ایران افزایش دادند و برای کسب امتیازات اقتصادی در کشور ما به رقابت برخاستند.

ناصرالدین‌شاه در واپسین سال‌های حکومت، بیشتر وقتش را به سرودن شعر، نقاشی و شکار می‌گذراند. سرانجام، در آستانهٔ پنجاهمین سالگرد سلطنتش، میرزا رضا کرمانی که از هواداران ستم‌کشیدهٔ سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود، او را به قتل رساند.

میرزا رضا کرمانی (۱۲۲۶ـ ۱۲۷۵ ش)، عکاس: آنتوان سوریوگین ـ موزهٔ ملی هنرهای آسیایی واشنگتن دی‌سی

نظام سیاسی و اداری

مقام و جایگاه شاه

نظام حکومتی ایران تا پیش از انقلاب مشروطه، پادشاهی مطلقه و استبدادی بود. در چنین نظامی، شاه در رأس هرم قدرت قرار داشت و از اختیارات نامحدود برخوردار بود؛ عزل و نصب مقام‌های حکومتی و اعلام جنگ و صلح از جملهٔ اختیارات اساسی او به‌شمار می‌رفت. در واقع، شاه هر سه قوهٔ قانون‌گذاری، اجرایی و قضاوت را در انحصار خود داشت. شاهان قاجار خود را مالک جان و مال ایرانیان می‌شمردند و انتظار داشتند که همگان، از صدراعظم تا مردم عادی، فرمانشان را بی‌چون و چرا اطاعت کنند. با این حال، آنان در عمل نمی‌توانستند به‌طور کامل و همیشه قدرت استبدادی و اختیارات نامحدود خود را به‌کار ببندند؛ زیرا از یک سو فاقد ابزارهای لازم، مانند نظام اداری کارآمد و ارتش ثابت و حرفه‌ای، برای اعمال قدرت مطلقه بودند و از سوی دیگر، نفوذ اجتماعی و دینی روحانیت و مراجع شیعه، قدرت سیاسی و نظامی ایلات و نفوذ و دخالت قدرت‌های استعمارگر دامنهٔ قدرت و اختیار شاهان را تا حدودی محدود می‌کرد.

شاهان قاجار همچنین حرم‌سرای بزرگی داشتند. زنان حرم‌سرا به همراه ندیمه‌ها و خدمتکاران نفوذ زیادی در دربار و بیرون از آن داشتند.

مهدعُلیا(۱۲۲۰ـ ۱۲۹۰ق)، مادر ناصرالدین‌شاه، از زنان با نفوذ دربار قاجار

ملک نساء خانم عزت‌الدوله، خواهر ناصرالدین‌شاه و همسر امیرکبیر

صدراعظم

بعد از شاه، وزیر اعظم یا صدراعظم قرار داشت. صدراعظم بر پایهٔ اختیاراتی که شاه به او می‌داد، می‌توانست در تمام امور کشور اظهارنظر و مداخله کند، به حضور شاه برسد و برای وی نامه بنویسد. این صاحب‌منصب عالی‌مرتبه همچنین امکان این را داشت که از موقعیت خود برای اصلاح امور کشور، رونق کسب و کار و رفاه مردم بهره ببرد. در عصر قاجار نیز همچون دوران پیش از آن، وزیران و صدراعظم‌ها امنیت جانی و مالی کافی نداشتند و شمار قابل‌توجهی از آنان با دسیسهٔ درباریان و بدگمانی و خشم شاهان، جان و دارایی خود را از دست دادند.

نیم‌تنه‌ای از «ظلّ‌السلطان» فرزند ناصرالدین‌شاه به‌صورت سه‌رخ با لباسی آبی رنگ وتزیینات طلایی و نوار مرصع اُریب بر روی لباس و کلاه مشکی، اثر «اِل سولبرگ» ـ «موزهٔ ملی ملک»، تهران

حکومت ایالات و ولایات

والیان و حاکمان ایالات و ولایات، شهرها و روستاها عمدتاً از میان خاندان‌های زمین‌دار، اعیان یا بزرگان محلی، سران ایلات و عشایر و شاهزادگان قاجاری برگزیده می‌شدند. حاکمان ایالات و ولایات تا حدودی خودمختار بودند و بخش اعظم درآمد منطقهٔ تحت فرمان خویش را برای خود نگه می‌داشتند. شاهان قاجار از طریق برقراری پیوند ازدواج با خاندان‌های زمین‌دار، بزرگان محلی و مقام‌های بلندپایهٔ حکومتی به دنبال گسترش نفوذ و استحکام سلطنت خود بودند. ادارهٔ ایالت آذربایجان با مرکزیت شهر تبریز، همواره به عهدهٔ ولیعهد بود. والیان و حکام نیز، همچون پادشاه، با زیردستان خود رفتاری مستبدانه داشتند. بسیاری از شاهان قاجار و کارگزاران زیردست آنان اگرچه در برابر مردم ایران مستبد و ظالم بودند، اما نسبت به بیگانگان از خود ضعف و سستی نشان می‌دادند.

بیشتر بدانیم

صاحب‌منصبان شهری

در دورهٔ قاجار، برقراری نظم و امنیت در شهرها بر عهدهٔ کلانتر بود که تحت فرمان حاکم شهر و به کمک داروغه، میرشب، گزمه و محتسب انجام وظیفه می‌کرد. کلانتر همچنین بر کار مالیات‌گیری و عملکرد بازاریان و پیشه‌وران نظارت داشت. منصب کلانتر در بیشتر شهرها موروثی بود و او برای اعمال نظارت بیشتر، در هر محله یک نفر را به عنوان کدخدا برمی‌گزید. پس از تشکیل نیروی نظمیه در زمان ناصرالدین‌شاه، وظایف کلانتر به رئیس نظمیه سپرده شد.

تابلوی بزرگ «صف سلام » فتحعلی شاهی که در سال ۱۲۱۲ شمسی با رنگ روغن روی بستر گچ کشیده شده است.
در آن فتحعلی‌شاه در مرکز نشسته و نود نفر از فرزندان و نوه‌های او که همگی صاحب منصب و حکمران بوده‌اند، به صف شده‌اند تا به وی سلام دهند، اثر محمدعلی نقاش‌باشی ــ «باغ نگارستان»، تهران

تشکیلات اداری

نظام اداری ایران در اوایل عصر قاجار بسیار کوچک بود و به چهار اداره یا وزارت‌خانهٔ قدیمیِ مالیه، جنگ، عدلیه و امور خارجه محدود می‌شد. در دوران ناصرالدین‌شاه و تحت تأثیر مواجههٔ ایران با تمدن غربی، وزارت‌خانه‌های دیگری[1] به تشکیلات اداری افزوده شد. در آن زمان، وزارت‌خانه‌ها اغلب مکان و تجهیزات، کارکنان حقوق‌بگیر، دوایر محلی و حتی بایگانی منظم نداشتند و دامنهٔ فعالیتشان به ندرت از پایتخت فراتر می‌رفت. ادارهٔ این وزارت‌خانه‌ها اغلب به شکل موروثی در اختیار خانواده‌های سرشناسی بود که با یکدیگر رقابت داشتند و گاه سمت‌های اداری را میان خود خرید و فروش می‌کردند. پرسابقه‌ترین و گسترده‌ترین آنها، وزارت مالیه به ریاست مُستوفی‌الممالک بود و مستوفیانی که نسل اندر نسل به شغل مستوفیگری اشتغال داشتند آن را اداره می‌کردند. مستوفیان مسئولیت محاسبه و گردآوری مالیات‌ها و نظارت بر املاک دیوانی و سلطنتی (خاصه) را برعهده داشتند[2].

فعّالیت ۳

بررسی شواهد و مدارک

توضیح مورگان شوستر آمریکایی[1] دربارهٔ نحوهٔ عملکرد مستوفیان را بخوانید و اشکالات نظام مالیاتی را از آن استنباط و استخراج کنید.

«از نسل‌ها و ازمنهٔ سالِفه[2] مردمانی در ایران می‌باشند که آنها را مستوفی می‌خوانند. پیشه و شغل اکثر آنها ارثی است که از پدر به پسر رسیده است. آنها از وضع این کتابچه‌ها [کتابچه‌های میزان مالیات هر منطقه] مسبوق و از طریقهٔ پیچیده و درهمی که مالیات هر محل به‌وسیلهٔ آن حساب یا وصول می‌شود، مطلع بودند. هر یکی از پیشکاران یا مأمورینِ جزء، کتابچه‌های مالیاتی نقاط ابواب‌جمعی خودشان را ملکِ طِلق[3] خود می‌دانست، نه متعلق به دولت، اگر کسی می‌خواست از تفصیل آن کتابچه‌ها مسبوق شود، یا بداند که مالیات هر محل چقدر وصول شده و چقدر آن را برای خود ذخیره و پس نهاد نموده‌اند، مستوفیان مزبور متغیر و غضبناک می‌شدند» (شوستر، **اختناق ایران**، ص ۳۱۴).

۱ــ شوستر در سال ۱۲۹۰ش به خواست دولت ایران برای ساماندهی وزارت مالیه استخدام شد و برای مدت کوتاهی در ایران خدمت کرد.
۲ــ گذشته ۳ــ ملکی که شش دانگ آن متعلق به یک شخص باشد.

۱ــ داخله، تجارت، معارف و فواید عامه و پست و تلگراف
۲ــ آبراهامیان، **تاریخ ایران مدرن**، صص ۲۸ــ۳۲؛ فوران، **مقاومت شکننده**...، صص ۲۱۴و ۲۱۵

سازمان قضایی عصر قاجار از دو گونه محاکم تشکیل شده بود :

۱ـ محاکم عُرف که به تخلفات و جرایم سیاسی و امنیتی مانند شورش، سرقت، نزاع و عدم پرداخت مالیات رسیدگی می‌کردند. این محاکم را قضات و مأمورانی اداره می‌کردند که از مقام‌های حکومتی فرمان می‌بردند و حقوق می‌گرفتند.

۲ـ محاکم شرع که دعاوی مدنی مانند دعواهای خانوادگی، ملکی و ارث را حل و فصل می‌کردند. در این محاکم، روحانیان قضاوت می‌کردند و هزینه‌های رسیدگی برعهدهٔ طرفین دعوا بود.

ارتش و تشکیلات نظامی

آقامحمدخان قاجار با استفاده از جنگاوران ایل خود و دیگر ایل‌های متحد آن، قدرت را به‌دست گرفت. این ارتش مجهز به تیر و کمان، گرز، شمشیر و تفنگ‌های فتیله‌ای بود و به ندرت از توپخانه استفاده می‌کرد. ارتش ایلیاتی قاجار در جنگ با ارتش‌های اروپایی و به‌خصوص ارتش روسیه، که حرفه‌ای، آموزش‌دیده و مجهز به سلاح‌های آتشین جدید بود، ناکارآمدی خود را نشان داد. ازاین‌رو، عباس‌میرزا فرمانده جنگ‌های ایران و روس، درصدد برآمد با استفاده از دانش و تجارب کارشناسان نظامی فرانسه و انگلستان، ارتش ایران را تجدید سازمان و مجهز به سلاح‌های مدرن کند، اما تلاش‌های او به‌دلیل پیمان‌شکنی دولت فرانسه، بدعهدی دولت انگلیس و موانع و مشکلات داخلی بی‌نتیجه ماند. در اوایل عصر ناصری، امیرکبیر، صدراعظم باکفایت ایران، با جدیت تمام برای تشکیل ارتش حرفه‌ای و دائم اقداماتی انجام داد. یکی از مقاصد او از تأسیس مدرسهٔ دارالفنون، آموختن دانش‌نظامی‌جدید و اشاعهٔ آن و نیز تقویت توان جنگی و دفاعی کشور بود. پس از امیرکبیر، این اقدام نوگرایانهٔ او همچون سایر اقداماتش به فراموشی سپرده شد، تا اینکه ناصرالدین‌شاه امتیاز تأسیس یک واحد نظامی حرفه‌ای با عنوان **بِریگاد قَزاق** را به روسیه واگذار کرد. نیروی قزاق تشکیلات نظامی‌منسجم و منظمی‌بود که تا اواخر حکومت قاجار تحت فرماندهی افسران روسی فعالیت می‌کرد. نفرات این نیرو در اوج گسترش کمتر از ۱۰ هزار نفر بود و بیشتر به عنوان نیروی نگهبان شخص شاه و خاندان سلطنت و دفع‌کنندهٔ شورش‌ها و اعتراض‌های داخلی عمل می‌کرد و در حفظ مرزها و مقابله با هجوم خارجی کارایی چندانی نداشت.

بازدید ناصرالدین شاه از قشون در «میدان مشق» به همراه ولیعهد مظفرالدین میرزا و سپهسالار، اثر «محمدحسن‌خان افشار» ـ موزه «ملی مَلک»، تهران

تفاوت ابعاد شخصیت‌های اصلی با دیگر افراد حاضر در میدان مشق اولین موردی است که هنگام روبه‌رو شدن با این تابلوی بزرگ مشخص است. در این روش شخصیت‌های اصلی با ابعادی بزرگ‌تر نسبت به دیگر افراد با درجه‌های اجتماعی و موقعیت پایین‌تر رسم می‌شوند که به آن پرسپکتیو مقامی گفته می‌شود.در میدان مشق نیروهای نظامی به همراه دسته‌های موزیک در حال تمرین و رژه دیده می‌شوند. نقاش سعی کرده تمامی تمرینات قشون را در تابلو بگنجاند. نظم و تمرین را به‌خوبی می‌توان دید، به‌خصوص شلیک توپ ها به تحرک تابلو افزوده است. با این حال سه شخصیت اصلی همیشه و همه جا حضور دارند و از چشم ما دور نمی‌شوند. در پس زمینه اثر، کوه‌های اطراف تهران و ابرهایی پراکنده به تصویر کشیده شده‌اند و این منظره عمق میدان بیشتری به اثر بخشیده است.

فعّالیت ۴

بحث و گفت‌وگو

با توجه به این سخن ناصرالدین‌شاه که «... نه قشونی داریم و نه مهمات قشونی» و این گفتهٔ میرزا علی‌خان امین‌الدوله[1] که «ایران قشون منظم آبرومند می‌خواهد. ایران باید معابرش منظم باشد. هر ساعت سفارت‌خانه‌ای مراسلهٔ بالا بلند به وزارت خارجه نفرستد که فلان ایل در فلان راه مال‌التجارهٔ تبعهٔ مرا سرقت کرد» (امین‌الدوله، **خاطرات سیاسی**، صص ۶۹ و ۲۵۸)، دربارهٔ تأثیرات و پیامدهای داخلی و خارجی فقدان ارتش حرفه‌ای و ثابت در دورهٔ قاجار بحث و گفت‌وگو کنید.

۱ـ امین‌الدوله (۱۲۵۹ـ۱۳۲۲ق) سیاستمدار نوگرا و روشنفکر عصر ناصری و صدراعظم مظفرالدین‌شاه

روابط خارجی

هم‌زمان با شکل‌گیری حکومت قاجار در ایران، قدرت‌های اروپایی (روسیه، انگلستان و فرانسه) با اتکا به تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی و به پشتوانهٔ پیشرفت‌های علمی، صنعتی و اقتصادی، رقابت شدیدی را برای تسلط بر دیگر کشورها، از جمله ایران، آغاز کردند. زمامداران و مردم ایران که از تغییر و تحولات و پیشرفت‌های جوامع و کشورهای اروپایی ناآگاه یا کم‌اطلاع بودند، آمادگی لازم برای مقابله با چنین رویارویی سنگینی را نداشتند و در مقابل هجوم اروپایی‌ها به نوعی غافلگیر شدند.

روسیه

دولت روسیه از زمان پترکبیر، سیاست توسعه‌طلبانه‌ای را با هدف تسلط بر سرحدات شمالی ایران و عثمانی آغاز کرد. اقتدار نظامی نادرشاه و سپس آقامحمدخان مدت کوتاهی روس‌ها را وادار به عقب‌نشینی نمود اما در زمان حکومت فتحعلی‌شاه قاجار و پس از آنکه حاکم گرجستان خود را تحت حمایت دولت روسیه قرار داد، روس‌ها به منطقهٔ قفقاز لشکرکشی کردند و گرجستان را تصرف نمودند. این اقدام سرآغاز جنگ‌های ایران و روسیه به حساب می‌آید.

پیشروی ارتش ایران در نبرد سلطان آباد و شکست ارتش روسیه که بر بوم عظیم به ابعاد ۴/۱۵ در ۲/۰۳ مترمربع با رنگ روغن توسط نقاش ناشناس تصویر شده است. این تابلوی عظیم بخشی از تزیینات قصر عباس میرزا بوده که در سال ۱۲۰۶ شمسی توسط روس‌ها به عنوان غنیمت جنگی به کاخ زمستانی سن‌پترزبورگ منتقل شده است.

دور اول جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸ــ ۱۲۲۸ق/ ۱۸۰۳ــ۱۸۱۳م) که با هجوم نظامیان روسی آغاز شد، در طی حدود ۱۰ سال جنگ، سپاهیان ایران به فرماندهی عباس‌میرزا، رشادت و سلحشوری چشمگیری از خود نشان دادند و در مواردی روس‌ها را شکست دادند، این دور از جنگ‌ها سرانجام به سبب عدم توازن قدرت نظامی و اقتصادی دو کشور، ضعف سیاسی حکومت قاجار و پیمان‌شکنی دولت‌های فرانسه و انگلستان، به پیروزی روسیه و انعقاد **معاهدهٔ گلستان** انجامید. عباس‌میرزا، فرمانده سپاه ایران در این جنگ‌ها، هر آنچه در توان داشت برای جلوگیری از شکست ایران انجام داد.

پس از وقفه‌ای کوتاه، دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه (۱۲۴۱ــ۱۲۴۳ق/ ۱۸۲۶ــ۱۸۲۸م) شروع شد. از جمله علل شروع این دور از جنگ، یکی مشخص نبودن خطوط مرزی در عهدنامهٔ گلستان و ادعاهای ارضی جدید روس‌ها و دیگری فریاد کمک‌خواهی مردم مسلمان شهرها و روستاهایی بود که به واسطهٔ معاهدهٔ گلستان تحت سلطه و ستم روس‌ها قرار گرفته بودند. با صدور فتوای جهاد برخی از علما، عدهٔ زیادی از ایرانیان آمادهٔ جهاد شدند و حکومت قاجار را به اقدام نظامی برای آزادی سرزمین‌های ایرانی ترغیب کردند. در ابتدای جنگ، نیروهای ایرانی به فرماندهی عباس میرزا به سرعت بسیاری از مناطق اشغالی را آزاد کردند اما روسیه با تمام قوا و تجهیزات نظامی خود وارد عرصهٔ کارزار شد و در شرایطی که انگلستان برخلاف تعهداتش از کمک نظامی و مالی به ایران خودداری می‌کرد، سپاه ایران را شکست داد و حکومت قاجار را وادار به پذیرش **معاهدهٔ ترکمانچای** کرد. ناتوانی فتحعلی‌شاه در تأمین تدارکات سپاه و بی‌کفایتی و سستی برخی از فرماندهان، مانند آصِف‌الدوله و نیز اعتماد به وعده‌ها و قدرت خارجی در این شکست تأثیرگذار بود.

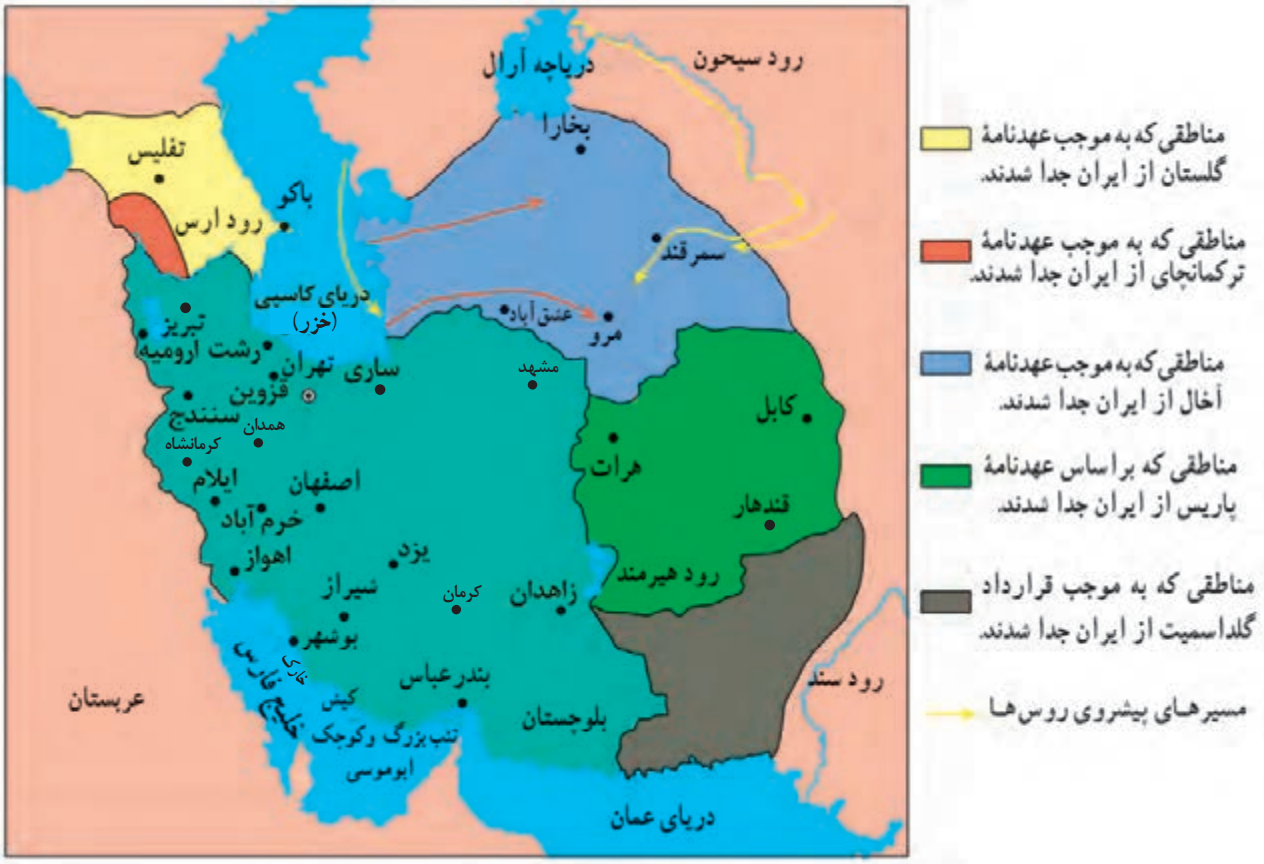

سرزمین‌های جداشده از ایران در دورهٔ قاجار

در نتیجهٔ قراردادهای گلستان و ترکمانچای، مناطق وسیعی از سرزمین‌های حاصلخیز ایران در غرب دریای کاسپی(خزر) که شامل ولایات گرجستان، داغستان، ارمنستان، نَخْجَوان و اَرّان (کشورهای کنونی گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان) با شهرها و روستاهای آباد و پرجمعیت بود، به روسیه واگذار شد و رود ارس مرز دو کشور قرار گرفت. به علاوه، ایران در عهدنامهٔ گلستان از داشتن کشتی جنگی در دریای کاسپی(خزر) محروم شد و در معاهدهٔ ترکمانچای نیز متعهد گردید که مبلغ ۵ میلیون تومان غرامت به دولت روسیه بپردازد و به اتباع آن کشور نیز حق مصونیت قضایی (کاپیتولاسیون) بدهد.

فعّالیت ۵

فکر کنیم و پاسخ دهیم

۱ـ با راهنمایی دبیر و با توجه به مطالبی که در درس‌های ۲ و ۳ خواندید، با یکدیگر همفکری کنید و دلایل شکست ایران از روسیه را در چارچوب محورهای مشخص شدهٔ زیر بیان کنید.

الف) نظامی:

ب) سیاسی:

پ) اقتصادی:

ت) مناسبات خارجی:

۲ـ به نقشه سرزمین‌های جدا شده از ایران در دوره قاجار نگاه کنید. چرا با اینکه سرزمین‌های جدا شده از ایران در معاهدهٔ گلداسمیت، پاریس و آخال بسیار وسیع است، دو معاهدهٔ ترکمانچای و گلستان بیشتر در ذهن مردم ایران، قبیح و ماندگار شده است؟

دست‌اندازی روسیه به خاک ایران بعد از معاهدهٔ ترکمانچای همچنان ادامه پیدا کرد. روس‌ها مناطق وسیعی از سرزمین‌های ایرانی در شرق دریای کاسپی (شامل کشورهای کنونی ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان) را تسخیر و **عهدنامهٔ آخال** (۱۲۹۹ق/۱۸۸۱ م) را بر حکومت قاجار تحمیل کردند.

فعّالیت ۶

تحلیل و قضاوت

پاسخ ناصرالدین‌شاه را به اعتراض دولت انگلستان به امضای قرارداد آخال توسط ایران بخوانید و تحلیل و قضاوت خود را دربارهٔ سیاست و کشورداری ناصرالدین‌شاه و موقعیت بین‌المللی حکومت قاجار بیان کنید.

«باید جواب نوشت: ما چیزی به روس ندادیم. شما که انگلیس هستید در این فقره داده‌اید. اگر از اول روس را از این همه پیش آمدن به سمت آخال و ترکمان رسماً و قویاً مانع می‌شدید، البته روس‌ها میدان جولان بازی خودشان را کمتر می‌کردند، بلکه هیچ نمی‌توانستند داخل شوند. وقتی که مثل شما دولتی قوی نتواند سد راه و خیال روس‌ها را بکند، ما به طریق اولی نمی‌توانیم. روس آمد آخال را گرفت؛ ما چه می‌کردیم؟ بعد گفت سرحد طبیعی خراسان و ترکمان را باید معلوم بکنید و قرار بدهید؛ ما چه می‌کردیم اگر قبول نمی‌کردیم؟ به رضایت خودش همان‌طور که آخال را تصرف کرد، حد طبیعی ترکمان را هم با خراسان به زور تصرف می‌کرد. آن وقت آیا ما باید با روس‌ها جنگ کنیم، آیا شما به ما امداد قشونی و پولی و اسلحه می‌کردید یا نه؟»

(نورائی، گفت‌وگوی ملکم‌خان با لرد سالیسبوری، **بررسی‌های تاریخی**، صص ۱۵۳ـ۱۵۴).

ارتباط حکومت قاجار با روسیه به روابط سیاسی و نظامی محدود نمی‌شد. روس‌ها یک قرارداد تجاری را ضمیمهٔ عهدنامهٔ ترکمانچای کردند که نتیجهٔ آن گسترش نفوذ اقتصادی آنان در ایران و تسلط بر بازار نیمهٔ شمالی کشور ما بود. علاوه بر آن، روسیه در رقابت با انگلستان امتیازات اقتصادی و سیاسی متعددی مانند **تأسیس بانک استقراضی**، **شیلات شمال** و **تأسیس نیروی قزاق** را گرفت.

انگلستان

سلطهٔ استعماری انگلستان بر هندوستان در سدهٔ ۱۸م، موجب توجه بیشتر انگلیسی‌ها به ایران شد. در اوایل دورهٔ قاجار، دولت انگلیس کوشید با اعزام سفیران کارکشته[1] به ایران و امضای معاهدات **مُجمَل** و **مُفصَل**، نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در میهن ما گسترش دهد و مانع آن شود که کشورهای رقیبش از طریق ایران به هندوستان برسند. این کشور همچنین با حضور در خلیج فارس و تسلط بر برخی از جزایر ایرانی، زمینه را برای گسترش نفوذ و دخالت سیاسی، نظامی و اقتصادی خود در این منطقهٔ راهبردی (استراتژیک) فراهم آورد.

فعّالیت ۷

بررسی شواهد و مدارک

مفاد عهدنامه‌های مجمل و مفصل را که دبیر در اختیار شما قرار می‌دهد، بخوانید و ضمن استخراج، تلخیص و مقایسهٔ تعهدات ایران و انگلستان، با توجه به محتوای درس، موارد نقض این تعهدات توسط طرفین را مشخص کنید.

تلاش برای جداکردن سرزمین‌های شرق ایران؛ از اواخر عهد فتحعلی‌شاه، دولت انگلیس درصدد برآمد که با جداکردن سرزمین‌های شرقی ایران، منطقه‌ای حائل و تحت نفوذ خود در مرزهای هندوستان به‌وجود آورد. به همین منظور، در زمان محمدشاه و ناصرالدین‌شاه از حاکم نافرمان هرات و دیگر امیران شورشی افغان حمایت کرد و با اقدامات سیاسی و نظامی خود مانع سرکوب این شورش‌ها توسط سپاه ایران شد. انگلستان سرانجام با تحمیل **معاهدهٔ پاریس** به حکومت قاجار، افغانستان و هرات را از ایران جدا کرد (۱۲۷۳ق). انگلیسی‌ها سپس با **قرارداد گلداسمیت**، مناطقی از سیستان و بلوچستان را نیز از ایران جدا و ضمیمهٔ خاک هندوستان کردند که خود بر آن فرمان می‌راندند.

گرفتن امتیازات اقتصادی؛ در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه، انگلیسی‌ها در رقابتی تنگاتنگ با روس‌ها، موفق به گرفتن امتیازات اقتصادی متعددی از ایران شدند که امتیازهای رویتر، بانک شاهنشاهی و توتون و تنباکو (رِژی یا تالبوت) از جملهٔ مهم‌ترین آنها بود.

امتیاز رویتر	امتیاز رویتر که قراردادی بین حکومت قاجار و یک یهودی انگلیسی به نام بارون رویتر بود، در زمان ناصرالدین شاه و با تلاش میرزا حسین خان سپهسالار بسته شد. در این قرارداد، حق احداث راه آهن و تراموا و بهره‌برداری از کلیه معادن و منابع ایران به جز طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی و نیز بهره‌برداری از جنگل‌ها و احداث قنات‌ها و کانال‌های آبیاری به مدت هفتاد سال و اداره گمرک و حق صدور همه نوع محصولات انگلیسی به ایران، به مدت بیست و پنج سال به رویتر واگذار شد. در مقابل رویتر تنها مبلغ دویست هزار لیره برای تأمین هزینه‌های سفر ناصرالدین شاه به اروپا به‌صورت وام پرداخت کرد. روس‌ها از منافع سرشاری که این قرارداد برای رقیب آنها در پی داشت ناراضی بودند و به آن اعتراض کردند و خواستار لغو آن شدند. در داخل کشور نیز مخالفت‌های شدیدی با این امتیاز صورت گرفت و مجتهد بزرگ تهران، حاج ملا علی کنی، به شدت با آن مخالفت کرد. سرانجام ناصرالدین شاه مجبور به لغو این قرارداد شد و رویتر هم در نهایت موفق شد امتیاز بانک شاهنشاهی را به مدت شصت سال به دست آورد.

۱ــ سِر جان ملکم (Sir John Malkom) و سر هارد فورد جونز (Sir Hardford Jones) و سر گور اوزلی (Sir Goure Ouseley) از جملهٔ این سفرا بودند.

واگذاری امتیازات موجب نگرانی مردم، به ویژه بازرگانان و روحانیان، از تسلط بیگانگان بر اقتصاد و منابع تولید کشور شد و اعتراضات و جنبش‌هایی را برانگیخت.

یکی از مهم‌ترین این جنبش‌ها، اعتراض در مقابل امتیاز تنباکو بود. در ماجرای امتیاز توتون و تنباکو، ناصرالدین شاه در برابر دریافت مبلغی ناچیز و یک چهارم سود سالانه، انحصار خرید و فروش تنباکو و توتون در داخل و خارج ایران را به مدت پنجاه سال به یک انگلیسی به نام تالبوت واگذار کرد. از این‌رو این قرارداد به قرارداد تالبوت مشهور شده است و چون نام شرکت تالبوت، «رژی» بود این عهدنامه را رژی نیز می‌نامند.

مردم ایران که می‌دیدند این قرارداد نوعی استثمار اقتصادی است، شروع به قیام و اعتراض نسبت به این قرارداد کردند. علما و روحانیون، رهبری این اعتراضات را به دست گرفتند و در نهایت مرجع بزرگ شیعه آیت‌اللّٰه میرزای شیرازی حکم تاریخی خود را صادر کرد : «بسم اللّٰه الرحمن الرحیم، الیوم استعمال تنباکو و توتون بأیّ نحوٍ کان، در حکم مبارزه با امام زمان عج اللّٰه تعالی فرجه است». این فتوا در کنار اعتراضات مردم، در نهایت شاه را مجبور به لغو قرارداد کرد.

نماز جماعت به امامت آیت الله میرزای شیرازی

فرانسه

همزمان با روی کار آمدن قاجارها در ایران، ناپلئون بناپارت در فرانسه قدرت گرفت. ناپلئون که سیاست توسعه‌طلبانه‌ای را در اروپا و جهان دنبال می‌کرد، با مانع بزرگی همچون انگلستان روبه‌رو شد که به‌دلیل جزیره‌ای بودن و برخورداری از نیروی دریایی قدرتمند، توان رویارویی مستقیم با آن را نداشت. بنابراین، تصمیم گرفت رقیب خود را با هجوم به مستعمراتش از پای درآورد. از این‌رو، نخست مصر را تصرف کرد و سپس درصدد حمله به هندوستان برآمد.

ناپلئون بناپارت، امپراتور فرانسه، اثر آندره آپیانی ــ موزهٔ تاریخ هنر وین، اتریش

از آنجا که ایران مناسب‌ترین راه دستیابی ناپلئون به هند بود، نمایندگان او یکی پس از دیگری راهی دربار قاجار شدند. فتحعلی‌شاه که درگیر جنگ با روسیه بود و به متحد قدرتمندی نیاز داشت، از پیشنهاد امپراتور فرانسه برای برقراری رابطه استقبال کرد. درنهایت، **عهدنامهٔ فین‌کِنِشتاین** (۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م) بین دو کشور بسته شد. پس از آن، هیئتی نظامی از فرانسه برای تعلیم و تجهیز سپاه به ایران آمد و در مدت کوتاهی اقدامات مفیدی در این زمینه انجام شد. اتحاد سیاسی و نظامی ایران و فرانسه زیاد دوام نیاورد؛ زیرا ناپلئون اندکی بعد تمام تعهدات خود در برابر ایران را زیر پا گذاشت و با روسیه صلح کرد؛ هیئت نظامی فرانسوی را از ایران فراخواند و حکومت قاجار را در مقابل روس‌ها تنها گذاشت. پس از این، روابط دو کشور فراز و نشیب‌های زیادی داشت و در حوزهٔ قراردادهای بازرگانی و همکاری‌های فرهنگی، به خصوص در زمینهٔ واگذاری امتیاز کاوش‌های باستان‌شناختی، ادامه یافت.

عثمانی

در عصر قاجار دو کشور مسلمان ایران و عثمانی به سبب درگیری‌های مستمر با دولت‌های اروپایی، مجال کمتری برای دشمنی و جدال با یکدیگر داشتند. با این حال، در زمان فتحعلی‌شاه و محمدشاه، به سبب اختلافات مرزی، بدرفتاری عثمانیان با زائران ایرانیِ عتبات عالیات و مشکلات تجاری، تنش‌هایی میان دو کشور بروز کرد اما با وساطت دولت‌های انگلستان و روسیه مذاکراتی میان ایران و عثمانی صورت گرفت و قراردادهای صلح **اَرْزَنَةُالروم اول** و **دوم** میان آنها بسته شد و به کشمکش‌ها پایان داد.

جدا از مواجههٔ سیاسی ــ نظامی، همواره میان ایران و عثمانی روابط بازرگانی و فرهنگی وجود داشت و کشور عثمانی یکی از مسیرهای آشنایی ایرانیان با پیشرفت‌های اروپا و تحولات نظام جهانی بود. در اواخر دورهٔ قاجار، با شکل‌گیری دسته‌بندی‌های سیاسی ــ نظامی‌تازه در اروپا و نفرت تاریخی مردم ایران از انگلستان و روسیه، عثمانی توانست با شعار «اتحاد اسلام» بخشی از اندیشمندان ایرانی را به سمت خود جلب کند.

روابط با سایر کشورها

حکومت قاجار برای کاستن از نفوذ و دخالت‌های روزافزون روسیه و انگلستان در امور ایران، تلاش می‌کرد که با کشورهای دیگر مانند آمریکا، اتریش، ایتالیا و بلژیک ارتباط برقرار کند، اما به سبب سنگ‌اندازی روس‌ها و انگلیسی‌ها و بی‌رغبتی این کشورها در این باره موفقیت چندانی به‌دست نیاورد.

پرسش‌های نمونه

۱ــ شرایط سیاسی ــ نظامی ایران با روسیه و انگلستان در عصر قاجار چه تفاوت‌های اساسی داشت؟

۲ــ چرا شاهان قاجار قادر به اعمال کامل قدرت استبدادی خود نبودند؟

۳ــ به نظر شما، مهم‌ترین آثار و پیامدهای زیانبار عهدنامهٔ ترکمانچای چه بود؟

۴ــ ایران در دورهٔ قاجار از چه جهاتی برای انگلستان اهمیت داشت؟

۵ــ علت اساسی توجه فرانسه به ایران در زمان ناپلئون چه بود؟ چرا روابط ایران و فرانسه در زمان فتحعلی‌شاه به شکست انجامید؟

۶ــ منابع مورد استناد در این درس را استخراج و فهرست کنید.

درس ۴

اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار

آشنایی با اوضاع اجتماعی، تحولات اقتصادی و جنبه‌های مختلف حیات علمی و فرهنگی ایران دورهٔ قاجار نظیر هنر و معماری، از مباحث مهم و کلیدی در مطالعات تاریخی این دوره محسوب می‌شود. شما در این درس با استفاده از شواهد و مدارک تاریخی، برخی از وجوه زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار را بررسی و تحلیل خواهید کرد.

خیابان چراغ گاز (امیرکبیر کنونی) تهران، دورهٔ قاجار ــ عکاس آنتوان سوریوگین، مجموعهٔ خصوصی مایرون بمنت اسمیت

فعّالیت ۱

بحث و گفت‌وگو

به چند گروه ۳ تا ۵ نفره تقسیم شوید و دربارهٔ این موضوع که شناخت گروه‌های اجتماعی دورهٔ قاجار از چه جهاتی در فهم تاریخی ما از این دوره اهمیت دارد، با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنید. سپس، نمایندهٔ هر گروه جمع‌بندی نظرات گروه را در کلاس ارائه دهد.

اوضاع اجتماعی

جامعهٔ ایران در دورهٔ قاجار شامل اقوام و گروه‌های گوناگونی می‌شد که سه شیوهٔ زندگی روستایی، ایلی ــ عشایری، و شهری داشتند.

الف) روستاییان

به استثنای اربابان و زمین‌داران، جمعیت روستایی اغلب افرادی بودند که زمین نداشتند و در اراضی مالکان کار می‌کردند. برخی از گزارش‌ها نشان از آن دارد که روستاییان کم و بیش تحت ستم اربابان و مأموران مالیاتی بوده‌اند.

چهارراه گلوبندکِ تهران، رنگ روغن روی بوم، اثر «اسماعیل آشتیانی» ــ مجموعه خصوصی، تهران

ب) ایلات و عشایر

در رأس ایلات سران ایل قرار داشتند و تمام مناسبات و روابط حکومت و ایل زیر نظر آنها انجام می‌گرفت. افراد ایل به سبب کارهایی که برای رهبران خود انجام می‌دادند، نسبت به روستاییان وضعیت بهتری داشتند. آنان همواره به عنوان نیروهای مسلح در مواقع جنگ یکی از منابع تأمین نیروی نظامی حکومت قاجار به‌شمار می‌رفتند. سران ایلات اغلب در مناطق تحت نفوذ خود به‌طور مستقل حکومت می‌کردند.

بازار رشت، هنرمند ناشناس ــ «آرشیو ملی بریتانیا»، لندن

پ) شهرنشینان

در شهرها گروه‌های اجتماعی مختلفی از قبیل مقام‌ها و کارگزاران حکومتی، علما و دانشمندان، بازرگانان، اصناف و پیشه‌وران و کارگران می‌زیستند. شماری از شهرنشینان را افراد بیکار و تهیدست تشکیل می‌دادند.

یکی از گروه‌های اجتماعی عصر قاجار که در شهرها و روستاها زندگی می‌کردند، روحانیون بودند. آنان از دیرباز به دلیل بافت و ساختار مذهبی جامعه سنتی ایران در میان اقشار مختلف مردم نفوذ فراوانی داشتند و متکفل امور دینی بودند. معمولاً روحانیون به دلیل عدم وابستگی به حکومت و با توجه به آموزه‌های دینی، در مقاطعی از تاریخ معاصر ایران در برابر قدرت‌های خارجی ایستادگی کردند و اقدامات شاهان و درباریان قاجار را به چالش کشیدند.

بازارها هستهٔ اصلی نظام اقتصادی و اجتماعی شهرها بودند و شالودهٔ زندگی اجتماعی و اقتصادی را در مراکز شهری تشکیل می‌دادند. هر حرفه، کسب وکاری در بازار داشت و هر صنف در یک راسته فعالیت می‌کرد. اهالی شهرها در محلات مختلف زندگی می‌کردند. افراد نسبت به محلات خود به شدت احساس تعلق و افتخار می‌کردند. عوامل گوناگون قومی، مذهبی و شغلی سبب تمایز و تفاوت میان اهالی یک شهر در محلات گوناگون می‌شد.

بیشتر بدانیم

مُرَقّع در لغت به معنی جامه وصله‌دار یا جامه‌ای است که از تکه پارچه‌های مختلف درست شده باشد. در عرصهٔ هنر، مُرَقّع مجموعه‌ای از آثار یا آلبومی است از قطعات مختلف هنری شامل آثار گوناگون خوشنویسان، نقاشان، تصویرگران و مذهّبان که به شکل رقعه رقعه یا پاره پاره به یکدیگر پیوسته و شیرازه بسته و به‌صورت کتاب جلد شده است. تصاویری که می‌بینید برگرفته از «مرقّع اصناف» است؛ مجموعه‌ای از تصاویر که در دوران ناصرالدین شاه قاجار تهیه شده و اکنون در کتابخانهٔ «کاخ موزهٔ گلستان» نگهداری می‌شود. این مجموعه حرفه‌ها و مشغولیت‌های مردم دوران قاجار را نشان می‌دهد. این کتاب در بهار سال ۱۳۸۲ توسط سازمان میراث فرهنگی در تهران بازنشر شده است.

مشهدی محسن اتوکش سرِ مسجدِ میرزا موسی

مشهدی حمزه نطنزی شاه‌توت فروش

حاجی ابراهیم کلاه‌دوز

اوضاع اقتصادی

نظام تولید

در این دوره سه شیوهٔ تولید وجود داشت :

۱ــ شیوهٔ تولید سهم‌بری دهقانی، که در آن ساکنان روستاها و کشاورزان از تولید، سهم معینی را دریافت می‌کردند. روستاییان بی‌زمین اغلب روی اراضی مالکان کار می‌کردند. آنان در ازای بهره‌برداری از ملک ارباب، گاه تا یک سوم محصول را به عنوان بهرهٔ مالکانه به او تحویل می‌دادند. بخشی را نیز به عنوان مالیات به دولت می‌پرداختند و بخشی هم سهم خودشان می‌شد.

۲ــ شیوهٔ تولید خرده کالایی دولتی و خصوصی ویژهٔ اقتصاد شهری بود. این گروه از کارگران و اصناف و تولیدکنندگان شهری در کارگاه‌ها و مراکز تولید شهری به کار اشتغال داشتند.

۳ــ شیوهٔ تولید شبانکارگی (شبانی) یا ایلیاتی که مختص ایلات و کوچ‌نشینان بود؛ نظیر تولید گوشت، پوست، پشم، گلیم، فرش ایلاتی و لبنیات.

وضعیت صنایع و تأثیر واردات خارجی بر آن

با سقوط صفویان و آغاز بحران‌های شدید سیاسی و نظامی، کشور ما در عرصهٔ اقتصادی و تولید دچار رکود فراوانی شد اما با به‌قدرت رسیدن قاجاریه و فروکش کردن جنگ‌های داخلی، مجدداً در اوایل دورهٔ قاجار صنایع دستی در ایران رشد و رونق یافت. در این زمان، به علت جنگ‌های ناپلئون کالاهای صنعتی اروپایی چندان به ایران وارد نمی‌شد اما صنایع دستی ایران مانند منسوجات ابریشمی، شال، مخمل، زری‌باف، ظروف سفالی و لعاب‌دار، مُنَبّت‌کاری، قلم‌کاری، خاتم‌کاری و انواع اسلحهٔ گرم و سرد، با کیفیت خوب تولید می‌شدند و از لحاظ کیفیت و دوام در وضعیت مطلوبی بودند. با پایان یافتن جنگ در اروپا و سرازیر شدن سیل کالاهای اروپایی، صنایع دستی ایران به تدریج رو به انحطاط رفت. بسیاری از اروپاییان که در این زمان از ایران دیدن کرده‌اند، از نابودی و ضعف مراکز قدیمی و پررونق صنایع دستی ایران مثل کاشان، اصفهان، شیراز، کرمان و یزد خبر داده‌اند. کالاهای اروپایی، صدمهٔ شدیدی به صنایع ایران وارد آورد. در دورهٔ صدارت امیرکبیر تلاش‌های زیادی برای

احیای صنایع دستی ایران صورت گرفت اما با کشته‌شدن او این تلاش‌ها پیگیری نشد. حکومت‌های بی‌تدبیر و وابسته در ایران اجازه دادند تا شرکت‌ها، مستشاران و محصولات اروپایی به‌صورت بی‌برنامه وارد کشور شوند و درنتیجه پایه‌های تولید داخلی ضعیف شد. تداوم این نگاه از قاجار به پهلوی، ایران را درست در زمان اوج‌گیری علم، صنعت و تولید اروپاییان، به عقب‌ماندگی مضاعف دچار کرد. بدین‌ترتیب با آغاز مسابقه علمی، اقتصادی و صنعتی دوره مدرن، ایران به کلی از گردونه رقابت بیرون رفت.

طرح محرمات

طرح قابی / بندی

طرح ترنج‌دار

پارچه‌های ایرانی در طرح‌های مختلف تولید می‌شد که در اینجا سه نمونه از آنها را می بینید که همگی در موزه «ویکتوریا ـ آلبرت» لندن نگهداری می‌شوند.

فعّالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک

متن‌های زیر را که هر دو دربارهٔ اصفهان عصر قاجار است، بخوانید و ضمن مقایسهٔ آنها با یکدیگر، به پرسش‌های مربوط به آنها پاسخ دهید.

متن ۱ـ «مشاهدهٔ علامات یا ارقام تجارتی عدل‌های کالا... هر فرد انگلیسی را خشنود می‌سازد... منچستر پارچه‌های بازار اصفهان را تأمین می‌کند... عمده ترین تجارتخانه‌ها در اصفهان نام و نشان بیگانه دارند» (کرزن، **ایران و قضیهٔ ایران**، ج ۲، ص ۵۱).

متن ۲ـ **جماعت چیت‌ساز؛** صنعتی بسیار بزرگ است. سابق خیلی جمعیت و رواج داشت. الان نسبت به پیش تخفیف کلی کرده .... متاعشان باز به همهٔ ولایات ایران می‌رود ولی قُماش[1] فرنگی خیلی بازارشان را شکسته، نصف از ایشان باقی نمانده است (تحویل‌دار اصفهانی، **جغرافیای اصفهان** ...، ص ۹۴).

جماعت زری‌باف؛ سابق زری‌بافی شیوع داشت و زری از پارچه‌های مرغوب ایران بود و مخصوص به اصفهان، لباس رنگین و زرّین بزرگان و شاهزادگان و خَلعت[2] سنگین سلاطین می‌شد ... حالا این صنف و این صنعت شکسته و منسوخ شده است، اکنون صانعش[3] حقیر و متاعش[4] قلیل است (**همان**، ص ۹۷).

جماعت نسّاج؛ سابق که پارچه‌های فرنگی شایع نبود، از اعلی و ادنی[5] حتی ارکان دولت و بعضی از شاهزادگان عِظام قَدَک[6] پوش

۱ـ پارچه ۲ـ گونه‌ای لباس از پارچهٔ ابریشمین زربفت و مجلل ۳ـ صنعتگر، تولیدکننده ۴ـ کالا ۵ـ فرادستان و فرودستان ۶ـ جامهٔ رنگین غیر ابریشمین

بودند. بدین جهت قدک‌های بسیار ممتاز خوب از هشت چله الی سی چله در اصفهان می‌بافتند... رنگ‌های پختهٔ صباغی[1] اصفهان را هم که بر آن می‌افزودند، نزاکتی[2] پیدا می‌نمود... چندین سال است پارچه‌های زرد و سرخِ باطن‌سستِ فرنگستان رواج گرفته، هر دفعه اَقِمشهٔ[3] ایشان طرح تازه بوده و هر کدام به نظرها تازگی داشته، مردم ایران جسم و جان خود را رها کردند و دنبال رنگ و بوی دیگران بالا رفتند و در واقع در این مرحله به ضررها رسیدند (همان، صص ۱۰۰ـ۱۰۱).

جماعت تفنگ‌ساز؛ بازار بزرگ مخصوص در اصفهان دارند. عهد خاقان مغفور[4]، استاد حسین نامی پیدا شد، تفنگ‌های مخصوص کارخانهٔ او معروف است. بهتر از استادان مشهور روسی قدیمی شد ... شاگردانی داشت که بعد از او خوب کار می‌کردند. باز هم استادان دیگر اصفهان متعدد بودند و هستند؛ این سنوات غالب اینها در کارخانه‌های طهران از بیکاری مرمت‌کاری می‌کنند (همان، ص ۱۰۸).

۱ـ برداشت شما از متن ۱ چیست؟ چه چیزی سبب خشنودی این انگلیسی شده است؟

۲ـ با بررسی دو متن، علت انحطاط و رکورد صنایع‌دستی ایران در دورهٔ قاجار را تحلیل و ارزیابی کنید.

۱ـ رنگرزی ۲ـ ظرافت و زیبایی ۳ـ جمع قُماش ۴ـ فتحعلی شاه

کشاورزی

با وجود اینکه مناسبات حاکم بر بخش کشاورزی، شیوه‌ها و ابزارهای تولید (تکنولوژی) این بخش دچار تغییر و تحول اساسی نشد، کشاورزی ایران اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی مانند گذشته یک کشاورزی معیشتی نبود. برخی از گزارش‌ها حکایت از چند برابر شدن تولید برخی از اقلام محصولات کشاورزی، به ویژه محصولات صادراتی مانند ابریشم، تریاک، تنباکو، پنبه و برنج، دارد. جنگ داخلی آمریکا[1] موجب افزایش تولید و صادرات پنبه از ایران به روسیه شد. بازرگانان روسی و ارمنی با حمایت‌های مالی، نصب دستگاه‌های پنبه‌پاک‌کنی، توزیع بذر و بالا بردن استانداردهای تولید به روند افزایش صادرات پنبه کمک کردند. در آستانهٔ جنگ جهانی اول، زمین‌های وسیعی از ایران زیر کشت پنبه بوده و میزان تولید بیش از ۳۰ هزار تن برآورد شده است.

فعّالیت ۳

بحث و گفت‌وگو

به نظر شما، افزایش تولید در برخی از شاخه‌های کشاورزی و بی‌توجهی به تولید کافی غلات چه نتایجی می‌توانست داشته باشد؟ آیا میان افزایش تولید برخی محصولات کشاورزی با قحطی‌های پیاپی و کمبود مواد غذایی به ویژه نان در دورهٔ قاجار ارتباطی وجود دارد؟ در این باره بحث و استدلال کنید.

تجاری شدن کشاورزی ایران در عصر قاجار تغییر چندانی در فنون کشاورزی ایران ایجاد نکرد اما موجب افزایش درآمد مالکان و مشارکت روزافزون تجار ایرانی و خارجی در صدور تولیدات برخی از محصولات کشاورزی، نظیر پنبه و تریاک شد.

۱ـ جنگ داخلی آمریکا : خرید و فروش برده تا اواسط قرن ۱۹م در ایالات متحده آمریکا رواج داشت؛ بردگان سیاه‌پوست در ایالات جنوبی در مزارع پنبه و نیشکر به بیگاری گرفته می‌شدند و هیچ‌گونه حقوق انسانی نداشتند. اما مردم نواحی شمالی که صنعتگر و روشنفکر بودند و به لحاظ اقتصادی نیاز چندانی به نیروی کار بردگان نداشتند، با برده‌داری مخالف بودند. در ۱۲۴۰ش/ ۱۸۶۱ م میان مردم شمال و جنوب ایالات متحده جنگ داخلی درگرفت. این جنگ که به جنگ انفصال و نیز جنگ الغای بردگی نیز معروف است، پس از ۴ سال به پیروزی ایالات شمالی و طرفداران لغو بردگی منجر شد.

ورود محصولات جدید کشاورزی به ایران

در دورهٔ سلطنت ناصرالدین شاه با ورود محصولات جدید کشاورزی از اروپا به ایران، تحولی عظیم در شیوهٔ تغذیهٔ ایرانیان ایجاد شد؛ به گونه‌ای که محصولات غذایی جدیدی مثل گوجه‌فرنگی، نخودفرنگی و سیب‌زمینی در غذای خانوارهای ایرانی جا خوش کرد و سیب‌زمینی به یکی از محصولات مهم کشاورزی تبدیل شد و در زمان مظفرالدین شاه برای مقابله با قحطی، کشاورزان به کشت آن تشویق می‌شدند.

فعّالیت ۴

بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

«در هر جایی که زراعت این نبات [سیب‌زمینی] معمول و متداول شد، بلای قحط و مَجاعه[1] آنجا راه ندارد و هیچ یک از حبوبات جای گندم را نمی‌گیرد. گیاه سیب‌زمینی که قوتش جزئی کمتر از گندم است. پس هرگاه در تمام نقاط ایران زراعتش را چنانچه شایسته است معمول و مُجری دارند، فواید عمده‌ای عاید زارعین و ملاکین خواهد شد» (روزنامهٔ فلاحت مظفری، نمرهٔ ۸، سنبله[2] یونت[3] ئیل ۱۳۴۱[4] قمری، ص ۱۰۹)

۱ـ به نظر شما مطالعه دربارهٔ غذاها چه نقشی در فهم تاریخ اجتماعی یک دوره می‌تواند داشته باشد؟

۲ـ با مطالعهٔ متن، برداشت خود را با دیگر دوستانتان در میان بگذارید و دربارهٔ نظرات خود بحث و گفت‌وگو کنید

روزنامهٔ فلاحت مظفری

۱ـ گرسنگی ۲ـ صورت فلکی، خوشهٔ گندم برابر با ماه شهریور ۳ـ سال نهنگ در تقویم دوازده حیوانی ۴ـ ۱۳۰۱ ش

فرش در دورهٔ قاجار

به رغم رکودی که در صنایع دستی ایران به‌ویژه از نیمهٔ دوم عصر قاجار به‌وجود آمد، تولید فرش و صادرات آن به کشورهای جهان، به‌ویژه اروپا و آمریکا، رشد چشمگیری پیدا کرد. فرش ایران که از روزگاران دور آوازه‌ای جهانی داشت، در این دوره طالبان فراوانی در جهان پیدا کرد و گردشگران اروپایی توجه تاجران و مردم اروپا و آمریکا را به سوی فرش دستباف ایران جلب کردند. ارزانی نیروی کار، طرح و نقش‌های زیبا و متنوع، هنرمندی و ظرافت بافندگان ایرانی از یک سو و تقاضای بازار جهانی و سرمایه‌گذاری خارجی در تولید و تجارت، سبب رشد تولید و صادرات فرش در دوران قاجار شد. علاوه بر آن، رکود صنعت صادرات ابریشم و کمبود طلا و نقره برای تأمین مالی واردات کالا از اروپا و سایر کشورها نیز تأثیر بسزایی بر رونق صادرات فرش به عنوان کالای جایگزین داشت. شهرهای تبریز، کاشان، همدان، اصفهان، کرمان، اراک و ولایت‌های کردستان و آذربایجان از مهم‌ترین مراکز قالی‌بافی در دورهٔ قاجار بودند. تجار داخلی و سرمایه‌گذاران خارجی در شهرهای تبریز و اراک کارگاه‌های کوچک و بزرگ فرش دایر کرده بودند.

قالیچهٔ بافته شده در آذربایجان ـ دورهٔ قاجار

قالیچهٔ کرمان، دورهٔ قاجار ـ موزهٔ فرش ایران، تهران

فعّالیت ۵

با اسکن کردن رمزینه، می‌توانید فیلم کوتاهی در مورد «دو سنت فرش‌بافی ایران» که در سال ۱۳۸۹ در فهرست آثار ناملموس یونسکو به ثبت رسید، مشاهده کنید.

اکنون با توجه به مطالب این فیلم و آنچه درباره رونق فرش ایران در دوره قاجار خواندید، بگویید:

چه ویژگی‌هایی در جامعه و شیوه زندگی مردم ایران امکان می‌داد فرش در مناطق مختلف کشور، با وجود تفاوت در شیوه تولید، به یکی از مهم‌ترین کالاهای ایران تبدیل شود؟ در پاسخ خود به نقش مهارت‌های محلی، تقسیم کار، مواد اولیه و شیوه زندگی مردم توجه کنید.

نگاهی به اوضاع علمی و فرهنگی ایران در عصر قاجار

در دورهٔ قاجار نیز نظام تعلیم و تربیت سنتی ایران تداوم و گسترش یافت. در آن زمان سوادآموزی مقدماتی در مکتب‌خانه‌ها یا از طریق معلمان خصوصی و یا معلمان سرخانه انجام می‌گرفت. دانش‌آموزانی که توانایی مالی و علاقه به ادامهٔ تحصیل داشتند، وارد مدرسه‌های قدیم و حوزه‌های علمیه می‌شدند. در این مراکز آموزشی، علوم نقلی و عقلی تعلیم داده می‌شد. مدرسه‌های **مروی** و **سپهسالار** (مدرسهٔ عالی شهید مطهری کنونی) از جمله مراکز علمی و آموزشی مهم و بزرگ این دوره بودند که در پایتخت تأسیس شدند. عالمان و اندیشمندان برجسته‌ای در این مراکز تحصیل و تدریس می‌کردند.

مدرسهٔ سپهسالار ــ تهران

مراکز آموزشی جدید

در دوره قاجار، نگاه برخی حاکمان داخلی و روشنفکران به پیشرفت‌های کشورهای اروپایی دوخته شده بود. از سوی دیگر، برخی از کشورهای استعمارگر نیز به‌دلیل منافع خود، درصدد تغییر روش‌های تعلیم و تربیت در ایران بودند. در چنین فضایی و پس از آشنایی با پیشرفت‌های ایجاد شده در اروپا، نخستین مدرسه‌ها به‌دست مِسیونِر[1]های اروپایی و آمریکایی، تأسیس شد و بعد از آن، حکومت قاجار و برخی افراد سرشناس فرهنگی و سیاسی نیز تصمیم گرفتند تا مدارس جدیدی در ایران براساس روش‌های جدید تعلیم و تربیت عمومی، تأسیس کنند. غالب این مدارس تازه تأسیس شده، متناسب با فرهنگ اروپاییان ساخته شده بود و تفاوت‌های جدّی با سبک و فرهنگ تعلیم و تربیت در ایران اسلامی داشت.

۱ــ مسیونر به اعضای هیئت‌های دینی گفته می‌شد که برای تبلیغ مسیحیت به کشورهای دیگر می‌رفتند.

دارالفنون یکی از مدارسی بود که با هدف آموزش علوم مختلف و فنون جدید به دانشجویان ایرانی، در داخل کشور و با ایده و پیگیری امیرکبیر، تأسیس شد. امیرکبیر قصد داشت تا آموزش دانشجو در داخل کشور را جایگزین فرستادن آنها به خارج کند تا از این طریق، بتواند بر محتوا و اساتید و روش‌های تدریس، نظارت بیشتری داشته باشد. اگرچه وی تأسیس این مدرسه را به چشم خود ندید و مدتی کوتاه پس از افتتاح مدرسه، براثر دسیسهٔ برخی افراد سودجو به قتل رسید.

معلمان و استادان مدرسهٔ علوم سیاسی ــ این مدرسه را میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله در زمان مظفرالدین‌شاه به منظور تربیت نیروهای سیاسی وزارت امورخارجه تأسیس کرد.

فعّالیت ۶

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما چرا امیرکبیر دستور داد، استادان و معلمان مدرسهٔ دارالفنون از کشورهایی غیر از روسیه و انگلستان (مانند فرانسه و اتریش) استخدام شوند؟

میرزا حسن رشدیه یکی از شخصیت‌های فرهنگی عصر قاجار بود که برای تأسیس مدرسه‌های جدید به ویژه در دورهٔ تحصیلی ابتدایی در شهرهای مختلف ایران بسیار تلاش کرد و در این راه رنج‌ها و سختی‌های فراوانی کشید. هدف رشدیه از برپایی مراکز آموزشی جدید، فراهم آوردن شرایط برای سوادآموزی به فرزندان تمام قشرهای مختلف جامعه بود.

در دورهٔ قاجار، برخی از زنان فاضل نیز در تأسیس مدارس جدید مشارکت داشتند. از جملهٔ این زنان می‌توان به بی‌بی خانم استرآبادی اشاره کرد که مدرسهٔ دوشیزگان را به منظور تحصیل دختران در تهران تأسیس کرد (۱۲۸۵ ش).

دانش‌آموختگان مراکز علمی و آموزشی جدید، نقش مؤثری در انتشار و ترویج افکار نو به‌ویژه تفکر مشروطه‌خواهی و حکومت قانون داشتند.

معلمان و دانش‌آموزان مدرسهٔ رشدیهٔ تهران

تندیس میرزا حسن رشدیه ــ مدرسهٔ رشدیه، تبریز

بیشتر بدانیم

برخی از عالمان سرشناس عصر قاجار در یک نگاه

رشتهٔ علمی و هنری	عالمان سرشناس	ویژگی‌ها
ادبیات	شعلهٔ اصفهانی، ملک‌الشعرا صبای کاشانی، وصال شیرازی، فروغی بسطامی، قاآنی شیرازی	ــ بازگشت ادبی : شاعران این دوره به سبک شعرایی چون فردوسی، نظامی، خاقانی، فرخی و منوچهری جنبشی برای احیای سبک کلاسیک برپا کردند که به دورهٔ بازگشت ادبی شهرت یافت. ــ از دورهٔ ناصرالدین شاه، به مرور و به‌صورت ملایم، ادبیات انتقادی وارد حیات فرهنگی جامعه شد و در دورهٔ مظفری به صورت (هجو) و در دورهٔ مشروطه با مضامین (وطن‌پرستی، مبارزه با استبداد و استعمار) جلوه‌گر گردید. عارف قزوینی و ملک‌الشعرای بهار در زمرهٔ این دسته از شاعران قرار دارند.
خوشنویسی	محمدرضا کلهر، میرزا وصال شیرازی، محمد حسین سیفی قزوینی (عمادالکتاب)	ــ در قرن سیزدهم خوشنویسی رونق گرفت. از این دوره به ویژه آثار نفیسی به خط نسخ بر جای مانده است. ــ از اوایل قرن چهاردهم خوشنویسی از رونق افتاد و سیر نزولی را در پیش گرفت.
پزشکی	میرزاعلی اکبرخان ناظم‌الاطباء، میرزاحسین افشار، بهرام خان طبیب و . . .	ــ قبل از رواج پزشکی نوین، در ایران طب سنتی رواج داشت. ــ با تأسیس مدرسهٔ دارالفنون، پزشکی نوین وارد ایران شد. ــ با ورود پزشکان اروپایی و اعزام دانشجویانی به اروپا برای تحصیل پزشکی، این علم دچار تحول اساسی شد.
ریاضیات و فیزیک	میرزا نظام‌الدین غفاری، عبدالغفار نجم‌الدوله	ــ نظام‌الدین غفاری در دورهٔ قاجار به اروپا اعزام شد؛ در مدرسهٔ پلی‌تکنیک پاریس تحصیل کرد و معلم ناصرالدین‌شاه شد. او راه شوسهٔ تهران به آمل را به دستور ناصرالدین‌شاه کشید و ملقب به مهندس‌الممالک شد.
تذهیب	میرزا عبدالوهاب ملقب به «مُذَهِّب‌باشی»، محمدعلی شیرازی، میرزایوسف شیرازی	ــ تذهیب، هنر تزیین کتاب‌ها، نامه‌ها، اسناد و قباله‌های ازدواج اشراف با طلا و سنگ‌های قیمتی است. ــ هنر تذهیب در اوایل دورهٔ قاجار رونق زیادی یافت ولی بعدها به تدریج افول کرد.
موسیقی	محمدحسن سنتورخان، میرزا عبدالله، غلامحسین درویش	ــ تا قبل از تأسیس دارالفنون، موسیقی رونق چندانی نداشت. ــ در دارالفنون رشته‌ای به هنر موسیقی اختصاص یافت. ــ به دستور ناصرالدین‌شاه، استادی فرانسوی به نام موسیو لومر برای تدریس موسیقی در دارالفنون استخدام شد. ــ بعدها با اختراع گرامافون موسیقی رونق تازه‌ای یافت.
فلسفه	ملا عبدالله زُنوزی، حاج ملاهادی سبزواری، آقا علی مدرس تهرانی، آقامحمدرضا قمشه‌ای، میرزا ابوالحسن جلوه و آقا میرزا حسین سبزواری	ــ تحولی چشمگیر در فلسفه اسلامی به‌وجود آمد. ــ حوزه فلسفی تهران توسط ملاعبدالله زنوزی تأسیس شد و توسط دیگر فیلسوفان برجسته گسترش یافت و موجب رشد و توسعه فلسفه اسلامی و مکاتب گوناگون آن به‌ویژه حکمت متعالیه شد. ــ حاج ملاهادی سبزواری کتاب «اسرارالحکم» را به درخواست ناصرالدین‌شاه به فارسی نوشت. ــ نگارش آثار فلسفی به زبان فارسی که در دوره صفویه به‌تدریج از رونق افتاده بود، در این دوران دوباره رونق یافت. ــ عالمان ایرانی با فلسفه جدید غرب آشنا شدند.

هنر و معماری

نقاشی

به دنبال سقوط صفویان، هنر نگارگری نیز در سایهٔ جنگ‌های داخلی رو به افول نهاد. نقاشی در عصر قاجاریه به دنبال وحدت سیاسی و استقرار امنیت و در سایهٔ حمایت پادشاهان و دربار از یک سو و ارتباط با غرب از سوی دیگر، دچار تحولی اساسی شد. فتحعلی‌شاه برجسته‌ترین هنرمندان نقاش را در تهران گرد آورد و آنها را به کشیدن پرده‌های بزرگ برای نصب در کاخ‌ها تشویق کرد.

در دورهٔ ناصرالدین‌شاه، سنت نگارگری ایرانی تحت تأثیر هنر نقاشی مدرن اروپایی قرار گرفت. سبک نوینی در نقاشی به وجود آمد و نقاشان بزرگی مانند محمد غفاری معروف به **کمال‌الملک**، پا به عرصه نهادند.

نگارهٔ امیرکبیر اثر محمد ابراهیم نقاش باشی

تابلوی تالار آینه اثر کمال‌الملک، نقاش‌عصر قاجار و پهلوی

طبیب و بیمار، حدود ۱۲۴۰ شمسی، آبرنگ روی کاغذ، اثر میرزا ابوالحسن خان غفاری (صنیع الملک) ـ کاخ موزهٔ گلستان، تهران

تعزیه

تعزیه که ریشه در آیین‌های باستانی داشت، در عصر صفوی برای بزرگداشت حماسهٔ کربلا و شهادت امام حسین علیه‌السلام رواج یافت. هنر تعزیه در دورهٔ ناصرالدین شاه گسترش پیدا کرد. یکی از مکان‌های اجرای تعزیه در تهران، تکیهٔ دولت بود. زنان و مردان زیادی در این تکیه به تماشای تعزیه‌گردانان می‌نشستند.

مراسم تعزیه خوانی در تکیهٔ دولت ــ موزه عکاسی کاخ گلستان، تهران

نقاره خوان دوره گرد ــ دورهٔ قاجار

فعّالیت ۷

با اسکن کردن رمزینه می‌توانید فیلم کوتاهی در مورد یکی از میراث‌های ناملموس ایرانی که در سازمان جهانی یونسکو به ثبت رسیده، مشاهده کنید و سپس به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱ــ یک بنای تاریخی ممکن است صدها سال باقی بماند؛ اما میراث‌های فرهنگی ناملموس تنها زمانی زنده می‌مانند که انسان‌ها آنها را بیاموزند، اجرا کنند و به نسل بعد منتقل کنند. با توجه به مطالب فیلم، توضیح دهید چه تفاوتی میان حفاظت از یک اثر تاریخی و حفاظت از یک میراث ناملموس وجود دارد؟

۲ــ در فیلم چند نمونه از میراث ناملموس ایران معرفی شد که برخی به یک منطقه خاص و برخی به بخش‌های گسترده‌تری از ایران تعلق دارند. دو نمونه را انتخاب کنید و از نظر خاستگاه، شیوه انتقال و ویژگی‌های آنها با یکدیگر مقایسه کنید.

نمایش کمدی

در دورهٔ قاجار به جز نمایش‌های مذهبی، نمایش‌های دیگری مثل نمایش روحوضی (سیاه‌بازی) و بقال‌بازی در مراسم شادی روی حوضِ‌خانه‌ها، که با تخته آن را می‌پوشاندند، یا در برخی قهوه‌خانه‌ها اجرا می‌شد. گاهی هنرمندان با استفاده از نمایش‌های کمدی، مضامین جدی و انتقادهای سیاسی و اجتماعی را به صورت طنز به گوش مقامات می‌رساندند.

فعّالیت ۸

بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

«زمانی که به تأدیب[۱] جُهال و رفع اغتشاش ولایت، مرکب همایون شاهنشاه (محمدشاه)... با چهل عَرّاده توپ و چهل هزار قشون ... تشریف‌فرمای اصفهان گردید ... معبرها[۲] و قَراوُل‌خانه‌های شهر جمیعاً چاتْمَه[۳] سرباز مستحفظ، از خان‌ها تفنگ می‌خواستند و از اعیان و ملاها مقصر، از ساکنین بلده و دهات سیورسات[۴]، از مالکین و عمال شهر و بلوکات هشتاد هزار تومان بقایای لاوصول سنوات و زارعین مستأصل[۵]، سلطان زمان در غضب، ... توپچیان و سربازان قیامت به پا کردند. میرغَضَبان[۶] خون اشرار ریخته ... آحاد[۷] ناس به ذکر «وانَفْسا» گرفتار، فردی از افراد را یارای گفتار نبود. عاقبت تدبیر شفاعت به دست تقلید این جماعت بود که روزی جهت تفریح شاهنشاه مَبرور بقال‌بازی و اسباب خوانچه به حضور مبارک بردند ... بی‌عدالتی‌های ... مستحفظین و محصلین و مستوفیان و مباشران تمام ظاهر کردند، همان روز از خاصیت این حکمت عملی، موکلین ممنوع، متهمین معاف، بقایا بخشیده شدند (تحویلدار اصفهانی، **جغرافیای اصفهان**، ص ۸۷).

۱ـ برداشت آزاد شما از متن چیست؟

۲ـ هنرمندان پیام مظلومان و ستم مأموران حکومت را چگونه به گوش محمدشاه رساندند؟

۱ـ تنبیه، مجازات

۲ـ راه‌ها، ورودی‌ها

۳ـ محاصره، چاتمه، مجموعه‌ای از تفنگ‌ها را می‌گویند که ته آنها را با کمی فاصله از هم بر زمین می‌گذارند و سر آنها را به هم تکیه می‌دهند تا به شکل مخروط درآید، اما در اینجا به معنای «در محاصرهٔ سربازان مسلح» است.

۴ـ خواربار برای لشکر

۵ـ درمانده

۶ـ جلادان

۷ـ افراد مردم

تئاتر

هنر تئاتر به سبک اروپایی از دورهٔ قاجار به همت دانشجویان اعزامی به اروپا، در ایران گسترش یافت. میرزاعلی اکبرخان مُزّین‌الدوله (نقاش‌باشی) به دستور ناصرالدین شاه در محل فعلی دارالفنون یک تالار نمایش ساخت. این تماشاخانه بیشتر مکانی خصوصی بود که شاه و برخی از درباریان در آنجا از نمایش‌هایی که به اجرا در می‌آمد، دیدن می‌کردند. در این دوره نمایشنامه‌های زیادی ترجمه شد. مدتی بعد، تئاتر ملی در یکی از ساختمان‌های تهران در خیابان لاله‌زار تشکیل شد.

معماری

سنت معماری ایرانی اسلامی که در دوران سلجوقی، تیموری و صفویان درخشش بی‌نظیری داشت، در عصر قاجار با توجه به شرایط اقلیمی و آب و هوایی و نوع مصالح ساختمانی تداوم یافت. پس از اختراع دوربین عکاسی، مسافرانی که در عصر ناصری به اروپا می‌رفتند، تصاویر زیادی از بناهای آن سرزمین را با خود به ایران آوردند. بسیاری از معماران به سفارش دربار و ثروتمندان با استفاده از برخی از عناصر معماری فرنگی و تلفیق آن با معماری ایرانی، سبکی از معماری را به وجود آوردند که در آن عناصر و ویژگی‌های معماری ایرانی و اروپایی ترکیب شده بود. این بناها که به بناهای «کارت پستالی» معروف شد، بیشتر به تقلید از بناهای اروپایی ساخته می‌شدند. یکی از این بناهای معروف، کاخ شمس‌العماره واقع در مجموعهٔ کاخ گلستان است که به دستور ناصرالدین‌شاه ساخته شد (۱۲۸۰ق). علاوه بر این، ورود مظاهر تمدن جدید غربی مانند تلگراف، تلفن، پست، بانک، روزنامه و تئاتر نیز در گسترش سبک معماری اروپایی در ایران مؤثر بود. پس از رواج این مظاهر تمدن، ساختمان‌هایی مثل پست‌خانه، تلگراف‌خانه، تلفن‌خانه، بانک‌ها، دفاتر روزنامه‌ها، تماشاخانه‌ها، خیابان‌های جدید، مدارس جدید، فروشگاه‌ها، مراکز نظمیه، بیمارستان‌های جدید و سفارت‌خانه‌ها تحت تأثیر معماری اروپایی ساخته شدند. با وجود تأثیر و نفوذ سبک‌های فرنگی بر عناصر معماری ایرانی، بسیاری از معماران می‌کوشیدند در ساخت بناها قواعد و اصول معماری سنتی ایرانی را همچنان حفظ و پاسداری کنند. برای نمونه، می‌توان به خانه‌های مجلل و باشکوهی که در برخی از شهرها ساخته شد، از جمله خانهٔ بروجردی‌ها در کاشان اشاره کرد.

خانه بروجردی‌ها، معمار؛ استاد علی مریم کاشانی ـ «محلهٔ سلطان میراحمد»، کاشان

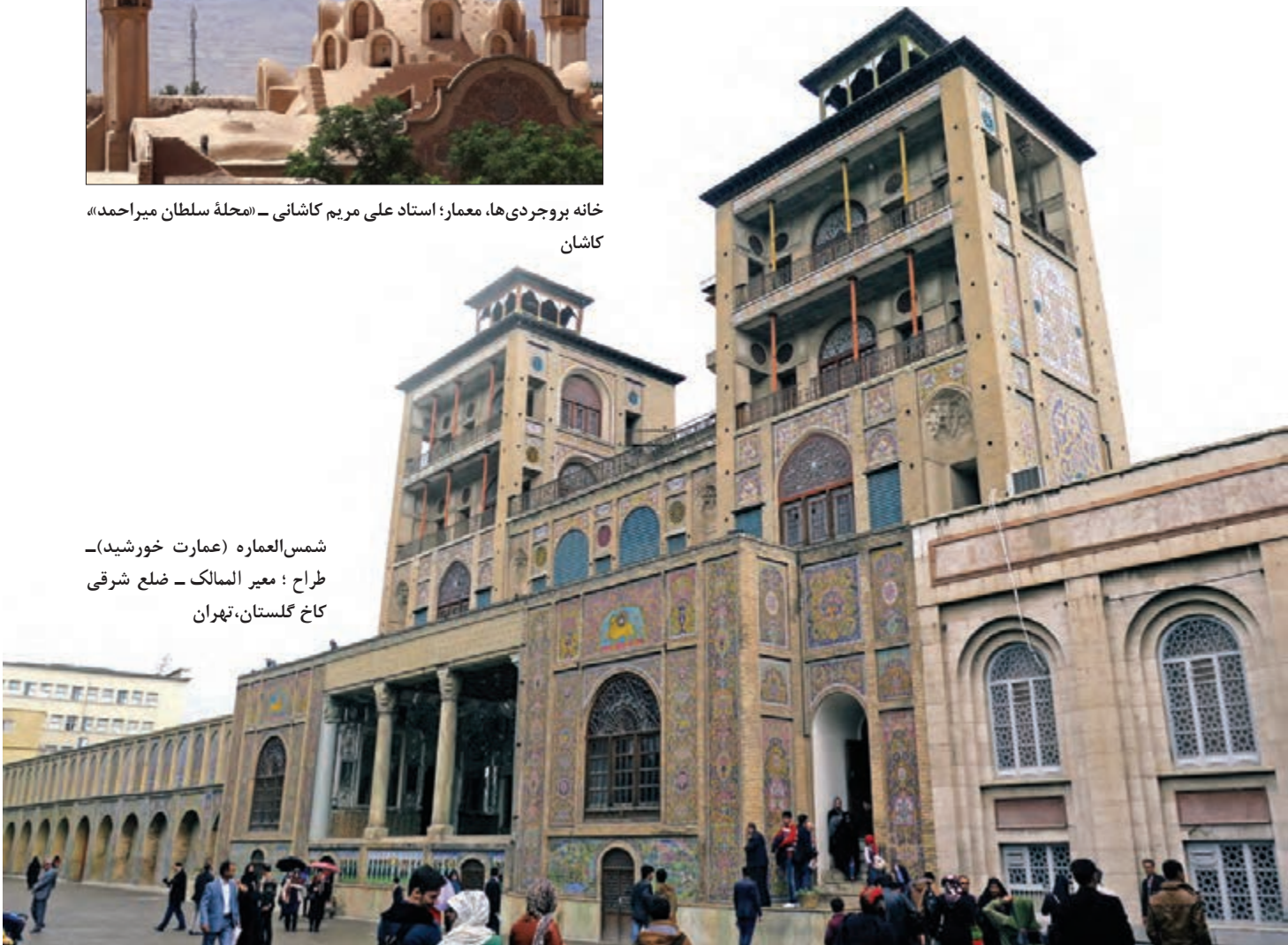

شمس‌العماره (عمارت خورشید)ـ طراح ؛ معیر الممالک ـ ضلع شرقی کاخ گلستان، تهران

بیشتر بدانیم

شاهان قاجار و فناوری مدرن اروپایی

ناصرالدین‌شاه با هدف آشنایی با پیشرفت‌های تمدنی اروپاییان و اخذ فناوری مدرن غربی سه مرتبه به اروپا سفر کرد. در دوران سلطنت او، تلگراف، تلفن، بانک، موزه، دوربین عکاسی و برخی دیگر از جلوه‌های تمدن جدید غرب علی‌رغم برخی مخالفت‌ها وارد ایران شد. ناصرالدین‌شاه به مقولهٔ عکس و عکاسی علاقهٔ فراوانی داشت و یکی از دلایل رواج آن در ایران، علاقهٔ وی به عکاسی بود. او خود عکاسی می‌کرد و در این زمینه مهارت داشت. این پادشاه قاجاری بعد از آنکه خط تلفنی از کاخ شمس‌العماره تا باغ سپهسالار کشیده شد (۱۳۰۲ق)، درتوصیف آن نوشت: «تلفن یک قسم تلگرافی است که با دهن حرف می‌زنند و با گوش می‌شنوند. این سفر که معین‌الملک آمد، یک دستگاه آن را همراه پیشکش آورده است. از اتاق شمس‌العماره تا اینجا، که باغ سپهسالار است، کشیده‌ایم. یک صفحهٔ سوراخ سوراخی دارد که انسان به همان سوراخ‌ها حرف می‌زند و دو اسباب است که به گوش گذاشته می‌شوند. از اینجا با میرزا محمد و آقا محمد نایب سرایدار صحبت شد. مثل این است که در حضور حرف می‌زنند بلکه هم می‌توان گفت بهتر در [از]صحبت حضوری می‌توان حرف را شنید و فهمید ... خیلی چیز غریبی است؛ ما تا به حال این اسباب را ندیده بودیم» (**یادداشت‌های روزانهٔ ناصرالدین شاه**، ص ۱۴۶).

مظفرالدین‌شاه وقتی در سال ۱۳۱۸ق/ ۱۹۰۰م، به پاریس رفت، در نمایشگاهی با دوربین فیلم‌برداری آشنا شد. یک دستگاه از آن را خریداری کرد و در اختیار ابراهیم‌خان عکاس‌باشی، که همراه او به اروپا رفته بود، قرار داد . او از شاه و همراهان فیلم‌برداری کرد. عکاس‌باشی بعدها در ایران به دستور مظفرالدین‌شاه با این دوربین فیلم‌های صامتی ساخت. توصیف مظفرالدین‌شاه از سینما بعد از دیدن فیلمی در پاریس جالب است:«پردهٔ بزرگی در وسط تالار بلند کردند و تمام چراغ‌های الکتریک را خاموش و تاریک نموده و عکس سینه ماتوگراف را به آن پردهٔ بزرگ انداختند. خیلی تماشا دادند من‌جمله مسافرین آفریقا و عربستان را که در صحرای آفریقا راه می‌پیمایند نمودند که خیلی دیدنی بود ... به عکاس باشی دستور دادیم همه قسم آنها را خریده به طهران بیاورند که انشاءالله همان‌جا درست کرده به نوکرهای خودمان نشان بدهیم» (به نقل از تهامی‌نژاد، **سینمای ایران**، ص ۱۴).

پرسش‌های نمونه

۱ـ وضعیت تجارت خارجی ایران را در دورهٔ قاجار چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۲ـ نظام تولید در دورهٔ قاجار بر چه محورهایی استوار بود؟

۳ـ تأثیر عناصر فرنگی را بر معماری عصر قاجار چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۴ـ هنر نگارگری در عصر قاجاریه چه وضعیتی داشت؟

۵ـ علل رشد و ترقی صنعت فرش را در دورهٔ قاجار بررسی کنید.

درس ۵

نهضت مشروطهٔ ایران

نهضت مشروطه، جنبش سیاسی و اجتماعی گسترده و قدرتمندی بود که در زمان مظفرالدین شاه به وقوع پیوست. آرمان و هدف این نهضت این بود که آزادی، عدالت و استقلال از بیگانه را در کشور برقرار سازد. این مقطع مهم در تاریخ معاصر ایران، تأثیر عمیقی در زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان داشته است. در این درس، شما با زمینه‌ها، علل، آثار و پیامدهای سیاسی و اجتماعی نهضت مشروطه آشنا خواهید شد.

زمینه‌های نهضت مشروطه

۱ـ از دست رفتن بخش‌هایی از سرزمین ایران

یکی از دلایل نارضایتی مردم از حکومت قاجار، از دست رفتن بخش‌های بزرگی از سرزمین ایران بود. سرزمین‌های از دست‌رفته، مناطقی حاصلخیز و پررونق بودند که توسط دولت‌های استعمارگر انگلیس و روسیه، از ایران جدا شدند و در درس سوم با آنها آشنا شدید.

در دوره مشروطیت عمارت سپهسالار در میدان بهارستان در شهر تهران، جایگاه مجلس شورای ملی شد. بر سردر این ساختمان و در فضای نیم‌دایره بالای در، عبارت «دارالشورای ملی ایران» و «عدل مظفر» نقش بسته است.

فعّالیت ۱

فکر کنیم و پاسخ دهیم

عهدنامه‌های استعماری که در دوره قاجار بسته شد چه اثری بر شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه ایران داشت؟

برای مشاهدهٔ نقشهٔ سرزمین‌های جداشده از ایران در دوره قاجار به صفحه ۴۲ همین کتاب مراجعه کنید.

۲ـ غلبهٔ استعمار بر مملکت

ضعف حکومت قاجار در زمان گسترش استعمارگرهای اروپاییان و همچنین طمع‌ورزی و فساد مالی درباریان، زمینهٔ سلطهٔ بیگانگان بر مملکت را فراهم کرده بود. بارزترین نتیجهٔ این وضعیت، امتیازهای متعددی بود که به خارجیان داده می‌شد.

علاوه بر آن قرض‌هایی که شاهان قاجار از کشورهای بیگانه می‌گرفتند موجب سلطهٔ بیشتر استعمارگران بر مملکت شد. علاقهٔ شاهان قاجار به مسافرت به اروپا، انگیزه و میزان دریافت وام از بیگانگان را افزایش داد. ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قرض‌هایی از روس

و انگلیس دریافت کردند و به جای اینکه این پول را هزینهٔ کارهای اساسی کنند آن را، خرج سفرهای خود به اروپا کردند.
دادن امتیازات، گرفتن وام و اعمال حق کاپیتولاسیون که از عهدنامهٔ ترکمانچای برقرار شد و همچنین دخالت‌های دولت‌های بیگانه در امور داخلی ایران احساسات ملّی را جریحه‌دار کرده بود.

فعّالیت ۲

بحث و گفت‌وگو

با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنید که چرا مطالعهٔ نهضت مشروطه در تاریخ معاصر ایران اهمیت دارد؟

۳ـ استبداد دستگاه حاکم

همان‌طور که در درس سوم اشاره شد، حکومت قاجار تشکیلات منسجم و کارآمد اداری نداشت و قدرت در دست شاه و ارادهٔ او متمرکز بود. مردم ایران هیچ‌گونه تضمینی برای حفظ جان و مال و ناموس خود در مقابل دستگاه استبدادی نداشتند.[1] شاه و بستگانش هر کاری که مایل بودند، انجام می‌دادند و هر بلایی که می‌خواستند، بر سر مردم می‌آوردند. این وضع در ایالت‌ها (استان‌ها) بدتر از مرکز حکومت بود. مالیات‌های بسیار سنگین، فشار کمرشکنی را بر مردم تحمیل می‌کرد و بر نارضایتی‌ها می‌افزود.

۴ـ مخالفت‌های مردم و علما با استبداد و استعمار

توجّه مردم مسلمان ایران به آموزه‌های دین اسلام نظیر امربه‌معروف و نهی از منکر، عدالت‌خواهی و لزوم دفع ظلم که در آیات قرآن کریم و سیرهٔ معصومین به آن پرداخته شده است، موجب می‌شد نسبت به این آموزه‌ها احساس تکلیف کنند. از سوی دیگر مکتب شیعه قدرت مطلق سلاطین را نامشروع می‌دانست و مشروعیت نسبی قدرت حکّام، مشروط به پاسداری از باورهای دینی مردم و حفظ تمامیت ارضی کشور بود. مرجعیت شیعه در جریان نهضت تحریم تنباکو خط بطلانی بر مطلق بودن قدرت شاه کشید. در آستانهٔ نهضت مشروطیت ایران، روحانیون و حوزه‌های علمیهٔ شیعه به استحکام و انسجام سیاسی و مبارزاتی رسیده بودند. در نتیجهٔ یک قرن مبارزه و بیدارگری، ارتباط منظمی میان علما و مردم به‌وجود آمد و زمینهٔ پیدایش حرکتی فکری به رهبری عالمان دینی فراهم شد. گسترش این حرکت فکری موجب افزایش آگاهی مردم در زمینهٔ مسائل اعتقادی و دینی شد و باورهای مذهبی و فرهنگی جامعه را در مقابل انحرافات فکری تقویت کرد. اوّلین ثمرهٔ این فعالیت‌ها، پیروزی در نهضت تنباکو بود که علاوه بر لغو قرارداد توتون و تنباکو، قدرت و رهبری روحانیون شیعه را در صحنهٔ سیاسی کشور آشکار کرد و آسیب‌پذیری استبداد داخلی و استعمار خارجی را در برابر ارادهٔ ملّت نشان داد. این جریان فکری و اعتراض‌آمیز از دورهٔ ناصرالدین شاه به دورهٔ سلطنت

۱ـ یک روز در بازگشت ناصرالدین شاه از زیارت حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام، سربازهایی که پرداخت حقوقشان ماه‌ها عقب افتاده بود، می‌خواستند عریضه‌ای به شاه تقدیم کنند امّا از طرف همراهان او، با ضرب و شتم پس رانده شدند. آنها نیز از شدّت ناراحتی چند تکّه سنگ به سوی نوکرهای شاه پرتاب کردند. یکی از این سنگ‌ها به کالسکهٔ شاه خورد و اسب‌ها رمیدند. به دستور ناصرالدین شاه، سربازان شاکی را که ده نفر بودند، با دستان بسته به شهر آوردند و همگی آنها را در حضور او، با طناب خفه کردند. (ن.ک: شیخ‌الاسلامی، **افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران**، ص ۱۵).

مظفرالدین شاه منتقل شد و به‌تدریج به نهضتی عظیم به رهبری روحانیون تبدیل گردید که آیت‌اللّه سیّد محمّد طباطبایی، آیت‌اللّه سیّدعبداللّه بهبهانی و آیت‌اللّه شیخ‌فضل‌اللّه نوری در داخل ایران و مراجعی همچون آیت‌اللّه محمّد کاظم خراسانی، آیت‌اللّه شیخ عبداللّه مازندرانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین فرزند میرزا خلیل تهرانی در نجف اشرف آن را رهبری می‌کردند. اساس این نهضت بر مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و تلاش برای برقراری عدالت در مملکت قرار داشت، تا با ایجاد عدالت‌خانه و «دارالشورا» قدرت و اختیارات پادشاه و حکّام را محدود و با اجرای قوانین اسلامی از لجام‌گسیختگی آنها جلوگیری کند.

۵ــ ورود اندیشه‌های جدید

عصری که در آن، شاهان سلسلهٔ قاجار با خودکامگی بر مردم حکومت می‌کردند، دوران تحول‌های فکری و آزادی‌خواهی در قسمت‌هایی از جهان بود و در تعدادی از کشورها، حکومت «مشروطه» برقرار شده بود. از سال ۱۲۳۸ تا سال ۱۲۹۰ ش تعدادی از کشورهای اروپایی یا آسیایی به حکومت مشروطه و یا جمهوری دست یافتند. ایرانیان نیز به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم، تحت تأثیر این نهضت‌ها و رویدادهای فراگیر قرار داشتند.

زمینه‌های ورود تفکر مشروطه‌خواهی به ایران، به شکل‌های مختلف نظیر اعزام دانشجو به خارج، سفرهای درباریان و سیاستمداران به خارج و مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای مختلف فراهم شد.

دستاورد معاشرت‌ها، مسافرت‌ها و مأموریت‌های مهاجران، دانشجویان، جهان‌گردان و دیپلمات‌های ایرانی که با کشورهای پیشرفته در تماس بودند، از راه انتشار روزنامه‌ها و چاپ کتاب‌ها و در خلال نامه‌ها و سخنان آنان، به جامعه منتقل می‌شد.

الف) روزنامه‌ها

یکی از عواملی که در دورهٔ قاجار سبب ایجاد تحولی بزرگ در مردم شد، انتشار روزنامه‌ها بود. در آن زمان روزنامه‌های فارسی‌زبان دو دسته بودند: داخلی و خارجی. روزنامه‌های داخلی خود به دو دستهٔ روزنامه‌های «دولتی» و «غیردولتی» تقسیم می‌شدند که در درس اول، با برخی از آنها آشنا شدید.

فعّالیت ۳

چرا برخی روزنامه‌های فارسی زبان در خارج از کشور چاپ می‌شد؟

ب) آثار روشنفکران

۱ــ سفرنامه‌ها: اوّلین نشانه‌های اندیشه‌های نوین، در سفرنامه‌های عهد قاجار مشاهده می‌شود. سفرنامهٔ میرزاصالح شیرازی ــ از اوّلین دانشجویان اعزامی به خارج ــ از معروف‌ترین این آثار است. میرزا صالح شیرازی در سفرنامهٔ خود به روشنی از اندیشه‌های نوین غربی، به‌ویژه نظام حکومت مشروطهٔ انگلیس، تعریف و تمجید کرده است. سیاحت‌نامهٔ ابراهیم بیگ اثر حاج‌زین‌العابدین مراغه‌ای، یکی دیگر از این آثار است. در این سفرنامه، اوضاع نابسامان کشور به زبان ساده بیان گردیده و در مقابل، از ویژگی‌های تمدن غرب ستایش شده‌است.

۲ــ کتاب‌ها و آثار دیگر : نوشته‌های میرزا ملکم خان، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، عبدالرحیم خان طالبوف و میرزا فتحعلی آخوندزاده معروف‌ترین آثاری هستندکه در پیدایش مشروطه‌خواهی مؤثر بودند. پذیرش اندیشه‌های غربی و شیفتگی و خودباختگی بی‌چون و چرا در برابر فرهنگ بیگانه، از ویژگی‌های بارز افکار این افراد بود. آنان نهضت مشروطه‌طلبی مردم ایران را که بر مبنای عدالت‌خواهی و نفی استبداد و استعمار بود، با عقاید برخاسته از اندیشه‌های وارداتی و غربی خود درآمیختند.

فعّالیت ۴

بخشی از نامه سیدجمال‌الدین در ادامه آمده است. آن را بخوانید و درباره موضوعات اصلی مطرح شده در آن، گفت‌وگو کنید:

«من در موقعی این نامه را می‌نویسم که در زندان محبوسم، نه انتظار نجات دارم و نه امید حیات. حبسم برای آزادیِ انسان است و کشته می‌شوم برای زندگی قوم. ولی افسوس می‌خورم از اینکه کِشت‌های خود را نَدِرَوِیدم، به آرزویی که داشتم کاملاً نائل نگردیدم. شمشیر شقاوت نگذاشت بیداری ملل مشرق را ببینم، دست جهالت فرصت نداد صدای آزادی را از حلقوم ملت‌های مشرق بشنوم. ای کاش من تمام بذر افکار خود را در مزرعهٔ مستعد افکار ملت کاشته بودم. چه خوش بود بذرهای بارور مفید خود را در زمین شوره‌زار سلطنت، فاسد نمی‌نمودم. آنچه در آن مزرعه کاشتم به رشد رسید، هرچه در این زمین کویر غَرَس نمودم فاسد گردید. در این مدت هیچ یک از تکالیف خیرخواهانهٔ من به گوش سلاطین مشرق فرو نرفت. همه را، شهوت و جهالت مانع از قبول گشت. امیدواری‌هایم به ایران بود، با هزاران وعده و وعید به ترکیا احضارم کردند، این نوع دست‌بسته و مقهورم نمودند. غافل از اینکه، صفحهٔ روزگار حرف حق را ضبط می‌کند. باری، من از دوست گرامی خود خواهشمندم این آخرین نامه را به‌نظر دوستان عزیز و هم‌مسلک‌های ایرانی من برسانید و زبانی به آنها بگویید شما که میوهٔ رسیده ایران هستید برای بیداری ایرانی دامن همت به کمر زنید، از حبس و قتال نترسید، از جهالت ایرانی خسته نشوید، از حرکات مذبوحانهٔ سلاطین متوحش نگردید، با نهایت سرعت بکوشید، با کمال چالاکی کوشش کنید، طبیعت به شما یار است و خالق طبیعت مددکار. سیل تجدد به سرعت به طرف مشرق جاری است. بنیاد حکومت مطلقه و مستبد، منعدم شدنی است، شماها تا می‌توانید در خرابی اساس حکومت مطلقه و مستبد بکوشید نه به قلع و قمع اشخاص. شما تا توان دارید در نَسْخ [برداشتن] عاداتی که میان سعادت و ایرانی سدِّ سَدید گردیده، کوشش نمایید؛ نه در نیستی صاحبان عادات. هرگاه بخواهید به اشخاص مانع شوید وقت شما تلف می‌گردد. سعی کنید موانعی را که میانهٔ الفت شما و سایر ملل واقع شده رفع نمایید. گول عوام‌فریبان را نخورید...»

(**تاریخ بیداری ایرانیان**، ج ۱، مقدمهٔ مؤلف، صص ۶۷ـ۶۸ [با اندکی تصرف])

آغاز حرکت مردم علیه استبداد و پیروزی نهضت مشروطه

تابلوی مظفرالدین‌شاه اثر کمال‌الملک، کاخ موزه گلستان، تهران

مظفرالدین‌شاه

در اواخر دورهٔ سلطنت ناصرالدین‌شاه مردم رفته رفته اعتراض خود نسبت به حکومت قاجار را آشکار کردند. ترور ناصرالدین‌شاه، آخرین نمونهٔ این نارضایتی عمومی بود. او پادشاهی خودکامه بود که در طی حکمرانی پنجاه ساله‌اش، با شیوه‌های استبدادی، از ابراز علنی انتقادهای مردم جلوگیری می‌کرد. جانشین او، مظفرالدین‌شاه، فردی سست‌عنصر، بی‌اراده و بیمار بود و توانایی سروسامان دادن به امور کشور را نداشت. مظفرالدین‌شاه، عین‌الدوله را که فردی مستبد بود، به عنوان صدراعظم انتخاب کرد و ادارهٔ مملکت را به او سپرد. مظفرالدین شاه نیز مانند پدرش، سه بار به اروپا سفر کرد. پیامد این سفرها، هزینه‌هایی سنگین بود که دولت با گرفتن وام از بیگانگان، آن را تأمین می‌کرد.

هم‌زمان، در روزنامه‌ها ماجراهایی از این سفرها درج می‌شد و خشم عمومی را برمی‌انگیخت. خشونت‌های عین‌الدوله و حاکمان ایالت‌ها، همراه با فقر عمومی و رکود شدید اقتصادی نیز، بر این نارضایتی‌ها می‌افزود و کشور را در آستانهٔ یک شورش سراسری قرار می‌داد. محرم سال ۱۳۲۳ ق / فروردین ۱۲۸۴ش مناسب‌ترین فرصت را برای اعتراض‌های مردمی فراهم کرد. روحانیون با استفاده از حضور مردم در مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، ضمن تکیه بر جنبهٔ ستم‌ستیزی قیام آن حضرت، پیام عدالت‌خواهی را بین مردم تبلیغ می‌کردند. از این تاریخ تا ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ق / ۱۴مرداد ۱۲۸۵ ش سلسله حوادثی رخ داد که سرانجام به پیروزی نهضت مشروطه انجامید. در ادامه با مهم‌ترین حوادثی که منجر به پیروزی این نهضت شد، آشنا می‌شوید.

۱ـ ماجرای نوز بلژیکی

یکی از حوادث شتاب‌دهندهٔ جنبش مشروطیت ماجرای نوز بلژیکی بود. این واقعه واکنشی در برابر توهین به مقدسات مردم مسلمان ایران به‌شمار می‌رود که آغازگر یک جنبش عمومی شد.

اروپاییانی که در تهران بودند، در مراسم سال نو محفلی می‌آراستند و در آن، با پوشیدن لباس‌های مختلف و زدن صورتک (ماسک) بر چهره، جشن بالماسکه برپا می‌کردند. در مراسم سال ۱۲۸۳ش مُسیو نوز بلژیکی که طبق قرارداد گمرکی ایران و روسیه (۱۲۸۰ش) کارگزار روس‌ها در امور گمرک ایران بود، با لباس روحانیان و در حالی که قلیان به‌دست داشت، عکس گرفت. این عکس در محرم ۱۳۲۳ق / ۱۲۸۴ش در میان مردم عزادار پخش و موجب اعتراض مردم شد؛ زیرا بلژیکی‌ها که از سال ۱۳۱۵ق/ ۱۲۷۶ش ادارهٔ گمرک‌های ایران را به‌دست گرفته بودند، با بدرفتاری، افکار عمومی را برضد خود تحریک کرده بودند.

رهبری این حرکت را آیت‌الله سیّدعبدالله بهبهانی به‌عهده داشت. در واقع این اولین جرقهٔ نهضت مشروطه بود. پس از آن، طرفداران نهضت تلاش کردند حرکتی را که سیّدعبدالله بهبهانی آغاز کرده بود، بدون نتیجه رها نشود. به اعتقاد آنان، این گام اگر با موفقیت به پیش می‌رفت، قدم‌های مهم‌تر پشت سر آن برداشته می‌شد. بنابراین، آیت‌الله سیّدعبدالله بهبهانی با آیت‌الله سیّد محمّد طباطبایی متحد شد. این اتحاد، تا پایان حرکت مذکور، ادامه یافت.

همکاری این دو سیّد روحانی، مردم ستم‌دیده و آزادی‌خواهی را که از مدّت‌ها قبل در «انجمن‌های مخفی» تشکّل‌های کوچکی فراهم آورده بودند، امیدوار ساخت تا از گوشه و کنار سر برآورند و آمادهٔ قیام شوند. در ادامهٔ این جریان و هم‌زمان با سفر سوم مظفرالدین‌شاه به اروپا، عده‌ای از بازرگانان در حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام تحصن کردند.

آیت‌الله طباطبایی

آیت‌الله بهبهانی

۲ـ نارضایتی مردم ایالت‌ها

در ایالت‌ها نیز حادثه‌هایی رخ داد که نشانگر فراگیر بودن نارضایتی مردم بود. معروف‌ترین این حوادث ماجرای شلاق خوردن سه‌تن از علمای کرمان بود که برای مقابله با فرقهٔ «شیخیه» در این شهر قیام کرده بودند. این سه، پس از آنکه به فلک بسته شدند، از شهر اخراج گردیدند. در ماه رمضان سال ۱۳۲۳ ق، به‌ویژه ایام عزاداری امیرالمؤمنین علیه‌السلام، محور اصلی سخنرانی واعظان تهران، موضوعِ توهین به این سه عالم کرمانی بود که برای حفظ تشیّع در برابر فرقه‌های ساختگی به‌پاخاسته بودند.

در دیگر ایالت‌ها و شهرها نیز شرایط نامساعد بود؛ حاکم فارس، با ستمگری‌های خود، موجب نارضایتی مردم شده بود و مردم خراسان نیز از ستمگری‌های حاکم آن ایالت به‌جان آمده بودند.

فعّالیت ۵

اجرای نمایش

قسمت‌هایی از رسالهٔ مقیم و مسافر را انتخاب کنید، به‌صورت نمایش در کلاس اجرا کنید و نتیجه‌گیری کنید که نویسندهٔ رساله موافق مشروطه است یا مخالف آن؟

۳ـ ماجرای بانک استقراضی روس

با وجود مخالفت عمومی، روس‌ها در محل یک قبرستان متروک، ساختمان بانک استقراضی روس را بنا نهادند. آیت‌اللّه‌سیّدمحمّدطباطبایی به‌شدّت با این کار مخالفت کرد. مردم نیز از این اقدام روس‌ها، ناخشنود بودند. بنابراین، یک اعتراض عمومی شکل گرفت، امّا روس‌ها، با بی‌اعتنایی، به کار خود ادامه دادند، تا اینکه موضوع به اطلاع مراجع تقلید نجف رسید. مردم تهران با هدایت روحانیون مبارز در یک شورش عمومی، ساختمان مذکور را با خاک یکسان کردند.

۴ـ افزایش نرخ قند

در دوران قاجاریه برخی از کالاهای مورد نیاز مردم مانند نفت، کبریت و قند از روسیه وارد می‌شد. در اثر جنگ روس و ژاپن نرخ قند افزایش یافت و شعله‌های اعتراض مردم را برافروخت. به‌دنبال خشم عمومی از گرانی‌ها، در مسجد شاه مجلسی بزرگ برپا شد. این تجمّع، با توطئهٔ امام جمعه درباری و عوامل او که پشتیبان نظام استبدادی بودند، به تشنّج کشیده شد و مأموران، با چوب و چماق به جان مردم افتادند. درپی این حادثه، اجتماع‌های بزرگی در منزل‌های علما برپا شد. به پیشنهاد آیت‌اللّه سیّدمحمّد طباطبایی، روحانیون و مردم، با حالت اعتراض تهران را ترک و در حرم حضرت عبدالعظیم تحصن کردند.

۵ـ مهاجرت صغریٰ

مهاجرت روحانیون و مردم به شهر ری و تحصن در صحن حضرت عبدالعظیم به مهاجرت صغریٰ مشهور است.

این مهاجرت، اوّلین مرحلهٔ اتحاد نیروهای ضدّ استبداد بود. هر روز بر عدهٔ این مهاجران افزوده می‌شد. عین‌الدوله برای بازگرداندن علما و مهاجران، به هر شیوه که متوسّل شد، نتیجه نگرفت. از آنجا که درباریان فاسد، مانع از رسیدن خبرهای صحیح به مظفرالدین‌شاه بودند، مهاجران مجبور شدند سفیر عثمانی را واسطه قرار دهند و توسّط او، خواسته‌های خود را به گوش شاه برسانند.

مهم‌ترین آن خواسته‌ها به شرح ذیل بود :

ـ ایجاد عدالت‌خانه (دادگستری) در همهٔ شهرها، برای رسیدگی به شکایت‌های مردم و برقراری عدالت در جامعه.

ـ عمل به قانون اسلامی، به‌طور دقیق و به دور از ملاحظه‌های شخصی.

مظفرالدین شاه و عین‌الدوله اعلام کردند که با خواسته‌های مهاجران موافق هستند. بنابراین، این مهاجرت، پس از یک ماه، خاتمه یافت.

۶ـ مهاجرت کبریٰ

هنوز مدّت زیادی از بازگشت مهاجران نگذشته بود که معلوم شد عین‌الدوله به آنان وعدهٔ دروغین داده و در پی آن است که با ایجاد اختلاف در میان آنان و دستگیری، تبعید و زندانی کردن رهبران قیام، جلوی حرکت‌های انقلابی دیگر را بگیرد. آیت‌اللّه طباطبایی چند بار به مظفّرالدین‌شاه نامه نوشت و خواسته‌های مردم و بی‌اعتنایی عین‌الدوله را به او یادآور شد. امّا این نامه‌ها یا به‌دست شاه نرسید و یا به آنها توجه نکرد. در نتیجهٔ این بی‌اعتنایی به خواستهٔ مردم، بار دیگر شعله‌های قیام افروخته شد. این بار بین مردم و سربازان درگیری پیش آمد و درنتیجه، چند نفر مجروح شدند و طلبه‌ای به شهادت رسید. این حادثه، خشم مردم را برانگیخت.

اعتصاب بازاریان تهران در آستانه مهاجرت علما به قم در اعتراض به اقدامات عین‌الدوله

عین‌الدوله به سخت‌گیری بیشتر پرداخت و تهران حالت حکومت نظامی به خود گرفت. عین‌الدوله از علما خواست که به خانه‌هایشان بروند تا خواسته‌های آنان عملی شود. امّا رهبران مردم، پس از بحث و تبادل‌نظر، تصمیم گرفتند این بار در اعتراض به اقدام‌های دولت، به شهر مقدّس قم مهاجرت کنند. این مهاجرت که گسترده‌تر از مهاجرت قبل بود، به «مهاجرت کبریٰ» معروف شد.

تحصّن در سفارت انگلیس

به موازات مهاجرت عدالت‌خواهان به قم، عدّه‌ای در باغ سفارت انگلیس گرد آمدند و بَست نشستند. سنتِ «بست‌نشینی» و تحصّن که از دیرگاه در ایران معمول بود، بیشتر در مساجد و زیارتگاه‌ها و اماکنی صورت می‌گرفت که مورد احترام مردم قرار داشت و با باورهای دینی آنها سازگار بود. مشروطه‌خواهان، بدون پناهندگی به سفارت انگلستان، می‌توانستند به خواسته‌های خود دست یابند. دولت انگلستان بر خلاف دولت روسیه که از دربار حمایت می‌کرد، به ظاهر پشتیبان نهضت مشروطه بود. انگلستان، برای نیل به مقاصد و منافع استعماری‌اش این سیاست را در پیش گرفته بود. امّا کسانی که از سیاست پیچیدهٔ استعمار انگلستان درک روشنی نداشتند و نسبت به غرض‌های بیگانگان غافل بودند، از تجربهٔ جنبش تنباکو، درس و عبرت

دیگ‌های غذا در سفارت انگلیس برای مشروطه‌خواهان

لازم را نگرفتند. از این‌رو، سفارت انگلستان در تهران که آرزویی جز اخراج طرفداران روسیه از دربار را نداشت، عده‌ای از عامل‌های شناخته شدهٔ خود را در بین آزادی‌خواهان وارد و مردم را به تحصّن در سفارتخانه تشویق کرد.

پیروزی نهضت و تشکیل مجلس شورای ملّی

همراه با مهاجرت علمای تهران به قم، عالمان سایر شهرستان‌ها و مراکز ایالت‌ها نیز وارد میدان شدند و نهضت مردمی به اوج خود رسید. بخصوص، حضور شیخ فضل‌اللّه نوری، روحانی طراز اول تهران، در کنار آیت اللّه بهبهانی و آیت اللّه طباطبایی، بر استحکام قیام افزود.

با اوج گیری نهضت، حکومت برای شنیدن خواسته‌های معترضان اعلام آمادگی کرد.

مهم‌ترین این خواسته‌ها عبارت بودند از :

۱ــ برکناری عین‌الدوله از صدارت ۲ــ فراهم کردن زمینه برای بازگشت مهاجران به تهران ۳ــ ایجاد عدالت‌خانه ۴ــ تشکیل دارالشّورا (مجلس نمایندگان)

مظفرالدین شاه تسلیم خواسته‌های مردم شد. او عین‌الدوله را عزل کرد و فرمان تشکیل مجلس شورای ملی را در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ صادرکرد. هفت روز بعد، علما، با استقبال پرشکوه مردم، از قم بازگشتند. شهر چراغانی و جشن شادی به پا شد و در ۲۸ مرداد، اولین دورهٔ مجلس شورای ملّی با حضور نمایندگان تهران تشکیل گردید. عدّه‌ای از سیاستمداران مشروطه‌خواه، به تدوین قانون اساسی پرداختند.[1] آنان با عجله آن را نوشتند و به امضای مظفرالدین شاه رساندند. شاه، ده روز پس از امضای قانون اساسی، درگذشت. به این ترتیب، کشور استبداد زدهٔ ما، با بهره‌گیری از اندیشه‌های سیاسی عالمان بزرگ دینی، کوشش فرهیختگان جامعه و مجاهدت مردم، به حکومتی دست یافت که می‌بایست براساس قانون اداره می‌شد.

بازگشت علما از مهاجرت کبریٰ

عصر ۱۴ مهر ۱۲۸۵ ش، کاخ گلستان، مقابل تالار برلیان؛ مراسم گشایش نخستین دوره مجلس شورای ملی ایران که نخستین مجلس قاره آسیا نیز بود. مظفرالدین شاه در برابر پنجره تالاری رو به باغ گلستان نشسته و گروهی از حاضران نیز در فضای باز مقابل او ایستاده‌اند. شخصی که احتمالاً نظام‌الملک است، کنار پنجره و رو به شاه ایستاده و متنی را از روی کاغذ می‌خواند. در کنار پنجره نیز دو تن از علما نشسته‌اند که یکی از آنان به احتمال زیاد آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی است. در این مراسم افزون بر علما، وزیران، امیران، سفیران، اعیان و اشراف و افرادی از میان اصناف و مردم (مانند آقا سیدمصطفی سمسار، آقا مشهدی باقر بقال و حاجی علی‌اکبر پلوپز) نیز حضور داشتند. حضور چنین افرادی در کنار رجال حکومتی، نشانه‌ای از تغییر مهمی بود که با جنبش مشروطه در ساختار سیاسی ایران پدید آمد.

فعّالیت ۶

به نظر شما چرا نمایندگان مجلس شورای ملی در نوشتن قانون اساسی مشروطه شتاب داشتند؟

۱ــ هدایت (مخبرالسلطنه) نوشته است : «صَنیع‌الدوله، محتشم‌السلطنه، مُشیرالملک، مُؤتَمن الملک و نگارنده، معیّن شدیم نظام‌نامهٔ انتخابات را بنویسیم.» (**خاطرات و خطرات**، صص ۱۴۱ و ۱۴۲)

کاوش خارج از کلاس

۱ـ با راهنمایی معلم خود یکی از کتاب‌هایی را که در زمان مشروطه نوشته شده و جریان مشروطه‌خواهی در آن وجود دارد، تهیّه کنید و بخش‌هایی از آن را در کلاس بخوانید.
۲ـ چه کتاب‌های خاطراتی از آن زمان به یادگار مانده است؟

مشروطه در دورهٔ محمّدعلی شاه

محمّدعلی شاه

بعد از مظفرالدین شاه، ولیعهد او، محمّدعلی میرزا، با عنوان محمّدعلی شاه، به سلطنت رسید. محمّدعلی شاه، نمی‌خواست در برابر قانون اساسی و مجلس شورای ملّی تمکین کند. او در ۲۸ دی ۱۲۸۵ جشن تاج‌گذاری بر پا کرد و از اشراف و نمایندگان دولت‌های خارجی برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل آورد، امّا نمایندگان مجلس شورای ملّی را دعوت نکرد. این، اوّلین بی‌اعتنایی محمّدعلی شاه به مجلس بود.

پس از این ماجرا، کشمکش محمّدعلی شاه با مجلس آغاز شد که سرانجام وی مجلس را به توپ بست؛ امّا این، تنها مشکل نظام تازه تولد یافتهٔ مشروطه نبود، بلکه این نظام، دشواری‌هایی اساسی‌تر پیش رو داشت که به شرح آنها می‌پردازیم :

یکی از معدود پرتره‌های محمدعلی شاه که ترکیبی از عکس ژلاتین نقره‌ای، رنگ روغن، ورنی و طلا است ـ موزه متروپولیتن، نیویورک

تدوین متمّم قانون اساسی و شدّت گرفتن اختلاف‌ها

قانونی که در زمان مظفرالدین شاه به نام «قانون اساسی» تنظیم شد، دارای ضعف‌های زیادی بود. این قانون در پنجاه و یک اصل تنظیم شده بود و در حقیقت نظام‌نامه‌ای بود که ادارهٔ امور مجلس و حدود آن را روشن می‌ساخت. در این قانون، از حقوق و تکالیف دولت نسبت به ملت و بالعکس سخن به میان نیامده بود. بنابراین، لازم بود متمّمی بر آن نوشته و تکمیل می‌شد. به همین‌سبب، کمیسیونی متشکل از شش تن از نمایندگان، برای تدوین «متمّم قانون اساسی» تشکیل شد.

با تلاش‌های پیگیر و مجاهدت‌های فراوان آیت‌اللّه شیخ فضل‌اللّه نوری اصل دوم متمّم قانون اساسی تصویب شد که مورد تأیید علمای ایران و مراجع بزرگ نجف قرار گرفت. بنابراین اصل، در هر دوره از مجلس، هیئتی پنج نفره از مجتهدان و فقیهان اسلام که با اقتضاهای زمان آشنا بودند، به عنوان عضو، در مجلس شورای ملّی شرکت می‌کردند تا بر قانون‌هایی که تدوین و تصویب می‌شد، نظارت کنند که خلاف قواعد اسلامی ودستورهای شرع نباشد. در هیچ یک از دوره‌های مجلس شورای ملی به این اصل عمل نشد.

شیخ فضل‌الله نوری

فعّالیت ۷

به نظر شما چرا شیخ فضل‌الله نوری به اجرای این اصل اصرار داشت؟

در فاصله‌ای که متمّم قانون اساسی تدوین می‌شد، اختلاف درونی مشروطه‌خواهان از یک سو و مخالفت محمدعلی شاه با نظام مشروطه از سوی دیگر، اوضاع را آشفته و پریشان ساخته بود؛ تا آنکه سرانجام شیخ فضل‌اللّه نوری به‌دلیل اعمال نفوذ غرب‌گرایان در نهضت مشروطه و انحراف آن از مسیر اسلامی و ملّی اوّلیّه از صف طرفداران مشروطه جدا شد. او معتقد بود که باید «**مشروطهٔ مشروعه**» ایجاد شود.

خودداری محمّدعلی‌شاه از امضای متمّم قانون اساسی

بی‌اعتنایی بعدی محمدعلی شاه نسبت به نظام مشروطه در هنگام امضای متمّم قانون اساسی مشروطه، رخ داد. هنگامی که متمّم قانون اساسی تقدیم او شد، از امضای آن خودداری کرد. این برخورد، مردم را به هیجان آورد؛ بازارها بسته شد، و چندین هزار نفر به سوی مجلس هجوم آوردند. مردم شهرهای دیگر همچون تبریز، اصفهان، شیراز، رشت و کرمان نیز با مردم تهران هم‌صدا شدند. مراجع تقلید، از نجف اشرف، طی تلگراف‌هایی، به نصیحت شاه پرداختند. در چنین شرایطی، شاه، در شهریور سال ۱۲۸۶، به ناچار، متمّم قانون اساسی را امضا کرد.

اهداف انگلستان و روسیه برای مداخله در نهضت مردم

روس و انگلیس در مواجهه با نهضت مشروطه، با توجه به منافع استعماری خود، با همدیگر تضاد داشتند. روسیه به چند دلیل با نهضت مشروطهٔ ایران مخالفت می‌کرد:

۱ــ جلوگیری از نفوذ انگلیس که در لباس مشروطه‌خواهی، از مشروطه‌طلبان حمایت می‌کرد؛

۲ــ کمک به محمّدعلی شاه که طرفدار روس بود؛

۳ــ پیشگیری از قیام ملّت‌های منطقهٔ قفقاز برای گرفتن آزادی، تحت تأثیر پیروزی مشروطه‌خواهان در ایران.

انگلیس هم برای حمایت از مشروطه، دلایلی داشت:

۱ــ افزایش اعتبار خود در ایران، برای دستیابی به موقعیتی بهتر یا برابر با روسیه؛

۲ــ به قدرت رساندن مهره‌های انگلیسی در دستگاه حاکم و مجلس؛

۳ــ محافظت از مرزهای هندوستان و سایر مستعمرات انگلستان در منطقه.

قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس

با وجود رقابت‌های شدیدی که میان روس و انگلیس در ایران وجود داشت، موضوع جدیدی آنها را وادار به رفع اختلاف‌ها و توافق در مورد ایران کرد. این موضوع جدید حضور آلمان به عنوان یک قدرت جدید در صحنه سیاست جهان بود. با در خطر

قرارگرفتن مستعمره‌های روس و انگلیس در جاهای دیگر دنیا، توسط استعمارگر جدید یعنی آلمان، آنها اختلاف‌ها را کنار گذاشتند و به‌موجب قرارداد ۱۹۰۷، ایران را بین خود تقسیم کردند. بر اساس این قرارداد روس و انگلیس، با پادرمیانی فرانسه که از قدرت روزافزون آلمان بیمناک بود، ایران را به سه منطقه تقسیم کردند. منظور از این کار هم آن بود که دو دولت تا حدودی از یکدیگر فاصله بگیرند و از برخوردهای احتمالی بین آنها، جلوگیری شود.

نقشهٔ تقسیم ایران براساس قرارداد ۱۹۰۷

اقدام انقلابی مردم و مجلس

پس از اینکه قرارداد ۱۹۰۷ امضا شد، سفیران روس و انگلیس، رسماً دولت ایران را از آن قرارداد با خبر کردند. به محض اطلاع مردم، هیجان عمومی علیه این دولت‌ها شکل گرفت و نمایندگان مجلس، به اتفاق آرا، قرارداد را رد کردند. مجلس، قبل از آن نیز دریافت وام از دولت‌های خارجی را رد و برای حلّ این مشکل، به تأسیس «بانک ملّی» اقدام کرده بود. به علاوه، نوز بلژیکی را که پست مهمّ مالی ایران در دست او بود، اخراج کرده بود. این اقدام‌های انقلابی، برای دولت‌های استعمارگر، زنگ خطر بود؛ زیرا در جهت خلاف هدف‌های استعماری آنان جریان داشت. به همین دلیل، برای سرکوب مجلس، به توافق رسیدند و هنگامی که محمّدعلی شاه ساختمان مجلس را به توپ بست، روسیه از آن حمایت کرد و انگلیس نیز با سکوت خود، به آن رضایت داد.

به توپ بستن مجلس و استبداد صغیر

ساختمان مجلس شورای ملّی پس از به توپ بستن توسط لیاخوف در ایام مشروطیت

کشمکش بین محمّدعلی شاه و مجلس، پس از امضای متمّم قانون اساسی همچنان ادامه یافت. محمدعلی شاه برای مبارزه با مشروطه‌خواهان، میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان را که از مخالفان جدّی مشروطه بود و در اروپا به سر می‌برد، به کشور دعوت کرد تا ریاست دولت را به او بسپارد و به کمک وی، دوباره نظام استبدادی را حاکم سازد. امین‌السلطان، با تدبیرهای امنیتی و حمایت روس‌ها، وارد ایران و به عنوان نخست وزیر منصوب شد. او که در دورهٔ نخست وزیری خود، سیاستی دوگانه در پیش گرفته بود، سرانجام توسّط یکی از طرفداران مشروطه ترور شد. چندی بعد محمّدعلی شاه در یکی از خیابان‌های تهران مورد سوءقصد قرار گرفت، ولی آسیبی ندید. شاه این اقدام را به مشروطه‌خواهان نسبت داد و به همین بهانه، تصمیم گرفت مجلس را برای همیشه تعطیل کند. بنابراین، در تیر ۱۲۸۷، یعنی دو سال پس از استقرار مشروطه، محمد علی شاه با تشویق سفارت روسیه دستور حمله به مجلس شورای ملّی را صادر کرد. لیاخوف روسی فرماندهٔ نیروهای قزاق به فرمان محمّدعلی شاه با نیروهای خود به مجلس حمله کرد و بخشی از ساختمان مجلس را با گلوله‌های توپ تخریب کرد. به دنبال آن، تمام خانه‌های مشروطه‌خواهان غارت شد و مأموران به دستگیری آنان پرداختند. آیت‌اللّه سیّدمحمّد طباطبایی و سیّدعبداللّه بهبهانی، توسّط قزاق‌ها دستگیر، شکنجه و تبعید شدند. به دستور شاه، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، ملک‌المتکلّمین و سیّدجمال‌الدین واعظ اعدام شدند. بعضی از نمایندگان نیز که مورد تعقیب قرار گرفته بودند (از جمله تقی‌زاده)، به سفارت انگلیس پناه بردند. بدین گونه، در این دوره که یک سال به طول انجامید، بار دیگر استبداد به جای مشروطیت حاکم شد از این‌رو، آن را دورهٔ استبداد صغیر نامیده‌اند.

مقاومت مردم

ستارخان باقرخان

مقاومت گروه‌هایی از مردم، علما و روشنفکران پس از به توپ‌بستن مجلس نیز ادامه پیدا کرد. تبریز آغازگرِ مقاومت در این دوره بود و دو تن از مجاهدان نام‌آور آن خطّه به نام‌های ستارخان و باقرخان، بیش از نُه ماه در برابر دشمنان مشروطه مقاومت کردند. آنچه آنان را در هدف‌هایشان پابرجا نگاه می‌داشت، حمایت مراجع تقلید مقیم نجف از مشروطه بود. آیت‌اللّه محمّدکاظم خراسانی، آیت‌اللّه سیّدعبداللّه مازندرانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین فرزند میرزاخلیل تهرانی، از مشروطه‌خواهان در برابر حکومت استبدادی محمدعلی شاه حمایت می‌کردند.

بیشتر بدانیم

لوطیان

در شهر گروهی از مردم می‌زیستند که به لوطی شهرت داشتند. لوطی‌ها افرادی بودند که میان آنها و عیاران و اهل فتوت در قرون گذشته ارتباطاتی وجود داشت. آنان با زورخانه ارتباط زیادی داشتند و در محله‌ها حافظ منافع مردم محلی بودند. لوطیان در دورهٔ قاجار به دو گروه تقسیم می‌شدند: یک گروه خود را پاسدار میراث پهلوانی و عیاری و فتوت می‌دانستند و با تکیه بر شجاعت و دلاوری خویش، از تهیدستان در برابر ستم فرادستان ـ یعنی مأموران حکومتی، کلانترها و داروغه‌ها ـ پشتیبانی می‌کردند. گروهی دیگر با بی‌اعتنایی به خصلت‌های پهلوانی و جوانمردی، به عنوان بازوی ظلم در خدمت صاحبان قدرت و ثروت بودند. لوطیان در سراسر دورهٔ قاجار در بیشتر آشوب‌های ضد حکومتی نقش فعال داشتند. ستارخان و باقرخان از زمرهٔ لوطیانی بودند که در نهضت مشروطه در صف اول مبارزه با ستم استبداد جنگیدند و به شخصیت‌های ملی تبدیل شدند. صنیع حضرت و مقتدر نظام نیز در جبههٔ استبداد، از پادشاه مستبد، محمد علی‌شاه حمایت کردند.

با مقاومت مردم تبریز و ایستادگی رهبران دینی و ملّی، مردم فارس، اصفهان، قزوین، کرمانشاه، گیلان، همدان و برخی دیگر از شهرها، وارد صحنهٔ مبارزه شدند و حکومت استبدادی را سخت در تنگنا گذاشتند. محمّدعلی شاه که در برابر مقاومت مردم تبریز درمانده بود، با فراگیر شدن خیزش، ناتوان‌تر شد. سرانجام نیروهای مردمی هوادار مشروطه از اصفهان و بختیاری و گیلان، راهی تهران شدند. سیاست روس و انگلیس در این زمان، مبتنی بر حفظ محمّدعلی شاه بود. سرانجام در تیر سال ۱۲۸۸ هواداران مشروطه به تهران رسیدند و با پناهنده شدن محمّدعلی‌شاه به سفارت روسیه، حکومت استبدادی او به پایان رسید.

بیشتر بدانیم

۱ـ نقش زنان در انقلاب مشروطیت

زنان ایرانی در بسیاری از نهضت‌های تاریخ معاصر ایران در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش ارزنده‌ای ایفا نمودند. علاوه بر نقش تاریخی زنان در نهضت تحریم تنباکو در نهضت مشروطه نیز، زنان به کارهای خردمندانه‌ای دست زدند. اکثر فعّالیت‌های آنان برگرفته از هویت ایرانی ـ اسلامی بوده است؛ به‌عنوان نمونه در جریان مهاجرت صغری، زنان با شرکت در تظاهرات خیابانی خواهان بازگشت علما شدند. پس از صدور فرمان مشروطه، زنان به مجلس رفتند و خواستار تکمیل قانون اساسی توسط نمایندگان شدند. زنان به هنگام تأسیس بانک ملّی با اهدای طلا و زیورآلات شخصی خود بخشی از سرمایهٔ بانک ملّی را تهیه کردند و پس‌اندازهای خود را در اختیار دولت گذاشتند تا این امر ملّی به دور از دست خارجیان و استقراض از آنها انجام شود.

۲ـ مشروطه و فراماسونری

سعید نفیسی(متوّفی ۱۳۴۵) جزو اولین نسل از استادهای دانشکده تاریخ دانشگاه تهران می‌نویسد: «انگلیسی‌ها بسیار ظاهرالصلاحند و باطن خبیث خود را در زیر لفافهٔ ظاهری آراسته، نهان کرده‌اند... دستگاه جاسوسی انگلستان، تا کسی از رموز آن با خبر نشده باشد، نمی‌تواند تصور کند که چه خیانت‌ها در آن نهفته است. این دستگاه همواره با فراماسون‌های فرانسوی و انگلیسی رابطه عجیب داشته و با زبردستی خاص، فراماسون‌ها را در هر جای ایران به نفع خود به‌کار انداخته و آنها را به اطاعت محض وادار کرده است. (**نیمه راه بهشت**، سعید نفیسی، صص ۴۸ـ۴۹)

سازمان فراماسونری در ایران با حکومت هند، بریتانیا و چند کشور بیگانه، ارتباط وثیق داشت و در مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر آن حضور دارد. از نهضت مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ و همچنین در مسئولیت‌های حساس سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پنجاه سال سلطنت پهلوی، اعضای عالی رتبه ماسونی دیده می‌شوند.

دورهٔ دوم مشروطه (۱۲۸۸ـ ۱۲۹۳ش)

دورهٔ دوم مشروطه یکی از برهه‌های مهمّ تاریخ معاصر ایران است. این دوره با فتح تهران به‌دست مشروطه‌خواهان آغاز شد و دارای دو ویژگی بارز بود :

۱ـ اختلاف‌های شدید بین طرفداران مشروطه

۲ـ مداخله‌های آشکار و سلطه‌گرانهٔ روس و انگلیس در سرنوشت ایران

احمدشاه و کابینهٔ فرمانفرما به همراه نایب‌السلطنه ابوالقاسم ناصرالممالک، اثر اسدالله نقاش‌باشی ۱۳۲۸ هـ‌ق ـ موزه ملی هنر آسیایی اسمیتسونیان، واشنگتن دی.سی

قدرت گرفتن جریان جدید در انقلاب مشروطه و اختلاف‌های داخلی

پس از فتح تهران مجلسی فوق‌العاده، مرکب از سران و رؤسای مجاهدان، شاهزادگان، اعیان و وکلای سابق مجلس شورای ملّی، تشکیل شد و به اتفاق آرا، محمّدعلی‌شاه از سلطنت خلع و پسر دوازده‌سالهٔ او، احمد میرزای ولیعهد، به مقام سلطنت برگزیده شد.

بیشتر بدانیم

ملک‌زاده ـ یکی از تاریخ‌نویسان آن عصر (فرزند ملک‌المتکلّمین) ـ نوشته است: «هرگاه فرصت اجازه می‌داد که اسامی پانصد نفر اعضای مجلس عالی را از نظر خوانندگان بگذرانم، مشاهده می‌شد که عدهٔ زیادی از کرسی‌نشینان باغ‌شاه و مشاورین و همدستان محمّدعلی‌شاه که دستشان آغشته به خون آزادی‌خواهان بود، لباس مشروطه‌خواهی دربرکرده و در صدر مجلس عالی جای گرفته بودند و سهیم و شریک در زمامداری حکومت ملّی بودند و هنوز بیست و چهار ساعت از فتح تهران نگذشته بود که کسانی که باید به دار آویخته می‌شدند، دوش به دوش نایب‌السلطنه و سرداران ملّی، به رتق و فتق امور پرداختند».[۱]

پس از آنکه دولت جدید تشکیل شد و جمعی از مستبدّان و مرتجعان به وزارت و حکمرانی و سایر مقام‌های دولتی رسیدند، آتش خشم مشروطه‌خواهان تبریز شعله‌ور و ناخرسندی آنان علنی شد. افرادی نظیر ستارخان و باقرخان و جمعی دیگر از طرفداران مشروطه که برای نهضت فداکاری و مجاهدت کرده‌بودند، چون ملاحظه کردند که مستبدان دورهٔ استبداد و دشمنان دیروز مشروطه، دوباره زمامدار مملکت شدند، بسیار ناخشنود و معترض بودند.

آنان همچنین خواستار اخراج افراد تندرو و افراطی نظیر تقی‌زاده از مجلس بودند.

شهادت شیخ فضل‌الله نوری

با پیروزی مشروطه‌خواهان، انتظار می‌رفت دشمنان واقعی نهضت، مجازات شوند و کیفر ببینند امّا آنان که دستشان به خون آزادی‌خواهان آغشته بود، رها شدند و محمّدعلی‌شاه نیز، با حمایت روس و انگلیس، بدون محاکمه و حتی با پرداخت حقوق

۱ـ ن.ک : ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۶ و ۷ در یک مجلد، کتاب ششم، ص ۱۲۴۸

سالیانه راهی بندر اُدِسا در روسیه شد. آنگاه ــ همان‌گونه که اشاره شد ــ دشمنان نهضت، در صف اوّل آن قرار گرفتند و در زمامداری و حکومت، شریک شدند. تنها کسی که به پای میز محاکمه رفت و اعدام شد، شیخ فضل اللّه نوری، مجتهد طراز اول تهران بود که به دفاع از «مشروطهٔ مشروعه» و قانون اساسی بر پایهٔ ارزش‌های اسلامی، با مشروطهٔ اقتباس شده از غرب، مخالفت کرده بود. در جریان نهضت تنباکو، وی به‌عنوان نماینده میرزای شیرازی در ایران، به حمایت جدّی از این نهضت پرداخت، اما پس از تسلّط مشروطه‌خواهان بر ایران، خانه‌اش مورد تعرض مسلّحانه قرار گرفت.

در این هنگام، سفارت روسیه از ایشان خواست که به آنجا پناهنده شود، یا چند نفر سرباز روسی به منزلش بروند و او را در پناه خود بگیرند. شیخ فضل اللّه نوری هیچ‌یک از اینها را نپذیرفت و گفت: «در مقابل مشیّت و ارادهٔ الهی، تسلیم صرف است».

همچنین، در پاسخ برخی از کسانی که به او پیشنهاد می‌کردند که به بیگانه پناهنده شود، اظهار داشت: «من راضی هستم که صد مرتبه زنده شوم و کشته شوم امّا پناهنده به اجنبی نشوم و برخلاف امر شارع مقدس اسلام رفتاری نکرده باشم».

یِپرِم خان ارمنی که پس از پیروزی مشروطه‌خواهان، با فرصت‌طلبی مدارج ترقّی را به سرعت طی کرده بود، مأمور دستگیری شیخ فضل‌اللّه نوری شد. این عالم روحانی پس از یک محاکمهٔ فرمایشی، به شهادت رسید.

به نظر بسیاری از مورخان شهادت شیخ فضل‌اللّه نوری، یکی از فجیع‌ترین اعمال مشروطه‌خواهان بود. عدّه‌ای اعدام او را انتقام استعمار از روحانیت ایران برای جبران شکست در نهضت تحریم تنباکو و پیشگیری از تکرار مقاومت‌های مشابه آن می‌دانند.

برگی از تاریخ

ضیاءالدین دُرّی که با شیخ فضل‌الله در ایام تحصن دیدار و گفت‌وگو داشته می‌نویسد:

زمانی که [شیخ] مهاجرت کردند به زاویهٔ مقدّسه، یک روز رفتم ملاقات خلوت از ایشان گرفتم. پس از ملاقات عرض کردم می‌خواهم علّت موافقت اوّلیهٔ حضرت‌عالی را با مشروطه، و جهتِ این مخالفت ثانویّه را بدانم. اگر مشروطه حرام است... چرا ابتدا همراهی و مساعدت فرمودید؟ و اگر... جایزه است... چرا مخالفت می‌فرمایید؟

دیدم... اشک در چشم‌هایش حلقه زد. گفت: «من والله با مشروطه مخالفت ندارم، با اشخاص بی‌دین و فرقهٔ ضالّه و مُضِلّه مخالفم که می‌خواهند به مذهب اسلام لطمه وارد بیاورند. روزنامه‌ها را که لابد خوانده و می‌خوانید که چگونه به انبیا و اولیا توهین می‌کنند و حرف‌های کفرآمیز می‌زنند؟! من عین همین حرف‌ها را در کمیسیون‌های مجلس از بعضی شنیدم. از خوف آنکه مبادا بعدها قوانین مخالف... اسلام وضع کنند، خواستم از این کار جلوگیری کنم، آن لایحه را نوشتم. تمام دشمنی‌ها و فحّاشی‌ها از همان لایحه سرچشمه گرفته است! علمای اسلام مأمورند برای اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم. چگونه من مخالف با عدالت و مروّج ظلم می‌شوم؟ من در همین‌جا قرآن را از بغل خود درآورده قسم خوردم و قرآن را شاهد عقیده‌ام قرار دادم که مخالف با مشروطه نیستم، معاندین گفتند: این، قرآن نبوده است بلکه قوطی سیگار بوده! حال با همچو مردمی چگونه مخالفت نکنم... و سخنی نگویم؟ مطابق حدیث صحیح صریح، در این‌گونه موارد علما باید از بِدَعْ جلوگیری کنند والّا خداوند... آنها را به رو، به آتش جهنم می‌اندازد.» (**آخرین آواز قو**، ابوالحسنی منذر، ص ۷۵)

جلال آل‌احمد دربارهٔ او گفته است: «من نعش آن بزرگوار را بر سرِ دار، همچون پرچمی می‌دانم که به علامت استیلای غرب‌زدگی، پس از دویست سال کشمکش، بر بام سرای این ملّت افراشته شد».[1]

۱ــ آل احمد، **غربزدگی**، ص ۷۸

چالش‌های دوره دوم مشروطه و مداخله بیگانگان

اعضای هیئت رئیسه دوره دوم مجلس شورای ملی در جایگاه هیئت رئیسه

به دنبال اعدام شیخ‌فضل اللّه نوری و تشکیل دومین دورهٔ مجلس شورای ملّی، اختلاف میان مشروطه‌خواهان شدت گرفت. رابطه دین و سیاست از موضوعات مهم در این اختلافِ نظر بود. از نظر عده‌ای، مذهب سدی محکم در برابر بی‌عدالتی و استبداد بوده و بیگانگان را از دخالت در امور کشور باز می‌داشت و از نظر عده‌ای دیگر، دین باید از سیاست جدا شده و نهضت مشروطه از جنبه‌های دینی تهی گردد[1]. با شدت‌گرفتن تقابل فکری و سیاسی در گروه‌های مشروطه‌خواه، به‌تدریج جوّ وحشت و ترور بر جامعه حاکم شده و رهبرانی از هر دو گروهِ فوق، به قتل رسیدند.

تفرقه میان گروه‌ها و ناامنی، تنها مشکل بعد از برپاییِ مجددِ حکومت مشروطه نبود. دولت و مجلسِ جدید، ابزارهای لازم برای اداره کشور را در اختیار نداشتند. وزرای جدید انتخاب شده بودند، ولی وزارت‌خانه و تشکیلات منسجمی برای اجرای قوانین وجود نداشت. از طرفی خزانه تقریباً خالی بود و دولت نمی‌توانست وزارت‌خانه‌ها را راه‌اندازی و اصلاحات را آغاز کند. گردآوریِ درآمدهای حکومتی هم با مشکل مواجه بود. برای حل این مشکلات، مجلس تصمیم گرفت عده‌ای کارشناس از کشورهای دیگر استخدام کند؛ چندین کارشناس آمریکایی برای اصلاح امور اداری ــ مالی و تعدادی کارشناس نظامیِ سوئدی برای تأسیس نیروی ژاندارمری استخدام شدند[2].

مورگان شوستِر آمریکایی، معروف‌ترین چهره در بین آنان بود که با اختیارهای وسیعی که مجلس به او داد، شروع به انجام اصلاحاتی دامنه‌دار در امور مالی و گمرک‌ها کرد. این اقدام او که سبب منظم‌شدن دستگاه اقتصادی کشور می‌شد، روس و انگلیس را سخت عصبانی کرد. بنابراین، در سال ۱۲۹۰ش روسیه، طی اخطاری به دولت ایران، تهدید کرد که اگر ظرف چهل‌وهشت ساعت به خواسته‌هایش عمل نشود، به اشغال ایران خواهد پرداخت. درخواست‌های روسیه به این شرح بود:

۱ــ اقدام‌های مورگان شوستر متوقّف و او از ایران اخراج شود؛

۲ــ بدون موافقت روس و انگلیس، از استخدام اتباع خارجی در ایران، خودداری شود؛

۳ــ هزینهٔ نگهداری قوای روسیه در ایران را، دولت ایران پرداخت کند.

با به پایان رسیدن مهلت ۴۸ ساعته، روسیه بلافاصله نیروهای خود را به داخل خاک ایران اعزام کرد. اخطار روسیه، بحرانی بزرگ در کشور ایجاد کرد. بین مجلس و دولت، بر سر پذیرفتن یا رد کردن آن، اختلاف افتاد. هیجان عمومی و احساسات مردمی، اوج گرفت. مجلس، اخطار روسیه را رد کرد ولی نخست وزیر ایران، از ترس اشغال پایتخت، تسلیم شد و مجلس شورای ملّی را منحل کرد. بدین ترتیب سلطه‌جویی دولت‌های روس و انگلستان و دخالت‌های آنها در ادارهٔ کشور مانع از آن شد تا مجلس نوپای مشروطه بتواند برای سر و سامان دادن به اوضاع اداری، مالی و نظامی کشور اقدام مؤثری انجام دهد. به دنبال این اقدام، انبوه

۱ــ حزب اعتدالیون در آن زمان، طرفدار حضور دین در صحنهٔ سیاست بود. سیّد محمد طباطبایی و سیّد عبداللّه بهبهانی از اعضای سرشناس این حزب بودند. در مقابل، حزب دموکرات، می‌خواستند سیاست و حکومت مشروطه را از دین جدا کنند. سیّدحسن تقی‌زاده، رهبر حزب دموکرات بود.

۲ــ در آن زمان آمریکا هنوز خوی سلطه‌جویانهٔ آشکاری را که پس از جنگ دوم جهانی در پیش گرفت، نشان نداده بود و دولتمردان ایرانی که به دنبال قدرت سومی بودند تا به اتکای آن در برابر سلطه‌گری روس و انگلیس بایستند، متخصصان این کشورها را ترجیح می‌دادند.

تظاهرکنندگان مردمی، به خصوص زنان، با شعار «یا مرگ یا استقلال» به مجلس حمله کردند. علمای مذهبی در ایران و عتبات عالیات، طی تلگراف‌هایی، مردم را به مقاومت دعوت کردند. آیت اللّه آخوند خراسانی، مرجع بزرگ شیعهٔ مقیم عراق، تصمیم گرفت به سوی ایران حرکت کند تا مردم را برای مقاومت در برابر زورگویی بیگانه، بسیج کند. او همراه جمع انبوهی از عشیره‌های شیعهٔ عراق، آمادهٔ عزیمت به ایران شد اما در همان شب قبل از حرکت، به طرزی مشکوک، از دنیا رفت.

روس‌ها با استفاده از فرصت به دست آمده، کانون‌های مقاومت تبریز و مشهد را به سختی سرکوب کردند؛ مرقد مطهّر امام‌هشتم علیه‌السلام را به توپ بستند؛ از آذربایجان تا خراسان، نیروهای خود را مستقر ساختند و منطقهٔ زیر نفوذشان را طبق قرارداد ۱۹۰۷ اشغال کردند.

در این زمان، انگلیس نیز برای اشغال منطقهٔ زیر نفوذ خود، قوایی از هندوستان وارد جنوب ایران کرد. سرانجام نیز، در سال ۱۲۹۱ ش/ ۱۹۱۲م این دو کشور سلطه‌گر، دولت ایران را مجبور کردند تا سیاست خود را با اصول قرارداد ۱۹۰۷ تطبیق دهد.

میرزا علی‌آقا تبریزی (۲۹ دی ۱۲۳۹ــ ۹ دی ۱۲۹۰) مشهور به ثقةالاسلام تبریزی، از علمای آذربایجان و یکی از مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان بود که در ۹ دی ۱۲۹۰ خورشیدی در تبریز به دست روس‌ها به دار آویخته شد.

برگی از تاریخ

آخوند ملّامحمّد کاظم خراسانی (۱۲۱۸ــ ۱۲۹۰ش)

در اثنای نهضت مشروطه، آخوند خراسانی به حمایت معنوی از آن پرداخت و با صدور فتوا در ضرورت مشروطیت، باعث استحکام آن شد. او که در آن زمان مرجع تقلید شیعیان جهان بود، زمانی که در سال ۱۲۸۹ش روسیه، شمال ایران را اشغال کرد، با یاران خود و عشایر شیعهٔ عراق، برای جهاد علیه اشغالگران روسی و مقابله با انحراف غرب‌گرایان در مشروطه آمادهٔ عزیمت به ایران شد، امّا در شب قبل از عزیمت به ایران، به‌طرزی مشکوک، جان به‌جان‌آفرین تسلیم کرد.

پرسش‌های نمونه

۱ــ چه عواملی زمینه‌های نهضت مشروطه را فراهم کرد؟

۲ــ مهاجران در هجرت صغری چه خواسته‌هایی داشتند؟

۳ــ سفارت انگلیس در نهضت مشروطه چگونه از سنت بست‌نشینی به سود منافع خود استفاده کرد؟

۴ــ دولت روسیه به چه دلایلی با نهضت مشروطه مخالفت می‌کرد؟

۵ــ روسیه و انگلستان براساس قرارداد ۱۹۰۷ چرا و چگونه ایران را میان خود تقسیم کردند؟

درس ۶

جنگ جهانی اول و ایران

جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ـ۱۹۱۸م/ ۱۲۹۳ـ۱۲۹۷ ش) که با عنوان‌های جنگ بین‌الملل اول یا جنگ بزرگ نیز از آن یاد می‌شود، یکی از رویدادهای مهم تاریخ بشر به شمار می‌رود. این جنگ نقشی تعیین‌کننده در رخدادها و تحولات جهان در سدهٔ بیستم میلادی داشت. شما در این درس با مطالعهٔ زمینه‌ها و علل این رویداد عظیم، تأثیرات و پیامدهای آن را در کشورهای مختلف جهان، به خصوص میهن عزیزمان ایران، بررسی و تحلیل خواهید کرد.

فعّالیت ۱

بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر، دربارهٔ این موضوع با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنید: چرا با وجود سابقهٔ طولانی جنگ میان جوامع و کشورها در طی تاریخ بشر، جنگی که در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸م میان برخی کشورها رخ داد، به جنگ جهانی یا بین‌الملل معروف شد؟ برای دیدگاه خود دلیل بیاورید.

زمینه‌های جنگ جهانی اول

عمدهٔ تحولات تاریخ جهان، به ویژه اروپا، در قرن ۱۹م متأثر از تأثیرات و پیامدهای انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی بود. مهم‌ترین این تحولات عبارت‌اند از: تداوم و گسترش رقابت‌های استعماری، رشد اندیشهٔ ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) و ظهور قدرت‌های جدید.

الف) تداوم و گسترش استعمار

انقلاب صنعتی و تولید سلاح‌های پیشرفته مانند توپ و کشتی‌های جنگی، موجب گسترش استعمار در جهان شد. دولت‌های استعمارگر اروپایی، به‌ویژه انگلستان و فرانسه، با گسترش مستعمرات خود در قاره‌های آسیا، آفریقا، آمریکا و اقیانوسیه با یکدیگر به رقابت و ستیز برخاستند.

روسیه نیز با وجود اینکه از نظر علمی و فرهنگی به مراتب از کشورهای اروپای مرکزی و غربی عقب‌مانده‌تر بود، در قرن ۱۹م قدرت نظامی خود را به‌طور فوق‌العاده‌ای تقویت کرد و نسبت به همسایگان جنوبی خود سیاست توسعه‌طلبانه‌ای در پیش گرفت. ارتش روسیه در طول این قرن با هدف رسیدن به دریاهای گرم و آبراه‌های مهم، بارها به قلمرو امپراتوری عثمانی در شبه‌جزیرهٔ بالکان و حوزهٔ دریای سیاه و نیز سرزمین‌های ایرانی در دو سوی دریای خزر یورش آورد و مناطق وسیعی را تسخیر و تصرف کرد.

در قارهٔ آمریکا، ایالات متحده در سدهٔ ۱۹م به کشوری صنعتی و قدرتمند تبدیل شد و با بهره‌گیری از توان نظامی و اقتصادی خود اقدام به نفوذ و مداخله در امور کشورهای آمریکای لاتین (آمریکای جنوبی) کرد.

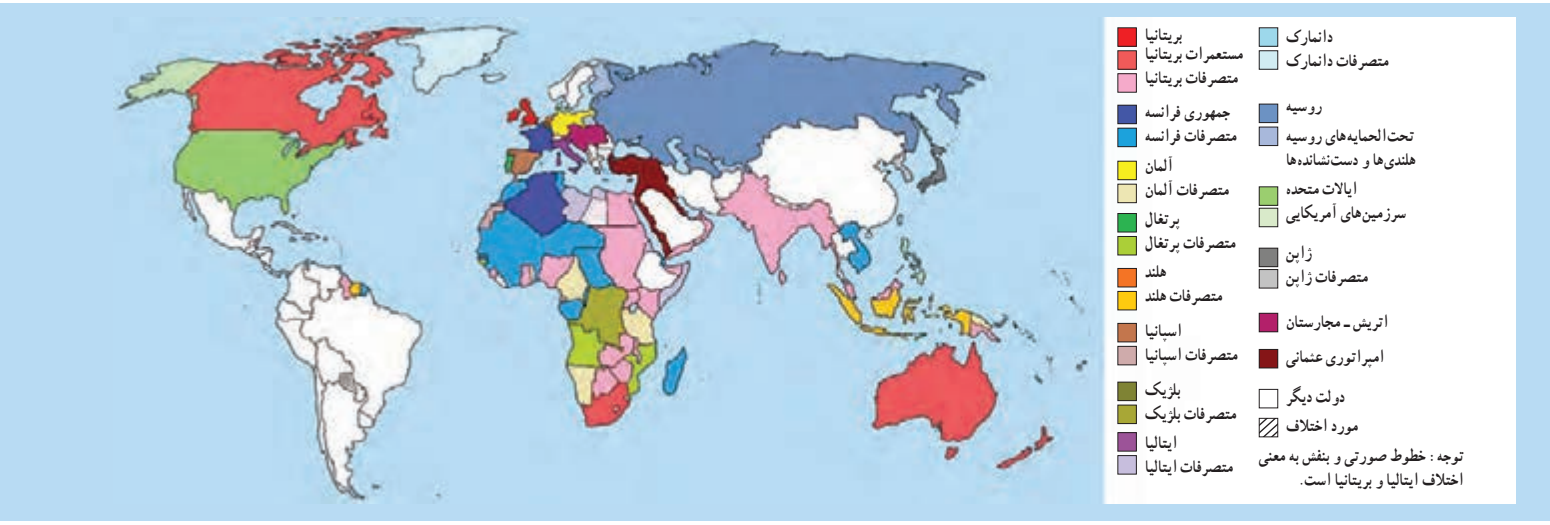

نقشهٔ مستعمرات دولت‌های اروپایی در مناطق مختلف جهان در ۱۹۱۴ م

مقاومت در برابر استعمار؛ مردم بسیاری از کشورهای مستعمره در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین (جنوبی) در قرن ۱۹ و نیمهٔ اول قرن ۲۰م دربرابر سلطهٔ استعمارگران بر سرزمینشان مقاومت کرده یا جنبش‌های اعتراضی به راه انداختند. **قیام مهدیون** در سودان به رهبری مهدی سودانی در مقابل انگلیس، مبارزات مردم الجزایر به فرماندهی **امیر عبدالقادر** بر ضد ارتش فرانسه، اتحاد مسلمانان و هندوها بر ضد استعمار در هند به رهبری مهاتما گاندی و جنبش استقلال طلبانهٔ مردم آمریکای لاتین به رهبری **سیمون بولیوار**[1] نمونه‌هایی از مبارزهٔ مردم در سرزمین‌های تحت سلطه استعمار بود.

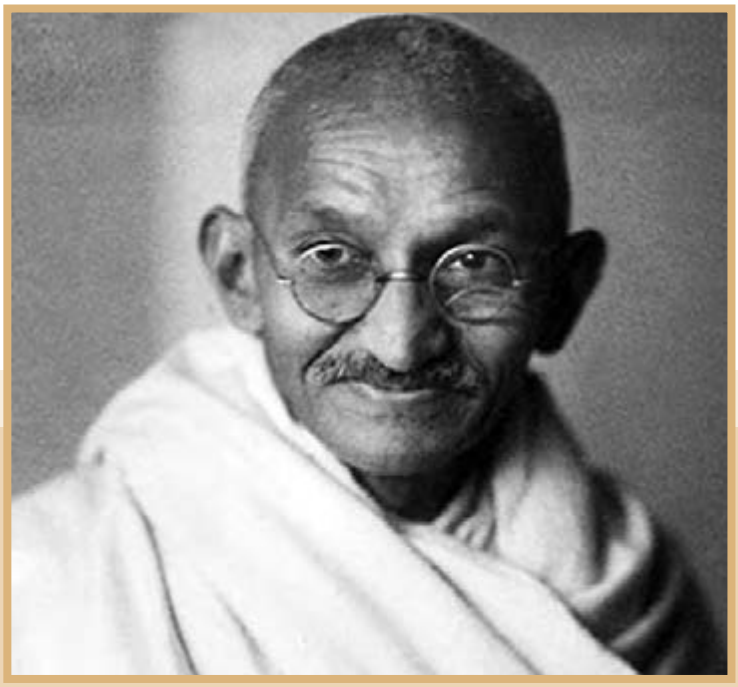

مهاتما گاندی (۱۸۶۹ـ۱۹۴۸م)، از رهبران مبارزه با استعمار انگلیس در هند

سیمون بولیوار (۱۷۸۳ـ۱۸۳۰م)،
آرتورو میکلنا ـ نگارخانه ملی هنر، کاراکاس

۱ـ Simon Bolivar

ب) رشد اندیشهٔ ملی‌گرایی و ظهور قدرت‌های جدید

در سدهٔ ۱۹م، دو جریان فکری **ملی‌گرایی** و **آزادی‌خواهی** در بسیاری از سرزمین‌ها و جوامع اروپایی پا گرفت و زمینه‌ساز شکل‌گیری کشورها و دولت‌های ملی جدیدی شد. تفکر ملی‌گرایی، مردمان و گروه‌های قومی را که تاریخ و فرهنگ و زبان مشترکی داشتند، برانگیخت تا با هم یکی شوند و زیر پرچم حکومتی یکپارچه و مستقل قرار گیرند. ایتالیایی‌ها، آلمانی‌ها، لهستانی‌ها، صرب‌ها و مجارها از جملهٔ این اقوام بودند که تحت تأثیر اندیشهٔ ملی‌گرایی، برای تأسیس حکومت ملی به پا خاستند.

وحدت ایتالیا؛ تا حدود اواسط قرن ۱۹م ایتالیا کشوری چندپاره بود که بر هر قسمت آن خاندان‌های مختلف، پاپ‌ها و یا کشورهای همسایه (اتریش و فرانسه) حکومت می‌کردند. در نیمهٔ دوم این قرن، ملی‌گرایان ایتالیایی قیام کردند و با استفاده از رقابتی که میان اتریش و فرانسه وجود داشت، موفق شدند ایتالیا را متحد کنند و تحت حاکمیت حکومتِ ملی و مستقلی در آورند.

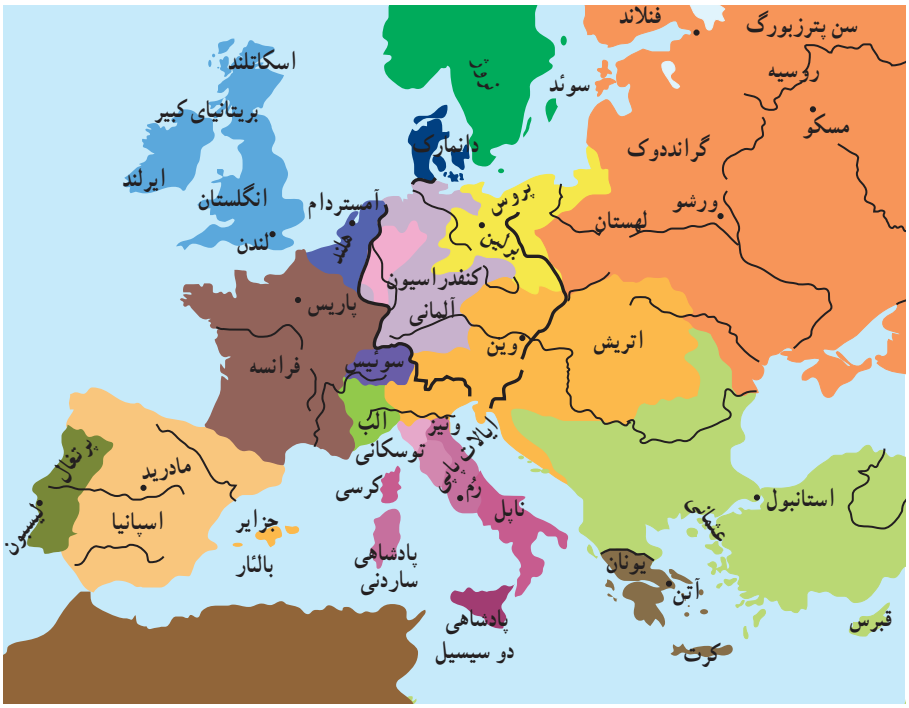

نقشهٔ سیاسی اروپا در ۱۸۵۰ م

فعّالیت ۲

بررسی نقشه‌های تاریخی

نقشهٔ بالا را با نقشهٔ سیاسی اروپا در سال‌های ۱۹۱۵ـ۱۹۱۸م (صفحهٔ ۸۳)، مقایسه کنید و تغییرات آن را بنویسید.

اتحاد آلمان؛ در ابتدای قرن نوزدهم سرزمینی که آلمانی‌ها در آن زندگی می‌کردند شامل ۳۹ ایالت بود که فاقد حکومت یکپارچه بودند. درواقع آنان در اتحادیه ضعیف و شکننده‌ای موسوم به اتحادیه آلمانی در کنار هم قرار داشتند. در آن زمان، ملی‌گرایان آلمانی خواهان یگانگی تمام آلمانی‌ها و تشکیل کشوری واحد بودند اما امپراتوری اتریش ــ مجارستان که نفوذ فراوانی بر اتحادیهٔ آلمانی داشت، مخالف چنین وحدتی بود و شکل‌گیری آلمان متحد و نیرومند را تهدیدی برای خویش می‌دانست. ایالت **پِروس** که یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین ایالت‌های اتحادیهٔ آلمانی بود، پیشگام وحدت آلمان شد. ویلهِلم یکم فرمانروای پروس به کمک صدراعظم خود **بیسْمارک**، ملقب به مرد آهنین آن ایالت، سرزمین‌های آلمانی را متحد و امپراتوری آلمان[1] را تأسیس کرد (۱۸۷۱م). پروس برای رسیدن به این موفقیت بزرگ، با کشورهای دانمارک، اتریش ــ مجارستان و فرانسه جنگید و آنها را شکست داد.

نگارهٔ مراسم تاج‌گذاری ویلهلم اول در کاخ ورسای پاریس پس از شکست فرانسه، آنتوان فون ورنر ــ موزهٔ بیسمارک

نگارهٔ بیسمارک، صدراعظم آلمان (۱۸۱۵ــ ۱۸۹۸ م) ــ آرشیو فدرال آلمان

۱ــ آلمانی‌ها امپراتوری جدید خود را **رایش دوم** نامیدند. رایش در زبان آلمانی به معنای امپراتوری است. پایتخت این امپراتوری شهر برلین، مرکز ایالت پروس بود. براساس قانون اساسی امپراتوری آلمان، هر ایالت در امور داخلی [خود] مستقل بود و حکومت مرکزی مسئولیت امور مشترک و مهمی چون دفاع ملی، روابط خارجی و تعرفه‌های گمرکی را به عهده داشت (دان، **تاریخ تمدن و فرهنگ جهان**، ج۴، ص ۲۳).

امپراتوری آلمان به سرعت در مسیر پیشرفت و اقتدار گام نهاد. این امپراتوری با تأسیس و توسعهٔ مدارس و دانشگاه‌ها، برپایی صنایع جدید و بسط شبکهٔ حمل و نقل و ارتباطات، خیلی زود به یکی از پیشروترین کشورهای اروپایی در زمینهٔ صنعت تبدیل شد. هم‌زمان با توسعهٔ اقتصادی و صنعتی، قدرت نظامی آلمان نیز با شتاب فراوانی افزایش یافت؛ آلمانی‌ها با ساخت تسلیحات مدرن به‌ویژه توپ، هواپیما، کشتی جنگی و زیردریایی، با انگلستان که در آن زمان قوی‌ترین نیروی دریایی را داشت، به رقابت برخاستند.

بیشتر بدانیم

جنبش استقلال‌طلبی در اروپای شرقی و خاورمیانه

جنبش ملی‌گرایی و استقلال‌طلبی در سدهٔ ۱۹م. به اروپای شرقی و به‌خصوص شبه‌جزیرهٔ بالکان که هنوز بخشی از امپراتوری‌های عثمانی، روسیه و اتریش بود، نیز سرایت کرد. در نتیجهٔ بروز جنبش‌ها و شورش‌های ملی‌گرایانه در قلمرو امپراتوریِ رو به انحطاط عثمانی، یونان به استقلال رسید (۱۸۳۰م). سپس، مصر و عربستان به خودمختاری دست یافتند (۱۸۵۰م). رومانی و صربستان نیز در شبه‌جزیرهٔ بالکان خودمختار شدند. مدتی بعد اقوام اسلاو هم بر ضد ترکان عثمانی شوریدند؛ روسیه نیز به پشتیبانی از شورشیان با عثمانی وارد جنگ شد و پس از شکست عثمانی، کشور جدید بلغارستان به وجود آمد.

گروه‌های قومی مجار، لهستانی، صرب، چک، کرووات، اسلواک و رومانیایی که تحت سلطهٔ امپراتوری اتریش ـ مجارستان و همچنین اقوام استونیایی، لیتوانیایی، لهستانی و اوکرانیایی که زیر سیطرهٔ روسیه قرار داشتند نیز خواهان استقلال و تأسیس دولت ملی بودند، اما سرکوب شدند (دان، **تاریخ تمدن و فرهنگ جهان**، ج ۴، صص ۲۶ـ۳۲).

جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ـ۱۹۱۸م)

علل آغاز جنگ جهانی اول

مهم‌ترین علل بروز جنگ جهانی اول، مسابقه تسلیحاتی، رقابت بر سر نفوذ در منطقه شبه جزیره بالکان و اختلافات مرزی و دشمنی شدید آلمان با همسایگانش به‌ویژه فرانسه بود.

اختلافات مرزی و دشمنی شدید آلمان با همسایگانش به‌ویژه فرانسه؛ آلمان، خواهان دستیابی به مقام یک قدرت جهانی بود، اما از لحاظ وسعت خاک و منابع طبیعی در تنگنا قرار داشت. به همین دلیل درصدد برآمد که از دو طریق به این هدف دست یابد؛ توسعه مناطق تحت نفوذ در اروپا و گسترش مستعمرات. اجرای هر کدام از این سیاست‌ها عواقبی برای آلمان درپی داشت: توسعه مناطق تحت نفوذ در اروپا باعث بالا رفتن سطح تنش بین آلمان و همسایگان اروپایی‌اش شد که دشمنی با فرانسه بر سر ایالت‌های مرزی[1] و کشمکش با روسیه بر سر شبه‌جزیره بالکان از این دسته‌اند. از طرفی گسترش مستعمرات نیز به رقابت و درگیری با دیگر استعمارگران به‌ویژه انگلستان انجامید. درواقع آلمان همه دوستان اروپایی خود، جز اتریش را با خود دشمن کرده بود.

مسابقه تسلیحاتی؛ این دوره در اروپا به دوران **صلح مسلح** معروف است یعنی دوره‌ای که کشورهای اروپایی (به‌ویژه آلمان و انگلستان) بی‌آنکه درگیر جنگ باشند اولاً از ترس یکدیگر به ساختن و انبار کردن سلاح‌های پیشرفته و آماده شدن برای جنگ می‌پرداختند و ثانیاً تلاش می‌کردند از طریق بستن پیمان اتحاد سیاسی و نظامی، متحدان خود را افزایش دهند. درنتیجهٔ

۱ـ دو ایالت آلزاس (Alsace) و لورِن (Lorraine) که در مرز بین فرانسه و آلمان قرار دارند.

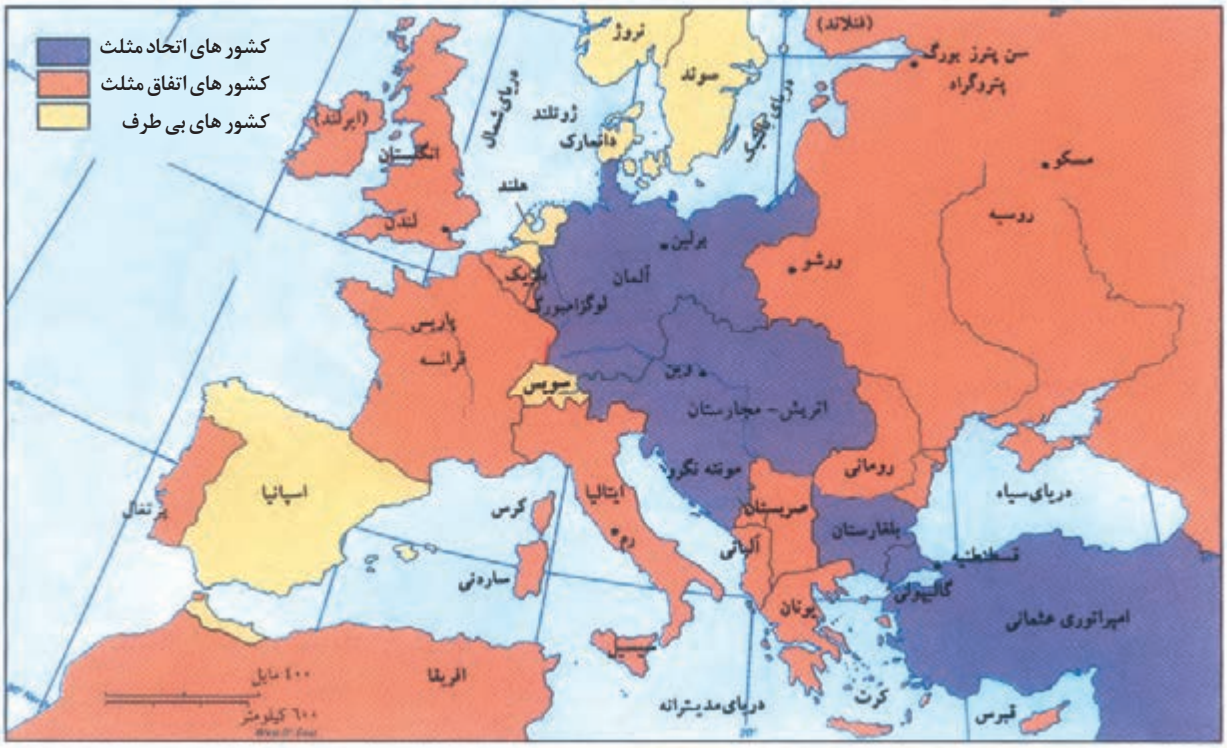

نقشهٔ سیاسی اروپا (۱۹۱۵ــ۱۹۱۸م)

کاوش خارج از کلاس

به چند گروه تقسیم شوید. در هر گروه، دربارهٔ تأثیر یکی از مسائل زیر در بروز جنگ جهانی اول تحقیق کنید و گزارش نهایی آن را در کلاس ارائه کنید.

«اختلافات مرزی و دشمنی آلمان و فرانسه»؛ «رقابت آلمان با انگلستان بر سر مستعمرات»؛ «جنبش‌های ملی‌گرایی در اروپای شرقی»؛ «دخالت قدرت‌های بزرگ در شبه‌جزیرهٔ بالکان».

این پیمان‌ها توازن قدرت در اروپا به این شکل درآمد؛ در یک طرف آلمان، اتریش و ایتالیا[1] با عنوان اتحاد سه‌گانه (مثلث) در کنار یکدیگر قرار گرفتند و در مقابل انگلستان، روسیه و فرانسه اتفاق سه‌گانه (مثلث) را تشکیل دادند. (رجوع کنید به نقشه بالا)

رقابت بر سر نفوذ در منطقهٔ شبه جزیره بالکان؛ بالکان شبه‌جزیره‌ای است در جنوب شرقی اروپا که در قرن چهاردهم به تصرف امپراتوری عثمانی در آمد. در این شبه جزیره اقلیت‌های قومی (مانند صرب‌ها و اسلاوها) و اقلیت‌های مذهبی (مانند مسیحیان) زندگی می‌کردند. از قرن هیجدهم، هم‌زمان با کاهش قدرت امپراتوری عثمانی، دخالت کشورهای اروپایی در بالکان به بهانه حمایت از این اقلیت‌ها افزایش یافت. این دخالت‌ها که به **مسئله شرق** معروف شده بود، به‌تدریج به جدایی بالکان از امپراتوری عثمانی انجامید اما رقابت کشورهای اروپایی برای نفوذ در این منطقه ادامه داشت. به‌طور مثال اتریش اداره بوسنی و هرزگوین را به‌دست

۱ــ ایتالیا در سال ۱۹۱۵ از این اتحاد مثلث خارج شد و به اتفاق مثلث پیوست.

گرفت و صربستان و رومانی با اینکه استقلال یافتند ولی تحت نفوذ روسیه بودند. این شرایط باعث شد بحران و کشمکش در بالکان ادامه یابد و یک اتفاق در این منطقه به شروع جنگ جهانی اول منجر شود.

شروع جنگ

اتفاقی که در روز ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴، هم‌زمان با سفر ولیعهد اتریش و همسرش به سارایوو پایتخت بوسنی افتاد، بهانه آغاز جنگ را فراهم آورد؛ آنها توسط یک صربِ ملی‌گرای متعصب کشته شدند[1]. دولت اتریش مصمم شد که عکس‌العمل شدیدی نشان دهد و درنهایت به صربستان اعلان جنگ داد. کشورهای عضو اتحاد و اتفاق مثلث به پشتیبانی از هم‌پیمانان مقابل هم صف‌آرایی کردند و جنگ جهانی اول آغاز شد. طرف‌های جنگ امیدوار بودند خیلی زود به پیروزی برسند، اما جنگ تا سال ۱۹۱۸ به مدت ۴ سال ادامه یافت و آتش آن نه‌تنها اروپا بلکه غرب آسیا (خاورمیانه) و برخی مستعمرات را نیز دربرگرفت.

ناوگان جنگی آلمان در جنگ جهانی اول

رژهٔ تانک‌ها در خیابان‌های لندن پس از جنگ جهانی اول

فعّالیت ۳

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، آیا قتل ولیعهد اتریش و همسرش علت اصلی جنگ بین‌الملل یا فقط بهانه‌ای برای شروع آن بوده است؟

۱ــ صرب‌های بالکان از مدت‌ها قبل برای ایجاد کشوری واحد از اسلاوها، تصمیم گرفته بودند بوسنی را اشغال کنند ولی بوسنی تحت نفوذ اتریش قرار داشت و از طرفی سیاست‌های اتریش سد راه ملی‌گرایان صرب برای رسیدن به اهدافشان بود؛ بنابراین صرب‌ها کینه امپراتوری اتریش را در دل داشتند.

انقلاب روسیه

لنین، رهبر انقلاب نوامبر ۱۹۱۷ م روسیه درحال سخنرانی در میدان سرخ مسکو

همان‌طور که گفته شد، تزارهای روس از زمان پتر کبیر برای به چنگ آوردن مستعمرات، برنامه‌هایی در جهت توسعه‌طلبی سیاسی و نظامی در پیش گرفتند که موجب شد روسیه وارد جنگ‌های متعددی در نقاط مختلف جهان شود. در حالی که بار اصلی این جنگ‌ها بر دوش مردم روسیه بود، ثروت حاصل از برنامه‌های استعماری تنها باعث عمیق‌تر شدن اختلاف طبقاتی در این کشور می‌شد. این شرایط موجب شکل‌گیری گروه‌های مخالف علیه تزارها شد تا جایی که حکومت روسیه مجبور شد در سال ۱۹۰۵م تن به اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بدهد. اما برخی از گروه‌های مخالف که مارکسیست بودند این اصلاحات را کافی نمی‌دانستند و از حذف سرمایه‌داری خصوصی و درنتیجه مدیریت کارخانه‌ها و زمین‌های کشاورزی توسط کارگران و کشاورزان دفاع می‌کردند. در بین مارکسیست‌های معترض، عده‌ای که به «بُلْشویک[1]ها» معروف بودند، می‌گفتند که انجام اصلاحات مورد نظرشان با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌جویانه و ملایم امکان‌پذیر نیست و انقلابی بنیادافکن (که طی آن طبقه اشراف از قدرت برکنار می‌شدند) چاره کار است. جنگ جهانی اول این فرصت را در اختیار رهبران بلشویک (که در آن زمان در خارج از روسیه در تبعید بودند) قرار داد تا با استفاده از شرایط، به اهداف انقلابی خود برسند.

در سال ۱۹۱۷م تزار روسیه، پانزده میلیون نفر که بیشتر کارگران و کشاورزان بودند را برای مقابله با متحدین به جبهه جنگ فراخواند و این امر باعث بروز مشکل در تولید کالاهای مورد نیاز و در نتیجه بالا رفتن خشم عمومی و شورش علیه حکومت شد. درگیری داخلی در روسیه باعث ضعف این کشور در جبهه جنگ با متحدین می‌شد به همین دلیل دولت آلمان به تقویت معترضان پرداخت و به رهبران تبعیدی بلشویک کمک کرد تا به روسیه بازگردند و به این شورش‌ها دامن بزنند.

بلشویک‌ها به رهبری «لِنین» توانستند با شعار «صلح، زمین، نان»، «تسلط کارگران بر تولید» و «همه قدرت از آنِ شوراها» شورشیان را با خود همراه کرده تا جایی که تزار را دستگیر و در نهایت کشتند. بلشویک‌ها بر روسیه حاکم شدند و شیوه اداره حکومت را کمونیستی اعلام کردند. دولت جدید تلاش کرد تا اراضی کشاورزی را از دست مالکان و اربابان، خارج ساخته و اداره آنها را به شورای کشاورزان بسپارد. همچنین مالکیت کارخانه‌ها، معادن و ماشین‌آلات صنعتی را از سرمایه‌داران به شورای کارگران هر کارخانه منتقل کند.

وقوع انقلاب در جبهه جنگ جهانی اول هم تأثیر گذاشت. لنین که به مردم وعده صلح داده بود، متصرفات وسیعی را به متحدین واگذار کرد و در مقابل با آنها قرارداد صلح بست و سربازان روسی را از جبهه‌های جنگ خارج کرد. با این وجود، صلح واقعی نصیب مردم روسیه نشد و دیری نپایید که آنها درگیر جنگ داخلی شدند. دولت کمونیستی روسیه بعد از سرکوب مخالفان داخلی و برقراری اتحاد، تأسیس کشور «اتحاد جماهیر شوروی» را اعلام کرد. کشور جدید از اتحاد روسیه و مناطق متعلق به امپراتوری روسیه به وجود آمد.

۱ــ بلشویک در لغت به معنای اکثریت است.

پایان جنگ

تقریباً سه سال از جنگ گذشته بود که آمریکا به آلمان اعلان جنگ داد. تا آن زمان آمریکا مستقیماً وارد جنگ نشده بود. با ورود نیروهای تازه‌نفس آمریکایی، ارتش متفقین ابتکار عمل را به‌دست گرفت و دولت‌های متحد یکی پس از دیگری تسلیم شدند و جنگ جهانی اول پس از چهار سال و اندی به پایان رسید (نوامبر ۱۹۱۸م/ پاییز ۱۲۹۷ش).

غنایم جنگ میان فاتحان تقسیم شد و تمدن غرب مدرن، به آشکارترین شکل، باطن خود را نمایش داد. جنگ جهانی اول از همان آغاز، **پایان** بود، پایانی برای غرب و بلندپروازی‌های انسان مدرن.

آثار و پیامدهای جنگ

پیمان صلح ورسای؛ پس از خاتمهٔ جنگ، نمایندگانی از کشورهای مختلف، از جمله دولت‌های پیروز و شکست‌خورده در جنگ، با هدف عقد قرارداد صلح در کاخ ورسای پاریس گرد هم آمدند. پس از ماه‌ها مذاکره، پیمان نهایی صلح، که شامل چندین قرارداد جداگانه بود، با کشورهای مغلوب به امضا رسید. در این میان، پیمانی که با آلمان بسته شده اهمیت بیشتری داشت. بر اساس این پیمان، مستعمرات آلمان میان متفقین تقسیم شد و بخش‌هایی از خاک این کشور به فرانسه و لهستان واگذار گردید. به علاوه، آلمانی‌ها ملزم به پرداخت غرامت به دولت‌های متفق و محدود نگه‌داشتن توان نظامی خود شدند.

سران کشورهای پیروز در کنفرانس صلح ورسای، از راست به چپ: ویلسون رئیس‌جمهور آمریکا، کلمانسو نخست‌وزیر فرانسه، اورلاندو نخست‌وزیر ایتالیا و لوید جورج نخست‌وزیر انگلستان ـ کتابخانه کنگره، واشنگتن دی.سی

فروپاشی عثمانی و تغییر نقشه سیاسی در غرب آسیا (خاورمیانه)؛ با شروع جنگ‌جهانی اول، دولت عثمانی به متحدین پیوست و هر چند در ابتدا توانست موفقیت‌هایی به دست آورد ولی در نهایت توسط نیروهای متفقین اشغال شد. این در حالی بود که به دنبال انقلاب در روسیه، این کشور از جبهه جنگ خارج شده بود و فرصت مناسبی برای انگلستان و فرانسه برای تقسیم سرزمین عثمانی میان یکدیگر فراهم شد. این دو کشور قبل از پایان جنگ قراردادی بین خود به امضا رساندند[1] که به موجب آن با پایان جنگ، امپراتوری عثمانی فروپاشید و کشورهای کنونی ترکیه، عراق، سوریه، اردن، فلسطین و لبنان شکل گرفتند. عراق، اردن و فلسطین تحت نفوذ انگلستان درآمدند و فرانسه کنترل سوریه و لبنان را به‌دست گرفت. در مذاکرات ورسای، انگلستان و فرانسه این قرارداد پنهانی را علنی نمودند و در توافقات نهایی گنجاندند. بنابراین، با جنگ‌جهانی اول تغییرات عمده‌ای در نقشهٔ سیاسی دنیا ایجاد شد.

فعّالیت ۴

بررسی و مقایسهٔ نقشه‌های تاریخی

با مقایسهٔ نقشهٔ سیاسی اروپا و غرب آسیا (خاورمیانه) پیش از قرارداد ورسای و پس از آن، چند مورد از تغییرات مرزهای سیاسی را فهرست کنید.

۱ــ دو مذاکره‌کننده اصلی این قرارداد «مارک سایکس»، نماینده دولت بریتانیا و «فرانسوا ژرژ پیکو» نماینده دولت فرانسه بودند. به همین دلیل این قرارداد محرمانه بعدها به «سایکس پیکو» شهرت یافت.

تشکیل جامعهٔ ملل؛ «جامعهٔ ملل» شکل اولیه «سازمان ملل» است. پس از جنگ جهانی اول، با طراحی فاتحان جنگ، تشکّلی با عضویت چهل کشور در ژنو سوئیس تأسیس شد تا سلطه قدرت‌های مستکبر بر دنیا که آن را «صلح و امنیت جهانی» می‌نامیدند، در معرض تهدید قرار نگیرد و رقبای بالقوه و بالفعل آنها توان و مجال قدرت یافتن نداشته باشند. با این حال؛ تشکیل جامعه ملل نتوانست جلوی درگیری و زیاده‌خواهی قدرت‌های مستکبر را بگیرد و مانع جنگ‌جهانی دوم شود.

تلفات و خسارت‌های انسانی و اقتصادی؛ جنگ جهانی اول تلفات و مصائب جانی، جسمی و روحی فراوانی به بار آورد و باعث ویرانی منابع و مراکز اقتصادی، تولیدی و مالی اروپا و دیگر مناطق جهان شد. بر اساس آمار رسمی، بیش از ۹ میلیون نظامی در این جنگ کشته و ده‌ها میلیون نظامی مجروح، اسیر و مفقود شدند. به علاوه، میلیون‌ها غیرنظامی در سرتاسر جهان، بر اثر عملیات جنگی یا اتفاقات ناشی از جنگ مانند کمبود مواد غذایی و شیوع بیماری‌های همه‌گیر کشته، مجروح، بیمار و یا آواره شدند.

فعّالیت ۵

تحلیل و قضاوت تاریخی

متن زیر را بخوانید و برداشت خود را از آن در کلاس بیان کنید.

«جنگ بر فیلسوفان و هنرمندان عمیقاً تأثیر گذاشت. از آغاز [عصر] روشن‌اندیشی، به نظر می‌رسید پیشرفت فنی و عدالت سیاسی، دگرگونی مثبتی به بار می‌آورد. فرهنگ اروپا و ایالات متحده ... از فرهنگ‌های دیگر برتر می‌نمود. با این حال، مردم این فرهنگ‌ها در خشن‌ترین و مرگبارترین جنگ تاریخ شرکت کرده بودند. قدرت فنی [تکنولوژی]، کشتن مردم را کارآمدتر ساخته بود. قدرت ویرانگر هواپیماها، تانک‌ها و زیردریایی‌ها که در جنگ توسعه یافت و به‌کار رفت، ارزش پیشرفت فنی جهان را از دیدگاه عده‌ای از مردم با تردید روبه‌رو ساخت (دان، **تاریخ تمدن و فرهنگ جهان**، ج ۴، ص ۹۸).

ایران در جنگ جهانی اول

همزمان با آغاز جنگ بین‌الملل اول، ایران وضعی آشفته داشت و حکومت مشروطه به دلیل اختلاف‌های سیاسی داخلی، ضعف تشکیلات اداری و نظامی، مشکلات اقتصادی و دخالت‌های فزایندهٔ خارجی، قادر به سروسامان دادن به امور و برقراری نظم و امنیت نبود.

اشغال نظامی ایران

دولت ایران پس از شروع جنگ جهانی اول، اعلام بی‌طرفی کرد اما کشورهای درگیر در جنگ، به‌خصوص انگلستان و روسیه، به بهانه‌های مختلفی آن را نقض کردند. در اوایل جنگ، مأموران و جاسوسان آلمانی[1] در مناطق مختلف ایران به اقداماتی بر ضد دولت‌های اتفاق مثلث دست زدند. انگلستان و روسیه نیز همین موضوع را بهانهٔ لشکرکشی به ایران قرار دادند.

فعّالیت ۶

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، علت گرایش افکار عمومی ایرانیان به آلمان و دولت‌های متحد آن در جنگ جهانی اول چه بود؟

۱ــ واسموس (Wassmuss) و نیدر مایر (Niedermayer) از معروف‌ترین این افراد می‌باشند.

انگلستان گروهی از افسران انگلیسی و مزدوران هندی را به ایران فرستاد و در بخش‌های جنوبی میهن ما، **نیروی پلیس جنوب** را تشکیل داد. نظامیان روسی نیز، بخش وسیعی از نیمهٔ شمالی کشورمان را که بر اساس معاهدهٔ ۱۹۰۷ منطقهٔ تحت نفوذ روسیه شناخته می‌شد، اشغال کردند. این دو دولت اشغالگر سپس در **قرارداد ۱۹۱۵** ایران را به دو قسمت تقسیم کردند؛ نیمهٔ شمالی متعلق به روسیه و نیمهٔ جنوبی سهم انگلستان شد. با شروع جنگ بزرگ، ارتش عثمانی نیز مناطقی از غرب کشور ما را اشغال کرد و با نیروهای اتفاق مثلث درگیرشد.

با نزدیک شدن ارتش روسیه به تهران، شماری از ملّیون، شامل برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی، وزیران و شخصیت‌های مذهبی، به کرمانشاه مهاجرت نمودند و **دولت موقت ملی** را در آن شهر تأسیس کردند اما به دنبال شکست سپاه عثمانی از نیروهای اتفاق مثلث، دولت موقت فروپاشید و اعضای آن پراکنده شدند.

تعدادی از اعضای دولت موقت ملی در کرمانشاه،عکاس: ویپرت فون بلوخر ــ آرشیو ملی ایران

مقاومت ایرانیان در برابر اشغالگران

اگرچه حکومت قاجار ارادهٔ محکم و توان کافی برای رویارویی با نیروهای اشغالگر نداشت، اما مردم و به‌خصوص عشایر در قسمت‌های مختلف ایران مانند فارس، بوشهر و خوزستان، تحت‌تأثیر فتوای مراجع تقلید در برابر متجاوزان ایستادند و از استقلال وطن خویش تا سرحد جان دفاع کردند. دلاورمردان تنگستانی، دشتستانی و دشتی به فرماندهی **رئیسعلی دِلْواری** و مردم کازرون به رهبری **ناصر دیوان کازرونی** با شجاعت و شهامت با نیروهای انگلیسی نبرد کردند و ضربه‌های سنگینی به آنان وارد آوردند. عشایر عرب خوزستان نیز در «نبرد جهاد» غیورانه با قوای بیگانه جنگیدند.

ناصر دیوان‌کازرونی (۱۲۵۳ـ۱۳۲۱ ش)

آثار و نتایج جنگ

جنگ جهانی اول برای کشور ایران، که دولت و مردمش هیچ نقش و دخالتی در شروع و ادامهٔ آن نداشتند، فاجعه‌آمیز و ویران‌کننده بود. این جنگ موجب قحطی بزرگی شد که در نتیجهٔ آن عدهٔ بسیار زیادی از هم‌وطنان ما به سبب گرسنگی، سوءتغذیه و بیماری‌های ناشی از آن به طرز دلخراشی جان دادند. به دلیل ضعف آمار و آمارگیری، نمی‌توان میزان تلفات انسانی کشور ما در جنگ جهانی اول را به شکل دقیق برآورد کرد، اما گزارش برخی از نویسندگان حکایت از آن دارد که جمعیت ایران پس از خاتمهٔ جنگ نسبت به ابتدای آن به شکل فجیع و دردناکی کاهش یافته بود. یکی از اصلی‌ترین مقدمات بروز این قحطی فراگیر، سیاست‌ها و اقدامات انگلستان و روسیهٔ تزاری در ایران بود. گزارش‌های مقامات انگلیسیِ مستقر در ایران اشاره می‌کند که خرید، جمع‌آوری و دِپوی گسترده غلّه ایران برای تأمین نیروهای متفقین در جریان جنگ، از عوامل اصلی کمبود آن در ایران است. اگر ارزاق ایران، بین‌النهرین و هند به خطوط جنگ نمی‌رسید، چه بسا معادله پیروزی و شکست در جنگ جهانی اول دگرگون می‌شد.

جنگ جهانی اول و اشغال ایران، علاوه بر ویرانی اقتصادی و تلفات گستردهٔ انسانی، موجب تزلزل و بی‌ثباتی دولت مرکزی، تعطیلی مجلس شورای ملی و تضعیف بیشتر نظام مشروطه نیز شد.

فعّالیت ۷

بررسی شواهد و مدارک

یحیی دولت‌آبادی، یکی از رجال سیاسی عصر مشروطه، دربارهٔ وضعیت روستاهای میان تبریز و زنجان در دوران پس از جنگ بین‌الملل اول می‌گوید: «دهات بی‌سکنهٔ عرض راه، لاشهٔ بسیار حیوانات بارکش که به واسطهٔ قحطی سال پیش و ناامنی و غیره در هر چند قدم در اطراف و بلکه در میان راه دیده می‌شود، قبرستان‌های تازه احداث شده در نزدیک دهات و قصبات به ضمیمهٔ احوال پریشان [و] رقت‌انگیز زن و مرد و بزرگ و کوچک مردم ستم‌دیده، اگر گاهی در دهات دیده شوند که تازه می‌خواهند سروسامانی بگیرند، حقیقتاً تأثرآور است.

آری در راه تبریز و زنجان، دهاتی دیده می‌شود که نعش اموات در اتاق‌های ویرانهٔ آنها مانده است و خوراک جانوران شده و اگر نظر عمومی به نقاط مختلف مملکت انداخته شود، دیده می‌شود که همه جای مملکت بی‌طرف ما در سایهٔ جنگ اروپا و بی‌لیاقتی حکومت خود به صورت راه تبریز درآمده است» (**حیات یحیی**، ج ۴، ص ۸۹).

۱ـ چه ارتباطی میان محتوای این متن با مطالبی که در همین صفحهٔ کتاب درسی تحت عنوان «آثار و نتایج جنگ» بیان شده است، وجود دارد؟

۲ـ فیلم یتیم خانه ایران را که به برخی از حوادث اشغال ایران در جنگ جهانی اول و پیامدهای آن پرداخته است، ببینید و درباره آن گفت‌وگو کنید.

بیشتر بدانیم

ایران و کنفرانس صلح ورسای

پس از پایان جنگ جهانی اول، هیئتی سیاسی به ریاست علیقلی‌خان مشاورالممالک انصاری، وزیر خارجه به پاریس رفت تا در کنفرانس صلح ورسای شرکت کند و دعاوی خود را دربارهٔ لغو تمامی قراردادهای ناقض استقلال و تمامیت ارضی ایران و گرفتن خسارت‌های ناشی از جنگ، مطرح نماید؛ اما دولت‌های متفق به هیئت نمایندگی ایران اجازهٔ شرکت در کنفرانس مذکور را ندادند.

قرارداد ۱۹۱۹

به دنبال پیروزی انقلاب روسیه (نوامبر ۱۹۱۷/ پاییز ۱۲۹۶)، دولت بلشویکی این کشور نیروهایش را از ایران فراخواند. انگلستان با تقویت واحدهای نظامی خود، علاوه بر نواحی جنوبی، مناطقی از نیمهٔ شمالی ایران را نیز اشغال کرد. در آن زمان، حکومت ایران در نهایت ضعف و انحطاط سیاسی و اقتصادی بود و دولت مرکزی توان اعمال حاکمیت در بسیاری از مناطق کشور را نداشت. برخی از سران ایلات و حاکمان محلی نافرمانی می‌کردند و شورش‌هایی در گوشه و کنار مملکت در حال شکل‌گیری بود. از نظر اقتصادی نیز دولت در تنگنای شدیدی قرار داشت و برای تأمین بخش عمده‌ای از مخارج روزمرهٔ خود، به دریافت پول از انگلستان نیاز داشت.

در چنین شرایطی و در حالی که روس‌ها سرگرم جنگ داخلی بودند، انگلیسی‌ها فرصت را برای تحکیم نفوذ و سلطهٔ پایدار خود و تأمین منافع درازمدتشان در ایران مغتنم شمردند و **قرارداد ۱۹۱۹** را با دولت وثوق‌الدوله (۱۲۹۷ ـ ۱۲۹۹ش) منعقد کردند.

پرترهٔ حسن وثوق‌الدوله (۱۲۵۴ـ ۱۳۲۹ ش)، اثر کمال‌الملک ـ موزهٔ ملی ملک، تهران

به موجب قرارداد ۱۹۱۹، ادارهٔ امور دارایی و برخی دیگر از ادارات و وزارتخانه‌های ایران در اختیار انگلستان قرار می‌گرفت؛ همچنین مسئولیت تجدید سازمان و ایجاد ارتش یکپارچهٔ ایران و تأمین اسلحه و تدارکات آن نیز به افسران انگلیسی داده می‌شد. در عوض، انگلستان متعهد می‌شد که وامی در اختیار دولت ایران قرار دهد تا تحت نظارت کارشناسان انگلیسی هزینه شود. برخی مفاد این قرارداد پیش از آنکه به تصویب مجلس شورای ملی[1] برسد، به اجرا گذاشته شد.

بیشتر بدانیم

رشوه‌های انگلیسی

دولت انگلیس برای انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ رشوهٔ نسبتاً کلانی به وثوق‌الدوله و دو تن از وزرای کابینهٔ او (نصرت‌الدوله فیروز و صارم‌الدوله) که نقش فعالی در امضای آن قرارداد داشتند، پرداخت کرد (**اسناد محرمانهٔ وزارت خارجهٔ بریتانیا**، ج ۲، ص ۲۹۰). انگلستان همچنین به عاقدان قرارداد، ضمانت کتبی حمایت داد. احمدشاه قاجار نیز که علاقهٔ فراوانی به گردآوری مال و تفریح در اروپا داشت، به گونه‌ای تطمیع شد تا با قرارداد مخالفتی نکند (همان، ج ۲، صص ۱۹۸ـ ۱۹۹، ۲۴۷ـ۲۴۸).

۱ـ سومین دورهٔ مجلس شورای ملی در اوایل جنگ جهانی اول تعطیل شد. از آن پس تا گشایش چهارمین دورهٔ مجلس شورای ملی در خرداد ۱۳۰۰، کشور بدون مجلس اداره می‌شد.

قرارداد ۱۹۱۹ با مخالفت گسترده و شدید شخصیت‌های ملی، سیاسی و مذهبی، گروه‌ها و احزاب گوناگون در سرتاسر کشور روبه‌رو شد. مخالفان با برگزاری نشست‌ها، ایراد سخنرانی و نشر اعلامیه و شب‌نامه مخالفت خود را با این قرارداد نشان دادند. آیت‌الله سید حسن **مدرس** یکی از جدی‌ترین این مخالفان بود. دولت وثوق‌الدوله علاوه بر دفاع از قرارداد در مجامع سیاسی و نشریات، مخالفان را سرکوب و تعدادی از آنان را زندانی و تبعید کرد. با این حال، اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹ و مخالفت با آن ادامه یافت و یکی از علل مهم سقوط دولت وثوق‌الدوله بود.

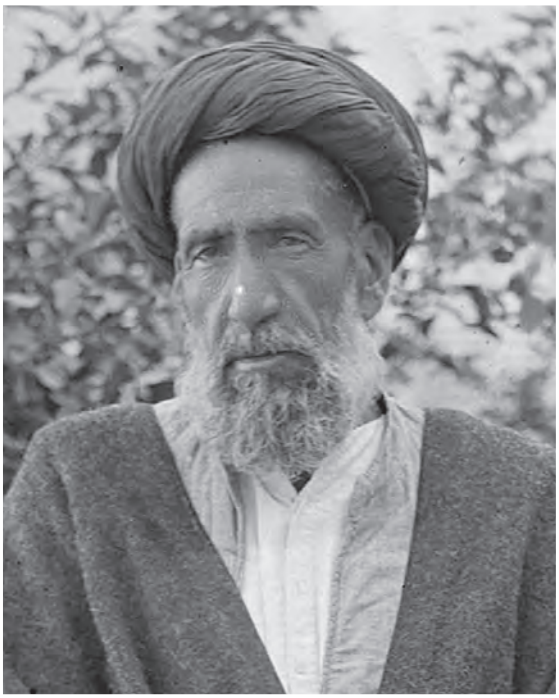

شهید آیت‌الله سید حسن مدرس (۱۲۴۹ـ۱۳۱۶ش)، عکاس: آنتوان سوریوگین ـ گالری هُنر فریر، واشنگتن دی‌سی

فعّالیت ۸

بررسی شواهد و قضاوت

با بررسی متن کامل قرارداد ۱۹۱۹ که دبیر در اختیار شما قرار می‌دهد، دربارهٔ دیدگاه مخالفان و موافقان قرارداد قضاوت کنید.

مخالفان: قرارداد استقلال کشور را از بین می‌برد و ایران را تحت‌الحمایهٔ انگلستان قرار می‌دهد.

موافقان (عاقدان): تنها راه نجات کشور، همکاری نزدیک با انگلستان است و قرارداد موجب حفظ تمامیت ارضی ایران می‌شود.

پرسش‌های نمونه

۱ـ انقلاب صنعتی چه تأثیری در گسترش سیاست‌های استعماری داشت؟

۲ـ جنبش‌های ملی‌گرایی در اروپای مرکزی چه تأثیری در بروز جنگ جهانی اول داشت؟

۳ـ اتحاد و اتفاق سه‌گانه چرا شکل گرفت؟

۴ـ تحلیل و قضاوت شما دربارهٔ مهم‌ترین علت بروز جنگ جهانی اول چیست؟

۵ـ با استفاده از قوهٔ تخیل خود، آنچه در دوران جنگ جهانی اول بر پیشینیان ما گذشته است را در چند سطر بیان کنید.

درس ۷

ایران در دورهٔ حکومت رضاشاه

در سوم اسفند ۱۲۹۹ کودتایی در تهران به وقوع پیوست که پیامد آن زوال سلسلهٔ قاجار و برآمدن حکومت پهلوی بود. در این درس، شما با بررسی شواهد و مدارک تاریخی، زمینه‌ها و علل رویدادهایی را که منجر به شکل‌گیری حکومت پهلوی شد و نیز تحولات مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران را در دوران زمامداری رضاشاه (پهلوی اول) تجزیه و تحلیل خواهید کرد.

فعّالیت ۱

پس از همفکری و مرور آموخته‌های قبلی، دربارهٔ شیوه یا شیوه‌های معمول به قدرت رسیدن خاندان‌ها و سلسله‌ها در تاریخ ایران بحث و گفت‌وگو کنید.

انگلستان و تغییر سلطنت در ایران

در اوایل قرن بیستم سیاستمداران انگلیسی برنامه تغییر سلطنت در ایران را پیگیری می‌کردند. دلایلی که آنها برای انجام این کار داشتند را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

۱ــ انگلیسی‌ها از انتشار اندیشه‌های انقلابی کمونیست‌های روسیه در ایران و به خطر افتادن منافعشان بیم داشتند.

۲ــ بعد از اکتشاف نفت و پی بردن به اهمیت آن در مبادلات جهانی، انگلستان سرمایه‌گذاری و طمع‌ورزی وسیعی در بخش‌های جنوبی کشورمان انجام داده بود.

۳ــ ایران در مسیر ارتباطی هندوستان و اروپا قرار داشت و انگلستان می‌توانست با هزینه کمتری بین این دو منطقه کالا جابه‌جا کند.

۴ــ بعد از انقلاب صنعتی، کشورهای اروپایی به تولید انبوه کالا دست زدند و ایران همواره یکی از بازارهای مورد توجه انگلستان بود. با رشد صنایع محصولات جدیدتری عرضه می‌شد که برای استفاده از آنها احتیاج به زیر ساخت‌های مناسب بود[1].

۵ــ قیام‌های مستقل مردمی (مانند قیام میرزا کوچک‌خان و قیام شیخ محمد خیابانی) و ترس از پیروز شدن انقلابیون از نگرانی‌های نیروهای انگلیسی در ایران بود.

۶ــ هزینه‌هایی که انگلستان برای حضور نیروهایش در ایران و نقاط دیگر جهان متحمّل می‌شد بسیار بالا بود و ترجیح می‌داد از نظامیان دست نشانده با هزینه کمتر استفاده کند.

۷ــ انگلستان برای تغییرات مورد نظرش نمی‌توانست روی حکومت قاجار حساب کند چون بی‌کفایتی و فساد آنها به حدی باعث نفرت مردم از آنها شده بود که هیچ‌گونه همراهی با این سلسله نمی‌کردند.

۸ــ بی‌نتیجه ماندن قرارداد ۱۹۱۹ این نکته را به انگلیسی‌ها یادآور شد که آگاهی مردم به‌خصوص بعد از ماجرای مشروطه بالا رفته و نمی‌تواند مانند هندوستان، ایران را به خاک بریتانیا اضافه کند.

در نتیجه مأموران انگلستان در ایران تصمیم گرفتند تا شخص مورد اعتماد خود را به حکومت رسانند تا از طریق او بتوانند به صورت غیرمستقیم اهداف خود را در ایران پیاده کنند.

کودتای ۱۲۹۹

دولت انگلستان برای دستیابی به اهداف خود، درصدد تغییر حکومت ایران برآمد؛ به این منظور، برنامهٔ کودتا طرح‌ریزی و اجرای آن به سفارت انگلیس و نیروهای انگلیسی مستقر در ایران واگذار شد.

۱ــ مثلاً شرکت واگن‌سازی نمی‌تواند بدون وجود ریل راه‌آهن در ایران به فروش محصولاتش دست بزند.

احمدشاه قاجار به همراه رضاخان و کابینهٔ قوام‌السلطنه ـ کاخ موزهٔ گلستان، تهران

آیرون‌سایْد[1]، فرمانده نظامی نیروهای انگلیسی در ایران، به جست‌وجو در میان نیروهای قزاق پرداخت و به کمک **سیدضیاءالدین طباطبایی**[2] که از سیاستمداران وابسته به انگلستان بود، یکی از فرماندهان نظامی به‌نام **رضاخان** که فردی بی‌سواد و البتّه مستبد بود را برای این منظور، مناسب تشخیص داد. آیرون‌ساید در قزوین با رضاخان ملاقات کرد و با توجه به اطلاعاتی که سیدضیاءالدین دربارهٔ او جمع‌آوری کرده بود، توانست وی را با اهداف خود هماهنگ کند.

آیرون‌ساید بعد از آماده کردن رضاخان برای انجام کودتا، به تهران آمد و به احمد شاه چنین القا کرد که حرکت نظامی رضاخان به سوی تهران، برای حفظ کشور و سلطنت ضروری است. با آماده‌شدن شرایط، قوای قزاق در بامداد روز سوم اسفند ۱۲۹۹ وارد تهران شدند و بی‌آنکه با مقاومت جدی روبه‌رو شوند، نقاط حساس پایتخت را تسخیر کردند. در پی این حادثه، شاه تحت فشار انگلیسی‌ها به ناچار سیدضیاءالدین طباطبایی را به نخست‌وزیری منصوب کرد. رضاخان نیز که مهرهٔ نظامی کودتا بود، به‌عنوان فرمانده ارتش، لقب «سردار سپه» گرفت. به فاصلهٔ کوتاهی، سیدضیاء (مهرهٔ سیاسی کودتا) استعفا کرد و به اروپا رفت؛ اما رضاخان (مهرهٔ نظامی کودتا) در مقام وزیر جنگ روزبه‌روز بر قدرت و نفوذ خود افزود.

بیشتر بدانیم

میرزاکوچک‌خان و نهضت جنگل

نهضت جنگل قیام مردمی بود که در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی کشور ما، شکل گرفت. این نهضت از جنگل‌های گیلان آغاز شد و سپس، روستاها و شهرهای این استان را دربر گرفت و هفت سال ادامه یافت[3]. رهبر نهضت جنگل، میرزاکوچک‌خان، طلبهٔ آزادمنش و انقلابی و فردی مؤدب، متواضع، خوش‌برخورد و پای‌بند به اجرای دستورات دینی بود. او از همان ابتدای جوانی دارای صفات عالی و ممتاز بود و در میان همسالان خود شاگردی با استعداد، بی‌پروا و طرفدار عدل و حامی مظلومان به‌شمار می‌رفت؛ آن‌چنان که هرگاه کسی به دیگری ستم می‌کرد، مشت میرزا را بالای سر خود می‌دید. میرزا کوچک‌خان ورزش را دوست می‌داشت و هر روز ورزش می‌کرد. او مردی متفکر و آرام بود؛ زیاد حرف نمی‌زد و آهسته و سنجیده سخن می‌گفت و صحبت‌هایش اغلب با لطیفه و مزاح همراه بود. دارای جذبه‌ای خاص بود و به‌ندرت اتفاق می‌افتاد که مخاطبش مجذوب متانت و بیان او نشود. میرزا یک مرد مذهبی تمام عیار بود و هیچ‌گاه واجباتش را ترک نمی‌کرد. او به اشعار فردوسی علاقهٔ خاصی داشت؛ به‌طوری که در مرکز فرماندهی خود در جنگل، جلسات منظمی برای خواندن شاهنامه ترتیب داده بود.

میرزا در آستانهٔ انقلاب مشروطیت، زمانی که بسیار جوان بود، در رشت دست به حرکت‌های انقلابی زد؛ در حرکت مشروطه‌خواهان شمال برای سرنگونی محمدعلی‌شاه، دلاوری‌های بسیاری از خود نشان داد و همراه با مشروطه‌خواهان به تهران رفت. او در جریان جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط روس و انگلیس، به فکر برپا کردن یک نهضت مسلحانه افتاد. اهداف او و یارانش در برپایی این نهضت عبارت بودند از: اخراج نیروهای بیگانه، رفع ناامنی و بی‌عدالتی و برقراری امنیت، مبارزه با خودکامگی و استبداد.

۱ـ Ironside ۲ـ مدیر روزنامهٔ رعد و مدافع قرارداد ۱۹۱۹ ۳ـ از خرداد ۱۲۹۳ تا مهر ۱۳۰۰

قیام جنگل در مقابله با متجاوزان و دولت‌های بی کفایتی که در تهران بر سر کار می آمدند، در طول هفت سال فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت. این قیام، سرانجام به‌دنبال خیانت دولت شوروی، بروز اختلاف در میان سران نهضت جنگل و حملهٔ نیروهای دولتی به فرماندهی رضاخان، سرکوب شد اما نام میرزا و مقاومت‌های مردانه‌اش در برابر ستم و تجاوز، در خاطر مردم ایران زنده و جاوید ماند و الگویی برای مبارزان بعدی شد.

رضاخان از نخست‌وزیری تا پادشاهی

رضاخان در سمت وزارت جنگ از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ش، با دسیسه‌چینی و حمایت انگلستان، موقعیت خود را تثبیت کرد. سرانجام، شاه قاجار و مجلس به‌ناچار به نخست‌وزیری او رضایت دادند. احمد شاه بلافاصله به سفر اروپا رفت و رضاخان با استفاده از این فرصت، اوضاع و شرایط داخلی را برای برداشتن قدم نهایی ــ یعنی رسیدن به سلطنت ــ آماده کرد.

او برای رسیدن به اهدافش، ابتدا پیشنهاد کرد به‌جای حکومت سلطنتی، نظام «جمهوری» در کشور برقرار شود اما کسانی نظیر آیت‌اللّه مدرس، با شناختی که از رضاخان داشتند، این کار را ابزاری برای رسیدن او به قدرت می‌دانستند و با آن به مخالفت پرداختند و مردم را به حرکت بر ضد این پیشنهاد تشویق کردند؛ همچنان که آیت‌اللّه شیخ فضل اللّه نوری نیز، سوء استفاده از نام آزادی و مشروطه را وسیله‌ای برای افزایش نفوذ غرب و غرب‌گرایان سکولار در اداره کشور می‌دانست و آنچه پس از مشروطه تا سلطنت پهلوی رخ داد، دقت و واقع‌بینی این دیدگاه را نشان داد.

رضاخان، سرانجام حرف خود را پس گرفت. اما برای رسیدن به تاج و تخت سلطنت، دست از تکاپو برنداشت.

رضاخان در غیاب شاه که در اروپا به سر می‌برد، روز به روز موقعیت خود را بیشتر تحکیم می کرد و در عین حال، می کوشید تا با تبلیغاتی گسترده علیه احمدشاه، او را نسبت به سرنوشت مملکت بی‌اعتنا نشان دهد. احمد شاه پس از مدتی، تصمیم به بازگشت به ایران و حفظ سلطنت گرفت. انگلیسی‌ها وقتی که از تصمیم شاه برای عزیمت به ایران مطلع شدند، نزد او رفتند و ضمن مبالغه‌گویی در اوضاع آشفتهٔ ایران، صلاح او را در این دانستند که مدتی از رفتن به ایران چشم بپوشد تا رضاخان بتواند امنیت لازم را برای حضورش در کشور فراهم آورد.

هرچه توقف شاه در اروپا بیشتر طول می کشید، تبلیغات طرفداران رضاخان مبنی بر اینکه شاه علاقه‌ای به سرنوشت ایران ندارد، بیشتر می‌شد و مردم نیز کم و بیش این نکته را باور می کردند. پس از سرکوبی شورش خزعل و بعضی شورش‌های پراکندهٔ دیگر، با توجه به امنیتی که رضاخان به‌وجود آورده بود، محبوبیت او افزایش یافت؛ در همین حال، در اثر تبلیغات طرفداران رضاخان، بدبینی مردم نسبت به احمد شاه و گرایش به رضاخان نیز بیشتر شد.

بیشتر بدانیم

شیخ خَزْعَل

شیخ خزعل رئیس قبیلهٔ مُحَیسِن شاخه‌ای از قبیلهٔ بنی کَعْب ساکن در خوزستان و با نفوذترین فرد در آن منطقه بود؛ به‌طوری که همهٔ مسئولان ادارات، با وجود او هیچ اختیاری نداشتند. شیخ خزعل با انگلیسی‌ها ارتباط داشت و انگلیسی‌ها از نفوذ و قدرت او برای ایجاد امنیت در خوزستان استفاده می کردند؛ زیرا آنان برای استخراج نفت در این منطقه،با وجود عشایر مختلف عرب و غیرعرب، به قدرتی محلی که امنیت را برایشان برقرار سازد نیازمند بودند. با ظهور رضاخان و قدرت گیری او، بر شیخ خزعل مسلم بود که او دیر یا زود با رضاخان درگیری خواهد داشت. عاقبت نیز چنین شد. انگلیسی‌ها شیخ خزعل را فدای رضاخان کردند تا او را در میان مردم قهرمان جلوه دهند. سرانجام، شیخ خزعل به دستور رضاشاه به تهران فراخوانده شد و خود و پسرش مخفیانه به قتل رسیدند.

فعّالیت ۲

بحث و گفت‌وگو کنید

ـ با توجه به آنچه در درس‌های قبل آموختید، دربارهٔ تأثیر شرایط اجتماعی بر به قدرت رسیدن رضاخان گفت‌وگو کنید.

به سلطنت رسیدن رضاخان

پس از آنکه عمّال انگلیس اذهان عموم مردم را به سود رضاخان آماده کردند، سرانجام درسال ۱۳۰۴ ش، ماده واحده‌ای به‌صورت طرح در مجلس شورای ملی مطرح شد که در آن، خلع قاجاریه از سلطنت و سپردن حکومت موقت به رضاخان خواسته شده بود. در این ماده واحده، پیش‌بینی شده بود که پس از خلع قاجاریه، مجلس مؤسسان برای تغییر چند ماده از قانون اساسی تشکیل خواهد شد و تکلیف قطعی سلطنت را تعیین خواهد کرد. جز چهار تن از نمایندگان مجلس ــ از جمله آیت‌اللّه مدرس و دکتر مصدق ــ سایر نمایندگان به این طرح رأی مثبت دادند[1]. بدین ترتیب سرنوشت نهضت مشروطه، سلطنت مطلقه‌ای شد که مستبدتر از استبداد شاهان قاجاری بود و شاید متفکران فقیهی چون آیت اللّه سید کاظم یزدی و شیخ فضل اللّه نوری چنین سرنوشتی را در مشروطه می‌دیدند. با حمایت همه‌جانبه‌ای که از سوی دولت‌های بزرگ خارجی به‌عمل آمد، انتخابات مجلس فرمایشی مؤسسان برگزار شد. در آذر سال ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان با نطق رضاخان افتتاح شد و پس از شش روز بحث و گفت و گو، رضاخان را به پادشاهی ایران انتخاب و سلطنت را در خانوادهٔ او موروثی اعلام کرد.

ماهیت برخی از اصلاحات و اقدامات رضاشاه

آغاز سلطنت پهلوی، در واقع فصل جدیدی از تاریخ ایران است که به «استعمار نو» شهرت دارد. در استعمار نو، ارتش و تجهیزات نظامی دشمن دیده نمی‌شود، بلکه مسئولانی که زمام امر را در دست دارند، وابسته به قدرت‌های مستکبر بوده و اقتصاد، فرهنگ و جامعه را به‌گونه‌ای معماری می‌کنند که منافع و خواست استعمارگران را تأمین کند.

تغییر سلطنت در ایران مورد تأیید برخی از روشنفکران بود. آنها بر این باور بودند که در سایه امنیت اولیه و سرکوب‌هایی که رضاشاه به وجود آورده بود، می‌توان برنامه‌هایی را جهت برخی تغییرات یا اصلاح امور در ایران پیاده کرد؛ تغییراتی که در نهایت سبب تثبیت موقعیت شاه بود و برای همین، وی از آنها استقبال می‌کرد. در اینجا به برخی از این برنامه‌ها اشاره می‌شود :

۱ــ ایجاد ارتش منظم

رضا شاه که خود نظامی بود و با کودتای نظامی بر سر کار آمده بود، بلافاصله بعد از رسیدن به قدرت به گسترش و تقویت ارتش و پلیس پرداخت. این روند با اجباری کردن خدمت سربازی ادامه یافت و بخش عمده‌ای از مالیات هر ساله صرف خرید تجهیزات و سلاح جنگی می‌شد. هرچه ارتش قوی‌تر شد، قدرت رضاشاه برای سرکوب قیام‌ها و مخالفان حکومت هم افزایش یافت، در نتیجه فضای رعب و وحشت بیشتری ایجاد شد و زمینه برای اجرای تصمیمات دستگاه حاکم فراهم گشت.

۱ــ دو تن دیگر عبارت بودند از : یحییٰ دولت‌آبادی و سیدحسن تقی‌زاده

۲ــ تغییرات در شیوه اداره کشور

در بخش اداری، اجرای برنامه‌هایی که دولتمردان هم‌سو با رضاشاه ارائه دادند، تغییرات بسیاری در شیوه اداره ایران به وجود آورد. آنها با افزایش تعداد وزارتخانه‌ها و بازسازی آنها، دست به اصلاحات وسیعی زدند؛ ساماندهی ثبت احوال و اسناد، نهادهای آموزشی، ادارات دولتی و دادگستری بخشی از این تغییرات بود. دستگاه حکومتی اگرچه توانست با برقراری نظم و انضباط، زمینه توسعه را به وجود آورد ولی هم‌زمان باعث شد شاه قدرت و نفوذ بی‌اندازه‌ای در اداره کشور پیدا کند؛ تا جایی که با نادیده گرفتن اصول مشروطه و بی‌احترامی به مجلس و قوانین آن، به راحتی تصمیمات فردی خود را به اجرا در می‌آورد و تبدیل به مستبدی خودکامه شد. رضاشاه بعد از اطمینان از ساماندهی دستگاه اداری، همراهان و یاران نزدیکش را (که برنامه‌ریزان و مجریان اصلی اصلاحات بودند و بدون آنها نمی‌توانست کاری از پیش ببرد) به بهانه‌های مختلف زندانی کرد یا به قتل رساند.

۳ــ احداث خط راه‌آهن سراسری

خطوط راه‌آهن یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه به حساب می‌آید. در دوره قاجار خطوط محدودی در بعضی از مناطق ساخته شده بود ولی احداث راه‌آهن سراسری در زمان رضاشاه آغاز گشت. پیشنهاد بسیاری از صاحب‌نظران و نمایندگان این بود که این خط از شرق به غرب ساخته شود تا به این وسیله ایران به خط اصلی تجارت بین آسیا و اروپا متصل شود. ولی در نهایت رضاشاه تصمیم گرفت ریل‌های راه‌آهن از شمال به جنوب کشیده شود و بندر ترکمن را به بندر شاهپور متصل نماید.

مسیر شرقی غربی راه‌آهن می‌توانست دسترسی زمینی به هندوستان را برای دشمنان انگلستان تسهیل کند و این با منافع انگلستان در شرق در تضاد بود. در صورتی که احداث مسیر شمال جنوب، دسترسی انگلستان به منابع نفتی در مناطق شمال ایران و انتقال آن به خلیج فارس (برای حمل به اروپا) را آسان می‌نمود. در ضمن در صورت پیشروی روس‌ها در شمال ایران، انگلیسی‌ها (که بیشتر در جنوب ایران مستقر بودند) می‌توانستند نیروهای خود را به سرعت به شمال بفرستند و مانع نفوذ آنها شوند. در جنگ‌جهانی دوم همین مسیر به مهم‌ترین عامل ارتباطی نیروهای متفقین مبدل شد.

۴ــ اسکان عشایر

عشایر بخش عمده‌ای از جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند که رونق دامداری وابسته به فعالیت‌های آنان بود. شرایط زندگی عشایر باعث بالا رفتن توان نظامی آنان شده بود، آنها اغلب مجهز به اسلحه و ادوات نظامی بودند و بعضی اوقات برای حکومت‌های مرکزی ایجاد خطر می‌کردند. شرایط نابسامان ایران در اواخر قاجار قدرت این ایلات را افزایش داد و منجر به بروز شورش آنها در برخی مناطق شد. رضاشاه با هدف مهار کردن نیروی رزمی عشایر، اقدام به اسکان اجباری عشایر نمود. این اقدام که با خشونت بسیار و مرگ و میر بالا همراه بود، ضمن ایجاد نارضایتی و خشم در بین عشایر، از رونق دامداری کشور کاست و باعث شد که کشور ما از نظر دامی به بیگانه نیازمند شود.

۵ــ انباشت سرمایه شخصی

با افزایش استبداد فردی رضاشاه، زندگی فردی او نیز به کلی دگرگون گشت. او که تا قبل از کودتا، یک نظامی ساده بود توانست در این شرایط آن قدر مِلک و زمین تصاحب کند که او را به ثروتمندترین فرد ایران مبدل سازد. بیشتر این املاکِ مرغوب و پردرآمد در منطقه اجدادی وی قرار داشت. بخشی از این املاک با مصادره مستقیم، بخشی دیگر با نقل‌وانتقال مشکوک اموال دولتی و بخشی دیگر با مجبور کردن زمین‌داران بزرگ و کوچک به فروش زمین‌هایشان به دست آمده بود.

این اقدامات وی باعث برانگیخته شدن خشم عمومی در سطوح مختلف شده تا جایی که هنگام ورود متفقین در جنگ‌جهانی دوم و اقدام آنها برای برکناری و تبعید رضاشاه، تقریباً هیچ صدای اعتراضی برنخاست.

۶ـ یک شکل کردن لباس‌ها و کشف حجاب

رضاشاه به‌نام تمدن و تجدد و مبارزه با کهنه‌پرستی، به یک شکل کردن لباس‌ها و نیز برداشتن حجاب بانوان اقدام کرد. حکومت پهلوی و روشنفکران غرب‌گرا گمان می‌کردند که راه ترقی و پیشرفت با نابودی دین و سنن اصیل ایرانی هموار می‌شود. اما مردم مسلمان ایران در برابر این اقدامات دست به مقاومت زدند که از آن جمله باید از قیام مردم مسلمان مشهد در مسجد گوهرشاد نام برد که در جریان آن، عدهٔ زیادی شهید و مجروح شدند.

رضاشاه دانش‌آموزان را هم به استفاده از کلاه پهلوی مجبور کرد، عکاس: هوگو گروت ـ کتاب «گشت و گذار در ایران»

رضاشاه که تصور می‌کرد مهم‌ترین راه پیشرفت و توسعهٔ کشور تقلید از غرب و اشاعهٔ فرهنگ غربی است، پس از مسافرت به ترکیه و آشنایی با آتاتورک، رئیس‌جمهور آن کشور، به تقلید از او به مبارزه با همهٔ سنت‌های اسلامی پرداخت. او در این راه حتی مأموران مخصوص در کوچه و خیابان شهر گماشت که وظیفه داشتند به زور چادر را از سر زنان بکشند. رضاشاه برای تضعیف روحانیت، دستور داد که روحانیون نیز لباس‌های مخصوص خود را کنار بگذارند. به دستور وی، دفترخانه‌های شرعی تعطیل شدند و دخالت روحانیون در مسائل اجتماعی اکیداً ممنوع اعلام شد. عزاداری سیدالشهدا غدغن شد و از انجام پذیرفتن بسیاری از آداب مذهبی به شدت جلوگیری به عمل آمد. سرکوب خشن رضاخانی و برخورد اهانت‌آمیز او با ایمان و احساس عمیق دینی مردم ایران، پایه‌های سلطنت او را بیش از پیش سست کرد.

رضاشاه و آتاتورک

از میان برداشتن مخالفان و شهادت آیت‌الله مدرّس

رضاشاه برای رسیدن به اهداف خود، تمامی مخالفان را از سر راه خود برداشت. بعضی از آنها را تبعید کرد، عده‌ای را زندانی نمود و تعدادی را خانه‌نشین کرد. یکی از سرسخت‌ترین مخالفان وی، سید حسن مدرس بود. آیت‌اللّه مدرس، روحانی مبارز و خستگی‌ناپذیری که آرزویش نجات ایران از چنگال استبداد و استعمار بود، در دوران نخست‌وزیری رضاخان و پس از به سلطنت رسیدن او، یگانه دشمن سرسخت و جدی وی به‌شمار می‌رفت.

وجود مدرس در تهران خطری جدی برای ادامهٔ حکومت رضاشاه به حساب می‌آمد. از سوی دیگر، رضاشاه می‌دانست که نمی‌تواند مدرس را مانند دیگر مخالفان، بدون توجه به عکس‌العمل مردم به راحتی از بین ببرد؛ از این‌رو، درصدد برآمد که ابتدا او را تبعید کند و پس از آنکه قدرت خویش را تثبیت کرد، به قتل وی اقدام کند؛ به این‌ترتیب، در مهرماه ۱۳۰۷ مأموران شهربانی به منزل این روحانی والامقام هجوم بردند و او را به خواف تبعید کردند[1]. مدرس سال‌ها در خواف زندانی بود. سرانجام پس از فراهم شدن زمینه، وی را از خواف به کاشمر بردند و پس از مدت کوتاهی، در ۱۰ آذر ۱۳۱۶ او را در همان‌جا مسموم کردند و به شهادت رساندند.

بیشتر بدانیم

حتی یک رأی!

معروف است که شهید مدرس در انتخابات مجلس هفتم، از جمله داوطلبان نمایندگی مردم تهران بود. پس از انجام انتخابات، اعلام شد که او حتی یک رأی هم نیاورده است. مدرس در این باره گفته بود: «به فرض که هیچ‌کس به من رأی نداده است؛ پس آن یک رأی که من به خودم داده بودم چه شد؟»

رضاشاه و سیاست گرایش به آلمان

هم‌زمان با آغاز سلطنت رضاشاه، انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند با تقویت کشور آلمان که همچنان گرفتار مصائب جنگ جهانی اوّل بود، کمی از مشکلات اقتصادی کشور یاد شده بکاهند و با این همکاری، مانع از افتادن آلمانی‌ها به دام کمونیسم شوند. از نظر انگلیسی‌ها، در آن شرایط، بهترین راه مساعدت به آلمان این بود که سیاستمداران انگلیسی به رؤسای کشورهای تحت سلطهٔ خویش دستور دهند تا امکان فعالیت‌های تجاری و صنعتی آلمان را در این کشورها فراهم سازند؛ به همین دلیل، رضاشاه درهای کشور ایران را به روی سرمایه‌های آلمانی گشود.

پرسش‌های نمونه

۱ـ با توجه به آنچه در درس‌های قبل آموخته‌اید بیان کنید که به نظر شما شرایط اجتماعی به قدرت‌گیری رضاخان کمک کرد یا برعکس؟ چرا؟

۲ـ رضاشاه برای حذف احمدشاه از صحنهٔ سیاسی ایران چه کرد؟

۳ـ مجلس مؤسسان تکلیف قطعی سلطنت قاجار را چگونه مشخص کرد؟

۴ـ اقدامات فرهنگی رضاشاه و پیامد آنها را توضیح دهید.

۵ـ توضیح دهید چرا رضا شاه سیاست گرایش به آلمان را پیش گرفت.

۱ـ شهربانی خواف ماهانه مبلغ ۱۵۰ ریال برای ایشان تعیین کرده بود؛ چند سال بعد، مدرس از همان پول در گوشه‌ای از شهر خواف آب‌انباری ساخت.

درس ۸

جنگ جهانی دوم و جهانِ پس از آن

حدود ۲۱ سال پس از پایان جنگ جهانی اول، بار دیگر جهان گرفتار جنگی شد که مرگ‌بارترین و ویرانگرترین حادثهٔ تاریخ بشر شناخته می‌شود. شما در این درس زمینه‌ها، عوامل، آثار و پیامدهای مختلف این جنگ و مهم‌ترین تحولات سیاسی جهان پس از آن را بررسی و تجزیه و تحلیل خواهید کرد.

فعّالیت ۱

بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر دربارهٔ این موضوع گفت‌وگو کنید که چرا تجربهٔ تلخ جنگ جهانی اول، مانع بروز جنگ جهانی دوم نشد. پیشنهادهای شما برای گسترش و استحکام صلح و دوستی جهانی و جلوگیری از جنگ و ویرانی چیست؟

جهان در فاصلهٔ دو جنگ بزرگ

در فاصلهٔ میان دو جنگ، جهان و به‌ویژه کشورهای اروپایی گرفتار مسائل و مشکلات بزرگی شدند که زمینه را برای جنگ جهانی دوم فراهم آورد. مهم‌ترین این مسائل و مشکلات، صلح ناپایدار و ناخشنودی از قراردادهای صلح ورسای، ضعف جامعهٔ ملل، بحران اقتصادی و ظهور حکومت‌های خودکامهٔ تک‌حزبی و نظامی‌گرا بود.

صلح ناپایدار

پس از پایان جنگ‌جهانی اول و امضای معاهده ورسای چنین به نظر می‌رسید که اروپا و سایر نقاط دنیا در حال ورود به عصری از ثبات، صلح و آرامش بین‌المللی هستند. اما با گذشت زمان همه چیز تغییر کرد. قرارداد صلح به هیچ عنوان داوطلبانه و اختیاری نبود، بلکه قراردادی میان کشورهای شکست خورده و کشورهای پیروز بود که طی آن طرف شکست خورده برای فرار از نابودی و به اجبار، آنچه طرف پیروز می‌گفت را پذیرفت. دولت‌های پیروز (متفقین) که هریک به نوبه خود در ایجاد جنگ مقصر بودند، تمام تقصیرها را متوجه آلمان نموده و با تنبیه این کشور به روش‌های مختلف، زمینه‌های نارضایتی و بروز جنگ‌های بعدی را فراهم آوردند.

ضعف جامعهٔ ملل

جامعهٔ ملل که برای کمک به حل و فصل اختلافات کشورها و جلوگیری از دشمنی و جنگ میان دولت‌ها به‌وجود آمده بود، فاقد قدرت کافی برای تحقق این هدف بود و تصمیماتش ضمانت اجرایی لازم را نداشت. حضور نداشتن برخی از کشورها از جمله آمریکا و شوروی در این نهاد بین‌المللی نقش مهمی در ناکامی آن داشت. آمریکا که خود پیشنهاد تأسیس جامعهٔ ملل را داده بود، به عضویت آن درنیامد. خروج ژاپن، آلمان و ایتالیا و نیز اخراج شوروی از جامعهٔ ملل، موجب بی‌اعتباری بیشتر این نهاد بین‌المللی شد. به همین سبب بود که جامعهٔ ملل در فاصلهٔ میان دو جنگ در مقابل تهاجم نظامی برخی دولت‌ها به کشورهای دیگر، اقدام بازدارنده و مؤثری نتوانست انجام دهد.

بحران اقتصادی

یکی از مسائل مهم جهان و به‌خصوص اروپا در دوران پس از جنگ جهانی اول، بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ و ایجاد رونق و رفاه اقتصادی بود. برخی از کشورها، مانند انگلستان، به اتکای منابع خود و ثروت مستعمراتشان تا حدودی از عهدهٔ این کار برآمدند اما بسیاری دیگر با مشکلات شدیدی مانند رکود و تورم روبه‌رو شدند.

آلمان از جمله کشورهایی بود که در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی اول شرایط اقتصادی وخیمی داشت؛ زیرا علاوه بر خرابی‌های حاصل از جنگ، مستعمراتش را از دست داده و محکوم به پرداخت غرامت‌های سنگین شده بود.

ایالات متحده که اقتصادش در جنگ کمتر آسیب دیده بود، اقدام به اعطای وام به دیگر کشورها، از جمله آلمان، کرد اما ناگهان خود گرفتار بحران و رکود اقتصادی عظیمی شد (۱۹۲۹ـ۱۹۳۲م) که در پی آن، اقتصاد جهان نیز به هم ریخت و مشکلات فراوانی به‌وجود آمد. مسائل و مشکلات اقتصادی تأثیر بسزایی در روی کار آمدن حکومت‌های دیکتاتوری، به خصوص در اروپا داشت.

در سال ۱۹۲۳، ارزش مارک آلمان به اندازه‌ای سقوط کرد که از اسکناس به جای سوخت، کاغذ دیواری و برای پر کردن تشک استفاده می‌شد.

بیشتر بدانیم

بحران و رکود اقتصادی به‌دنبال سفته بازی و حباب‌سازی در بورس نیویورک به‌وجود آمد. در بورس نیویورک که از طریق دلال بازی ثروت زیادی برای سهامداران بر روی کاغذ جمع شده بود، علاوه بر معامله‌گران حرفه‌ای، مردم عادی نیز سهم زیادی داشتند. تنزل قیمت‌ها در بورس نیویورک، مردم را به فروش سهام واداشت و قیمت‌ها به طرز فاجعه‌باری پایین آمد. در عرض یک ماه قیمت سهام چهل درصد تنزل یافت و در طول سه سال از ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ پنج هزار بانک آمریکایی ورشکست شد. رکود آمریکا از طریق نظام پایه طلا به سایر کشورهای جهانی منتقل شد.

«جان اشتاین بک» در رمان مشهور خود، «خوشه‌های خشم» به‌خوبی شرایط اجتماعی و اقتصادی ناشی از رکود اقتصادی را روایت کرده است.

ظهور حکومت‌های خودکامهٔ تک‌حزبی و نظامی

پس از پایان جنگ جهانی اول، امید به استقرار نظام‌های آزاد و دموکرات در اروپا و سایر نقاط جهان چندان دوام نیاورد و رژیم‌های دیکتاتوری یکی پس از دیگری سر برآوردند.

۱ـ شوروی استالینی

پس از مرگ لنین (۱۹۲۴م)، **ژوزف استالین**[1]، دبیرکل حزب کمونیست، قدرت را در شوروی به دست گرفت. استالین با تحکیم موقعیت سیاسی خود، قدم در مسیر دیکتاتوری گذاشت. بدین‌منظور عدهٔ زیادی از بلشویک‌های قدیمی، اندیشمندان، افسران ارتش، اعضای حزب کمونیست، دیپلمات‌ها و مردم عادی را که در برابرش مقاومت و مخالفت می‌کردند، به مرگ محکوم کرد و یا به اردوگاه‌های کار اجباری در سیبری فرستاد که هیچ‌گاه از آنجا باز نگشتند.

حکومت استالین با ادامهٔ برنامه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی که از زمان لنین آغاز شده بود و اجرای برنامه‌های جدید، تغییر و تحول چشمگیری در شوروی ایجاد کرد. یکی از این برنامه‌ها، طرح اشتراکی کردن مزارع کشاورزی بود که با اعمال قدرت و خشونت بسیار ادامه یافت. علاوه بر این، برنامه‌ای را با هدف صنعتی کردن سریع کشور به اجرا درآورد. اساس برنامهٔ صنعتی استالین، بر تولید کالاهای سرمایه‌ای و سلاح‌های جنگی استوار بود. با اجرای این برنامه، تولید ماشین‌آلات صنعتی، نفت، برق، فولاد و زغال سنگ به طرز فوق‌العاده‌ای افزایش یافت.

فعّالیت ۲

برداشت و قضاوت

برداشت و قضاوت خود را از این جمله بیان کنید: «حمام خونی که استالین... به راه انداخت، جذابیت همان چیزی را از بین برد که اکثر متفکران آن را به نام تمدن نوین تحسین می‌کردند.» (فوگِل، **تمدن مغرب‌زمین**، ج ۲، ص ۱۲۲۲).

حکومت استالین در عرصهٔ خارجی به دنبال گسترش مرزها و تسلط بر برخی کشورها و سرزمین‌های اروپای شرقی بود. با وجود بی‌اعتمادی و دشمنی‌ای که میان شوروی و آلمان وجود داشت، دو کشور با یکدیگر پیمان عدم تجاوز امضا کردند (۱۹۳۹م).

۲ـ به قدرت رسیدن فاشیست‌ها در ایتالیا

کشور ایتالیا در سال‌های پس از جنگ جهانی اول با مشکلات مختلفی چون تورم، بیکاری، اعتصاب و ناآرامی‌های کارگری روبه‌رو شد. حکومت پادشاهی مشروطهٔ ایتالیا نمی‌توانست مشکلات را حل و فصل کند و زمینه برای روزنامه‌نگار و سیاستمداری به نام بِنیتو موسولینی، که رهبر حزب کوچکی موسوم به «فاشیست» بود، فراهم شد تا بتواند قدرت را در آن کشور به‌دست بگیرد. فاشیست‌ها یک گروه ملی‌گرای افراطی بودند که می‌خواستند دولتِ تک‌حزبی قدرتمند و متمرکزی در ایتالیا ایجاد کنند.

پادشاه ایتالیا به تشویق صاحبان صنایع، زمین‌داران و نظامیان، که خواستار ایجاد دولتی مقتدر بودند، موسولینی را به نخست‌وزیری منصوب کرد (۱۹۲۲م). موسولینی در مدت کوتاهی با از بین بردن احزاب رقیب، قدرت را یکپارچه کرد. او نیز همچون سایر دیکتاتورها به کمک وسایل ارتباط جمعی و شگردهای تبلیغاتی گوناگون، مردم را تحت نظارت و مراقبت کامل حکومت درآورده بود و با استفاده از یک سازمان امنیتی و پلیسی، معترضان و مخالفان را سرکوب می‌کرد.

۱ـ Joseph Stalin

موسولینی هنگام اعلام خبر اشغال اتیوپی و تشکیل امپراتوری ایتالیا، ۹ می ۱۹۳۶ـ کاخ ونیز در رُم

موسولینی تا حدود زیادی به وعده‌های خویش دربارهٔ کاهش بیکاری و تورم و پایان دادن به اعتصاب‌ها عمل کرد. ازاین‌رو، تا زمانی که ایتالیا درگیر جنگ جهانی دوم نشده بود، بسیاری از مردم این کشور شیفتهٔ وی بودند و از اینکه با رهبری او کشورشان در ردیف قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است، به خود می‌بالیدند.

در بُعد روابط خارجی، موسولینی سودای احیای دوبارهٔ امپراتوری روم باستان و تسلط بر دریای مدیترانه و شمال آفریقا را در سر می‌پروراند. تجاوز نظامی این کشور به اتیوپی (۱۹۳۵م) در آفریقا با تکیه بر همین تفکر صورت گرفت.

۳ـ ظهور هیتلر در آلمان

پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول و پناهنده شدن امپراتور وقت آلمان به هلند، حکومتی جمهوری در این کشور برسرکار آمد. بسیاری از آلمانی‌ها از این حکومت به سبب امضای پیمان تحقیرآمیز ورسای و گسترش رکود و بیکاری ناخشنود بودند. در چنین شرایطی، هیتلر (۱۸۸۹ـ۱۹۴۵م) که رهبری حزب نازی[۱] را در اختیار داشت و با شور وحرارت بسیار، مشکلات آلمان را به‌همراه راه‌حل‌های آن توضیح می‌داد و بر لغو پیمان ورسای و تجدید غرور و اقتدار ملی تأکید می‌کرد. نازی‌ها همچون فاشیست‌ها، ملی‌گرایانی افراطی و نژادپرست بودند و یکی از شعارهای آنان که تأثیر زیادی بر آلمانی‌ها گذاشت، شعار «**آلمان، بیدار شو**» بود.

پس از موفقیت نازی‌ها در انتخابات مجلس، هیتلر با حمایت صاحبان صنایع، اشراف زمین‌دار، افسران ارتش و برخی کانون‌های سرّی، صدراعظم آلمان شد (۱۹۳۳م). او سپس با قبضهٔ کامل قدرت، نظام دیکتاتوری تک‌حزبی را در کشور برقرار کرد و خود را **پیشوا** خواند. در این زمان، تمام حزب‌های سیاسی به جز حزب نازی منحل و نیروی پلیس و سازمان‌های دولتی از افراد غیرنازی پاک‌سازی شدند. همچنین، مسئولیت تأمین امنیت داخلی به عهدهٔ سازمان پلیس مخفی مخوفی موسوم به «**گِشتاپو**» گذاشته شد و اردوگاه‌های کار اجباری برای مخالفان بر پا گردید.

۱ـ حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان که اصطلاحاً حزب نازی نامیده می‌شد.

هیتلر و اعضای حزب نازی ـ دسامبر ۱۹۳۰

رژهٔ نازی‌ها- ۱۹۳۵م

هیتلر پس از به دست گرفتن زمام امور، قرارداد ورسای را لغو کرد و برنامه‌های اقتصادی و عمرانی گوناگونی را به اجرا در آورد. ساخت شبکهٔ وسیعی از جاده‌ها و راه‌آهن، ایجاد مؤسسات عمومی و راه‌اندازی کارخانه‌های بزرگ به خصوص صنایع تسلیحاتی از جمله طرح‌های عمرانی و اقتصادی بود که به اجرا درآمد و به بحران رکود و بیکاری در آلمان پایان داد و شرایط تحقیرآمیز آلمان پس از جنگ جهانی اول را تا اندازه زیادی دگرگون کرد.

در بُعد نظامی نیز هیتلر به سرعت ارتش و تشکیلات نظامی را گسترش داد و به سلاح‌ها و فناوری‌های پیشرفتهٔ جنگی مجهز کرد.

در بُعد روابط خارجی، نازی‌ها به رهبری هیتلر علاوه بر بستن پیمان‌های دو و چندجانبه با برخی کشورها، برنامه‌های توسعه‌طلبانهٔ سرحدی و سرزمینی خود را به پیش بردند. هیتلر عقیده داشت که آلمان برای به دست آوردن فضای حیاتی، باید سرزمین‌هایی را در اروپا فتح کند.

فعّالیت ۳

بحث و گفت‌وگو

متن زیر را بخوانید و بیندیشید چرا این اتفاق عجیب رخ می‌دهد:

«عجیب نیست و گویا همیشه چنین بوده است ـ که حقایق تاریخی توسط فاتحین جنگ تعیین و «تاریخ» توسط آنها تفسیر و نوشته شود؛ اما عجیب است ـ و گویا تاکنون هم این‌طور نبوده ـ که شکست‌خوردگان جنگ، تاریخی را که این‌قدر یک‌طرفه نگاشته شده است به‌راحتی باور می‌کنند، بدون اعتراض می‌پذیرند و به نسل‌های بعد منتقل می‌کنند» (چِرنین، **شکست تابوها**، ص ۱۱).

فعّالیت ۴

تحلیل تاریخی

با دبیر و دوستان خود درباره اینکه چه گروه‌ها یا جریان‌هایی بیشترین سود را از جنگ‌های جهانی اول و دوم به‌دست آوردند، گفت‌وگو کنید.

۴ـ توسعه‌طلبی نظامی ژاپن

در پی اصلاحات موسوم به «انقلاب مِیجی» در نیمه دوم قرن ۱۹، حکومتی کاملاً مرکزی در ژاپن برپاشد. نخستین اولویت‌ها پس از انقلاب میجی، تغییر وضع ناتوان ژاپن در رویارویی با خطر جهانگشایی غربی و جبران عقب‌ماندگی‌های نظام قبلی بود. بدین‌ترتیب ژاپن اولین گام‌ها را در راه صنعتی‌شدن برداشت و هم‌زمان شروع به استعمار سرزمین‌های پیرامون خود کرد. متناسب با این تحولات، تغییرات اساسی در بخش نظامی، آموزش و پرورش، مالیات و قانون اساسی نیز، ایجاد شد.

ژاپن در جنگ جهانی اول به اتفاق مثلث پیوسته بود، اما در مقایسه با انگلستان، فرانسه و آلمان زیان عمده‌ای متحمل نشد و اقتصادش در سال‌های پس از جنگ همچنان شکوفا بود. از آنجا که اقتصاد ژاپن وابسته به واردات مواد خام بود، رشد صنعتی این کشور با قدرت نظامی و دریانوردی ارتباط تنگاتنگی داشت. به همین دلیل در فاصلهٔ دوجنگ جهانی، نظامیان هدایت سیاست داخلی و خارجی ژاپن را در اختیار گرفتند و این کشور را در جهت اهداف توسعه طلبانهٔ نظامی سوق دادند. آنان همچنین از جامعهٔ ملل خارج شدند و به کشورهای همسایه ازجمله چین لشکرکشی کردند و به همراه آلمان و ایتالیا کشورهای محور را شکل دادند.

موتسوهیتو که بعدها به‌نام امپراتور میجی شناخته شد و در دورهٔ حکومت او اصلاحات گسترده‌ای در ژاپن انجام شد درحالی‌که لباس نظامی به سبک اروپایی بر تن دارد، اوچیدا کیویچی ـ مجموعه موزه تاریخ استان کاناگاوا

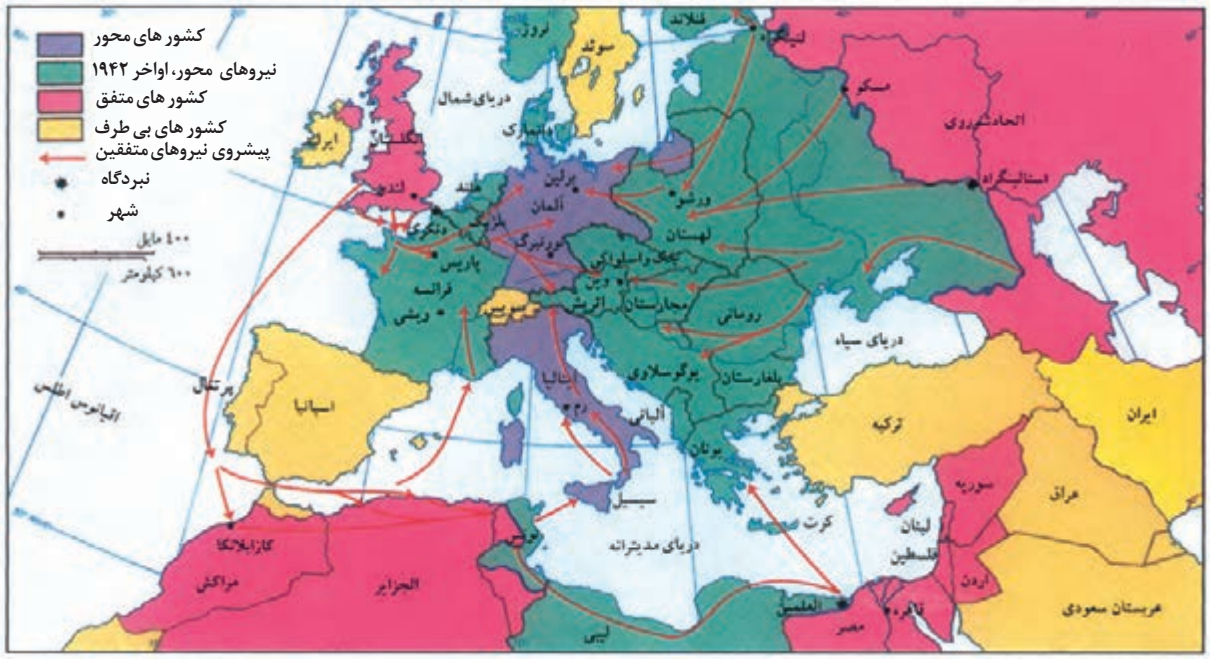

جنگ جهانی دوم در اروپا و شمال آفریقا؛ ۱۹۴۱-۱۹۴۵

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ ـ ۱۹۴۵م)

شروع جنگ و سال‌های پیروزی دولت‌های محور

نازی‌ها به رهبری هیتلر که به دنبال گسترش مرزهای خود در اروپا و در مستعمرات بوده و برای رسیدن به آن خود را مجهز کرده بودند، در اول سپتامبر ۱۹۳۹/ شهریور ۱۳۱۸ ناگهان به لهستان حمله و نیمه غربی این کشور را تصرف کردند. بلافاصله بعد از حمله به لهستان، فرانسه و انگلستان به آلمان اعلان جنگ کردند. آلمان محور اتحاد را با ایتالیا و ژاپن تشکیل داد (دولت‌های محور) و با زنجیره‌ای از لشکرکشی‌ها، توانست بر بخش زیادی از غرب اروپا چیره شود. شکست و اشغال فرانسه مهم‌ترین دستاورد ارتش نازی بود. هیتلر بعد از فتح پاریس از انگلیسی‌ها خواست که تسلیم شوند ولی انگلستان که از کمک‌های آمریکا برخوردار بود، جنگ را ادامه داد و نبرد شدیدی در هوا، دریا و زیردریا میان دو کشور شکل گرفت. با وجود آنکه انگلستان خسارات بسیاری را متحمل شد ولی نازی‌ها نتوانستند وارد این کشور شوند.

نیروهای محور هم‌زمان به شرق اروپا و بالکان هجوم برده و کشورهای آن منطقه را زیر سلطه درآوردند وسپس سرتاسر شمال آفریقا را صحنه جنگ نمودند. همگام با تاخت‌و تازهای ارتش آلمان و ایتالیا، نیروهای ژاپن اقدام به عملیات نظامی گسترده‌ای در شرق و جنوب شرقی آسیا کردند و سرزمین‌ها و جزایر بسیاری را به تصرف درآوردند. حدود دو سال از جنگ سپری شد و دولت‌های محور پیروز میدان بودند؛ اما نیمه دوم جنگ اوضاع به‌تدریج عوض شد.

پیروزی‌های متفقین

شوروی تا ژوئن ۱۹۴۱ در جنگ بی‌طرف بود. در این زمان هیتلر به‌رغم پیمان عدم تجاوز با استالین، برق‌آسا به این کشور حمله کرد. قدرت نظامی نیروهای شوروی در حدی نبود که بتوانند آلمانی‌ها را شکست دهند؛ پس عقب‌نشینی کرده و در سر راه خود مزارع و آذوقه‌ها را سوزاندند تا دشمن نتواند از آنها استفاده کند. با این اوصاف نبرد به داخل روسیه کشیده شد و آلمان‌ها که نتوانسته بودند تا قبل از زمستان سخت روسیه به پیروزی برسند، به سبب سرمای شدید و کمبود آذوقه به شدت ضعیف شدند. نیروهای شوروی با استفاده از کمک‌های تسلیحاتی و تدارکاتی انگلستان و آمریکا، که از طریق خاک ایران به آنها می‌رسید، پیشروی نیروهای آلمانی را متوقف کردند. پس از آن عقب‌نشینی نیروهای آلمانی آغاز شد و نیروهای شوروی در تعقیب آنها شروع به پیشروی در غرب کرده و وارد شرق اروپا شدند و بسیاری از سرزمین‌ها و کشورهای شرق اروپا را از نیروهای محور پاکسازی کردند.

نمایی از شهر درسدن در آلمان پس از بمباران سنگین متفقین در جنگ جهانی دوم؛ در میان خرابه‌های گسترده، مجسمه‌ای تنها به ویرانی شهر می‌نگرد، عکاس ریچارد پیتر ـ آرشیو هولتون، بُن

آمریکا تا آن زمان به طور رسمی در جنگ بی‌طرف بود اما در عین حال به انگلستان و فرانسه کمک‌های مالی و تدارکاتی می‌کرد. در دسامبر ۱۹۴۱ ناوگان آمریکا در اقیانوس آرام[1] مورد حمله ژاپنی‌ها قرار گرفت و با این اتفاق آمریکا رسماً به متفقین پیوست. ورود ارتش آمریکا توان متفقین را دوچندان کرد و به موفقیت‌های پی‌درپی دست یافتند. نیروهای ژاپنی در سال ۱۹۴۲م در چندین عملیات شکست سختی خوردند. در جبهه غربی نیز پس از تسلط متفقین بر شمال آفریقا، ایتالیا به زانو درآمد. ورود نیروهای متفقین به خاک فرانسه[2] و درهم شکستن خطوط دفاعی آلمان در این کشور منجر به آزادسازی فرانسه شد. به‌دنبال آن متفقین از سمت غرب وارد خاک آلمان شدند. هم‌زمان نیروهای شوروی نیز شرق آلمان را به تصرف درآوردند (می ۱۹۴۵).

۱ـ بندر پرل هاربُر (Pearl Harbor)

۲ـ در ژوئن ۱۹۴۴ نیروی دریایی متفقین با حمایت نیروی هوایی توانست با موفقیت به دیوار آتلانتیک هیتلر در ساحل نُرماندی رخنه کند و از آنجا وارد خاک فرانسه شود.

بمباران شهر درسدن آلمان توسط متفقین

مردم لنینگراد هنگام ترک خانه و کاشانهٔ خود در جنگ جهانی دوم

پایان جنگ

با ورود نیروهای متفقین به برلین، هیتلر خودکشی کرد. نیروهای متفقین تعدادی از فرماندهان و سران حکومت نازی را نیز دستگیر و سپس در دادگاه نورنبرگ به عنوان جنایتکار جنگی محاکمه و مجازات کردند.

پس از به زانو درآمدن نازی‌ها، جنگ با ژاپن ادامه یافت. در حالی که نشانه‌های شکست و تسلیم شدن ژاپنی‌ها آشکار شده بود، دولت آمریکا دو شهر هیروشیما و ناگاساکی ژاپن را برای اولین بار در تاریخ، با بمب‌های اتمی ویران کرد (اوت ۱۹۴۵). تا سی روز بعد از انفجار بمب، مردم به‌طور اسرارآمیزی جان خود را از دست می‌دادند. دولت ژاپن ۳۷۰ هزار نفر «قربانی بمب اتم» را تا سال ۱۹۸۰م ثبت کرده است[1].

بمباران اتمی ژاپن توسط آمریکا

۱ــ این رقم بسیار کمتر از تعداد واقعی قربانیان است؛ زیرا شرط ثبت رسمی با این نام، داشتن دو شاهد غیرخویشاوند بود که برای بسیاری از قربانیان غیرممکن بود.

آثار و نتایج جنگ

با سقوط برلین و اعلام تسلیم از سوی ژاپن، جنگ جهانی دوم به‌طور رسمی خاتمه یافت. جنگ جهانی دوم مُهلک‌ترین و مخرب‌ترین رویداد در تاریخ بشر است که در آن حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر کشته شدند. پس از این رویداد، متفکران زیادی از سراسر دنیا در مبانی و همچنین کارآمدی تمدن غرب مدرن برای ساختن دنیایی بهتر تجدید نظر کردند.

تلفات روسیه و آلمان در این جنگ بیش از سایر کشورها بود. بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی که درگیر جنگ شده بودند، کما بیش صدمه دیدند و آسیب‌های اقتصادی فراوانی به آنها رسید. گرسنگی، بیماری‌های مسری، آوارگی و اختلال‌های روحی و روانی نیز از دیگر مصیبت‌های ناشی از جنگ بود که بسیاری از مردم جهان را به شدت آزار داد.

آمریکا پس از این جنگ مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی متعددی را در بخش‌های مختلف (مانند روابط بین‌الملل، امنیت و اقتصاد) تأسیس یا تقویت کرد تا از نظم نوینی که بر جهان حاکم شده بود، محافظت کند؛ سازمان ملل متحد یکی از این سازمان‌ها بود. ظهور انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) اولین ضربه‌کاری به نظم جدید آمریکایی در جهان است.

فعّالیت ۵

تفکر و اظهارنظر

دیدگاه یکی از مورخان معاصر دربارهٔ آثار و پیامدهای فکری و فرهنگی جنگ جهانی دوم را بخوانید و نظر خود را دربارهٔ آن در کلاس بیان کنید: «مهیب‌ترین بصیرت و آگاهی حاصل از این پدیده این بود که اکنون بشر قدرت انهدام کامل خود را به دست آورده است» (آدلر، **تمدن‌های عالم**، ج ۲، ص ۷۶۶).

ایران در جنگ

وقتی جنگ جهانی دوم درگرفت، دولت ایران اعلام بی‌طرفی کرد. در آن زمان، کشور ما روابط بازرگانی گسترده‌ای با آلمان داشت و تعداد زیادی از کارشناسان (تکنسین‌های) آلمانی در ایران مشغول کار بودند. تلاش‌های انگلستان برای جلوگیری از داد و ستد آلمان با کشورهای بی‌طرف، اعتراض حکومت رضاشاه را برانگیخت و باعث شد که ایران از طریق شوروی به تجارت با آلمان ادامه دهد.

با حملهٔ هیتلر به شوروی (ژوئن ۱۹۴۱ / تیر ۱۳۲۰) معادلهٔ جهانی به زیان ایران به‌هم خورد و یک‌بار دیگر، شوروی و انگلستان علیه میهن ما متحد شدند. در پی هجوم ارتش نازی به خاک شوروی، حفاظت از منابع نفت باکو برای روس‌ها و منابع نفت جنوب ایران برای انگلیسی‌ها اهمیت حیاتی یافت. از سوی دیگر، خاک ایران مناسب‌ترین مسیر برای رساندن کمک‌های تسلیحاتی و تدارکاتی متفقین به نیروهای شوروی بود. بنابراین، در حالی که ارتش آلمان در خاک شوروی به سوی ایران پیشروی می‌کرد، دولت‌های شوروی و انگلستان از حکومت ایران خواستند که آلمانی‌ها را اخراج کند و به اقدامات خصمانه علیه هیتلر دست بزند. به بهانه حضور نیروهای آلمانی در ایران، نیروهای شوروی و انگلستان در شهریور ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) از شمال و جنوب به ایران هجوم آوردند. ارتش ایران مقاومت چندانی نکرد و تنها درگیری مختصری به‌ویژه میان یگان‌های نیروی دریایی ایران با قوای متفقین رخ داد. در جریان درگیری میان واحدهای نیروی دریایی ایران با نیروهای متجاوز انگلیسی در آبادان و خرمشهر، دریادار غلامعلی بایَندُر فرمانده این نیرو و جمعی از هم‌رزمانش به شهادت رسیدند.

نظامیان شوروی در ایران ــ قزوین ــ جنگ جهانی دوم

نیروهای انگلیسی در ایران ــ جنگ جهانی دوم

ایران پُلی برای پیروزی متفقین در جنگ بود و بدون استفاده از ظرفیت ایران، سرنوشت جنگ تغییر می‌کرد. پس از اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، رضاشاه به فرمان انگلیسی‌ها و به سرعت، استعفایش از سلطنت را نوشت و به جزیرهٔ موریس در جنوب غربی اقیانوس هند تبعید گردید.

جهان پس از جنگ جهانی دوم

بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم، بر پایهٔ توافق‌هایی که از پیش میان سران متفقین (آمریکا، انگلستان و شوروی) صورت گرفته بود، شوروی تسلط سیاسی ــ نظامی خود را بر اروپای شرقی اعمال کرد. آلمان نیز به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد؛ روس‌ها نیمهٔ شرقی و سایر دولت‌های متفق نیمهٔ غربی آن را تحت سلطهٔ خود گرفتند. بازندگان جنگ مانند آلمان و ژاپن از داشتن نیروی نظامی مقتدر و مستقل محروم ماندند و اقتصاد و فرهنگ آنها نیز تحت نفوذ فاتحان جنگ قرار گرفت تا امروز نیز، در بسیاری از بخش‌ها، این نفوذ و اعمال نظر همچنان ادامه دارد.

عصر جنگ سرد

جلوگیری از گسترش قدرت آلمان و مقابله با متحدین در جنگ باعث همکاری شوروی و آمریکا شده بود. امّا با پایان جنگ و از میان رفتن دشمن مشترک، این همکاری تبدیل به بی‌اعتمادی، رقابت و تنش شدید شد. اصطلاح بلوک غرب و بلوک شرق در این شرایط رایج شد. آمریکا و هم‌پیمانانش که دارای نظام سرمایه‌داری بودند، «بلوک غرب» و شوروی و کشورهای اقماری[1] آن به همراه کشورهایی که نظام کمونیستی بر آنها حاکم بود (مانند چین و کره شمالی)، «بلوک شرق» نامیده می‌شدند.

آمریکا و شوروی، که دو ایدئولوژی مختلف برای اداره جامعه ارائه می‌دادند، در زمینه‌های مختلف علمی، صنعتی، توسعه تکنولوژی، تجهیزات نظامی، فناوری جاسوسی و حتی ورزش و صنعت مُد رقابت تنگاتنگ داشتند. آنها برای جذب متحدین بیشتر به برقراری اتحادها و پیمان‌های سیاسی و نظامی مانند ناتو[2] و وَرشو[3] دست زدند. بین شوروی و آمریکا هرگز رویارویی نظامی و جنگ مستقیم اتفاق نیفتاد، ولی رقابت و تنش‌های مکرر (مانند ساخت دیوار برلین[4]) و جنگ‌های نیابتی (مانند جنگ کره و جنگ ویتنام) باعث شد که از این دوران، تحت عنوان جنگ سرد یاد کنند.

مشکلات اقتصادی و سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی به مرور زمان اعتراضات مردمی را افزایش داد و بلوک غرب نیز با استفاده از دستگاه رسانه‌ای خود به آنها دامن می‌زد. رهبران شوروی سعی کردند تا با انجام اصلاحاتی، این اعتراضات را مهار کنند ولی در نهایت در ۱۹۹۱م این اتحاد فروپاشید و به دنبال آن بلوک شرق از صفحه تاریخ محو شد. خراب شدن دیوار برلین نماد این فروپاشی است.

۱ــ کشورهای اقماری به تعدادی از کشورهای اروپای شرقی گفته می‌شد که شوروی بعد از جنگ‌جهانی دوم بر آنها تسلط یافت و حکومت‌های کمونیستی را در آنجا بر سر کار آورد.

۲ــ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی با علامت اختصاری ناتو در اواسط قرن بیستم بین آمریکا و هم‌پیمانانش شکل گرفت. کشورهای امضاکننده این پیمان توافق کردند در صورت حمله به یک یا چند کشور عضو بقیه کشورها درصدد مقابله برآیند. میراث به جای مانده از این پیمان، بر ضد قدرت‌های نوظهور و رقبای تمدن غربی نیز به کار گرفته شد.

۳ــ پیمان ورشو بین شوروی و کشورهای کمونیستی اروپای شرقی در شهر ورشو (پایتخت لهستان) بسته شد. این پیمان در مقابل پیمان ناتو منعقد شد.

۴ــ آلمان و پایتخت آن برلین، بعد از جنگ‌جهانی دوم بین متفقین تقسیم شد و قسمت شرقی آن به دست شوروی افتاد و قسمت غربی آن تحت حاکمیت کشورهای بلوک غرب درآمد. در سال ۱۹۶۱ و با اوج‌گیری جنگ سرد، شوروی اقدام به کشیدن دیوار بین دو قسمت غربی و شرقی برلین کرد تا مانع از مهاجرت مردم و معترضان به نظام کمونیستی از بخش شرقی به بخش غربی شهر شود.

دیوار برلین، نماد عصر جنگ سرد و فروریختن آن، نشانهٔ پایان این عصر بود.

بیشتر بدانیم

کمونیسم در برابر لیبرالیسم

سردمداران بلوک شرق معتقد بودند که کمونیسم راه حل تمام مشکلات بشر را یافته است و می‌تواند انسان را در روی زمین به سعادت برساند. در مقابل، گردانندگان بلوک غرب مدعی بودند که مکتب لیبرالیسم و نظام سرمایه‌داری منعکس کنندهٔ گرایش‌ها و تمایلات منطقی تمام کسانی است که درست فکر می‌کنند.

بازسازی و رونق اقتصادی اروپا

جنگ بخش وسیعی از اروپا و اقتصاد آن را ویران کرد، امّا کشورهای اروپایی برای بازسازی کشورهای خود به پا خاستند و با کار سخت و برنامه‌ریزی‌های مختلف، تحوّلات جدی را در کشورهای خود رقم زدند، به حدی که برخی از آنها امروزه در زمینه اداره امور دنیای خود، از فاتحان جنگ نیز بالاتر رفته‌اند. در این مسابقه علمی و بازسازی جدی که سرعت تحولات آن به هیچ کشوری که رؤیای پیشرفت و آبادانی و استقلال و اقتدار دارد، مجال توقف نمی‌داد، ایران با حکومت گوش به فرمان بیگانه در زمان پهلوی دوم، نه به اندازه سی‌سال، که چندین برابر آن از حرکت پرشتاب دنیا در بخش‌های گوناگون عقب‌ماند.

تحولات شرق آسیا

ژاپن، صنعتی‌ترین کشور آسیا، پس از شکست در جنگ جهانی دوم به اشغال آمریکا درآمد. قانون اساسی جدید آن کشور، دموکراسی را تقویت و قدرت سیاسی را از اختیار امپراتور و فرماندهان نظامی خارج کرد و به نمایندگان منتخب ملت سپرد. ژاپنی‌ها نیز با سخت‌کوشی و برنامه‌ریزی دقیق، به موفق‌ترین قدرت پیشرو اقتصادی در جهان تبدیل شدند. تولید صنعتی این کشور در سال ۱۹۵۳م به میزان تولید سال‌های آغازین جنگ جهانی دوم رسید[۱].

توکیو، قلب مراکز مالی و اقتصادی ژاپن

۱ــ دان، **تاریخ تمدن و فرهنگ جهان**، ج۴، صص ۲۱۶-۲۱۷

یکی از تحولات مهم جهان پس از جنگ جهانی دوم، به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در چین بود. پس از شکست و تسلیم ژاپن، جنگ داخلی در چین میان ملی‌گرایان و کمونیست‌ها شدت گرفت. در این میان، آمریکا از ملی‌گرایان و شوروی از کمونیست‌ها پشتیبانی می‌کردند. سرانجام، کمونیست‌ها به رهبری مائو بر ملی‌گراها پیروز شدند و جمهوری خلق چین را تأسیس کردند. حکومت و حزب کمونیستِ چین با وجود داشتن رابطهٔ دوستانه با حکومت و حزب کمونیستِ شوروی، همواره سیاستی مستقل را دنبال کرد.

استقلال‌طلبی و استعمارزدایی

با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، فریاد استقلال‌طلبی و مخالفت با استعمار در بسیاری از کشورهای تحت استعمار بلند شد. در هندوستان حزب کنگرهٔ ملی به رهبری مهاتما گاندی با کمک مبارزهٔ متّحدانهٔ مسلمانان و هندوها، استقلال کامل این کشور را درخواست کرد و انگلستان فرسوده و زخم‌خورده از دو جنگ جهانی، به ناچار تسلیم شد (۱۹۴۷م). علاوه بر آن، جنبش‌های استقلال‌طلبانه در جنوب شرقی آسیا و قارهٔ آفریقا عمدتاً به نحو مسالمت‌آمیزی به وقوع پیوستند و در کمتر از یک دهه (۱۹۵۵ـ۱۹۶۵م) بیش از ۳۰ کشور مستقل آسیایی و آفریقایی از مستعمره‌های اروپاییان سر برآوردند. البته در الجزایر، دولت فرانسه تلاش کرد با استفاده از نیروی نظامی، جنبش استقلال‌خواهی را سرکوب کند اما مردم آن کشور پس از سال‌ها مبارزهٔ سخت، بر استعمار پیروز شدند و به استقلال دست یافتند (۱۹۶۲م).

کاوش خارج از کلاس

جنبش غیرمتعهدها

با راهنمایی دبیر و مراجعه به منابعی که به شما معرفی می‌کند، دربارهٔ جنبش عدم تعهد تحقیق کنید و پاسخ پرسش‌های زیر را به کلاس ارائه دهید.

۱ـ پایه‌گذاران جنبش غیرمتعهدها چه کسانی بودند؟ ۲ـ هدف از تأسیس جنبش غیرمتعهدها چه بود؟ ۳ـ در عصر جنگ سرد موقعیت سیاسی این جنبش در جهان چگونه بود؟

رژیم غاصب اسرائیل؛ چالش جهان معاصر

استعمار و اشغال سرزمین فلسطین و تأسیس رژیم غاصب اسرائیل با حمایت گسترده مالی و نظامی غرب، یکی از مسائل مهم منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) و جهان اسلام در دوران معاصر به‌شمار می‌رود. برای درک ریشه‌های این مسئله، باید به تحولات قرن نوزدهم و جنگ‌های جهانی بازگشت. چنان‌که در درس ششم اشاره شد، انقلاب صنعتی و تولید سلاح‌های پیشرفته در قرن نوزدهم، موجب گسترش استعمار و افزایش رقابت میان قدرت‌های استعماری شد. این کشورها معمولاً با اعزام ارتش‌های خود به مناطق مختلف، پس از استقرار نظامی، با مهاجرت و اسکان جمعیت‌های غیربومی و تغییر ترکیب جمعیتی به نفع خود، منابع و نیروی انسانی آن سرزمین‌ها را در راستای منافع خود به‌کار می‌گرفتند. در همین دوره، اروپا شاهد ظهور جنبش‌های سیاسی نژادپرستانه، از جمله **صهیونیسم**[1] بود. **صهیونیست‌ها** گروهی از یهودیان[2] بودند که از اواخر قرن نوزدهم، ایدهٔ اشغال سرزمین فلسطین و تأسیس حکومتی یهودی به شیوه استعماری را دنبال می‌کردند. در همین حال، انگلستان نیز با توجه به موقعیت راهبردی فلسطین، تلاش می‌کرد این سرزمین را به‌تدریج به مستعمرهٔ خود تبدیل کند. به این ترتیب، منافع استعماری انگلستان و اهداف صهیونیست‌ها در یک راستا قرار گرفت و زمینه همکاری میان آنها فراهم شد.

۱ـ صهیونیست‌ها نام جنبش خود را از کوهی به‌نام صهیون که در فلسطین واقع است، گرفته‌اند.

۲ـ در دنیا یهودیان بسیاری وجود دارند که از صهیونیسم بیزارند و معتقدند صهیونیست‌ها اعتقادات دینی آنها را بهانه‌ای برای اشغال فلسطین قرار داده‌اند.

فلسطین در محل تقاطع سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد.

دلایل اهمیت فلسطین را می‌توان در موارد زیر یافت؛

۱ــ فلسطین در محل تقاطع سه قارهٔ آسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد و مسیرهای ارتباطی این سه قاره از آن عبور می‌کند. چنین مناطقی از نظر ژئوپلیتیکی اهمیت بالایی دارند.

۲ــ یکی از مهم‌ترین مسیرهای آبی جهان از این منطقه می‌گذرد (دریای مدیترانه ـ دریای سرخ ـ اقیانوس هند) که ارتباط میان غرب و شرق را ممکن می‌سازد و روزانه حجم زیادی از کالاهای بین‌المللی، از جمله نفت، از این مسیر جابه‌جا می‌شود.

۳ــ این سرزمین، خاستگاه ادیان ابراهیمی و محل زندگی بسیار از پیامبران الهی است. اماکن مقدس فراوانی در آن وجود دارد که موجب شده توجه مسلمانان، مسیحیان و یهودیان به این منطقه جلب شود.

در ابتدای قرن بیستم، فلسطین تحت حاکمیت عثمانی قرار داشت. چنان‌که در درس دوم آمده است، دخالت‌های قدرت‌های استعماری، به‌ویژه انگلستان، موجب تضعیف امپراتوری عثمانی شد. با آغاز جنگ جهانی اول و فراهم شدن زمینه فروپاشی عثمانی، «آرتور بالفور» وزیرخارجه وقت انگلستان، در نامه‌ای به یکی از رهبران صهیونیست، وعده داد که بریتانیا برای تشکیل یک حکومت یهودی در فلسطین از آنان حمایت خواهد کرد؛[1] درحالی که انگلستان نه مالک این سرزمین بود و نه طبق اصول حقوق بین‌الملل، حق دخل و تصرف در سرنوشت آن را داشت.

پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی دولت عثمانی[2]، دوره قیمومت[3] انگلستان بر فلسطین آغاز شد. دولت انگلستان و متحدانش با سوءاستفاده از عنوان قیمومت، وانمود می‌کردند که هدفشان حمایت از فلسطینی‌هاست، درحالی که عملاً سیاست‌هایی مشابه استعمارگران برده‌دار را در آنجا اجرا می‌کردند.

در دوره قیمومت، انگلیسی‌ها برای تسهیل زمینه مهاجرت صهیونیست‌ها و تشکیل حکومت توسط آنها اقدامات زیر را انجام دادند :

- تشویق و تسهیل مهاجرت یهودیان به فلسطین
- تسهیل خرید زمین و تصرف املاک توسط مهاجران یهودی : حاکمان انگلیسی با فراهم‌کردن زمینه خرید زمین از مَلّاکان غیربومی[4] و حتی تصرف زمین‌های عمومی[5]، راه را برای اسکان صهیونیست‌ها هموار کردند. با این حال، طبق بالاترین آمارها، طی سی سال، یهودیان توانستند کمتر از شش درصد از اراضی فلسطین را در اختیار خود بگیرند.
- حمایت از تأسیس سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی یهودی : در حالی‌که تشکیل نهادهای مدنی فلسطینی ممنوع بود، صهیونیست‌ها با حمایت کامل انگلستان، سازمان‌های متعددی را در زمینه‌های مختلف تأسیس کردند.

۱ــ نامه‌ای که بالفور نوشت بعدها تحت عنوان اعلامیه بالفور مشهور شد ولی چون او حکومت در این سرزمین را بدون اجازه ساکنان اصلی آن به صهیونیست‌ها وعده داد، مشروعیت این اعلامیه همواره مورد مناقشه قرار داشت به طوری که بعدها و در سال ۱۹۳۹ که مبارزات فلسطینی‌ها با انگلیسی‌ها به اوج رسید، دولت انگلستان برای آرام شدن اوضاع، این اعلامیه را مُلغیٰ اعلام کرد. هرچند در سال‌های بعد همچنان به آن استناد می‌شد.

۲ــ رجوع کنید به درس ششم در بخش فروپاشی عثمانی و تغییر نقشه سیاسی در غرب آسیا(خاورمیانه).

۳ــ قیمومت یک اصطلاح حقوقی به معنای سرپرستی است.

۴ــ توجه کنید که سوریه، لبنان و فلسطین در کنار یکدیگر قرار داشته و همگی مناطق تحت قوانین حاکمیت عثمانی اداره می‌شدند و طبیعی بود که فردی از منطقه سوریه در منطقه فلسطین ملکی داشته باشد. پس از فروپاشی عثمانی و تبدیل شدن هر کدام از این مناطق به یک کشور جدید، املاک سوری‌ها و لبنانی‌ها در کشور همسایه و تحت قوانین متفاوت قرار گرفت. این قوانین که توسط انگلیسی‌ها وضع می‌شد، شرایطی ایجاد کرد که مَلّاکان سوری و لبنانی در نهایت وادار به فروش زمین‌هایشان شدند.

۵ــ زمین‌هایی که مالک شخصی ندارند و مورد استفاده عموم مردم هستند و معمولاً حاکمیت در مورد آنها تصمیم‌گیری می‌کند که در این مقطع زمانی حاکمیت در دستان انگلستان بود.

تظاهرات و اعتصاب فلسطینی ها در قدس در اعتراض به مهاجرت یهودیان

عزالدین‌قَسّام(۱۸۸۲ـ۱۹۳۵)رهبر قیام مردمی فلسطین و پرچمدار مبارزه با صهیونیست‌ها بود و چند سال قبل از تشکیل اسرائیل به شهادت رسید.

● **آموزش و تجهیز نظامی مهاجران صهیونیست :** ارتش انگلستان گروه‌های نظامی صهیونیست را آموزش داده و سازمان‌دهی و مسلح کرد. این در حالی بود که فلسطینی‌ها از حمل سلاح منع شده بودند و نهادهای اطلاعاتی بریتانیا به‌طور مستمر هسته‌های مقاومت مردمی را شناسایی و سرکوب می‌کردند.

این سیاست‌ها به‌تدریج، زمینه افزایش مهاجرت یهودیان به فلسطین و تنش میان مردم بومی و مهاجران تازه وارد شد. در حالی‌که فلسطینی‌ها تنها به تعدادی سلاح ساده و فرسوده دسترسی داشتند، صهیونیست‌ها با حمایت نیروهای استعماری، آموزش نظامی دیده و به انواع سلاح‌های پیشرفته مجهز شده بودند. به همین دلیل، امکان مقابلهٔ مؤثر برای مردم فلسطین بسیار محدود بود. با این حال، فلسطین به صحنه‌ای دائمی از مقاومت تبدیل شد.

در جریان جنگ جهانی دوم، کشتار یهودیان توسط نازی‌ها و رژیم‌های فاشیستی در اروپا روی داد؛ رویدادی که در عرصه بین‌المللی با عنوان «هولوکاست» شناخته می‌شود. این جنایت عمدتاً اقشار متوسط و فرودست یهودی را در بر می‌گرفت. صهیونیست‌ها این واقعه را دستاویزی برای پیشبرد برنامه تشکیل حکومت خود قرار دادند. آنها کوشیدند با تبلیغات فراوان در مورد هولوکاست، زمینه مهاجرت گسترده‌تر یهودیان به فلسطین را فراهم آورند.

از سوی دیگر، انگلستان که پس از دو جنگ جهانی به لحاظ نظامی و اقتصادی تضعیف شده بود، قادر به حفظ سلطه مستقیم خود در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) نبود. به همین دلیل اعلام کرد که قیمومت خود بر فلسطین را پایان می‌دهد و حل مناقشه میان فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها را به سازمان ملل متحد واگذار می‌کند. در این زمان، صهیونیست‌ها با کمک این حامیان، قطعنامه‌ای را در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رساندند که مبنای آن، تقسیم سرزمین فلسطین به دو کشور یهودی و عربی بود[1]. چنان‌که در نقشه مشاهده می‌شود، در حالی که صهیونیست‌ها کمتر از شش درصد از زمین‌های فلسطین را در اختیار داشتند، طبق این طرح، ۵۶/۵ درصد از خاک فلسطین به آنها واگذار شد و تنها ۴۳ درصد برای فلسطینیان در نظر گرفته شد.

۱ـ تصویب‌شده در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷

باید توجه داشت که قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، الزام‌آور نیستند و تنها جنبهٔ توصیه‌ای دارند. «قطعنامه تقسیم فلسطین» نیز از همین دسته بود و قدرت اجرایی نداشت؛ بلکه تنها پیشنهادی برای حل اختلاف میان دو طرف محسوب می‌شد. این طرح با مخالفت شدید فلسطینیان و کشورهای منطقه روبه‌رو شد، اما صهیونیست‌ها از آن استقبال کردند و آن را مبنای مشروعیت ادعای حاکمیت خود قرار دادند.

پس از تصویب این قطعنامه، صهیونیست‌ها حملات گسترده‌ای را علیه فلسطینیان و اعراب کشورهای همسایه که به حمایت از فلسطینی‌ها برخاسته بودند، آغاز کردند. در جریان این حملات، هزاران فلسطینی کشته، صدها روستا و شهرک ویران و حدود نیمی از جمعیت بومی فلسطین آواره شدند[1]. در فضای ترس و ارعابی که صهیونیست‌ها ایجاد کرده بودند، در سال ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۷ شمسی)، مهاجران یهودی تأسیس کشور اسرائیل را در سرزمین فلسطین اعلام کردند؛ روزی که در حافظه تاریخی فلسطینیان به عنوان (روز نکبت) شناخته می‌شود.

۱ــ بمب‌گذاری، ترور، کشتار جمعی و گروهی، جنگ روانی و حتی جنگ بیولوژیک روش‌هایی بود که گروه‌های تروریست اسرائیلی به کار می‌بردند؛ از معروف‌ترین جنایات آنها می‌توان به قتل عام ساکنان روستاهای فلسطینی از جمله دیریاسین و طَنطوره و آلوده کردن چاه‌های آب فلسطینیان به میکروب تیفوید در عکا و عَیلَبون اشاره کرد. تروریست‌های اسرائیلی بیش از ۱۵ هزار فلسطینی را کشتند، ۷۵۰ هزار فلسطینی (نیمی از جمعیت آن روز فلسطین) را به کشورهای اطراف آواره و ۵۳۰ شهرک و روستای فلسطینی را هم تخلیه کردند.

ملت فلسطین در داخل یا خارج فلسطین پراکنده شدند ولی به مبارزه ادامه داده و سعی در بازپس‌گیری سرزمینشان کردند.

در دهه‌های بعد، رژیم اسرائیل به قطعنامه سازمان ملل پایبند نماند و به‌تدریج، تقریباً تمامی سرزمین فلسطین را تحت اشغال نظامی یا محاصره قرار داد. مردم فلسطین از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود، از جمله مالکیت زمین، آزادی رفت وآمد و حق تشکیل دولت مستقل، محروم شدند. شهرک‌سازی‌های غیرقانونی، ایست‌های بازرسی گسترده و اعمال مکرر خشونت از سوی ارتش اسرائیل، زندگی روزمرهٔ فلسطینی‌ها را با اختلال جدی مواجه کرد. شرایط به‌گونه‌ای بود که مجمع عمومی سازمان ملل، در یکی از قطعنامه‌های خود، صهیونیسم و دولت اسرائیل را مصداق نژادپرستی و تبعیض نژادی اعلام کرد[1].

در سال‌های نخست، کشورهای عرب منطقه که خود را حامی مردم فلسطین می‌دانستند، موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناختند و با آن وارد جنگ شدند؛ اما در دستیابی به اهداف خود توفیق چندانی نیافتند. در مقابل، اسرائیل با طرح بهانه‌های گوناگون، اقدام به آغاز جنگ‌هایی با این کشورها کرد و بخش‌هایی از خاک آنها را اشغال کرد. در پی اقدامات رژیم اسرائیل، برخی دولت‌های عربی تمرکز خود را تنها بر آزادسازی سرزمین‌های اشغال‌شده خویش گذاشتند و مسئله فلسطین را به حاشیه راندند. این دولت‌ها و حتی گروهی از فلسطینیان، به سازش و مذاکره با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی روی آوردند و چند پیمان صلح نیز میان آنها امضا شد. با این‌همه، اسرائیل همچنان به سیاست‌های اشغال‌گرایانه و نژادپرستانهٔ خود ادامه داد[2].

با وجود تحولات مختلف، ملت فلسطین در برابر اشغال و ظلم سکوت نکرد و با تشکیل گروه‌های مقاومت مردمی به مقابله پرداخت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تعیین «روز قدس» باعث شد مسئله فلسطین مجدداً محور توجه و بیداری جهان اسلام شود و انگیزه مبارزه در جوانان فلسطینی افزایش یابد. انتفاضه‌ها (خیزش‌های مردمی)[3] نماد خشم و مقاومت مردم فلسطین بودند و گروه‌هایی مانند «فتح»، «حماس» و «جهاد اسلامی» نیز به‌عنوان نمادهای مقاومت سیاسی و نظامی وارد عرصه مبارزه شدند.

۱ــ قطعنامه ۳۳۷۹ که ۱۹ آبان ۱۳۵۴به تصویب رسید.

۲ــ در تمامی مذاکرات صلح و سازش(اسلو ۱، اسلو ۲، طابا و شرم الشیخ) تقریباً هیچ‌کدام از بندهای توافق‌نامه‌ها اجرا نشد، مگر بندهایی که امنیت اسرائیل و صهیونیست‌ها را تضمین می‌کنند.

۳ــ انتفاضه اول (۱۹۸۷) : خیزش مردمی با پرتاب سنگ و اعتراضات خیابانی؛انتفاضه دوم (۲۰۰۰) : مقاومت گسترده‌تر، با درگیری‌های شدیدتر

لبنان در منطقه نقش منحصر به فردی ایفا کرد و برخلاف دیگر کشورهای عربی که یا به سازش روی آوردند یا در مبارزه ناکام ماندند، لبنان شاهد ظهور جنبش مقاومت مردمی «حزب‌الله» بود که با الهام از انقلاب اسلامی ایران، موفق شد در سال ۲۰۰۰ اسرائیل را وادار به خروج کامل از جنوب لبنان کند. این نخستین شکست نظامی اسرائیل در برابر یک نیروی مقاومت مردمی بود که تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه گذاشت. پیروزی مقاومت در لبنان نه‌تنها افسانه شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل را در هم شکست، بلکه الگویی عملی برای دیگر جنبش‌های مقاومت در منطقه ارائه داد. این موفقیت نشان داد که با وجود نابرابری نظامی، استراتژی مقاومت مردمی و پایدار می‌تواند در بلندمدت مؤثر واقع شود.

پس از پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه به رهبری شهید سید حسن نصرالله و پیروزی مقاومت غزه در جنگ ۲۲ روزه و ۸ روزه و پیروزی ایران در عملیات وعده صادق، افسانه شکست‌ناپذیری صهیونیست‌ها فروریخته است.

پرسش‌های نمونه

۱ـ عوامل ضعف جامعهٔ ملل و ناتوانی آن را در جلوگیری از جنگ جهانی دوم بیان کنید.

۲ـ ویژگی‌های مشترک دیکتاتوری‌های استالین، موسولینی و هیتلر را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فهرست کنید.

۳ـ رویدادهای مهم منتهی به جنگ جهانی دوم و دوران آن جنگ را روی نمودار خط زمان نشان دهید.

۴ـ ارزیابی شما از سیاست حکومت رضاشاه در قبال جنگ جهانی دوم چیست؟ (برای دیدگاه خود استدلال بیاورید.)

۵ـ چه عواملی موجب رشد سریع اقتصادی و صنعتی کشورهای اروپای غربی و ژاپن در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم شد؟

درس ۹

نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران

نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دو رویداد مهم و تأثیرگذار در تاریخ پر فراز و نشیب دوران معاصر ایران به شمار می‌روند. در این درس، شما با بررسی شواهد و مدارک تاریخی، زمینه‌ها، علل، آثار و پیامدهای داخلی و خارجی نهضت ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بررسی و تحلیل خواهید کرد.

فعّالیت ۱

بحث و گفت‌وگو

پس از همفکری و مرور آموخته‌های قبلی، دیدگاه خود را در بارهٔ تأثیر منابع نفت بر تحولات مهم تاریخ معاصر ایران، به ویژه دو جنگ جهانی اول و دوم، بیان کنید.

نفت و اهمیت آن

با پیشرفت و گسترش صنعت در یکصد و پنجاه سال اخیر، نفت[1] به عنوان مهم‌ترین منبع تأمین انرژی اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت. در دنیای کنونی، کمتر صنعتی را می‌توان یافت که به نوعی به نفت و مشتقات آن وابسته نباشد. جنگ‌های جهانی اول و دوم اهمیت و ارزش دسترسی به منابع نفت و تسلط بر آن را بیش از گذشته برای سیاستمداران و رهبران کشورهای قدرتمند آشکار ساخت. در اوایل سدهٔ ۲۰م، کشف منابع نفت در منطقهٔ غرب آسیا توجه کشورهای استعمارگر و صاحبان صنایع بزرگ را بیش از گذشته به این منطقه و از جمله کشور ما ــ که رتبهٔ سوم ذخایر نفت و رتبهٔ اول مجموع ذخایر نفت و گاز را در دنیا دارد ــ جلب کرد. دست‌یافتن به طلای سیاه در ایران نیز باعث تغییر و تحولاتی بنیادین در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شد.[2]

تاریخچهٔ کشف و استخراج نفت ایران

در زمان مظفرالدین‌شاه، امتیاز کشف و استخراج نفت و گاز در سرتاسر ایران به مدت ۶۰ سال به یک سرمایه‌دار انگلیسی به نام ویلیام ناکس دارسی[3] واگذار شد (۱۲۸۰ش/ ۱۹۰۱م). در مقابل، او تعهد کرد که ۲۰ هزار لیرهٔ نقد، ۲۰ هزار لیره به شکل سهام و تنها ۱۶ درصد سود خالص سالانه به دولت ایران پرداخت کند. فعالیت‌های انگلیسی‌ها برای یافتن منابع نفت در مناطق مختلف ایران، با فوران نخستین حلقهٔ چاه نفت در منطقهٔ مسجد سلیمان به نتیجه رسید (۱۲۸۷ش/ ۱۹۰۸م). پس از آن، شرکت جدیدی

۱ــ در زبان اوستایی کلمهٔ نپتا (Nepta) به معنی روغن معدنی است و همین کلمه بعداً توسط عرب زبانان به‌صورت نفت مورد استفاده قرار گرفت. در زبان‌های فرانسه و انگلیسی نفت را پترول (Petrol) و پترولیوم (Petroleum) می خوانند که به معنای (روغن سنگ) است (ذوقی، **نفت ایران**، صص ۱۱ ــ ۱۲).

۲ــ هر کشور نفت‌خیز در معرض یک بیماری خطرناک یعنی «اتکای به نفت خام در اقتصاد و سیاست» است؛ کشور ما نیز که خدا نعمت مخازن بزرگ انرژی را به او ارزانی داشته، سال‌های طولانی است که از این بیماری رنج می‌برد. اگر بتوانیم وابستگی اقتصاد و بودجه کشورمان را از فروش نفت خام قطع کنیم، شکوفایی و رونق اساسی در تولید، اشتغال، درآمد عمومی و استحکام اقتصادی در انتظار کشور ما خواهد بود.

۳ــ William Knox Darcy

به نام «شرکت نفت پارس و انگلیس[1]» تشکیل شد. این شرکت چاه‌های زیادی در منطقهٔ مسجد سلیمان حفر کرد و خط لوله‌ای هم از آنجا تا آبادان کشید. دولت انگلستان پس از آنکه از ارزش منابع عظیم نفت ایران و اهمیت آن برای نیروی دریایی خود آگاه شد، ۵۱ درصد سهام شرکت نفت پارس و انگلیس را خریداری کرد و حق نظارت کامل بر آن شرکت را به دست آورد (۱۹۱۴م). بدین‌گونه این شرکت به بازوی پرقدرت اقتصادی و سیاسی دولت انگلیس تبدیل شد و زمینهٔ اعمال نفوذ و مداخلهٔ بیشتر انگلیسی‌ها را در ایران فراهم آورد.

کارگران شرکت نفت هنگام احداث خط لولهٔ نفت در خوزستان ــ آرشیو شرکت نفت بریتانیا (BP)، لندن

پس از نهضت مشروطه، همواره میان دولت ایران و انگلیس اختلافات دامنه‌داری دربارهٔ نحوهٔ عملکرد شرکت نفت ایران و انگلیس و پرداخت سهم ایران وجود داشت. در نتیجهٔ چنین اختلافاتی بود که رضاشاه امتیازنامهٔ دارسی را یک‌طرفه لغو کرد اما خیلی زود قرارداد نفتی دیگری را با انگلستان منعقد نمود (۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش). در قرارداد جدید، سهم ایران نسبت به قرارداد قبلی اندکی افزایش یافت و محدودهٔ جغرافیایی قرارداد به میدان‌های نفتی شناخته شدهٔ جنوب کشور محدود گردید، اما در عوض، ۳۰ سال به مدت قرارداد افزوده شد.

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پس از شهریور ۱۳۲۰

نیروهای متفقین (شوروی و انگلستان و سپس آمریکا) پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و برکناری و تبعید رضاشاه از کشور، کنترل مستقیم راه‌های اصلی خلیج فارس به مرزهای شوروی و حفاظت از چاه‌ها و تأسیسات نفت جنوب را به دست گرفتند. آنان همچنین برخی از شخصیت‌های ایرانیِ هوادار دولت‌های محور و تعدادی از آلمانی‌های فعال در ایران را بازداشت کردند.

با وجود آنکه دولت‌های اشغالگر تعهد کرده بودند که آذوقه و غلهٔ مورد نیاز مردم ایران را نیز تأمین کنند اما کمبود و گرانی مواد غذایی و به ویژه نان در زمان جنگ جهانی دوم، موجب بروز قحطی، بیماری و نابسامانی‌های اقتصادی و اعتراض‌های خیابانی متعددی در شهرهای مختلف کشور از جمله تهران شد.

محمدرضاشاه پهلوی در ابتدای سلطنتش به منظور تحکیم جایگاه خویش، به اقدامات مختلفی دست زد. از جمله هنگام ادای

۱ــ در دورهٔ رضا شاه به شرکت نفت ایران و انگلیس تغییر نام داد.

نمایی از تظاهرات مردم تهران در اعتراض به کمبود و گرانی نان در برابر مجلس شورای ملی در میدان بهارستان (آذر ۱۳۲۱) ـ آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران

سوگند در مجلس شورای ملی متعهد شد که مطابق قانون اساسی به عنوان یک پادشاه مشروطه، فقط سلطنت کند نه حکومت. او همچنین املاکی را که پدرش تصرف کرده بود، در اختیار دولت گذاشت تا آنها را به صاحبانشان بازگرداند. علاوه بر این، به مراجع تقلید اطمینان داد که حجاب را محدود یا ممنوع نخواهد کرد.

در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، شاه فقط بر ارتش مسلط بود و نظارت و قدرت اداری و اجرایی کشور در اختیار هیئت دولت و مجلس شورای ملی بود. اعیان و اشراف زمین‌دار و غیرزمین‌دار در مجلس، هیئت دولت و در سطح محلی، قدرت و نفوذ زیادی داشتند. در این دوره، مطبوعات و احزاب نیز به‌صورت گسترده و با شور و شوق فراوان فعالیت می‌کردند و نقش مؤثری در تحولات سیاسی و اجتماعی داشتند.

زمینه‌های نهضت ملی شدن نفت

سیاست موازنهٔ منفی

در دوران اشغال ایران، دولت‌های آمریکا و شوروی برای کسب امتیاز استخراج نفت در مناطقی که در خارج از محدودهٔ قرارداد ۱۳۱۲ ش/ ۱۹۳۳ م ایران و انگلیس قرار داشتند، از جمله نفت شمال، به شدت با هم رقابت می‌کردند. در این میان، نمایندگان مجلس شورای ملی (دورهٔ چهاردهم) به پیشنهاد دکتر محمد مصدق طرحی را به تصویب رساندند که دولت را از مذاکره و انعقاد قرارداد با کشورهای خارجی در خصوص نفت ایران بدون تأیید و تصویب مجلس منع می‌کرد (۱۳۲۳ش). این مصوبه در حکم اتخاذ سیاست «**موازنهٔ منفی**»، یعنی ایستادگی در برابر امتیازخواهی دولت‌های سلطه‌جو، بود و دقیقاً خلاف سیاست «موازنهٔ مثبت» تلقی می‌شد که تسلیم شدن در برابر قدرت‌های بزرگ و اعطای امتیاز به آنها را توصیه می‌کرد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، شوروی نمی‌خواست بدون گرفتن امتیاز، نیروهایش را از ایران خارج کند؛ از این‌رو، احمد قوام (قوام‌السلطنه) نخست‌وزیر وقت، طی موافقت‌نامه‌ای امتیاز نفت شمال را به شوروی واگذار کرد. این موافقت‌نامه می‌بایستی به تأیید و تصویب مجلس شورای ملی برسد، اما نمایندگان مجلس نه تنها موافقت‌نامهٔ مذکور را رد کردند بلکه واگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت و مشتقات آن را به خارجی‌ها ممنوع کردند.

قوام و سادچیکف، سفیر شوروی، هنگام امضای موافقت‌نامهٔ امتیاز نفت شمال ــ آرشیو روزنامه کیهان، تهران

اعتراض به قرارداد نفت جنوب

نمایندگان مجلس شورای ملی در مخالفت با اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی، دولت را مکلف ساختند که برای گرفتن تمامی حقوق ملی در موضوع نفت جنوب، مذاکره کند و اقدامات لازم را انجام دهد (مهر ۱۳۲۶). این اقدام به معنای اعلام نارضایتی رسمی و علنی از قرارداد نفتی ایران با انگلستان (قرارداد ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش) و تلاش برای تجدید نظر در آن به حساب می‌آمد. پس از آن، انتقاد و اعتراض نسبت به این قرارداد در محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران گسترش یافت.

جلوگیری از تصویب قرارداد الحاقی

پس از مذاکراتی که میان نمایندهٔ دولت ایران و نمایندهٔ شرکت نفت ایران و انگلیس با هدف بازنگری در قرارداد نفت جنوب و تأمین منافع ایران صورت گرفت، قرارداد الحاقی تدوین و امضا شد[1]. این قرارداد معاهدهٔ نفتی ۱۳۱۲ش را اندکی تعدیل کرد اما باز هم تأمین‌کنندهٔ حقوق و منافع کشور ما نبود. به همین سبب، معدودی از نمایندگان مجلس شورای ملی که مخالف قرارداد بودند، مانع رأی‌گیری دربارهٔ آن شدند[2].

در مجلس شانزدهم نیز اقلیتی از نمایندگان عضو جبههٔ ملی به رهبری دکتر مصدق با مخالفت مؤثر خود از تصویب قرارداد مذکور جلوگیری کردند. از جمله علل مهم مخالفت با قرارداد الحاقی این بود که این قرارداد علاوه بر نادیده گرفتن حقوق مادی مردم ایران، حاکمیت ملی و استقلال کشور را به نوعی نقض می‌کرد و به تسلط بیگانگان بر منابع و صنعت نفت مشروعیت می‌بخشید.

فعّالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک

با بررسی و ارزیابی مفاد قرارداد الحاقی، که دبیر در اختیار شما قرار می‌دهد، استدلال کنید که آیا این قرارداد حداقل حقوق و منافع ملی ایرانیان را تأمین می‌کرد یا خیر.

۱ــ عباسقلی گلشاییان، وزیر دارایی وقت، به عنوان نمایندهٔ ایران و نویل گَس (Neville Gass) به عنوان نمایندهٔ شرکت نفت ایران و انگلیس پس از ماه‌ها مذاکره، قراردادی را به‌عنوان ضمیمهٔ قرارداد نفتی ۱۹۳۳م/ ۱۳۱۲ش تدوین و امضا کردند (تیر ۱۳۲۸) که به **قرارداد الحاقی** معروف شد.

۲ــ حسین مکی، یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی، با حمایت عبدالله معظمی که از نمایندگان متنفذ مجلس بود، آن‌قدر نطق خود را طولانی کرد که زمان مجلس پانزدهم به پایان رسید و فرصت تصویب قرارداد الحاقی از دست رفت. بدین‌ترتیب، سرنوشت این قرارداد به مجلس شانزدهم کشید.

بیشتر بدانیم

تأسیس جبههٔ ملی ایران

دخالت عبدالحسین هژیر، وزیر دربار شاهنشاهی، در برگزاری انتخابات شانزدهمین دورهٔ مجلس شورای ملی، باعث اعتراض بسیاری از گروه‌ها و چهره‌های سیاسی شد. عده ای از سیاستمداران و روزنامه‌نگاران به جلوداری دکتر محمد مصدق، در اعتراض به دخالت‌های دولت وقت در ۲۲ مهرماه ۱۳۲۸ در کاخ مرمر متحصن شدند. چندی پس از پایان تحصن، افراد متحصن در منزل مصدق جمع شدند. سیدحسین فاطمی در سخنانی پیشنهاد تشکیل ائتلاف جبههٔ ملی را داد و به این ترتیب، جبههٔ ملی ایران به رهبری محمد مصدق تشکیل شد (آبان ۱۳۲۸). این جبهه مهم‌ترین تشکیلاتی بود که بر مبنای ملی‌گرایی در ایران به وجود آمد. پس از تشکیل جبههٔ ملی، علاوه بر هیئت مؤسس، احزاب مختلفی از قبیل حزب ملت ایران، حزب زحمتکشان ملت ایران، حزب مردم ایران، مجمع مسلمانان مجاهد و انجمن اصناف و تجار بازار تهران به آن پیوستند و جبههٔ واحدی را برای مقابله با استعمار انگلیس، تأمین حقوق و منافع ملی از طریق اجرای کامل اصول قانون اساسی و استقرار حکومت مشروطه به وجود آوردند.

مبارزه برای ملی کردن نفت

نمایندگان مخالف قرارداد الحاقی در مجلس شانزدهم، ضمن مخالفت با این قرارداد، طرح ملی شدن صنعت نفت ایران را پیشنهاد کردند[1]. این طرح با استقبال گستردهٔ شخصیت‌ها، قشرها و گروه‌های مختلف سیاسی، ملی و مذهبی روبه‌رو شد و بسیاری از مطبوعات نیز از آن پشتیبانی کردند. تظاهرات و اعتصاب‌هایی هم در مخالفت با قرارداد الحاقی و طرف‌داری از ملی شدن صنعت نفت برپا شد. **آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی**، که سابقهٔ طولانی در مبارزه با استعمار انگلستان داشت، با جدّیت تمام از جنبش ملی شدن صنعت نفت حمایت کرد. وی در اعلامیه‌ای، مبارزه برای ملی شدن نفت را تکلیف دینی و وطنی ملت ایران برشمرد و تعدادی از علما نیز نظر او را تأیید کردند.[2]

دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی ـ آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران

در جبههٔ مقابل نیز انگلستان و عوامل داخلی‌اش برای حفظ منافع استعماری خود و جلوگیری از دستیابی ملت ایران به حقوق خویش به تکاپو افتادند. سپهبد **حاجعلی رزم‌آرا** در مقام نخست‌وزیر (تیر تا اسفند ۱۳۲۹) از سیاست انگلستان جانب‌داری می‌کرد و با ملی شدن صنعت نفت به شدت مخالف بود.

۱ـ متن طرح پیشنهادی ملی شدن نفت : «به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نماییم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود؛ یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرارگیرد». امضاکنندگان این پیشنهاد عبارت بودند از : دکتر مصدق، سید علی شایگان، ابوالحسن حائری‌زاده، مظفر بقایی، اللهیار صالح، محمود نریمان، حسین مکی، عبدالقدیر آزاد، میرسیدعلی بهبهانی، عباس اسلامی و کاظم شیبانی.

۲ـ **روحانیت و اسرار فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت**، ص ۱۵.

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت

پس از اعدام انقلابی رزم‌آرا به دست خلیل طهماسبی[1] یکی از اعضای جمعیت فداییان اسلام (۱۶ اسفند ۱۳۲۹)، مهم‌ترین مانع بر سر راه ملی شدن صنعت نفت برداشته شد. چند روز بعد از آن، نخست مجلس شورای ملی (۲۴ اسفند ۱۳۲۹) و سپس مجلس سنا در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ طرح ملی شدن صنعت نفت را تصویب کردند و جنبش ضداستعماری ملت ایران در گام نخست به پیروزی رسید.

بی‌تردید، پیروزی جنبش‌های ضداستعماری مردم هندوستان علیه انگلستان به‌عنوان استعمار پیر و نیز موفقیت حرکت‌های استقلال‌طلبانه در برخی از کشورهای آسیایی و آفریقایی، تأثیر بسزایی بر خیزش ملت ایران برای طلب کردن و گرفتن حقوق ملی خود داشته است.

صحنه‌ای از تظاهرات مردم تهران در پشتیبانی از ملی شدن صنعت نفت ایران، عکاس: مصطفی مترجم مدنی

بیشتر بدانیم

جمعیت فداییان اسلام

فداییان اسلام تشکلی مذهبی، سیاسی و انقلابی بود که در سال ۱۳۲۴ش به همت طلبهٔ جوانی به نام سید مجتبی نواب صفوی به وجود آمد و تا سال ۱۳۳۴ش نقش مؤثری در رویدادهای سیاسی کشور داشت. هدف این جمعیت ایجاد حکومتی بود که به شریعت و قوانین اسلام احترام گذارد. شهرت و تأثیر این جمعیت بیشتر مدیون اقدام‌های مسلحانه و ترورهایی بود که به دست اعضای آن صورت گرفت. آنها نخست احمد کسروی را به علت اقدامات و نوشته‌های ضددینی به قتل رساندند (۱۳۲۴ش). سپس، عبدالحسین هژیر وزیر دربار را به جرم فساد و خیانت کشتند. قتل رزم‌آرا یکی دیگر از اقداماتی بود که فداییان اسلام به عهده گرفتند. همراهی و همکاری فداییان اسلام با جبههٔ ملی و دولت دکتر مصدق خیلی زود به دشمنی تبدیل شد؛ زیرا از نظر فداییان اسلام آن دولت وفادار و مصمم به اجرای قوانین و احکام اسلام نبود. ازاین‌رو، دکتر حسین فاطمی را که وزیر خارجهٔ دولت مصدق بود، ترور کردند اما او جان سالم به در برد. پس از آن، نواب صفوی و برخی از یارانش در زمان مصدق مدتی به زندان افتادند. پس از ترور نافرجام حسین علاء، نخست‌وزیر وقت (آذر ۱۳۳۴) توسط یکی از اعضای جمعیت فداییان اسلام، نواب صفوی رهبر آن جمعیت و سه نفر از یارانش (مظفرذوالقدر، خلیل طهماسبی و سید محمد واحدی) دستگیر شده و به شهادت رسیدند. شمار دیگری از فداییان اسلام نیز به زندان محکوم شدند.

شهیدان نواب صفوی و سیدمحمد واحدی لحظاتی پس از بازداشت در حضور سرلشکر تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران ــ آرشیو مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران

۱ــ دربارهٔ ضارب اصلی رزم‌آرا اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که او به ضرب گلولهٔ یکی از محافظانش کشته شده است.

نخست‌وزیری مصدق و اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت

در اردیبهشت ۱۳۳۰، دکتر مصدق با حمایت گستردهٔ افکار عمومی، اتحاد و همکاری تنگاتنگ نیروهای ملی و مذهبی و پشتیبانی قاطع آیت‌الله کاشانی، نخست‌وزیر شد تا قانون ملی شدن صنعت نفت و خلعِ یَد از شرکت نفت ایران و انگلیس را با قاطعیت به اجرا درآورد. دولت دکتر مصدق پس از روی کار آمدن، بی‌درنگ هیئتی را به ریاست مهندس مهدی بازرگان به خوزستان فرستاد تا مراکز و تأسیسات نفتی را از حوزهٔ اختیار شرکت نفت ایران و انگلیس خارج کند. اجرای این قانون نقطهٔ عطفی در تاریخ معاصر و مبارزهٔ مردم ایران برای رهایی از سلطهٔ استعمار و نجات سرمایه‌های ملی از تسلط بیگانگان به‌شمار می‌رود.

اقدامات انگلستان برای ممانعت از ملی شدن نفت

انگلیسی‌ها برای جلوگیری از تصویب و اجرای قانون ملی شدن نفت، به اقدامات سیاسی، اقتصادی و نظامی متعددی دست زدند که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از :

ــ تحریک کارگران صنعت نفت به اعتصاب گسترده از طریق منع شرکت نفت ایران و انگلیس از پرداخت فوق‌العاده دستمزد آنان؛

ــ فرستادن کشتی‌های جنگی خود به خلیج فارس و بنادر ایران و تهدید نظامی؛

ــ طرح شکایت از ایران در مجامع بین‌المللی؛

ــ تهدید اقتصادی ایران با تعطیلی شعب بانک انگلیس، خارج کردن سرمایه‌های شرکت نفت و تحریم خرید نفت.

دولت دکتر مصدق برای مقابله با تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی انگلستان، برنامهٔ اقتصاد بدون نفت را اجرا کرد. دکتر مصدق که خود حقوق‌دان بود، با حضور در مجامع بین‌المللی از حقانیت ملت ایران دفاع می‌کرد. دفاع منطقی و مستدل نخست‌وزیر و وکلای حقوقی ایران باعث شد که شورای امنیت سازمان ملل متحد و سپس دیوان بین‌المللی لاهه به سود کشور ما رأی صادر کنند.

دولت ایران پس از پیروزی در دادگاه لاهه، از انگلستان خواست که بدهی‌های شرکت نفت و خسارت‌های ناشی از تأخیر و غیره را بپردازد و چون دولت انگلیس این تقاضا را نپذیرفت، اقدام به قطع رابطهٔ سیاسی با لندن کرد.

سخنرانی دکتر مصدق در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد دربارهٔ ملی شدن صنعت نفت ایران ــ کتابخانه و موزهٔ ترومن ــ میسوری

فعّالیت ۳

بررسی شواهد و مدارک

بخشی از سخنرانی دکتر مصدق در جلسهٔ شورای امنیت سازمان ملل متحد را بخوانید و ارزیابی خود را از آن بیان کنید.

«آقای رئیس، آقایان اعضای محترم شورای امنیت، امروز من در این شورا حاضر شده تا صدای مردم ایران را در مقابل ادعاهای بی‌اساس دولت انگلستان به گوش شما و مردم جهان برسانم. هرچند ما این دعوا را به دلائلی که بعد اقامه خواهیم کرد، در حدود صلاحیت شورای امنیت نمی‌دانیم اما نمی‌توانیم منکر شویم که سازمان ملل متحد آخرین مرجع و عالی‌ترین مقامی است که مسئول حفظ صلح دنیاست. .... ملت ایران نیز از کشورهای بزرگ و از یک مؤسسه بین‌المللی جز این انتظار ندارد تا آن را کمک کنند تا بتواند استقلال اقتصادی خود را به‌دست آورده و در سایهٔ آن رفاه اجتماعی خود را تأمین و به این وسیله استقلال خویش را تقویت کند. اگر دولتی مسئله‌ای را که در صلاحیت شورای امنیت نمی‌باشد در این شورا مطرح کند و شورای امنیت بنا به دلایل و جهات سیاسی تصمیم بگیرد که به آن مسئله رسیدگی کند، در این صورت شورای امنیت وسیله‌ای برای مداخلهٔ یک کشور در امور داخلی کشور دیگر خواهد شد و به‌این‌ترتیب، اعتماد مردم از آن سلب خواهد گردید و شورای امنیت از وظایفش، که حفظ صلح جهان می‌باشد، باز خواهد ماند» (**اسناد سخن می‌گویند!**، ج ۱،ص ۸۲۲).

قیام ۳۰ تیر

در تیر ۱۳۳۱ دکتر مصدق برای کاستن از نفوذ و قدرت دربار و مقابله با کارشکنی‌هایی که در ادارهٔ امور کشور صورت می‌گرفت، از محمدرضاشاه پهلوی خواست که اختیار وزارت جنگ و فرماندهی ارتش را به او بسپارد و چون شاه با این تقاضا مخالفت کرد، از مقام خود استعفا نمود. شاه نیز بی‌درنگ احمد قوام را مأمور تشکیل دولت کرد.

در پی این رویداد، آیت‌الله کاشانی ضمن مخالفت با نخست‌وزیری قوام، مردم را به مبارزه فراخواند و اعلام کرد: «اگر قوام کناره‌گیری نکند، اعلام جهاد می‌کنم و خودم کفن پوشیده، با ملت در پیکار شرکت می‌کنم». در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مردم به خیابان‌ها ریختند. نیروهای نظامی و انتظامی تظاهرکنندگان را سرکوب کردند و عده‌ای را به خاک و خون کشیدند، اما با ادامهٔ تظاهرات و اعتراض نمایندگان طرف‌دار نهضت ملی در مجلس شورای ملی، شاه که موقعیت خود را در خطر می‌دید، به ناچار به استعفای قوام و بازگشت مجدد دکتر مصدق رضایت داد.

دکتر مصدق دوباره نخست‌وزیر شد و وزارت جنگ و فرماندهی نیروهای مسلح را در اختیار گرفت. همچنین، شاه را از برقراری ارتباط مستقیم با سفرای خارجی منع کرد.

صحنه ای از قیام مردم تهران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ــ آرشیو مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران

مزار شهدای قیام ۳۰ تیر در گورستان ابن بابویه ــ آرشیو مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران

بروز اختلاف و تفرقه در نهضت

نهضت ملی شدن صنعت نفت با اتحاد و یکپارچگی احزاب و گروه‌های سیاسی و مذهبی مختلف بر محور مبارزه با استعمار انگلیس آغاز شد. با همدلی و یگانگی دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی، موانع داخلی و خارجی یکی پس از دیگری از سر راه برداشته شد و موفقیت‌های بزرگی به دست آمد اما پس از پیروزی قیام ۳۰ تیر، شرایط تغییر کرد؛ همکاری و اتحاد اکثر رهبران، شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌های دست‌اندرکار نهضت بر اثر غلبهٔ روحیهٔ لجاجت، خودمحوری، قدرت‌طلبی و منفعت‌جویی‌های فردی و گروهی به تفرقه و دشمنی تبدیل شد. با گسترش اختلاف‌ها و نزاع‌های سیاسی میان شخصیت‌ها و گروه‌های ملی و مذهبی، منافع کشور و اهداف نهضت ملی شدن نفت به فراموشی سپرده شد.

کاوش خارج از کلاس

با استفاده از منابعی که دبیر معرفی می‌کند، مجموعهٔ حوادث و اقداماتی را که موجب تفرقه و چنددستگی در نهضت ملی شدن نفت در فاصلهٔ قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شد، فهرست و علل این اختلاف‌ها را استخراج کنید.

کودتای ۲۸ مرداد

دشمنان خارجی و عوامل داخلی آنان با بهره‌گیری از تداوم و گسترش اختلاف و نزاع میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و یاران و نزدیکان این دو شخصیت ملی و مذهبی، بر تلاش‌هایشان برای نابودی نهضت و سرنگونی دولت دکتر مصدق افزودند. در این زمان، دکتر مصدق امیدوار بود که دولت آمریکا در ماجرای نفت از ایران پشتیبانی کند اما آمریکا که از زمان جنگ جهانی دوم سیاست فعالی را دربارهٔ ایران در پیش گرفته بود، سرانجام از دولت انگلستان جانب‌داری کرد و با آن کشور در براندازی دولت مصدق متحد شد.

فعّالیت ۴

تحلیل و قضاوت

تحلیل یکی از مورخان معاصر دربارهٔ اتحاد آمریکا و انگلستان علیه نهضت ملی شدن نفت را بخوانید و نظر خود را دربارهٔ آن بیان کنید.

«از نظر واشنگتن و همچنین لندن، کنترل ایرانی‌ها بر نفت احتمالاً پیامدهای دراز مدت ویرانگری به همراه داشت. این امر صرفاً یک ضربهٔ مستقیم به منافع بریتانیا نبود. ممکن بود کنترل نفت را کاملاً در اختیار ایران قرار دهد. ممکن بود الهام‌بخش دیگر کشورها ــ به ویژه اندونزی، ونزوئلا و عراق ــ شود؛ به طوری که آنان نیز از این رویه پیروی کنند و در نتیجه، کنترل بازار بین‌المللی نفت از شرکت‌های نفت غربی به کشورهای تولیدکننده منتقل شود. همچنین، تهدیدی بالقوه برای شرکت‌های آمریکایی و سایر کشورهای غربی ــ و طبعاً دولت آمریکا و بریتانیا ــ بود» (آبراهامیان، **تاریخ ایران مدرن**، ص ۲۱۸).

طراحی کودتای ۲۸ مرداد حاصل توافق آمریکا و انگلیس بود. پس از ملاقات‌ها و مذاکرات نمایندگان و مأموران انگلیسی و آمریکایی، آن دو کشور در اواخر سال ۱۳۳۱ دربارهٔ سرنگونی دولت مصدق و انتصاب سرلشکر فضل‌الله زاهدی به نخست‌وزیری به توافق رسیدند. براساس طرح مشترک انگلیس و آمریکا، ایجاد آشوب‌های خیابانی در ایران و به راه انداختن جنگ روانی علیه مصدق در مطبوعات در دستور کار شبکهٔ جاسوسی دو کشور قرار گرفت.

علاوه بر آن، طراحان کودتا از طریق اشرف پهلوی و یک ژنرال آمریکایی[1]، محمدرضا پهلوی را که در پذیرش کودتا تردید داشت، متقاعد کردند که با کودتا موافقت کند. با ورود مأمور ویژهٔ[2] سیا[3] به ایران در اواسط تیر ۱۳۳۲ و ملاقات او با فضل‌الله زاهدی، مقدمات اجرای کودتا فراهم شد.

سرانجام، با نقشه و حمایت سیاسی و مالی دولت‌های انگلستان و آمریکا و عوامل داخلی آنان، در ۲۸ مرداد[4] ۱۳۳۲ واحدهایی از ارتش به فرماندهی فضل‌الله زاهدی علیه دولت دکتر مصدق اقدام به کودتا کردند. کودتاچیان که از پشتیبانی سازماندهی شدهٔ گروه‌هایی از طرف‌داران شاه و دربار برخوردار بودند، مراکز مهم دولتی را در پایتخت تسخیر و دولت دکتر مصدق را سرنگون کردند.

شاه و سرلشکر زاهدی، فرمانده کودتاچیان

کودتاچیان در خیابان‌های تهران ــ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، عکاس: ویلیام آرتور کرام (افسر آموزشی سفارت آمریکا در تهران) ــ آرشیو روزنامه گاردین

۱ــ ژنرال نورمن شوارتْسکُف

۲ــ کرمیت روزولت (Kermit Roosevelt)

۳ــ آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (Central Intelligence Agency – C.I.A)

۴ــ مرحلهٔ اول کودتا در ۲۵ مرداد ناکام ماند و شاه به همراه همسرش، ثریا، به بغداد و سپس رم رفت. اما سه روز بعد، مرحلهٔ دوم کودتا به نتیجه رسید و شاه به ایران بازگشت.

پس از موفقیت کودتا، زاهدی نخست‌وزیر شد و اعلام حکومت نظامی کرد. دکتر مصدق و تعدادی از همکاران و یاران نزدیکش دستگیر و سپس محاکمه شدند. احزاب و گروه‌های سیاسی و روزنامه‌های مخالف، غیرقانونی اعلام شدند و منحل گردیدند.

یک سال و اندی پس از کودتای ۲۸ مرداد، حکومت پهلوی با انگلستان و آمریکا دربارهٔ مسئلهٔ نفت به توافق رسید و به موجب قراردادی، تولید و فروش نفت ایران را به کُنسِرْسیومی[1] از شرکت‌های نفتی انگلیسی، آمریکایی، هلندی و فرانسوی واگذار کرد. بر اساس این قرارداد مقرر شد که کنسرسیوم به مدت ۲۵ سال نفت ایران را استخراج کند و به فروش برساند و نیمی از سود خالص را برای خود برداشته و در مقابل، نیمی از سود خالص خود را به کشور ما بپردازد.

دکتر سید حسین فاطمی، وزیر خارجه و یار نزدیک دکتر مصدق (ردیف جلو نفر وسط) در فرمانداری نظامی تهران ـ فاطمی چند ماه پس از کودتا دستگیر و پس از محاکمه تیرباران شد.

ادامهٔ مبارزه پس از کودتا

با وجود جوّ سرکوب و اختناق پس از کودتا، گروهی از شخصیت‌های ملی و مذهبی و از جمله تعدادی از استادان دانشگاه تشکلی به نام **نهضت مقاومت ملی** را پایه‌گذاری کردند و با قرارداد جدید نفتی به مخالفت برخاستند که منجر به اخراج شماری از آنان از دانشگاه شد. آیت‌الله کاشانی نیز به این قرارداد اعتراض کرد. در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به برقراری روابط سیاسی مجدد با انگلستان و سفر معاون رئیس‌جمهور آمریکا (ریچارد نیکسون) به ایران تظاهرات کردند که در جریان آن سه تن از دانشجویان[2] به شهادت رسیدند.[3]

پرسش‌های نمونه

۱ـ پس از شهریور ۱۳۲۰ و برکناری و تبعید رضاشاه، چه تغییر و تحول سیاسی مهمی در کشور به وجود آمد؟

۲ـ علت و هدف از طرح سیاست موازنهٔ منفی چه بود؟

۳ـ قرارداد الحاقی گس ـ گلشاییان با چه هدفی به امضا رسید و سرانجام آن چه شد؟

۴ـ عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران را توضیح دهید.

۵ـ دیدگاه و ارزیابی خود را دربارهٔ تأثیر و نقش عوامل داخلی و خارجی بر موفقیت کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت دکتر مصدق بیان کنید.

۱ـ Consortium، مشارکت و همکاری دو یا چند شرکت یا سازمان برای انجام فعالیتی

۲ـ مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت‌رضوی

۳ـ به مناسبت رشادت دانشجویان در مبارزه با استکبار، این روز «روز دانشجو» نامگذاری شد.

درس ۱۰

انقلاب اسلامی

شرایط سیاسی ـ اجتماعی سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد که همراه با سرکوب مخالفان، نادیده گرفتن اصول قانون اساسی توسط محمدرضا شاه پهلوی و نفوذ و مداخلهٔ روزافزون آمریکا در ایران بود، زمینه‌های شکل‌گیری نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه‌الله را فراهم آورد. این نهضت با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ادامه یافت. بازداشت و تبعید امام خمینی نیز نتوانست آن را از حرکت بازدارد و سرانجام منجر به انقلاب اسلامی و سقوط نظام شاهنشاهی در ایران شد. در این درس، علل و عوامل شکل‌گیری نهضت اسلامی از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی را بررسی و تحلیل خواهید کرد.

فعّالیت ۱

بحث و گفت‌وگو

چنان‌که می‌دانید، انقلاب اسلامی در کمتر از یک قرن پس از انقلاب مشروطه رخ داد. به نظر شما چه عواملی باعث به وجود آمدن دو انقلاب پی در پی در این فاصلهٔ زمانی کوتاه در ایران شد؟

زمینه‌های سلطهٔ آمریکا بر ایران

در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا اوایل دههٔ ۱۳۴۰، دولت آمریکا با وادار کردن حکومت پهلوی به اجرای برنامه‌های پیشنهادی خود، زمینهٔ تسلط بر ایران و حفظ و تقویت این حکومت را فراهم کرده و به ایجاد و تقویت ساختارهای اقتصادی و اجتماعی‌ای اقدام کرد که موجب تشدید وابستگی و عقب‌ماندگی ایران شد.

پیوستن ایران به پیمان بغداد (سِنتو)، تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، اعطای کمک‌های نظامی و مالی به ایران و اجرای بعضی اصلاحات در کشور ما، از جملهٔ این برنامه‌ها بود. این برنامه‌ها، علاوه بر حفظ حکومت پهلوی و تداوم سلطهٔ آمریکا، هدف مقابله با نفوذ شوروی در ایران را نیز دنبال می‌کردند.

نخستین مرحلهٔ برنامه‌های اصلاحی با عنوان **اصلاحات ارضی** در سال ۱۳۴۰، در زمان نخست‌وزیری علی امینی آغاز شد.

فعّالیت ۲

متن زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

پیام کِندی، رئیس جمهور، به کنگرهٔ آمریکا به نقل از روزنامهٔ اطلاعات مورخ ۶ خرداد ۱۳۴۰ با عنوان: کِندی، طرفدار انقلاب دموکراتیک

«... پیمان‌های نظامی نمی‌تواند به کشورهایی که بی‌عدالتی اجتماعی و هرج و مرج اقتصادی راه خرابکاری را در آنها باز کرده کمک نماید. آمریکا نمی‌تواند به مشکلات کشورهای کم رشد فقط از نظر نظامی توجه کند. این امر خاصه در مورد کشورهای کم توسعه که به میدان بزرگ مبارزه تبدیل شده‌اند، صادق است. ما می‌خواهیم در این کشورها امیدواری پدید آید. پیمان‌های نظامی نمی‌توانند به مللی که بی‌عدالتی اجتماعی و هرج و مرج اقتصادی مشوق قیام و رخنه و خرابکاری {در آنها} است، کمک کنند. ماهرانه‌ترین مبارزات ضدپارتیزانی نمی‌تواند در نقاطی که مردم محلی کاملاً گرفتار بینوایی هستند و به این جهت از پیشرفت خرابکار نگرانی ندارند، با موفقیت روبه رو گردد» (روحانی، **بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی**، ج ۱، ص ۱۲۰).

۱ـ آمریکا برای نفوذ در دیگر کشورها و پیشبرد اهداف خود از چه روش‌هایی استفاده می‌کرد؟

۲ـ به نظر شما اهداف آمریکا از اجرای برنامه‌های اصلاحی در دیگر کشورها چه بود؟

اصلاحات آمریکایی در ایران

تصویب‌نامهٔ انجمن‌های ایالتی و ولایتی

با رحلت آیت‌الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰، شاه فرصت را برای ادامهٔ اصلاحات در ایران مناسب دید. رقابت شاه و علی امینی، نخست وزیر وقت، سرانجام به برکناری امینی انجامید و امیراسدالله عَلَم، که مورد اعتماد شاه بود، نخست‌وزیر و مأمور اجرای اصلاحات شد.

در آغاز، اصلاح قانون انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی در دستور کار دولت علم قرار گرفت و با تصویب‌نامهٔ هیئت دولت، تغییرات زیر در قانون انتخابات این انجمن‌ها ایجاد شد :

الف) برداشتن دو قید مسلمان بودن و مرد بودن از شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب شوندگان؛

ب) حذف قید سوگند خوردن به قرآن مجید و تبدیل آن به سوگند خوردن به کتاب آسمانی.

اصول شش‌گانهٔ انقلاب سفید

در ادامهٔ اجرای اصلاحات، شاه اصول شش‌گانه‌ای را با عنوان **انقلاب سفید** مطرح کرد و آن را به تصویب دولت رساند. این اصول با تبلیغات فراوان، در بهمن ۱۳۴۱ به همه‌پرسی گذاشته شد و مورد استقبال دولت‌های آمریکا، انگلستان و شوروی قرار گرفت. هرچند انقلاب سفید در ایران، شعارهای فریب‌دهنده‌ای مانند «بهبود وضعیت کشاورزی» داشت، اما در عمل، جسم نیمه‌جان اشتغال و زندگی روستایی ایران را نیز در معرض خطر قرار داد.

آغاز مبارزهٔ امام خمینی

اعتراض به تصویب‌نامهٔ انجمن‌ها و همه‌پرسی انقلاب سفید

اولین مرحلهٔ علنی در فعالیت سیاسی و مبارزهٔ امام خمینی با اعتراض به تصویب‌نامهٔ انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد. از دیدگاه حضرت امام، این تصویب‌نامه موجب تضعیف اسلام و افزایش حضور بهائیان در حکومت می‌شد.[1] از این‌رو، ایشان پس از رایزنی با علمای بزرگ قم با آن به مخالفت پرداختند و دولت را مجبور به لغو آن کردند.

پس از مطرح شدن انقلاب سفید و همه‌پرسی آن، امام خمینی و تعدادی از علما، نخست از شاه در این باره توضیح خواستند اما با بی‌اعتنایی و توهین او مواجه شدند. پس با انتشار اعلامیه‌ای همه‌پرسی فرمایشی را غیرقانونی اعلام کردند. بیشتر مراجع دینی نیز به دعوت امام خمینی همه‌پرسی را تحریم کردند. در تهران و قم تظاهرات گسترده‌ای برپا شد و رژیم پهلوی با استفاده از نیروی نظامی، قیام مردم تهران و قم را سرکوب کرد.

امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی

۱ــ به‌طوری که طبق اسناد لانه جاسوسی آمریکا، شاه شخصاً بهائی‌گری و ترویج آن را در ایران تصویب و تأیید کرد. (**اسناد لانه جاسوسی آمریکا**، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۵۷۵)

فعّالیت ۳

با راهنمایی دبیر خود، دربارهٔ اصول شش‌گانهٔ انقلاب سفید گفت‌وگو کنید و به این پرسش پاسخ دهید: به نظر شما علت مخالفت امام خمینی با اصول انقلاب سفید و همه پرسی آن چه بود؟

واقعهٔ مدرسهٔ فیضیه

امام خمینی به همراه مراجع دیگر، در اعتراض به عملکرد حکومت، عید نوروز ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کردند و به افشای اقدامات شاه پرداختند. اوج این حرکت اعتراضی در مدرسهٔ فیضیهٔ قم اتفاق افتاد که با یورش مأموران حکومتی به خشونت کشیده شد. در حملهٔ مأموران به مدرسهٔ فیضیهٔ قم و مدرسهٔ طالبیهٔ تبریز تعدادی از طلاب شهید و مجروح شدند. به دنبال این جنایت، امام خمینی طی اعلامیهٔ مهمی، شاه را به‌طور مستقیم سرزنش کردند و تقیه و سکوت در مقابل ظلم حکومت را حرام دانستند.

قیام پانزده خرداد

در آستانهٔ محرم۱۳۸۳ق/ ۱۳۴۲ش امام خمینی به سخنرانان مذهبی سفارش کردند که در مراسم مختلف،خطر اسرائیل را برای مردم توضیح دهند و آسیب‌های وارد شده بر جامعهٔ اسلامی و مراکز دینی را بازگو کنند. در مقابل، حکومت هم سخنرانان مذهبی را ملزم کرد که علیه شاه و اسرائیل چیزی نگویند، چرا که رژیم پهلوی روابط نزدیکی با رژیم صهیونیستی داشت.

برخلاف تصور و خواست حکومت، مردم در عاشورای این سال با سردادن شعارهایی، حمایت خود را از امام خمینی علنی ساختند. با وجود محدودیت‌های امنیتی، امام خمینی طی نطقی در عصر عاشورا در قم، شخص شاه را مخاطب قرار دادند و از تسلط آمریکا و اسرائیل بر حکومت پهلوی پرده برداشتند. این سخنرانی باعث خشم رژیم و دستگیری و انتقال امام به تهران شد.

امام خمینی هنگام سخنرانی در مدرسهٔ فیضیه، ۱۳۴۲

نمایی از تظاهرات مردم تهران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

خبر دستگیری امام، مردم و روحانیون و مراجع را به واکنش واداشت. اعتراضات زیادی در شهرهای مختلف ایران برپا شد؛ مردم در قم، تهران و ورامین به خاک و خون کشیده شدند و به دنبال آن عده‌ای از مبارزان، زندانی، اعدام و یا تبعید شدند.

نتایج قیام پانزده خرداد : قیام پانزده خرداد به رغم اینکه با سرکوب شدید حکومت پهلوی مواجه شد، نتایج مهمی داشت :

هدف مبارزه تغییرکرد و سرنگونی رژیم پهلوی هدف نهایی مبارزان شد. حضور امام خمینی در صحنهٔ مبارزه موجب شد بسیاری از روحانیون به مبارزات سیاسی روی بیاورند. علاوه بر روحانیون و دانشگاهیان، اقشار دیگری از جامعه نیز به جمع مبارزان پیوستند. رهبری امام خمینی به عنوان مرجع دینی برجسته‌تر شد و مبارزان به نقش و قدرت مذهب در این زمینه توجه بیشتری نشان دادند.

فعّالیت ۴

بررسی شواهد و مدارک

در درس ۸ خواندید که پس از جنگ جهانی دوم، رژیم صهیونیستی با اشغال سرزمین فلسطینی‌ها اعلام موجودیت کرد. دولت‌های مسلمان منطقه (حتی آنان که رابطه خوبی با غرب داشتند) این رژیم را تحریم کرده و حاضر به برقراری رابطه اقتصادی و سیاسی با آن نبودند و حتی به رژیم صهیونیستی نفت نمی‌فروختند. در این میان حکومت محمدرضاشاه شروع به برقراری رابطه با اسرائیل و کمک به قدرت گرفتن این رژیم کرد. این رابطه از ترس اعتراضات مردمی و نیز دوری از ایجاد تنش با همسایگان مخفیانه و غیرعلنی بود. اسناد ذیل نشان‌دهنده رابطه عمیق بین حکومت پهلوی و رژیم صهیونیستی است. متن‌هایی که در ادامه آمده است، برگرفته از اسناد به‌دست آمده از سفارت آمریکا است و گوشه‌ای از روابط ایران و اسرائیل را در زمان حکومت محمدرضاشاه نشان می‌دهد. این اسناد را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آنها پاسخ دهید.

شماره ۱:

متنی که می‌خوانید بخشی از نامه‌ای است که از طرف وزارت خارجه آمریکا به سفارت آمریکا در تهران (یک سال قبل از شروع جریانات انقلاب) ارسال شده است:

سرّی　　از وزارت امور خارجه　　۲ ژانویه ۱۹۷۷ / ۱۲ دی ۱۳۵۵

ایران مقدار زیادی نفت برای آمریکا و متحدانش صادر می‌کند و بیش از ۸ درصد نفت وارداتی ایالات متحده از ایران وارد می‌شود و بیش از ۱۶ درصد نفت ایران برای اروپای غربی و تقریباً ۲۴ درصد برای ژاپن و ۷۰ درصد نفت اسرائیل از ایران تأمین می‌شود. با وجود کشمکش‌های لاینفک در روابط خرید و فروش، ایران برای ما یک منبع نفتی مستقل بوده است. ایران در سال‌های ۷۴ــ ۱۹۷۳ برخلاف پیمان اعراب در تحریم حمل و نقل نفت به اسرائیل، شرکت نکرده و صدور نفت خود را به این کشور ادامه داده است. رهبران ایران غالباً اظهار داشته‌اند که ایران در جنبش‌های سیاسی تحریمی شرکت نخواهد کرد.
(همان، جلد ۱، ص ۴۲۶)

شماره ۲:

اسنادی و نوشته‌هایی که در فاصله زمانی آگوست ۱۹۷۸ / مرداد ۱۳۵۷ تا اکتبر ۱۹۷۹ / آبان ۱۳۵۸ (مقارن با اوج جریانات انقلاب) توسط کارمندان و مأموران آمریکایی نوشته شده بیشتر به تجزیه و تحلیل جریانات سیاسی روز و عناصر دخیل در آن می‌پردازد. متن زیر بخشی از یکی از این نوشته‌هاست:

خیلی محرمانه　　تاریخ: ۴ ژانویه ۱۹۷۹/ ۱۴ دی ۱۳۵۷
از: سفارت آمریکا، تل‌آویو　　به: وزارت خارجه، واشنگتن

۱ـ خلاصه: اسرائیلی‌ها با حالت بهت‌زده و هراسناکی سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده‌اند [چون] انتظار می‌رود که انقراض رژیم شاه... به‌طور مؤثر بر فروش نفت به اسرائیل تأثیر می‌گذارد....
۲ـ درست مثل همه ما، اسرائیلی‌ها با حالت بهت‌زده و هراسناک سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده‌اند. آنها معتقدند رژیم ثابت‌قدم، وفادار، دوست و طرفدار غرب شاه به‌صورت اصلاح‌ناپذیری از هم پاشیده شده و در انتظار جانشین پیش‌بینی شده‌اش می‌باشد در برخی افراد این شبهه وجود دارد که دولت بعدی تهران به رهبری هر که باشد، به اکثر و اگر نه تمام جنبه‌های رابطه نزدیک و از روی دقت ایجاد شده بین ایران و اسرائیل پایان می‌بخشد. ازنظر برخی تحلیل‌گران اسرائیلی فقط یک کودتای نظامی به اسرائیل توانایی می‌دهد تا حداقل مقداری از روابط خود را با ایران نجات دهد.
۳ـ برای اسرائیل یک رابطه نزدیک با ایران از کیفیتی عالی و بنیادی و همچنین اهمیتی سمبلیک برخوردار می‌باشد. همکاری نظامی و اطلاعاتی پراهمیتی در خلال سالیان دراز بین دو کشور ایجاد شد. شرکت‌های اسرائیلی در پروژه‌های عمرانی و ساختمانی ایران شرکت داشته‌اند که با احتساب صادرات، سالیانه ۳۰۰ میلیون دلار به‌دست آورده‌اند. از نظر سمبلیک، اسرائیلی‌ها به رابطه نزدیکشان با ایران مسلمان به‌عنوان نشانه‌ای دال بر اینکه کشور یهودی در خاورمیانه از نظر همه مطرود محسوب نمی‌شود، نگریسته‌اند. هرچند ایران روابط دیپلماتیک با اسرائیل برقرار ننمود ولی دفاتر رابط به‌عنوان هیئت‌های نمایندگی دیپلماتیک در همه امور عمل کردند، منتها به‌صورت بی‌نام.
(همان، جلد ۷، صص ۲۵ و ۲۶)

۱ـ با توجه به اطلاعات داده شده در اسناد صفحه قبل، ویژگی‌های روابط ایران و رژیم صهیونیستی در دوره پهلوی را فهرست کنید.
۲ـ با توجه به پاسخ پرسش اول، چرا اسرائیلی‌ها در آستانه انقلاب اسلامی، حالت بهت‌زده و هراسناک داشتند؟

مخالفت با کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی

امام خمینی در پی اعتراض مردم و علمای دینی، پس از تحمل ده ماه زندان و حصر آزاد شدند. حضور دوبارهٔ ایشان در قم مبارزان را به ادامهٔ مبارزه امیدوار کرد.

پس از آنکه دو مجلس سنا و شورای ملی قانون مصونیت قضایی و سیاسی اتباع آمریکایی مقیم ایران (کاپیتولاسیون) را تصویب کردند، بار دیگر انتقاد از رژیم بالا گرفت. بر اساس توافق‌نامهٔ بین‌المللی وین، مأموران سیاسی یک کشور در کشور دیگر از مصونیت سیاسی و قضایی برخوردارند. با تصویب قانون کاپیتولاسیون، مستشاران نظامی آمریکا و خانواده‌های آنان نیز در ایران از مصونیت سیاسی و قضایی برخوردار شدند.

امام‌خمینی در سخنرانی پرشوری به تصویب این قانون اعتراض و آن را مغایر با استقلال کشور اعلام کردند (۴ آبان ۱۳۴۳). مخالفت صریح امام با قانون مذکور، حکومت پهلوی را چنان به وحشت انداخت که ایشان را در سحرگاه ۱۳آبان ۱۳۴۳ در قم دستگیر و به کشور ترکیه تبعید کرد. محل تبعید امام یازده ماه بعد تغییر یافت و ایشان از ترکیه به عراق فرستاده شدند.

وضعیت رژیم پهلوی

پس از تبعید امام خمینی و سرکوب شدید مخالفان، اوضاع سیاسی آرام‌تر شد. همچنین با افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی ایران در دوران طولانی نخست‌وزیری امیرعباس هویدا، حکومت پهلوی برای تقویت و تحکیم پایه‌های اقتدار خود به اقداماتی نمایشی دست زد. برگزاری جشن تاج‌گذاری و جشن‌های دوهزار و پانصد سالهٔ شاهنشاهی، منحل کردن احزاب موجود و ایجاد حزبی واحد به نام حزب رستاخیز از جملهٔ این اقدامات بود. با این حال وضعیت زندگی و معیشت عموم مردم که بیشتر در روستاها زندگی می‌کردند، مناسب نبود و در بیشتر نقاط ایران روستانشین‌ها در فقر و بی‌سوادی به سر می‌بردند[1].

در زمینهٔ فرهنگی نیز رژیم پهلوی کوشید میان فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی تقابلی مصنوعی ایجاد کند. پیرو همین سیاست و به بهانهٔ ناهمخوانی تاریخ هجری شمسی با فرهنگ ایرانی، تاریخ شاهنشاهی را جایگزین تقویم هجری شمسی کرد.

محمدرضاشاه پهلوی هنگام ملاقات با نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا

۱ـ اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۶۸۵

امیرعباس هویدا هنگام معرفی اعضای کابینهٔ خود به شاه

تداوم مبارزه

الف) فعالیت سیاسی؛ امام‌خمینی در طول دوران تبعید در نجف اشرف با صدور اعلامیه به مناسبت‌های مختلف و فرستادن پیام به سران و مردم کشورهای اسلامی و نیز با تدریس مباحث ولایت فقیه، مبانی حاکمیت دینی را ترسیم می‌کردند. در همین دوران، شاگردان و علاقه‌مندان به اندیشهٔ ایشان، مساجد و دانشگاه‌ها را به کانون مبارزه علیه رژیم پهلوی تبدیل کرده بودند. **جبههٔ ملی و نهضت آزادی** نیز در چارچوب قانون اساسی به مبارزات خود ادامه می‌دادند.

ب) مبارزهٔ فرهنگی؛ مبارزهٔ فرهنگی با اتکا بر آگاهی دادن به مردم و تبلیغ و ترویج باورهای دینی به همراه روشنگری علیه اقدامات رژیم پهلوی صورت می‌گرفت. روحانیون، معلمان، استادان دانشگاه، دانشجویان و دانش‌آموزان در عرصهٔ مبارزهٔ فرهنگی با رژیم فعالیت می‌کردند و در مساجد، حسینیه‌ها و مدارس و دانشگاه‌ها به ترویج فرهنگ دینی مشغول بودند.

معروف‌ترین چهره‌های فرهنگی علامهٔ طباطبایی، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله بهشتی، دکتر شریعتی، دکتر باهنر و دکتر مفتح بودند.

پ) مبارزهٔ مسلحانه؛ در کنار مبارزهٔ سیاسی و فرهنگی، گروه‌هایی از جوانان به سوی مبارزهٔ مسلحانه کشیده شدند. معروف‌ترین این گروه‌ها در این دوران عبارت بودند از :

ــ **هیئت‌های مؤتَلِفهٔ اسلامی؛** این گروه پس از تبعید امام خمینی، مبارزهٔ مسلحانه و ترور سران حکومت پهلوی را محور کار خود قرار داد و حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت، را ترور کرد. این کار را محمد بخارایی، از اعضای این گروه، انجام داد. پس از این واقعه، بیشتر اعضای این گروه دستگیر و چهار تن از آنان اعدام شدند و برخی هم به حبس‌های طولانی محکوم گردیدند.

ــ **حزب ملل اسلامی؛** این گروه با آرمان برپا کردن حکومت اسلامی به نبرد مسلحانه روی آورد اما اعضای آن پیش از هر اقدامی دستگیر و زندانی شدند.

ــ **سازمان مجاهدین خلق؛** گروهی از جوانان عضو نهضت آزادی بعد از قیام ۱۵ خرداد فعالیت سیاسی را کنار گذاشتند و به جنگ مسلحانه روی آوردند. آنها در آغاز تفکر اسلامی داشتند ولی به مرور زمان دچار انحراف فکری شدند و به مارکسیسم تمایل پیدا کردند. در سال ۱۳۵۰ بیشتر اعضای این سازمان یا دستگیر شدند و یا در تسویه‌های درون‌گروهی از بین رفتند.

ــ **سازمان چریک‌های فدایی خلق؛** این گروه از همان ابتدا با الهام از افکار مارکسیستی به مبارزهٔ مسلحانه روی آوردند و تعدادی از آنها در درگیری با مأموران رژیم یا در زندان به قتل رسیدند.

فعّالیت ۵

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، چرا امام خمینی ﷺ مبارزهٔ مسلحانه را، اساس حرکت خود قرار ندادند؟

بسیاری از مبارزان زندانی و شکنجه شدند. تعدادی از آنان مانند آیت‌الله سعیدی و آیت‌الله غفاری، زیر شکنجه به شهادت رسیدند و بسیاری نیز مانند آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله مفتح و ... تا اوج‌گیری انقلاب اسلامی در زندان بودند.

شهید آیت‌الله سعیدی
(۱۳۰۸ـ۱۳۴۹ ش)

وضعیت عمومی ایران در سال ۱۳۵۶

فاصلهٔ روزافزون حکومت پهلوی از ملت ایران در سال ۱۳۵۶ به بیشترین حد خود رسید. ضدیت این حکومت با اسلام و معنویت و اخلاق، آشکار شده بود. صدها روحانی مبارز در زندان بودند و بسیاری از استادان دانشگاه و سخنرانان مذهبی اجازهٔ سخن گفتن در محافل و مجالس را نداشتند. پول نفت که از سال ۱۳۵۰ یک‌باره به سرعت افزایش یافت، سرمایه‌داران وابسته به غرب و رژیم پهلوی را در مدت کوتاهی تقویت کرده بود. در عوض، طبقات محروم از جمله کارگران و روستاییان برای گذراندن زندگی به شهرها هجوم می‌آوردند. انقلاب سفید شاه نتیجهٔ خود را نشان داده بود: نابودی اقتصاد ایران و وابستگی به بیگانگان. در حالی که بسیاری از روستاهای ایران، راه، آب آشامیدنی، برق و حمام نداشتند، سرمایه‌داران آمریکایی با حکومت پهلوی قراردادهای کلان منعقد و ثروت ملی ایرانیان را غارت می‌کردند. رژیم پهلوی با استفاده از دستگاه ساواک و نیروهای پلیسی و امنیتی، تقریباً خود را از ناحیهٔ گروه‌های مبارز مسلح آسوده‌خاطر احساس می‌کرد. زندان‌ها از زندانیان سیاسی پر بود و در خارج از زندان نیز حرکت‌های پراکندهٔ مسلحانه همچون سال‌های پیش دیده نمی‌شد.

فعّالیت ۶

بررسی شواهد و مدارک

دو سند از اسناد به‌دست آمده از سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۹ در اختیار شما قرار می‌گیرد. پس از مطالعه به پرسش‌ها پاسخ دهید.

متن اول: بخشی از گزارش بازرسان آمریکایی است که از طرف دفتر بازرسی وزارت خارجه آمریکا برای بررسی نحوه روابط با ایران در اکتبر ۱۹۷۴ (مهر ۱۳۵۱) به ایران آمده بودند:

«سفیر (آمریکا در ایران) می‌تواند شاه را هروقت که بخواهد فوراً ببیند و از آن گذشته، گاهی اوقات همچنین به وزیر متنفذ دربار، نخست‌وزیر و سایر مقامات کلیدی نظامی و غیرنظامی دسترسی دارد. وی آشنایی گسترده‌ای با سایر مقامات ارشد دولتی، مجلس، تجار عمده، دانشگاهیان و دیگر گروه‌های روشنفکر دارد. قائم مقام میسیون (هیئت)، درصورت لزوم دسترسی به افسران نظامی، مقامات زیر کابینه و وزرا دارد و مستشاران سیاسی و اقتصادی با رده‌های مناسب دولتی و بخش خصوصی تماس خوبی دارند. به‌طور کلی تماس‌های میسیون [هیئت] بسیار خوب بوده و حوزه وسیعی از صحنه ایران را فرامی‌گیرد ... تنها مقام دیگر آمریکایی که گاهگاهی با شاه ملاقات می‌کند، رئیس سیا (C.I.A)* است. بازهم سفیر قبل و بعد از این ملاقات‌ها به‌طور کامل در جریان قرار می‌گیرد.»

* آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (Central Intelligence Agency- C.I.A)

(مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ سوم، جلد ۱، ص ۴۰۴)

ویلیام هیلی سولیوان (William Healy Sullivan) آخرین سفیر آمریکا در ایران در فاصله دی‌ماه ۱۳۵۵ تا فروردین ۱۳۵۸ بود. متن دوم؛ که در ادامه می‌خوانید قسمتی از گزارشی با عنوان «نظر اجمالی بر اوضاع و روابط ایران» است که وی در اردیبهشت ۱۳۵۷ برای وزارت خارجه آمریکا نوشته است و بیانگر منافع گسترده‌ای است که شرکت‌های آمریکایی در ایران داشتند:

«روی هم رفته روابط ایران و آمریکا عالی است ... با اینکه تجهیزات نظامی و برنامه مشاوره [نظامی] ما جنبه‌های اصلی روابط‌مان با ایران می‌باشد، ولی ما طیف وسیعی از منافع دیگر هم داریم. صادرات غیرنظامی ما به ایران الان به حدود ۲ میلیارد دلار در سال رسیده. بیش از ۱۵۵ شرکت و بانک از بزرگترین شرکت‌ها و بانک‌های آمریکا در کشور فعال هستند و اکنون ۳۹ هزار آمریکایی در ایران سکونت دارند. کمیسیون مشترکی بین ایران و آمریکا برای پیشبرد همکاری عمومی و خصوصی آمریکا در زمینه‌های انرژی، نیروی انسانی، کشاورزی، تجارت و امور مالی و علم و تکنولوژی برای چهارمین بار در واشنگتن تحت ریاست وزیر خارجه [سایرس رابرت] وَنس تشکیل شد ... ایران در حال حاضر ۹ ـ ۸ درصد واردات نفتی ما را تأمین می‌کند.»

(مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱، ص ۲۰۹)

۱ـ روابط غیررسمی و خارج از عرف (روابط بین‌الملل) بین ایران و آمریکا که در متن اسناد بالا ذکر شده است را فهرست کنید.

۲ـ به‌نظر شما این شکل از روابط و دسترسی نامحدود مأموران و مقامات آمریکایی به ارکان حکومت پهلوی چه اثراتی بر شرایط ایران داشت؟

فضای باز سیاسی

جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا، در سال ۱۳۵۵ برای کاهش تنفر عمومی از سیاست‌های آمریکا به شعار دفاع از حقوق بشر متوسل شد. او از شاه نیز خواست به تبعیت از سیاست فضای باز آمریکایی، اوضاع عمومی زندانیان را بهبود بخشد، شکنجهٔ زندانیان را کاهش دهد و به مطبوعات اجازه دهد به طور ملایم و محدود از دولت انتقاد کنند.

شاه در پاسخ مساعد به خواسته‌های آمریکا، هویدا را برکنار و جمشید آموزگار را به نخست وزیری منصوب کرد. آموزگار مأموریت یافت تا با انتقاد از گذشته، در کشور فضای باز سیاسی ایجاد کند اما پیام‌های روشنگرانهٔ امام خمینی و چند حادثه دیگر، آتش انقلاب را شعله‌ور کرد.

فعّالیت ۶

موضع‌گیریِ کِندی و کارتر دربارهٔ دخالت آمریکا در کشورهای دیگر را مقایسه کنید و به پرسش زیر پاسخ دهید:
چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان سیاست مداخله‌گرایانهٔ کندی و کارتر وجود دارد؟

مرگ مشکوک دو چهرهٔ محبوب

در خرداد ۱۳۵۶ دکتر علی شریعتی به‌طور ناگهانی در لندن درگذشت. شریعتی با برگزاری سخنرانی‌ها و نگارش کتاب‌های متعدد نقشی اساسی در طرد اندیشه‌های مارکسیستی و بیداری نسل جوان و گرایش آنان به اسلام داشت. مردم که ساواک را عامل مرگ او می‌دانستند، با گرامی‌داشتن نام و یادش تنفر خود را از حکومت نشان دادند.

بیشتر بدانیم

دکتر علی شریعتی، متفکر نواندیش مسلمان

وی در ۱۳۱۲ در خانواده‌ای اهل علم و دین، در خراسان رضوی به دنیا آمد. او ابتدا به عنوان معلم به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. سپس به فرانسه رفت و مدرک دکتری تاریخ خود را از آنجا گرفت. شریعتی پس از برگشت به ایران، از حدود نیمهٔ دوم دههٔ چهل در مراکزی مانند حسینیهٔ ارشاد، مساجد و انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های بسیاری از دیگر شهرهای ایران، با سخنرانی‌های پرشور و نوشته‌های برانگیزانندهٔ خود ابعاد اجتماعی و انقلابی اسلام و به‌ویژه مذهب تشیع را به علاقه‌مندان معرفی می‌کرد. نوشته‌ها و سخنرانی‌های فراوان و بسیار مؤثر شریعتی در این دوره، بسیاری از جوانان را که جذب ایدئولوژی مارکسیسم و گروه‌های مبارز چپ شده بودند، به دامن اسلام و تشیع بازگرداند. به همین دلیل هم بارها دستگاه‌های امنیتی حکومت پهلوی او را بازداشت و از کار بیکار کردند.

شریعتی سرانجام پس از یک دوره زندان و زندگی مخفی از ایران خارج شد. در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ به طرز مشکوکی در لندن وفات یافت و پیکر او در زینبیهٔ دمشق به خاک سپرده شد.

شریعتی آثار زیادی در زمینه‌های اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی دارد که شامل سخنرانی‌های او در حسینیهٔ ارشاد، دانشگاه‌ها و سایر جاها است. از جملهٔ آثار او می‌توان به **مذهب علیه مذهب**، **فاطمه فاطمه است**، **ابوذر** و **اسلام‌شناسی** اشاره کرد.

به فاصله چند ماه، حاج آقا مصطفی، فرزند ارشد امام خمینی، به‌طرز مشکوکی از دنیا رفت. درگذشت او، چنان تلاطم و موجی به‌وجود آورد و جان تازه‌ای به مبارزات بخشید که می‌توان فهمید چرا حضرت امام، رحلت او را «از الطاف خفیه الهی برای انقلاب اسلامی» خواند. او از لحاظ ذهنی و استعداد علمی، جزء افراد کم نظیر بود و جرئت و جسارتش در مباحث علمی، در کتاب‌هایش قابل مشاهده است.

مصطفی خمینی از ابتدای مبارزات، یعنی ماجرای انجمن‌های ایالتی، حضوری کاملاً محسوس داشت و در نهضت پانزده خرداد نیز، مردم قم را به حرکت به سوی صحن حرم حضرت معصومه هدایت کرد که البته منجر به دستگیری وی توسط ساواک و زندانی شدن در قزل قلعه شد. امام خمینی او را به جهت جامعیت، شجاعت، بی‌اعتنایی به زرق و برق دنیا و تهذیب نفس، امید آینده اسلام می‌دانست.

آغاز انقلاب اسلامی

انتشار مقالهٔ توهین آمیز نسبت به امام خمینی

در ۱۷ دی ۱۳۵۶ مقالهٔ توهین‌آمیزی علیه امام خمینی در روزنامهٔ اطلاعات منتشر شد. به دنبال انتشار این مقاله، مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶قیام کردند اما مأموران حکومتی آنها را به خاک و خون کشیدند. در چهلم شهدای قم، در ۲۹ بهمن همان سال مردم تبریز به پا خاستند که این اجتماع نیز با یورش نیروهای حکومت مواجه شد و تعدادی شهید و مجروح شدند.

در سال ۱۳۵۷ اعتراضات به شهرهای دیگر گسترش یافت. پیام این قیام تجدید عهد با رهبری انقلاب و افزایش تنفر از رژیم شاهنشاهی بود.

با گسترش قیام، جمشید آموزگار در مرداد ۱۳۵۷ در اصفهان حکومت نظامی برقرار کرد اما این تدبیر ثمری نداشت؛ درنتیجه، شاه مجبور شد آموزگار را برکنار کند و جعفر شریف‌امامی را با شعار «آشتی ملی» به نخست وزیری بگمارد. امام خمینی با ارسال پیام و افشای نیرنگ تازهٔ رژیم پهلوی، خواهان ادامهٔ مبارزه تا سرنگونی نظام پادشاهی در ایران شدند. به همین جهت تظاهرات مردم در شهرهای ایران ادامه پیدا کرد. در تهران بعد از برگزاری نماز عید فطر(۱۳ شهریور) تظاهرات گسترده‌ای صورت گرفت و تکرار آن در سه روز بعد با حضور انبوه و یکپارچهٔ زنان همراه بود.

حضور گستردهٔ زنان در راه‌پیمایی‌های دوران انقلاب اسلامی

بیشتر بدانیم

متنی که در زیر آمده است قسمتی از گزارش جلسه داخلی سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۷ است. در این گزارش به‌وضعیت بحرانی حکومت پهلوی و حمایت کامل دولت آمریکا و انگلستان از محمدرضاشاه حتی در شرایط فروپاشی حکومت پهلوی اشاره شده است:

محرمانه

اول نوامبر ۱۹۷۸

سفیر جلسه را با مروری برحوادث هفته شروع کرد. چند روز خیلی سخت و آشفته و بدترین روز یکشنبه ۲۹ اکتبر بود. گروه‌های بسیار زیاد [و] غیرقابل کنترل در خیابان‌ها تظاهرات می‌کردند. فقط یک گروه بسیار کوچک به نفع دولت تظاهرات کردند که چشمگیر نبود و صورت مصنوعی داشت. رئیس جمهور کارتر دیروز ولیعهد را به حضور پذیرفت و پشتیبانی قاطع خود را از شاه اعلام کرد ... سفیر پارسونْزْ[1] و سولیوان[2] صحبت‌های خود را با شاه ادامه دادند. اکنون دیدگاه‌های سیاسی شاه منسجم‌تر شده است. اما در مجلس قهرمانی وجود ندارد که به‌پا خیزد و قاطعانه از دولت شریف امامی پشتیبانی کند. نخست‌وزیر سخت افسرده و خسته شده است و اقلیت کمی در دولت تصمیم می‌گیرند.

(مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱، ص ۳۰۶)

۱ــ آنتونی پارسونز آخرین سفیر انگلیس در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است. او از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ سفارت کشورش در تهران را برعهده داشت و در این سال کمی قبل از فرار شاه از ایران، به مأموریت خود خاتمه داد و به لندن بازگشت.

۲ــ ویلیام هیلی سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران در فاصله دی‌ماه ۱۳۵۵ تا فروردین ۱۳۵۸ بود.

قیام خونین ۱۷ شهریور

حکومت پهلوی برای جلوگیری از ادامهٔ تظاهرات و اعتراضات در روز جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در تهران و چند شهر دیگر حکومت نظامی برقرار کرد. مردم تهران بی‌اعتنا به اخطارها و هشدارهای رژیم در میدان شهدا (ژالهٔ سابق) تجمع کردند. دژخیمان پهلوی مردم را به گلوله بستند و جمع زیادی از آنان را به شهادت رساندند. به دنبال این جنایت هولناک، رئیس جمهور آمریکا بار دیگر به صراحت از رژیم پهلوی حمایت کرد.

هجرت امام خمینی به فرانسه

پس از اوج‌گیری انقلاب اسلامی، امام خمینی تحت فشار سیاسی و امنیتی سازمان امنیت عراق و ساواک، قصد عزیمت به کویت داشتند اما دولت کویت حاضر به پذیرش ایشان نشد. از این رو به فرانسه رفتند و در دهکده‌ای به نام نوفل‌لوشاتو در حومهٔ پاریس ساکن شدند (۱۴ مهر ۱۳۵۷).

اقامت چند ماههٔ امام در فرانسه دو نتیجهٔ مهم برای انقلاب داشت:

ــ ایشان با استفاده از امکانات تبلیغی، مصاحبه و سخنرانی جنایات حکومت پهلوی را افشا می‌کردند؛

ــ امکان ملاقات مبارزان با رهبری انقلاب فراهم آمد و پیام‌های امام با شتاب بیشتری در ایران منتشر شد.

تظاهرات مردم تهران در شهریور ۱۳۵۷

حضرت امام خمینی در نوفل لوشاتو

حماسهٔ ماه محرم

شاه پس از سرکوب تظاهرات دانشجویان و دانش‌آموزان در مقابل دانشگاه تهران (۱۳آبان)، ارتشبد غلامرضا ازهاری را جانشین شریف‌امامی کرد تا وی با برقرار کردن حکومت نظامی از سرعت حرکت انقلاب بکاهد. اما شروع ماه محرم، مبارزه را وارد مرحلهٔ تازه‌ای کرد. در روزهای تاسوعا و عاشورا میلیون‌ها تن از مردم در شهرهای مختلف، از جمله تهران، با شرکت در تظاهراتی مسالمت‌آمیز سقوط حکومت پهلوی و برقراری حکومت اسلامی را فریاد زدند.

راه‌پیمایی میلیونی مردم تهران در تاسوعای حسینی، ۱۹ آذر ۱۳۵۷

این تظاهرات عظیم دولت آمریکا را به این نتیجه رساند که روی کار آوردن دولت نظامی ازهاری نتیجه‌ای نداشته است؛ به علاوه، مردم ایران متحد و در اطاعت از رهبر خود مصمم و جدی هستند و بالاخره اینکه آمریکا برای حفظ منافع خود در ایران باید به فکر مهرهٔ دیگری غیر از محمدرضا شاه باشد.

شاه در نیمهٔ دی ۱۳۵۷ در حالی که تصمیم به خروج از ایران گرفته بود، به دستور آمریکایی‌ها و برای جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی، شاپور بختیار را، که قبلاً عضو جبههٔ ملی و از مخالفان رژیم بود، نخست‌وزیر خود کرد. امام خمینی در ۲۳ دی با ارسال پیامی تشکیل شورای انقلاب را به اطلاع مردم رساندند. این شورا که از افراد شایسته، مسلمان، متعهد و مورداعتماد ایشان تشکیل شده بود، وظیفه داشت زمینهٔ انتقال قدرت را فراهم کند. ده روز پس از تشکیل دولت بختیار، در ۲۶ دی، شاه از ایران رفت و شور و شعف مردم ایران بیشتر شد.

استقبال با شکوه از امام خمینی هنگام ورود به میهن در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷

ورود امام خمینی به ایران، تشکیل دولت موقت و پیروزی انقلاب

در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ رهبر انقلاب با شکوه فراوان و در میان استقبال بی‌نظیر مردم وارد ایران شدند. در ۱۵ بهمن به پیشنهاد شورای انقلاب، مهندس مهدی بازرگان را به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت انقلابی معرفی و از همه تقاضا کردند که از او حمایت کنند. امام خمینی در حکم خود، علاوه بر شرط «درنظر نگرفتن روابط حزبی و گروهی»، چند وظیفه برای دولت موقت تعیین کرد. مهندس بازرگان در بیست و پنجم بهمن ۱۳۵۷ کابینه خود را که تقریباً همگی از اعضا یا طرفداران نهضت آزادی و جبهه ملّی بودند، معرفی کرد.

با حملهٔ نیروهای گارد شاهنشاهی به افراد نیروی هوایی که به انقلاب پیوسته بودند (۲۰ بهمن)، تهران به شهری نظامی مبدل شد. حکومت پهلوی قصد داشت در بعد از ظهر ۲۱ بهمن و شب ۲۲ بهمن حکومت نظامی برقرار کند؛ سپس، به کمک نظامیان وابسته به خود و با نظارت ژنرال هایزِر آمریکایی، کودتایی نظامی ترتیب دهد و رهبر انقلاب و اعضای شورای انقلاب را دستگیر و انقلاب را سرکوب کند اما امام خمینی با توکل به الطاف خداوند، حکومت نظامی را غیرقانونی اعلام کردند. مردم به کمک ارتشیانی که به انقلاب پیوسته بودند، مراکز نظامی را در تهران و شهرهای بزرگ تصرف کردند. رادیو و تلویزیون نیز در اختیار مردم قرار گرفت و با اعلام صدای انقلاب و پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن، نظام شاهنشاهی در ایران سقوط کرد.

تهران ـ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

پرسش‌های نمونه

۱ـ تصویب‌نامهٔ قانون انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی، چه تغییراتی در انتخابات انجمن‌ها ایجاد کرد؟
۲ـ منظور از مبارزهٔ فرهنگی چیست و چه گروه‌ها و شخصیت‌هایی با حکومت پهلوی مبارزهٔ فرهنگی می کردند؟
۳ـ برجسته‌ترین اقدام حکومت پهلوی برای اسلام‌زدایی چه بود؟
۴ـ چرا حکومت پهلوی در سال ۱۳۵۶ مسئلهٔ فضای باز سیاسی را مطرح کرد؟
۵ـ چاپ مقالهٔ توهین‌آمیز نسبت به امام خمینی در روزنامهٔ اطلاعات چه پیامدی داشت؟
۶ـ ادامهٔ مبارزهٔ مردم با حکومت پهلوی در روزهای تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ آمریکا را به چه نتایجی رساند؟

درس ۱۱

استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با فرمان و تأکید امام خمینی (ره)، دولت موقت و شورای انقلاب مأموریت یافتند که هر چه زودتر اقدامات لازم برای تعیین و تأسیس نظام سیاسی جدید را انجام دهند. در این درس شما مهم‌ترین اقداماتی را که به تأسیس، استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی انجامید و نیز توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی برای جلوگیری از استقرار و تثبیت نظام نوپای اسلامی را بررسی خواهید کرد.

استقرار نظام جمهوری اسلامی

از فردای پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت انقلاب به ریاست مهندس مهدی بازرگان به همراه شورای انقلاب علاوه بر ادارهٔ امور کشور، برای استقرار نظام سیاسی جدید کارهای مهمی انجام دادند.

۱ـ برگزاری همه‌پرسی تعیین نظام سیاسی جدید

این همه‌پرسی روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ برگزار شد و نتیجهٔ آن که در ۱۲ فروردین اعلام شد، نشان داد که بیش از ۹۸ درصد شرکت‌کنندگان به جمهوری اسلامی رأی مثبت داده‌اند. به همین دلیل، ۱۲ فروردین در تقویم به عنوان روز جمهوری اسلامی نام‌گذاری شده است.

همه‌پرسی جمهوری اسلامی ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸

۲ـ تدوین قانون اساسی

چند ماه بعد از همه‌پرسی، مردم با حضور در پای صندوق‌های رأی، ۷۲ نمایندهٔ مجلس خبرگان قانون اساسی را برگزیدند تا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تدوین و تصویب کنند. مجلس خبرگان قانون اساسی از مرداد ۱۳۵۸ کار تدوین قانون اساسی جدید را آغاز کرد.

تسخیر لانه جاسوسی؛ در زمان تدوین قانون اساسی، دانشجویان موسوم به پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سفارت آمریکا را در تهران تسخیر کردند. آنان علت این اقدام را تداوم دشمنی‌ها و توطئه‌های دولت آمریکا علیه انقلاب اسلامی و دخالت در امور داخلی ایران از جمله اجازهٔ ورود

مهندس مهدی بازرگان، رئیس دولت موقت انقلاب، در کنار امام خمینی (ره)

به محمدرضاشاه پهلوی برای سفر به آن کشور اعلام کردند. امام خمینی این اقدام دانشجویان را تأیید کرد و آن را انقلاب دوم خواند. مجلس خبرگان قانون اساسی نیز از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان حمایت کرد. مهندس بازرگان و اعضای کابینهٔ او که با این اقدام موافق نبودند، استعفا کردند و شورای انقلاب مسئولیت ادارهٔ کشور و تکمیل روند استقرار نظام سیاسی جدید را عهده‌دار شد.

پس از آنکه نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی جدید را تدوین و تصویب کردند، این قانون به همه‌پرسی گذاشته شد (آذر ۱۳۵۸) و مورد تأیید اکثر مردم ایران قرار گرفت.

فعّالیت ۱

دو سند زیر را که در اسناد کشف شده از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در سال ۱۳۵۸ به‌دست آمده است؛ بخوانید :

۱ــ «دولت آمریکا، روابط تازه‌ای را براساس ضوابط دولت موقّت برقرار کرده که مثل گذشته استوار و محکم نیست، ولی دوستانه و همکاری‌طلبانه است.» اسناد لانه جاسوسی، ج ۱، ص ۶۰

۲ــ «ما به دنبال روی کارآمدن دولتی میانه‌رو در ایران هستیم، دولتی که ناسیونالیست‌های مخالف مذهب، آن را اداره کنند و در ضمن، تا قبل از استقرار دولت جدید، ما می‌توانیم طریق نفوذ در ایران را امتحان کنیم. بایستی یک موقعیت توأم با اطمینان و احترام در ایران را رواج دهیم.» اسناد لانه جاسوسی، ج ۱، ص ۶۷

حدس می‌زنید آمریکا برای نفوذ در ایران چه استفاده‌هایی از سفارت‌خانه خود در ایران، می‌توانست داشته باشد؟ حدس‌ها و دلایل خود را در کلاس، به اشتراک گذاشته و درباره آنها، گفت‌وگو کنید.

کاوش خارج از کلاس

با مقایسهٔ قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی، سه تفاوت اساسی آنها را در حوزهٔ قدرت و مدیریت سیاسی کشور بیان کنید.

۳ــ شکل‌گیری هیئت دولت براساس قانون اساسی جدید

با تدوین و تصویب قانون اساسی، زمینه برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و تشکیل دولت دائم فراهم آمد. ابتدا انتخابات ریاست جمهوری (بهمن ۱۳۵۸) انجام شد و ابوالحسن بنی‌صدر به عنوان نخستین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران انتخاب گردید. با فاصلهٔ کوتاهی انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز برگزار شد (اسفند ۱۳۵۸).

اعضای هیئت دولت شهید محمدعلی رجایی در دیدار با حضرت امام خمینی رحمه‌الله

پس از شروع به کار مجلس شورای اسلامی، ابتدا محمدعلی رجایی به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی گردید و سپس وزرای معرفی شده توسط او از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد گرفتند؛ دولت دائم بر سر کار آمد و مدیریت امور کشور را از شورای انقلاب تحویل گرفت.

با برگزاری انتخابات اولین دورهٔ مجلس خبرگان رهبری (آذر ۱۳۶۱) و تشکیل مجلس خبرگان رهبری، تمامی ارکان سیاسی کشور مطابق قانون اساسی شکل گرفتند و نظام سیاسی جمهوری اسلامی به طور کامل استقرار یافت.

۴ـ تأسیس نهادهای انقلابی

تأسیس نهادهای انقلابی یکی از گام‌های مهم و تأثیرگذار در روند استقرار نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود که هم‌زمان با شکل‌گیری ارکان سیاسی اتفاق افتاد. تنوع و گسترهٔ وسیع این نهادها که ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را در بر می‌گرفت، بیانگر بینش مدیریت منسجم و جامع حضرت امام بود.

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به فرمان امام خمینی **کمیتهٔ انقلاب اسلامی** تأسیس شد. این کمیته وظیفهٔ حفظ نظم و امنیت و دستگیری سران جنایتکار رژیم پهلوی را بر عهده داشت.

کمی بعد از آن، جوانان شجاع و مبارز ایرانی **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** را به وجود آوردند تا از آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب پاسداری کند. **جهاد سازندگی** نیز برای عمران، آبادانی و رفع فقر و محرومیت از روستاها شکل گرفت. همچنین، **کمیتهٔ امداد امام خمینی** برای حمایت از محرومان و مستضعفان و **نهضت سواد آموزی** با هدف ترویج فرهنگ سوادآموزی و کاهش و رفع بی‌سوادی شروع به کار کردند. کمی بعد نیز **بنیاد شهید**، **بنیاد مسکن انقلاب اسلامی** و **بسیج مستضعفان** به فرمان رهبر انقلاب اسلامی به وجود آمدند. افزون بر آنها، **دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب اسلامی** برای رسیدگی به پروندهٔ مقامات و مأموران رژیم سابق تشکیل شدند.

در بُعد آیینی و مناسکی نیز اولین نماز جمعه به امامت آیت‌اللّٰه طالقانی (۵ مرداد ۱۳۵۸) در تهران و سپس به‌تدریج در سایر شهرها اقامه گردید.

اقامهٔ نخستین نماز جمعهٔ تهران به امامت آیت‌الله طالقانی در دانشگاه تهران

بیشتر بدانیم

آیت‌الله طالقانی

آیت‌الله سیدمحمود طالقانی در سال۱۲۸۹ش در روستای گِلْیَرد طالقان متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش شروع کرد و در تهران و قم به تحصیلات خود ادامه داد و موفق به کسب اجازهٔ اجتهاد از آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری گردید. او مدت کوتاهی هم برای تحصیل در نجف رحل اقامت افکند و پس از بازگشت از نجف در تهران در مدرسهٔ سپهسالار به تدریس علوم دینی مشغول شد. در سال ۱۳۱۸ به دلیل مبارزه علیه حکومت رضاشاه، مدتی زندانی شد. از سال ۱۳۲۷ فعالیت خود را در مسجد هدایت شروع کرد و با حضور او مسجد هدایت به کانون فعالیت جوانان مسلمان و مبارز تبدیل شد. در سال ۱۳۳۴ به نهضت مقاومت ملی پیوست و به مبارزات خود با حکومت پهلوی ادامه داد. در شرایطی که اعضای جمعیت فداییان اسلام تحت تعقیب بودند، او به نواب صفوی و یارانش پناه داد. در سال ۱۳۳۸ به نمایندگی از سوی آیت‌الله بروجردی، در کنگرهٔ اسلامی قاهره شرکت کرد. به همراه مهدی بازرگان و یدالله سحابی، نهضت آزادی را تأسیس کرد. چندی بعد زندانی و در سال۱۳۴۶ از زندان آزاد شد اما به دلیل ادامهٔ مبارزات علیه حکومت پهلوی به زابل تبعید گردید. پس از پایان دوران تبعید به مبارزات خود ادامه داد و در سال۱۳۵۴به زندان افتاد که تا آستانهٔ پیروزی انقلاب اسلامی در زندان بود. با پیروزی انقلاب تلاش خود را معطوف به تثبیت نظام جمهوری اسلامی کرد. طالقانی با حکم امام خمینی امامت نخستین نماز جمعه بعد از پیروزی انقلاب را بر عهده گرفت. عضویت در شورای انقلاب و نمایندگی امام خمینی در مجلس خبرگان قانون اساسی از جملهٔ مسئولیت‌های آیت‌الله طالقانی بود. او سرانجام در ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ در تهران درگذشت.

توطئه‌ها و تلاش‌های دشمنان داخلی و خارجی

پیروزی انقلاب اسلامی و پیشرفت موفقیت‌آمیز روند استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران دشمنان خارجی و داخلی را بسیار آشفته و ناراحت کرد. با تسخیر لانهٔ جاسوسی و افشا شدن نقش آمریکا در توطئه علیه انقلاب اسلامی، خشم دولتمردان آمریکایی دوچندان شد. مهم‌ترین توطئه‌ها و تلاش‌هایی که دشمنان داخلی و خارجی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام دادند به شرح زیرند :

۱ـ ایجاد آشوب و ناامنی

گروهک‌های ضد انقلاب با حمایت دشمنان خارجی انقلاب اسلامی در مناطق مختلف کشور به ویژه کردستان، خوزستان، سیستان و ترکمن صحرا (در استان گلستان کنونی) درصدد برآمدند که یکپارچگی و زندگی مسالمت‌آمیز اقوام ایرانی را به اختلاف و تفرقه تبدیل کنند و مسائل و مشکلات زیادی برای کشور و مردم آن مناطق به وجود آورند.

۲ـ ترور شخصیت‌ها و مردم انقلابی

مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروهک تروریستی فرقان برخی از شخصیت‌های برجستهٔ انقلابی مانند سپهبد ولی‌الله قرنی، رئیس ستاد مشترک ارتش، آیت‌الله استاد مطهری عضو سرشناس شورای انقلاب و از یاران نزدیک امام خمینی، دکتر مفتح، حاج‌مهدی عراقی و آیت‌الله قاضی طباطبایی را که از مبارزان سرشناس بودند، به شهادت رساند و به جان حجت‌الاسلام اکبر هاشمی‌رفسنجانی و آیت‌الله ربانی شیرازی نیز، که از شخصیت‌های مبارز به شمار می‌رفتند، سوءقصد کرد. پس از دستگیری اعضای گروه فرقان، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) ترور را آغاز کردند و عدهٔ زیادی از مسئولان و شمار کثیری از مردم عادی را در کوچه و بازار به شهادت رساندند. ردپای این فرقه، در اغلب ترورها، تخریب‌ها و تلاش‌ها برای براندازی نظام اسلامی در سال‌های بعدی نیز دیده می‌شود. آنها با پشتیبانی سازمان‌های اطلاعاتی دشمن، کوشیدند تا برخی اعتراضات مردمی در سال‌های اخیر را به‌سوی اغتشاش و آشوب سوق دهند.

امروزه سازمان مجاهدین خلق (سازمان منافقین) با فعالیت گسترده در فضای مجازی، تمام امکانات خود و نظام سلطه را به‌کار می‌گیرند تا ناامیدی، سستی، احساس حقارت و ترس از دشمن را در فضای روانی و ذهن ایرانیان، پراکنده سازند.

بیشتر بدانیم

یک توضیح

استاد شهید مرتضی مطهری

شهید مطهری

شهید مطهری در سال ۱۲۹۸ در فریمان در خراسان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مکتب‌خانه‌ای، عازم حوزهٔ علمیه مشهد شد و سپس تحصیلاتش را در حوزهٔ علمیهٔ قم ادامه داد. در قم از محضر آیت‌الله بروجردی، امام خمینی، علامهٔ طباطبایی بهره برد. در سال ۱۳۳۴ فعالیت علمی خود را در دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران آغاز کرد. در جریان قیام پانزده خرداد بازداشت و مدتی زندانی شد. در سال ۱۳۴۶ با عده ای از فعالان مذهبی، حسینیهٔ ارشاد را تأسیس کرد و در آنجا به روشنگری ادامه داد. به دلیل توجه به مشکلات جهان اسلام و به ویژه فلسطین، در سال ۱۳۴۸ مدتی بازداشت شد.

با اوج‌گیری انقلاب و هجرت امام خمینی به پاریس، به آنجا رفت و در حلقهٔ مشاوران و یاران نزدیک امام خمینی قرار گرفت و به عضویت شورای انقلاب در آمد. استاد مطهری در شامگاه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان به شهادت رسید. آثار شهیدمطهری در تبیین مبانی نظری انقلاب، بیداری مسلمانان و مقابله با تهاجم فرهنگی نقش اساسی داشته است.

کاوش خارج از کلاس

به انتخاب معلم خود، بخش‌هایی از آثار شهید مطهری را انتخاب کرده، و خلاصه‌ای از آن را جهت بحث و گفت‌وگو در کلاس، آماده کنید.

بخشی از کارنامهٔ جنایت سازمان مجاهدین خلق

۶ تیر ۱۳۶۰	سوء قصد به جان آیت‌الله خامنه‌ای، امام جمعهٔ تهران و نمایندهٔ امام در شورای عالی دفاع
۷ تیر ۱۳۶۰	انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و شهادت ۷۲ تن از مسئولان، از جمله آیت‌الله بهشتی، رئیس شورای عالی قضایی، چهار وزیر و ۲۷ نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی
۸ شهریور ۱۳۶۰	انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت محمد علی رجایی، رئیس جمهوری، و دکتر محمد جواد باهنر، نخست‌وزیر
۱۴ شهریور ۱۳۶۰	انفجار دفتر دادستانی و شهادت آیت‌الله علی قدوسی، دادستان کل کشور
۲۰ شهریور ۱۳۶۰	شهادت آیت‌الله سید اسدالله مدنی، امام جمعهٔ تبریز در محراب نماز
۲۰ آذر ۱۳۶۰	شهادت آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب، امام جمعهٔ شیراز، هنگام عزیمت برای اقامهٔ نماز جمعه
۱۱ تیر ۱۳۶۱	شهادت آیت‌الله محمد صدوقی، امام جمعهٔ یزد، در محراب نماز جمعه
۲۳ مهر ۱۳۶۱	شهادت آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی، امام جمعهٔ کرمانشاه در محراب نماز جمعه
۲۱ فروردین ۱۳۷۸	شهادت امیر سپهبد علی صیاد شیرازی، جانشین ستاد فرماندهی کل قوا
۱۳۶۰ به بعد	شهادت هزاران نفر از اقشار مختلف مردم ایران به جرم انقلابی و حزب‌اللهی بودن و یا حتی به جرم داشتن ظاهر اسلامی

شهید بهشتی

شهید دستغیب

شهید رجایی

شهید باهنر

۳ـ حملهٔ نظامی آمریکا به طبس

پس از اینکه دانشجویان پیرو خط امام سفارت آمریکا در تهران را تسخیر و اعضای سفارت را دستگیر و بازداشت کردند، دولتمردان آمریکایی در شرایط دشواری قرار گرفتند. از این‌رو، آمریکا با طراحی یک عملیات پیچیدهٔ نظامی، اقدام به پیاده کردن نیروهای ویژهٔ خود در صحرای طبس کرد (۵ اردیبهشت ۱۳۵۹). مأموریت این گروه زبدهٔ نظامی، تسخیر چند مرکز در تهران و خارج کردن آمریکاییان بازداشتی از ایران بود اما با عنایت خداوند، وقوع توفان شن و کاهش دید خلبانان آمریکایی باعث سقوط چند فروند بالگرد نظامی و کشته شدن تعدادی از نیروهای مهاجم شد. بقیه نیز با به جا گذاشتن بخشی از تجهیزات، اسناد و مدارک مجبور به فرار شدند.[۱]

۱ـ محمد منتظر قائم، فرمانده سپاه یزد، که بی درنگ پس از اطلاع از حضور آمریکاییان در صحرای طبس خود را به آنجا رسانده بود، بر اثر بمباران هوایی، که به دستور ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور وقت صورت گرفت، به شهادت رسید. طیّ این بمباران هوایی، بخش مهمی از اسناد و مدارک بر جای مانده از آمریکایی‌ها، از بین رفت.

بقایای لاشهٔ هواپیماها و بالگردهای آمریکایی در طبس

۴ـ طراحی کودتا

در تیر ۱۳۵۹، تعدادی از افسران وابسته به رژیم پهلوی و هوادار شاپور بختیار، موسوم به «سازمان نقاب»، با پشتیبانی سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و حکومت بعثی عراق کودتایی را طراحی کردند. کودتاچیان قصد داشتند با استفاده از امکانات نظامی پایگاه هوایی شهید نوژهٔ همدان، محل سکونت حضرت امام و برخی مراکز مهم در پایتخت را بمباران و نظام جمهوری اسلامی ایران را ساقط کنند. این توطئه اندکی پیش از اجرا کشف و خنثی شد.

حزب توده نیز که به نفع حکومت شوروی در ایران جاسوسی می‌کرد، در سال ۱۳۶۰ش، قصد کودتا داشت که این توطئه نیز کشف و سران آن دستگیر شدند.

۵ـ نفوذ

ماه‌ها پیش از پیروزی انقلاب، دشمن به ویژه آمریکایی‌ها، با ایجاد ارتباط و نزدیک شدن به برخی جریان‌ها و چهره‌های مذهبی و سیاسی، تلاش کردند در «نظام انقلابی» که پس از سقوط پهلوی برپا می‌گردد، نفوذ کنند؛ راهبردی که در تمام سال‌های پس از انقلاب نیز، ادامه داشت.

نفوذ که یکی از روش‌های ورود به جبههٔ مقابل در جنگ نرم[1] است، روشی خاموش و تدریجی بوده و در بسیاری موارد، هدف مورد نفوذ، بدون آنکه خود بفهمد، طعمهٔ دشمنان قرار می‌گیرد. هزینهٔ نظامی در این روش، به شدت کاهش پیدا کرده و مهم‌تر از همه، دشمن هیچ‌گاه به شکل واضح و روشن، آشکار نمی‌شود و به همین دلیل، شناسایی و طرد نمی‌شود.

نفوذ می‌تواند مربوط به یک شخص و موردی باشد. در این نوع نفوذ، جبههٔ دشمن بر یک فرد تمرکز کرده و با انواع مختلفی از روش‌های فریبنده، مانند پول، مقام، جاذبه‌های جنسی یا با اقناع ذهن وی، بر فکر و ارادهٔ هدف او تسلط می‌یابد. چنین فردی، دیگر نیرویی از نیروهای دشمن بوده و خواسته یا ناخواسته، طبق اهداف دشمن عمل خواهد کرد. نفوذ فردی و موردی، در مواردی که فرد مورد هدف قرار گرفته از موقعیت سیاسی یا مذهبی یا اقتصادی خاصی برخوردار باشد، تأثیرگذاری چندین برابری خواهد داشت.

۱ـ در جنگ نرم، به جای آنکه جسم و بدن دو طرف جنگ در مواجهه‌ای نظامی در مقابل یکدیگر قرار گیرد، افکار، باورها، عواطف و اراده‌های دو طرف در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرد. در این جنگ، هر فردی که شکست بخورد، کشته نمی‌شود، بلکه وارد نیروهای جبههٔ مقابل شده است.

گاهی نیز نفوذ به شکل جمعی و جریانی طراحی می‌شود. در این نوع نفوذ، سیستم فکری و محاسباتی یک گروه از افراد انسانی و حتی در مواردی، نظام فکری یک جامعه، مورد هدف قرار می‌گیرد. ایجاد جریان‌های فکری مختلف فرهنگی، سیاسی و مذهبی که با باورها، آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه هدف متفاوت و مخالف است، از پیامدهای جدی این نوع نفوذ است که در آن، از روش‌های مختلف تبلیغی و رسانه‌ای به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارها استفاده می‌شود. در نفوذ جمعی، مردم و افراد گروه هدف، به شکلی فکر کرده و زندگی می‌کنند که در مسیر اهداف دشمن قرار دارد.

تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران

پس از انتخاب ابوالحسن بنی‌صدر به عنوان نخستین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی علاوه بر تنفیذ حکم ریاست جمهوری وی، فرماندهی کل قوا و ریاست شورای انقلاب را نیز به او واگذار کردند. قرار گرفتن در چنین موقعیت و مقامی بنی‌صدر را چنان مغرور کرد که از پذیرش محمدعلی رجایی، چهرهٔ انقلابی و مورد اعتماد امام و مردم، برای نخست‌وزیری امتناع می‌ورزید، سرانجام، با اصرار نمایندگان مجلس شورای اسلامی رجایی نخست‌وزیر شد. بنی‌صدر سپس با اختلاف‌افکنی میان مسئولان و نهادهای نظام، روز به روز از خط امام فاصله گرفت و به گروه‌های منحرف و معاند، مانند سازمان مجاهدین خلق، نزدیک شد. با شروع جنگ تحمیلی نیز نیروهای سپاه پاسداران را در تنگنای مالی و تسلیحاتی قرار داد و زمینهٔ سقوط خرمشهر را فراهم آورد. این اعمال و رفتار سبب شد که امام خمینی او را از فرماندهی کل قوا برکنار کند. چند روز بعد هم نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت سیاسی او رأی دادند. این رأی به تأیید امام‌خمینی رسید و بنی‌صدر از منصب ریاست جمهوری نیز عزل گردید (خرداد ۱۳۶۰).

با خلع بنی‌صدر، محمد علی رجایی در دومین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد (۲ مرداد ۱۳۶۰) و محمد جواد باهنر را مأمور تشکیل کابینه کرد. دورهٔ ریاست جمهوری رجایی خیلی کوتاه بود؛ ایشان به همراه نخست‌وزیر و یاور انقلابی خود در انفجار دفتر نخست‌وزیری توسط منافقین در ۸ شهریور ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

پس از شهادت رئیس جمهور رجایی و نخست‌وزیر باهنر، مجلس شورای اسلامی آیت‌الله مهدوی کنی را به ریاست موقت هیئت دولت برگزید تا در ادارهٔ امور کشور و جنگ وقفه‌ای به وجود نیاید. اندکی بعد، مردم ایران در انتخابات سومین دورهٔ ریاست جمهوری بار دیگر با حضوری گسترده به پای صندوق‌های رأی رفتند و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای را به ریاست جمهوری اسلامی برگزیدند (۱۰ مهر ۱۳۶۰). ایشان نیز میرحسین موسوی را برای تصدی منصب نخست‌وزیری به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد. آیت‌الله خامنه‌ای دو دور متوالی در سمت ریاست جمهوری اسلامی باقی ماند (۱۳۶۰ــ ۱۳۶۸ش). در این دوره، ثبات سیاسی و امنیتی بیشتری ایجاد شد و ادارهٔ امور جنگ با توان و موفقیت بیشتر به انجام رسید. همچنین در دورهٔ مذکور دانشگاه‌ها که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تعطیل شده بودند، بازگشایی شدند (مهر ۱۳۶۲).

با بروز پاره‌ای از اختلاف‌ها میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان مشکلاتی در ادارهٔ کشور به وجود آمد. ازاین‌رو، به فرمان حضرت امام مجمع تشخیص مصلحت، مرکب از مسئولان عالی‌رتبهٔ کشور و صاحب‌نظران برجسته، تشکیل شد تا به اختلافات میان مجلس و شورای نگهبان رسیدگی کند.

بیشتر بدانیم

بازنگری در قانون اساسی

در اواخر زندگانی حضرت امام، عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای عالی قضایی از ایشان درخواست کردند که قانون اساسی بازنگری و اصلاح شود. امام خمینی در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۸، هیئتی متشکل از ۲۰ نفر از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و ۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی را مأمور این کار کردند. هنوز فعالیت این هیئت به پایان نرسیده بود که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی از دنیا رفتند، اما روند بازنگری و اصلاح قانون اساسی ادامه یافت. مهم‌ترین تغییر و اصلاحی که در قانون اساسی صورت گرفت، حذف منصب نخست‌وزیری و سپردن ریاست هیئت دولت به رئیس جمهور بود. همچنین شرط مرجعیت از شرایط رهبری حذف شد. سرانجام با نظر مساعد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب، همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی در ۶ مرداد ۱۳۶۸ برگزار شد و مردم به آن رأی مثبت دادند. هم زمان با این همه‌پرسی، انتخابات پنجمین دورهٔ ریاست جمهوری نیز انجام گرفت و حجت‌الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان چهارمین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد.

ارتحال امام خمینی قدس‌سره و انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری

امام خمینی در شامگاه ۱۳ خرداد ۱۳۶۸ بعد از یک دوره بیماری در ۸۷ سالگی از دنیا رفتند. خبر ارتحال حضرت امام را یادگار گرامی ایشان حجت‌الاسلام سید احمد خمینی صبح روز بعد به اطلاع مردم ایران و جهان رساند. دو روز بعد، پیکر مطهر امام شهیدان در میان حزن و اندوه میلیون‌ها نفر از تشییع‌کنندگان در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

بلافاصله پس از رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان رهبری تشکیل جلسه داد و با اکثریت قریب به اتفاق آرا، حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای را به دلیل داشتن شرایط و ویژگی‌های مندرج در اصل یکصد و نهم قانون اساسی[1] به مقام رهبری برگزید (۱۴ خرداد ۱۳۶۸).

نمایی از تشییع جنازهٔ میلیونی امام خمینی قدس‌سره

۱ــ این شرایط عبارت‌اند از: اجتهاد، عدالت، تقوا، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، درایت، تدبیر، شجاعت و توانمندی‌های مدیریتی.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هنگام خواندن وصیت‌نامهٔ حضرت امام در مجلس خبرگان ۱۴ خرداد ۱۳۶۸

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدای نهضت تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان شاگرد و پیرو حضرت امام خمینی ﷺ حضور و نقش فعالی در مبارزه با رژیم پهلوی داشتند؛ ازاین‌رو، بارها دستگیر، زندانی و تبعید شدند. ایشان در دوران جمهوری اسلامی و در شرایطی که کشور گرفتار توطئه‌های پیچیدهٔ دشمنان خارجی و ضد انقلاب داخلی و نیز جنگ تحمیلی بود، همچون یاوری بصیر و ثابت‌قدم در خدمت انقلاب و حضرت امام بودند و مسئولیت‌های خطیری را عهده‌دار شدند که از جملهٔ آنها دو دوره ریاست جمهوری است. معظم‌له در تیر ۱۳۶۰، هدف حملهٔ تروریستی مجاهدین خلق قرار گرفتند که به شدت جراحت برداشتند و به شرف جانبازی انقلاب اسلامی نایل آمدند.

خبرگان ملت بر اساس چنین ویژگی‌ها و سوابقی، ایشان را برای رهبری انقلاب اسلامی، صالح، شایسته و لایق تشخیص دادند.

بیشتر بدانیم

یادگار حضرت امام

حاج سید احمد خمینی

حجت‌الاسلام سید احمد خمینی در ۲۴ اسفند ۱۳۲۴ در قم به دنیا آمد. تحصیلات دورهٔ ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذرانید و از دبیرستان حکیم نظامی قم در رشتهٔ طبیعی (علوم تجربی) دیپلم گرفت. هم‌زمان با تحصیل در دبیرستان، ورزش فوتبال را نیز با جدیّت دنبال کرد. ایشان پس از اخذ دیپلم، تحصیلات حوزوی را پی گرفت. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، علاقه‌اش به سیاست و عزمش را به مبارزه با حکومت پهلوی بیش از گذشته آشکار ساخت. حاج سید احمد آقا از سال ۱۳۴۳ و به دنبال دستگیری و تبعید رهبر نهضت اسلامی، امام خمینی، و برادر بزرگش، حاج‌آقا مصطفی خمینی، به ترکیه و سپس عراق، مسئولیت‌های سنگینی را در خانوادهٔ حضرت امام و نیز در عرصهٔ مبارزه با حکومت ستم‌شاهی بر عهده گرفت. به همین دلیل ساواک فعالیت‌هایش را زیر نظر گرفته بود. با این حال، او با تیزبینی و درایت دستورات امام را انجام می‌داد.

حاج سید احمد آقا در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶، برای درک محضر پدر و انتقال پیام‌های ایشان چندین بار به عراق سفر کرد. در ضمن این سفرها، به بهره‌گیری از محضر مدرسان مقیم عتبات عالیات و تکمیل تحصیلات علوم دینی همت گمارد. در جریان این رفت و آمدها، چندبار عوامل ساواک او را بازداشت و زندانی کردند. ایشان در سال ۱۳۵۲ش، سفر کوتاهی به لبنان داشت و در ضمن این سفر با امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، مصطفی چمران و دیگر مبارزان گفت‌وگو کرد. وی در سال ۱۳۵۶ش، به عراق رفت و در کنار رهبر انقلاب ماند. در سال ۱۳۵۷ش به همراه امام راهی پاریس شد و سپس همراه ایشان به ایران بازگشت. حاج سید احمد خمینی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران رهبری امام خمینی، در تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی و نیز انتقال اخبار و اطلاعات به حضرت امام نقش بسزایی داشت. ایشان روز ۲۱ اسفند ۱۳۷۳ دچار عارضهٔ قلبی و تنفسی شد. چهار روز بعد جان به جان‌آفرین تسلیم کرد و پیکرش در جوار تربت مطهر حضرت امام خمینی آرام گرفت.

پرسش‌های نمونه

۱ـ نقش و جایگاه مردم را در روند استقرار نظام جمهوری اسلامی توضیح دهید.

۲ـ چرا با وجود قانون اساسی مشروطه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی قانون اساسی جدیدی تدوین و تصویب شد؟

۳ـ علت تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام و پیامد سیاسی مهم آن در بعد داخلی چه بود؟

۴ـ چه ارتباطی میان اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و تأسیس نهادهای انقلابی وجود داشت؟

۵ـ به نظر شما علت استقامت نظام جمهوری اسلامی در برابر توطئه‌ها و دسیسه‌های سهمگین دشمنان داخلی و خارجی در دههٔ ۱۳۶۰ ش چه بوده است؟

۶ـ از دیدگاه شما مهم‌ترین آسیب‌هایی که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کنند، کدام‌اند؟

درس ۱۲

جنگ تحمیلی و دفاع مقدس[1]

جنگ تحمیلی رژیم بعثی[2] عراق علیه ایران و دفاع مقدس ایرانیان در برابر نیروهای متجاوز بیگانه یکی از رخدادهای مهم و عبرت‌آموز تاریخ پر فراز و نشیب ایران به شمار می‌رود. با وجود اینکه قدرت‌های بزرگ و بسیاری از دیگر کشورها در این جنگ از صدام حمایت می‌کردند، ایرانیان با اتحاد و یکدلی به دفاع از میهن خود برخاستند و اجازه ندادند که یک وجب از خاکشان از دست برود. شما در این درس علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی و گوشه‌ای از اقدامات ملت ایران در دوران دفاع مقدس را بررسی و تحلیل خواهید کرد.

فعّالیت ۱

با راهنمایی دبیر دربارهٔ اهداف و انگیزه‌های صدام و حامیان خارجی او از تحمیل جنگ بر کشور ما با توجه به شرایط داخلی آن زمان ایران گفت‌وگو کنید.

شروع جنگ تحمیلی

کشورکنونی عراق پس از جنگ جهانی اول و تجزیهٔ امپراتوری عثمانی، تحت قیمومیت انگلستان شکل گرفت. با تأسیس این کشور، اختلافات مرزی با ایران که از دوران عثمانی به وجود آمده بود، همچنان ادامه یافت. در سال ۱۳۵۴ش (۱۹۷۵م) ایران و عراق برای پایان دادن به اختلافات مرزی و رفع مناقشه بر سر اروندرود،قراردادی را با میانجیگری دولت الجزایر امضا کردند.[3]

تهاجم هوایی و زمینی ارتش بعثی صدام به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

۱ــ این درس با همکاری پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس تدوین شده است.

۲ــ بعثی منسوب به حزب بعث است که در سال ۱۹۶۸ م/ ۱۳۴۷ ش از طریق کودتا در عراق به قدرت رسید و احمدحسن‌البکر دبیر کل آن حزب رئیس‌جمهور شد. حسن‌البکر در سال ۱۹۷۹ م/ ۱۳۵۸ ش تمام مسئولیت‌های حزبی و دولتی خود را به معاونش، صدام حسین عبدالمجید تکریتی، واگذار کرد. صدام تا سال ۲۰۰۳م/ ۱۳۸۲ ش که با حملهٔ نظامی ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا سرنگون شد، به‌صورت دیکتاتوری حکومت می‌کرد.

۳ــ این قرارداد به قرارداد ۱۹۷۵ یا قرارداد الجزایر (الجزیره) معروف است و صدام که معاون رئیس‌جمهور عراق بود، به نمایندگی از آن کشور آن را امضا کرد. براساس قرارداد الجزایر، ایران و عراق توافق کردند که خط تالوگ ــ خطی که از عمیق‌ترین نقاط رود می‌گذرد ــ مرز دو کشور در اروندرود باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان خارجی و در رأس آنها آمریکا که نتوانسته بودند مانع استقرار و استحکام نظام جمهوری اسلامی شوند، صدام را به مقابلهٔ نظامی با ایران تشویق کردند. ازاین‌رو، صدام در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ دستور حمله به ایران را صادر کرد و در پی آن، ارتش بعثی عراق از زمین و هوا به میهن عزیز ما هجوم آورد و جنگ تحمیلی آغاز شد[1].

پیش از این نیز نیروهای ارتش بعثی عراق صدها بار از زمین و هوا و دریا به ایران حمله و صدها تن از مرزداران و مرزنشینان ایرانی را شهید، مجروح و اسیر کرده بودند.

انگیزه و اهداف صدام از تحمیل جنگ بر ایران

مهم‌ترین انگیزهٔ صدام برای هجوم نظامی به ایران و هدف‌های او از این هجوم عبارت بودند از :

۱ــ حاکمیت بر آبراه مهم اروندرود، دسترسی و تسلط بر خلیج فارس و جدایی جزایر سه‌گانهٔ ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ و استان خوزستان از ایران؛

۲ــ تضعیف و نابودی انقلاب اسلامی و جلوگیری از انتشار افکار انقلابی در میان مردم عراق و مسلمانان سایر کشورها؛

۳ــ رسیدن به رهبری جهان عرب و ایفای نقش ژاندارمی در منطقه.

فعّالیت ۲

ارزیابی و تحلیل

با توجه به سخنان امام خمینی رحمه‌الله، همفکری کنید و بگویید انگیزه و هدف صدام از اینکه در آغاز جنگ تحمیلی خود را «سردار قادسیه» می‌نامید، چه بود؟

«صدام هم پیش خود فکر کرد و شیطان‌های بزرگ هم این فکر را در او تقویت کردند که تو به ایرانی که الآن به‌هم‌خورده و هرج و مرج است و ارتشی ندارد، حمله کن و اسم خودت را مثل سعد وقاص[1] کن و خودت را فاتح قادسیه بخوان» (صحیفهٔ امام، ج ۱۶، ص ۹۲).

۱ــ سعدابن ابی وقاص؛ فرماندهی سپاه اعراب مسلمان در مقابل ساسانیان در نبرد قادسیه را بر عهده داشت.

وضعیت نیروهای نظامی ایران در ابتدای جنگ

جنگ تحمیلی در شرایطی آغاز شد که کشور ما دوران حساس و دشوار پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط حکومت شاهنشاهی را می‌گذراند. ارتش و ژاندارمری به دلیل تصفیه یا فرار فرماندهان و بسیاری از افسران آمادگی کامل برای رویارویی با جنگی بزرگ را نداشتند. نیروی جوان و تازه تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با وجود محدودیت‌های تشکیلاتی، تجهیزاتی و تدارکاتی، سخت درگیر مقابله با آشوب‌های ضدانقلاب بود و نیروی مردمی بسیج نیز در حال شکل‌گیری بود.

صدام با این توهّم که نیروهای مسلح ایران آمادگی و توان مقابله با ارتش او را ندارند، با پشت‌گرمی به حمایت سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی سایر کشورها، به ویژه آمریکا و شوروی سابق، تصور می‌کرد که در مدت کوتاهی به هدف‌های خود می‌رسد. اعترافات افسران اسیر عراقی نشان می‌دهد که صدام مصمم بود با یک تهاجم برق‌آسا در مدت پنج تا شش هفته خوزستان را تسخیر کند و بخشی از اهداف خود را محقق سازد.

مجامع بین‌المللی و جنگ تحمیلی

مجامع بین‌المللی و در رأس آن شورای امنیت سازمان ملل متحد که مسئولیت حفظ صلح و امنیت جهانی و جلوگیری از تجاوز دولت‌ها به دیگر کشورها را برعهده دارد، در برابر

۱ــ هم‌زمان با شروع حملات هوایی به فرودگاه‌ها و مراکز مهم در تهران، اصفهان، شیراز، اهواز، همدان، تبریز، سنندج، بوشهر، کرمانشاه و امیدیه، نیروی زمینی عراق نیز تهاجم خود را با ۱۲ لشکر (۵ لشکر زرهی، ۵ لشکر پیاده و ۲ لشکر مکانیزه) و یک تیپ نیروی گارد ریاست جمهوری، در طول ۱۲۰۰ کیلومتر نوار مرزی آغاز کرد اما بیشترین فشار در جبههٔ جنوبی برای اشغال خوزستان وارد می‌شد.

یورش آشکار نیروهای رژیم بعثی عراق به خاک ایران به صورت قاطع و مؤثر به وظایف رسمی و قانونی خود عمل نکرد. این شورا چند روز پس از شروع جنگ تحمیلی با صدور قطعنامه‌ای، بدون آنکه تجاوز نیروهای بعثی به خاک ایران را محکوم کند و از دولت متجاوز بخواهد که از مناطق اشغالی عقب‌نشینی نماید، تنها دو کشور را به خودداری از ادامهٔ جنگ و تلاش برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات فراخواند.

فعّالیت ۳

بررسی شواهد و مدارک

مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد دربارهٔ جنگ تحمیلی صدام علیه ایران و تهاجم نظامی صدام به کویت را بخوانید و تفاوت‌های آنها را با ذکر دلیل بیان کنید.

الف) قطعنامهٔ ۴۷۹ (۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰/ ۶ مهر ۱۳۵۹):

۱ـ از ایران و عراق می‌خواهد از هرگونه کاربرد زور به فوریت خودداری کنند و مناقشهٔ خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین‌المللی حل نمایند.

۲ـ از آنها مصرانه می‌خواهد هر پیشنهاد مناسب در مورد میانجیگری، سازش یا توسل به نهادهای منطقه‌ای و یا دیگر راه‌های مسالمت‌آمیز را بنا به انتخاب خود، که اجرای تعهداتشان را بر اساس منشور سازمان ملل تسهیل کند، بپذیرند.

۳ـ از کلیهٔ کشورهای دیگر می‌خواهد حداکثر خویشتن‌داری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر مناقشه منجر شود، خودداری کنند؛

۴ـ از کوشش‌های دبیر کل و پیشنهاد وی در مورد مساعی جمیله برای حل این وضعیت پشتیبانی می‌کند.

ب) قطعنامهٔ ۶۶۰ (۲ اوت ۱۹۹۰/ ۱۳ مرداد ۱۳۶۹) که بلافاصله پس از حملهٔ صدام به کویت صادر شد:

۱ـ تهاجم عراق به کویت را محکوم می‌کند.

۲ـ از عراق می‌خواهد تمام نیروهای خود را بی‌درنگ و بدون قید و شرط از کویت بیرون ببرد.

۳ـ عراق و کویت را متعهد می‌کند که بلافاصله مذاکرات فشرده‌ای را برای حل اختلافات خود آغاز کنند.

۴ـ تصمیم می‌گیرد که مجدداً و در صورت نیاز تشکیل جلسه دهد تا اتخاذ دیگر تدابیر لازم را برای اجرای این قطعنامه بررسی کند.

در طول هشت سال جنگ تحمیلی، قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا، شوروی سابق، فرانسه، آلمان و انگلستان، علاوه بر دادن انواع سلاح‌های پیشرفته و حتی تسلیحات شیمیایی به حکومت بعثی عراق، از نظر سیاسی نیز آشکار و پنهان از این رژیم جانب‌داری کردند. برخی از کشورهای منطقهٔ خلیج فارس نیز به اشکال مختلف به صدام یاری رساندند. بعضی از کشورها هم به‌ظاهر سیاست بی‌طرفی در پیش گرفتند ولی در موارد متعدد از سیاست‌های تجاوزکارانهٔ صدام حمایت می‌کردند.

دفاع مقدس ملت ایران

بلافاصله پس از شروع جنگ تحمیلی، مردم و نیروهای مسلح ایران به فرمان امام خمینی قدس‌سره لبیک گفتند و آمادهٔ نبرد با دشمن متجاوز و دفاع از مرز و بوم خود شدند. حضرت امام قدس‌سره برای خنثی کردن جنگ روانی ناشی از حملات نظامی

شهید مصطفی چمران

ارتش بعثی، صدام را دزدی خواندند که آمده و سنگی انداخته است، و مردم را به آرامش و آمادگی برای دفاع فراخواندند.
نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی از نخستین ساعت‌های شروع جنگ وارد عمل شد و با رشادت و شجاعت تمام، ضربهٔ مُهلکی به رژیم صدام وارد آورد.[1] در جبههٔ زمینی نیز رزمندگان ارتش، سپاه پاسداران و ژاندارمری به همراه مردم شهرها و روستاهای مرزی، عشایر غیور و نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم، که شهید مصطفی چمران آنها را فرماندهی می‌کرد، به مقابله با دشمن شتافتند و پیشروی نیروهای عراقی را متوقف و یا کند کردند. در خرمشهر، مدافعان این شهر اغلب با ساده‌ترین سلاح‌ها بیش از یک ماه کوچه به کوچه و خیابان به خیابان در برابر ارتشی که مجهز به انواع تسلیحات و تجهیزات بود، ایستادند.

بیشتر بدانیم

جلوگیری از برگزاری نشست سران جنبش عدم تعهد در بغداد

صدام پیش از آغاز جنگ تحمیلی و در نشست سران جنبش عدم تعهد در هاوانا (پایتخت کوبا)، میزبانی نشست بعدی را در بغداد بر عهده گرفت. با نزدیک شدن به زمان برگزاری این نشست، در ۳۰ تیر ۱۳۶۱، شش خلبان شجاع و فداکار نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با سه فروند هواپیمای جنگی با هدف ناامن نشان‌دادن بغداد و جلوگیری از نشست سران جنبش عدم تعهد در پایتخت عراق، آمادهٔ عملیات شدند. یکی از این خلبانان **شهید عباس دوران** بود که در دو سال نخست جنگ، بیش از ۱۲۰ عملیات هوایی موفقیت‌آمیز علیه دشمن بعثی انجام داده بود. هواپیمای دوران در جریان این عملیات و پس از بمباران پالایشگاه بغداد، هدف اصابت موشک پدافند هوایی نیروهای بعثی قرار گرفت. این خلبان رشید با وجود اینکه می‌توانست با استفاده از چتر نجات سالم فرود آید، هواپیمای در حال سقوط را صاعقه‌وار به مکانی نزدیک محل برگزاری نشست سران عدم تعهد کوبید و رؤیای صدام را برای تشکیل آن نشست در بغداد و ریاست بر آن به باد داد.

خلبان شهید عباس دوران

دریادلان نیروی دریایی ارتش نیز در نخستین ماه‌های جنگ، با پشتیبانی نیروی هوایی در عملیاتی موسوم به «مروارید» با رشادت تمام، اسکله‌های عراق را منهدم و نیروی دریایی صدام را نابود کردند.
در نتیجهٔ مقاومت شجاعانه و دلاورانهٔ نیروهای مسلح و مردم ایران، رؤیای صدام برای فتح سریع خوزستان و دیگر استان‌های مرزی ایران به باد رفت و نیروهای متجاوز فقط موفق به اشغال بخش‌هایی از مناطق مرزی، از جمله شهر خرمشهر، شدند.

شهید محمدابراهیم همتی فرماندهٔ ناوچهٔ پیکان که در عملیات مروارید به شهادت رسید.

۱ــ نیروی هوایی ایران بعدازظهر روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، چند ساعت پس از شروع جنگ، به هدف‌هایی در خاک عراق حمله کرد. روز بعد نیز خلبانان ایرانی با ۱۴۰ فروند هواپیما، پایگاه‌های هوایی و مراکز ارتباطی و راداری رژیم بعثی را بمباران کردند. در روزهای سوم و چهارم مهر ۱۳۵۹ نیز ده‌ها فروند هواپیمای ایرانی مواضع مهم نظامی و برخی تأسیسات نفتی صدام را منهدم کردند. همچنین پدافند هوایی ایران ده‌ها فروند از هواپیماهای عراقی را سرنگون نمود.

آزادسازی مناطق اشغالی

پس از آنکه بنی‌صدر از مقام فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری عزل شد و اوضاع سیاسی کشور ثبات و آرامش یافت، رزمندگان اسلام با شجاعت و صلابت عزم خود را برای بیرون راندن دشمن متجاوز از خاک میهن عزیزمان جزم کردند. نخست، امام خمینی قدس‌سره به عنوان فرمانده کل قوا، فرمان شکستن محاصرهٔ آبادان را صادر کردند؛ پس از آن رزمندگان ارتش، سپاه و بسیج در عملیاتی برق آسا، آبادان را از محاصرهٔ نیروهای متجاوز صدام نجات دادند.[1] دلاورمردان ایران زمین سپس در چندین رشته عملیات غرورآفرین که مهم‌ترین آنها **فتح‌المبین**[2] و **بیت‌المقدس** بودند، صدها کیلومتر مربع از خاک ایران را از اشغال ارتش بعثی آزاد کردند. اوج حماسهٔ دفاع مقدس ملت ایران در عملیات بیت‌المقدس (سوم خرداد ۱۳۶۱) و با آزادی خونین‌شهر (خرمشهر) از اسارت دشمن بعثی رقم خورد و برگ زرینی در دفاع از ایران در تاریخ معاصر ثبت شد.

فرنگیس حیدرپور شیرزن اهل گیلان غرب که با تبر، یک سرباز بعثی را کشت و دیگری را اسیر کرد.

شهیدان امیر سپهبد علی صیادشیرازی و سردار سرلشکر حسن باقری

خرمشهر پس از آزادی- سوم خرداد ۱۳۶۱

شادی دانش‌آموزان پس از آزادی خرمشهر

۱ـ عملیات ثامن‌الائمه (علیه‌السّلام)، مهر ۱۳۶۰

۲ـ فروردین ۱۳۶۱

پس از آزادسازی خرمشهر، جنگ وارد مرحلهٔ تازه‌ای شد؛ از یک سو موفقیت‌های نظامی رزمندگان ایرانی ادامه یافت و از سوی دیگر، حامیان خارجی صدام برای جلوگیری از سقوط رژیم بعثی عراق، انواع تجهیزات نظامی پیشرفته از قبیل: هواپیماهای جنگی، موشک‌های دوربرد و سلاح‌های میکروبی و شیمیایی را در اختیار این رژیم گذاشتند. به دنبال باز پس‌گیری خرمشهر، جمهوری‌اسلامی ایران برای پایان دادن به جنگ و خون‌ریزی و رسیدن به حقوق خود، شروطی[1] را مطرح کرد که مورد بی‌اعتنایی مجامع بین‌المللی و دیکتاتور عراق واقع شد. صدام پس از آن با حمایت بیشتر قدرت‌های بزرگ به بمباران و موشک باران شهرها و استفاده از بمب‌های شیمیایی روی آورد که در قوانین و عرف بین‌الملل ممنوع بود. بمباران شیمیایی شهر سردشت در استان آذربایجان غربی، روستای زرده از توابع شهرستان دالاهو در استان کرمانشاه و شهر حَلَبْچه در کردستان عراق، از جملهٔ جنایت‌های جنگی حکومت بعثی عراق به‌شمار می‌رود.

جدول تعدادی از عملیات‌های رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس

	نام عملیات	رمز عملیات	تاریخ عملیات	منطقهٔ عملیات
۱	عملیات نصر		۱۵ دی تا ۱۸ دی ۱۳۵۹	هویزه ــ کرخه ــ دشت آزادگان
۲	فرمانده کل قوا	فرمانده کل قوا، خمینی روح‌خدا	۲۱ تا ۲۵ خرداد ۱۳۶۰	جنوب دارخُوین
۳	ثامن‌الائمه	نصر من الله و فتح قریب	۵ مهر ۱۳۶۰	شمال آبادان
۴	طریق‌القدس	یا حسین علیه‌السلام	۸ تا ۲۲ آذر ۱۳۶۰	شمال غربی اهواز ــ غرب سوسنگرد
۵	فتح‌المبین	یا زهرا علیهاالسلام	۲ تا ۱۰ فروردین ۱۳۶۱	غرب شوش و دزفول
۶	بیت‌المقدس	یا علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام – یا محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله در مرحلهٔ سوم	۱۰ اردیبهشت تا ۳ خرداد ۱۳۶۱	غرب کارون
۷	رمضان	یا صاحب‌الزمان عجل‌الله‌فرجه ادرکنی	۲۴ تیر تا ۷ مرداد ۱۳۶۱	شرق بصره
۸	مسلم بن عقیل	یا ابوالفضل العباس	۹ تا ۱۳ مهر ۱۳۶۱	غرب سومار
۹	محرم	یا زینب علیهاالسلام	۱۰ تا ۲۰ آبان ۱۳۶۱	موسیان و جنوب شرقی دهلران
۱۰	خیبر	یا رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله	۳ تا ۲۲ اسفند ۱۳۶۲	منطقهٔ هورالهویزه
۱۱	بدر	یا فاطمه الزهرا علیهاالسلام	۱۹ تا ۲۶ اسفند ۱۳۶۳	غرب هورالهویزه
۱۲	والفجر ۸	یا فاطمه الزهرا علیهاالسلام	۲۰ بهمن ۱۳۶۴ تا ۹ اردیبهشت ۱۳۶۵	اروندرود و منطقهٔ فاو
۱۳	کربلای ۱	یا ابوالفضل العباس ادرکنی	۹ تا ۱۹ تیر ۱۳۶۵	منطقهٔ مهران
۱۴	کربلای ۳	حسبنا الله و نعم الوکیل	۱۱ شهریور ۱۳۶۵	اروندرود– اسکله‌های الامیه و البکر
۱۵	کربلای ۴	یا رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله	۳ دی ۱۳۶۵	جنوب و غرب خرمشهر
۱۶	کربلای ۵	یا فاطمه الزهرا علیهاالسلام	۱۹ دی تا ۴ اسفند ۱۳۶۵	منطقهٔ شلمچه
۱۷	کربلای ۱۰	یا صاحب‌الزمان ادرکنی	۲۵ فروردین تا ۵ اردیبهشت ۱۳۶۶	منطقهٔ ماووت سلیمانیهٔ عراق
۱۸	نصر ۹	یا مولای متقیان	۲ آذر ۱۳۶۶	منطقهٔ حاج عمران
۱۹	والفجر ۱۰	یا الله یا الله یا الله	۲۴ تا ۲۹ اسفند ۱۳۶۶	منطقهٔ حلبچه تا سلیمانیهٔ عراق

بیشتر بدانیم

عملیات مِرْصاد

گروهک سازمان مجاهدین خلق که مردم آنان را منافقین نامیدند، در دوران دفاع مقدس از هیچ اقدامی علیه کشور و ملت ایران دریغ نورزید. این گروهک در آغاز جنگ با ایجاد آشوب و ترورِ شمار زیادی از مسئولان و مردم عادی، شرایطی را به وجود آورد که دشمن بعثی نهایت استفاده را از آن کرد. مجاهدین خلق سپس با خیانتی آشکار در عراق مستقر شدند و در خدمت صدام، دشمن ایران قرار گرفتند (۱۳۶۵). آنها به همراه نیروهای ارتش بعثی به اقدام‌های نظامی و جنایتکارانهٔ زیادی علیه مردم ایران و عراق دست زدند.

پس از اینکه دولت ایران قطعنامهٔ ۵۹۸ را پذیرفت، منافقین که این اقدام را نشانهٔ ضعف نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی می‌دانستند، با حمایت رژیم بعثی صدام تهاجم گسترده‌ای را از مرزهای غربی کشور ما آغاز کردند اما در عملیات مِرْصاد (کمینگاه) در حدفاصل شهرهای اسلام‌آباد و کرمانشاه از رزمندگان ایرانی شکست سختی خوردند و فقط عدهٔ کمی از آنان سالم ماندند و دوباره به دامن صدام پناه بردند. پس از سقوط صدام به برخی کشورهای اروپایی نقل مکان کرده‌اند و حمایت اربابان غربی آنها، بیش از پیش آشکار شده است.

۱ــ این شروط عبارت بودند از: عقب‌نشینی کامل نیروهای متجاوز از مناطق اشغالی ایران؛ شناسایی و تنبیه متجاوز؛ تعیین خسارات ناشی از تجاوز رژیم بعثی عراق

رهبری امام خمینی قدس‌سره در دفاع مقدس

امام خمینی قدس‌سره از ابتدای جنگ تحمیلی به‌صراحت اعلام کردند: «ما بر اساس اعتقاد و باور دینی خود اجازه نداریم به کشور دیگری تعدّی کنیم و میل داریم در همه جای دنیا صلح و صفا باشد اما اگر کشوری به ما تعدّی کرد، توی دهنش می‌زنیم».[1] بر اساس همین منطق نیز با شروع تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق از همهٔ قشرهای ملت خواستند که برای دفاع از ایران به‌سوی جبهه‌های نبرد بشتابند. همچنین به مسئولان توصیه کردند که جنگ را مسئلهٔ اصلی کشور بدانند و برای پیشبرد آن تا پیروزی نهایی بر دشمن، به رزمندگان و مردم یاری برسانند. اهتمام فراوان حضرت امام خمینی قدس‌سره بر تقویت بنیهٔ دفاعی و حمایت‌های ایشان برای بالا بردن کیفیت و کمیت امکانات و تجهیزات نظامی و تأمین بودجه‌های جنگ نیز از جمله تدابیر رهبری ایشان در طول دفاع مقدس بود که تا روزهای پایانی جنگ ادامه داشت، اما مهم‌ترین اقدام ایشان ایجاد تحول در روح و روان جوانان ایرانی بود. امام خمینی قدس‌سره با تمسک به مفاهیم جهاد و شهادت و یادآوری حماسهٔ عاشورا، میدان نبرد را به صحنهٔ نمایش رشادت و شجاعت جوانان ایرانی تبدیل کردند. آنان در سایهٔ ایمان و اعتقاد و خلاقیت خاص خویش همهٔ محاسبات نظامی رایج در دنیا را بر هم زدند و با طراحی و انجام‌دادن عملیات‌های خارق العادهٔ زمینی، هوایی و دریایی، افسران نظامی جهان را به شگفتی واداشتند. در نتیجهٔ رهبری امام خمینی قدس‌سره جلوه‌های زیبایی از ایثار و فداکاری در راه دین و میهن و همچنین تقویت انگیزهٔ جهاد و روحیهٔ شهادت‌طلبی در میان جوانان ایرانی به نمایش گذاشته شد. برخی از فرماندهان جوان دوران دفاع مقدس، امروز به نماد رشادت و مقاومت مردم سوریه و عراق علیه گروه‌های تکفیری و داعشی تبدیل شده‌اند.

سردار شهید حسین همدانی
(شهادت: ۱۳۹۶ ـ حلب سوریه)

سردار شهید حسن شاطری
(شهادت: ۱۳۹۱ ـ لبنان)

سردار شهید حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام‌حسین علیه‌السلام (شهادت: ۸ اسفند ۱۳۶۵ ـ شلمچه) و سردار شهید احمد کاظمی، فرمانده لشکر ۸ نجف‌اشرف (شهادت: دی ۱۳۸۴ ـ سانحه هوایی)

بیشتر بدانیم

مکتب حاج قاسم سلیمانی، مکتب مقاومت

سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی فرماندهی سخت‌کوش بود که از سالیان قبل در سمت یکی از فرماندهان جوان دفاع مقدس و سپس در مقام فرمانده سپاه قدس، تمام زندگی‌اش را صرف تحقق آرمان‌های بلند اسلام و انقلاب کرد.

علاوه بر توانایی بالای نظامی، اخلاق، ایمان و اخلاص این فرمانده شجاع باعث شده بود تا در جایگاه فردی محبوب

۱ـ **صحیفهٔ نور**، ج ۱۵، ص ۱۰۲

در میان ملت ایران و در واقع همه ملت‌های آزاده جهان شناخته شود.

شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی (شهادت: ۱۳۹۸ـ ترور به دست نیروهای آمریکایی پس از حضور در عراق به دعوت رسمی این کشور)

شکل‌گیری و تقویت هسته‌های مقاومت در منطقه تا حدی زیاد به تلاش‌های سپهبد سلیمانی مدیون است که از آن جمله می‌توان حزب‌الله لبنان، حَشْدُالشَعْبی عراق، فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان و ... را نام برد. از همین‌رو سرانجام استکبار جهانی به سرکردگی شیطان بزرگ، آمریکا، حضور این فرمانده عاشق امت و نظام اسلامی را تحمل نکرد و در اولین ساعات جمعه، ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ش در حمله موشکی ناجوانمردانه در فرودگاه بغداد او و برخی هم‌رزمانش در جبهه مقاومت از جمله ابومهدی‌المهندس را طی یک عملیات تروریستی به‌شهادت رساند و چنین بود که خون پاک این رهرو راستین اباعبدالله الحسین علیه‌السلام به‌دست شقی‌ترین آحاد بشر برزمین ریخته شد.

در تشییع پیکر مطهر سردار دل‌ها از نجف و کربلا تا مشهد و تهران و قم تا کرمان چنان جمعیتی حاضر شدند که در تاریخ بی‌سابقه است. این حضور بی‌سابقه به‌معنای حمایت از راه و هدف شهید سلیمانی و مهر تأییدی بود بر همراهی مستحکم مردم با رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در شروع گام دوم آن.

رهبر انقلاب این روز را یک «یوم‌الله» دیگر در تاریخ انقلاب اسلامی دانستند و در این باره فرمودند: «هر جا اخلاص بود، خدای متعال به اخلاص بندگان مخلصش برکت می‌دهد، کار برکت پیدا می‌کند، رشد و نمو پیدا می‌کند، کار به نحوی می‌شود که اثر آن به همه می‌رسد، برکات آن در میان مردم باقی می‌ماند؛ این ناشی از اخلاص است. نتیجه آن اخلاص، همین عشق و وفاداری مردم، همین اشک و آه مردم، همین حضور مردم، همین تازه شدنِ روحیه انقلابی مردم است. امّا اینکه ما بیاییم این حوادث را تقویم کنیم، قیمت‌گذاری کنیم، قدر آنها را بدانیم و ببینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است؛ درصورتی تحقّق پیدا می‌کند که ما به حاج قاسم سلیمانی، «شهید عزیز» و به ابومهدی، «شهید عزیز» به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس‌آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمیت و قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد. اگر این جور شد، آن وقت این اجتماع مردم، این تجلیل و تعظیم مردم، تکریم مردم معنای دیگری پیدا می‌کند... ملّت ایران نشان داد که از خطّ مجاهدت شجاعانه دفاع می‌کند، ملّت ایران نشان داد که به نمادهای مقاومت عشق می‌ورزد، ملّت ایران نشان داد که طرفدار مقاومت است، طرفدار تسلیم نیست.»[1]

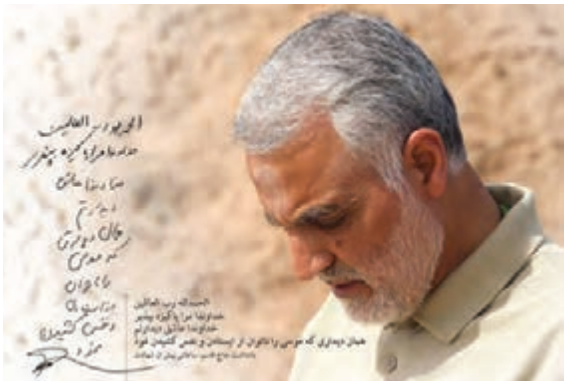

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

نقش مردم در دفاع مقدس

نقش مردم قهرمان ایران در طول هشت سال دفاع مقدس در دو زمینه قابل‌بررسی است :

۱ــ حضور مستقیم در خط مقدم جبهه و نبرد با دشمن متجاوز؛

۲ــ مشارکت در تأمین بخشی از هزینه‌های مادی جنگ از طریق کمک‌های داوطلبانه، به ویژه تهیه و تدارک پوشاک و خوراک برای رزمندگان.

ساخت پل شناور خیبر بر روی هور العظیم یکی از شاهکارهای مهندسی رزمی جهادگران در دوران دفاع مقدس بود.

حضور داوطلبانهٔ گروه‌ها و قشرهای مختلف مردم از سرتاسر ایران در جبهه‌های نبرد، کمک فراوانی به پیشبرد جنگ و کسب پیروزی کرد.

علاوه بر نیروهای بسیجی، جهادگرانِ جهاد سازندگی نیز داوطلبانه به جبهه رفتند. آنان که به سنگرسازان بی‌سنگر معروف بودند، مسئولیت مهم «مهندسی رزمی» را در دفاع مقدس به عهده گرفتند و به ایجاد خاکریز، پل‌ها و جاده‌ها و ساختن سنگر برای رزمندگان پرداختند.

در پشت جبهه نیز پزشکان و پرستاران با صبر و حوصلهٔ فراوان به مداوای رزمندگان همت گماشتند. بازاریان هم با کمک‌های مالی و تهیهٔ مایحتاج به رزمندگان در جبهه‌ها یاری می‌رساندند.

زنان ایرانی نقش مهمی در هشت سال دفاع مقدس بر عهده داشتند و کمک فراوانی به پیشبرد و موفقیت عملیات رزمندگان کردند. مهم‌ترین این خدمات عبارت بودند از :

۱ــ حضور در خط مقدم جبهه در سال‌های اول جنگ؛

۲ــ تشویق برادران، همسران و فرزندان خویش برای حضور در جبهه؛

۳ــ تهیه و آماده‌سازی خوراک و پوشاک رزمندگان؛

۴ــ پرستاری از رزمندگان مجروح در بیمارستان‌ها؛

۵ــ پاسداری از حریم خانواده در غیاب همسران رزمنده.

مشارکت مؤثر زنان در دفاع مقدس

حضور معلمان و دانش‌آموزان در دفاع مقدس

معلمان و دانش‌آموزان نیز نقش چشمگیر و تأثیرگذاری در هشت‌سال دفاع مقدس داشتند. در آن سال‌ها جبهه‌های جنگ شاهد حضور صدها هزار دانش‌آموز و معلم ایرانی بود که برای دفاع از کیان نظام اسلامی و سرزمین مادری به جبهه رفتند و در سنگرها نیز از درس و مشق غافل نماندند. در طول دفاع مقدس حدود ۲۵۰۰ معلم و نزدیک به ۳۶۰۰۰ دانش‌آموز به شهادت رسیدند و هزاران نفر هم جانباز، اسیر و جاویدالاثر شدند.

نوجوانان غواص قبل از عملیات

فعّالیت ۴

کاوش خارج از کلاس (تاریخ شفاهی دفاع مقدس)

الف) با یکی از افراد خانواده، فامیل، آشنا یا همسایه که در دفاع مقدس مشارکت داشته است، دربارهٔ انگیزه و هدف او از حضور در دفاع مقدس، فعالیت‌هایی که انجام داده است یا خاطراتش از آن دوره مصاحبه کنید و گزارش مکتوب آن را به کلاس ارائه دهید.

ب) با تحقیق دربارهٔ زندگی و شهادت یکی از شهدای دانش‌آموز محله یا روستای محل زندگی خود، گزارشی تهیه کنید.

با گردآوری خاطرات اعضای کلاس، مجلهٔ تاریخ شفاهی دفاع مقدس مدرسهٔ خود را تدوین کنید.

پایان جنگ تحمیلی

جنگ‌ها بر اثر علت‌های مختلف از جمله مناقشات تاریخی، سیاسی و اقتصادی آغاز می‌شوند و به همان‌گونه تحت تأثیر عوامل و شرایط گوناگون سیاسی، اقتصادی، نظامی و... به پایان می‌رسند.

در تیرماه ۱۳۶۷، امام خمینی رحمه‌الله پس از دریافت گزارش و نظر مشورتی فرماندهان نظامی و مسئولان سیاسی کشور به منظور پایان دادن به جنگ تحمیلی، قطعنامهٔ ۵۹۸[1] شورای امنیت سازمان ملل متحد را پذیرفت؛ اما صدام رئیس رژیم بعثی عراق که تا پیش از آن وانمود می‌کرد خواهان صلح و آتش بس است به نیروهای ارتش خود دستور داد به مناطقی از ایران در خوزستان و سایر نواحی مرزی حمله کنند. علاوه بر آن، گروهک تروریستی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را برای لشکرکشی به داخل خاک ایران تجهیز، تشویق و پشتیبانی کرد. پس از آنکه نیروهای مسلح و مردمی ایران با رشادت و فداکاری تمام در برابر یورش‌های دشمن متجاوز ایستادگی کردند و شکست سختی به آنان به ویژه منافقین وارد آوردند، صدام قطعنامهٔ ۵۹۸ را پذیرفت و اندکی بعد میان ایران و عراق آتش بس برقرار شد[2].

پس از برقراری آتش‌بس و دو سال مذاکره میان وزرای خارجه ایران و عراق، صدام در نامه‌ای به حجت‌الاسلام‌والمسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهوری وقت ایران، قرارداد الجزایر را بار دیگر به رسمیت شناخت و اظهار داشت که شما به هر آنچه که می‌خواستید، رسیدید. پس از آن، آزادگان عزیز با استقبال گرم مردم ایران به آغوش میهن اسلامی بازگشتند. در سال ۱۳۷۰ نیز سازمان ملل متحد رسماً رژیم بعثی عراق را به‌عنوان متجاوز و آغازکنندهٔ جنگ معرفی کرد. به این‌ترتیب، جنگ هشت‌ساله‌ای که صدام با حمایت آمریکا با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی و تصرف بخشی از خاک ایران آغاز کرده بود، با شکست خود او به پایان رسید و برای اولین بار در دویست سال اخیر، دشمنان در جداسازی حتی یک وجب از خاک ایران ناکام ماندند.

ورود گروهی از آزادگان(اسرا) به میهن عزیز

مجاهدین خلق (منافقین) و جنگ تحمیلی

در تاریخ جهان موارد معدودی از خیانت و همکاری افراد، گروه‌ها و یا احزاب سیاسی با دشمنان خارجی در زمان جنگ مشاهده شده است. گروهک سازمان مجاهدین خلق که مردم آنان را منافقین می‌نامند، از آن جمله است. منافقین در دوران جنگ تحمیلی

۱ــ این قطعنامه در ۲۹ تیر ۱۳۶۶/۲۰ ژوئیهٔ ۱۹۸۷ تصویب شد.

۲ــ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷

از هیچ اقدامی علیه کشور و مردم ایران دریغ نورزیدند. سران و اعضای این گروهک در خیانتی آشکار به عراق رفتند و در خدمت صدام قرار گرفتند (۱۳۶۵).

مهم‌ترین اقدامات مجاهدین خلق در دوران دفاع مقدس عبارت‌اند از :

۱ــ ایجاد آشوب در داخل کشور و ترور بسیاری از مسئولان و مردم عادی؛

۲ــ دادن اطلاعات سری و نظامی کشور به رژیم صدام و دیگر دشمنان خارجی؛

۳ــ همکاری نظامی با ارتش بعثی عراق در جنگ با ایران؛

۴ــ همکاری با ارتش بعثی در سرکوب و کشتار مخالفان صدام از جمله مبارزان کرد؛

۵ــ تهاجم به داخل خاک ایران[1] پس از پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد.

دستاوردهای دفاع مقدس

الف) نظامی

۱ــ تحول در حوزهٔ صنایع دفاعی (ساخت انواع موشک‌ها، پیشرفت در حوزهٔ هوا ــ فضا، افزایش توان پدافند هوایی)؛

۲ــ خودکفایی در تولید و ساخت نیازهای مختلف نظامی؛

۳ــ برخورداری از تجربیات تازه در زمینهٔ سازماندهی و آموزش نیروی انسانی داوطلب؛

۴ــ تقویت و تحکیم سازمان رزم نیروهای مسلح (ارتش، سپاه و نیروی انتظامی)؛

۵ــ شکوفایی استعدادهای بالقوه در فرماندهی جنگ و ظهور فرماندهان با استعداد.

ب) فرهنگی و معنوی

۱ــ تقویت اعتماد به نفس و احساس خود باوری و بروز خلاقیت در میان جوانان ایرانی

۲ــ تثبیت اقتدار نظام جمهوری اسلامی در دفاع از تمامیت ارضی کشور

پرسش‌های نمونه

۱ــ انگیزه و اهداف صدام از تحمیل جنگ به ایران چه بود؟

۲ــ مجامع بین المللی و کشورهای قدرتمند در برابر تهاجم ارتش رژیم بعثی عراق به خاک ایران چه واکنشی نشان دادند؟

۳ــ به نظر شما، چرا تمام اقوام، قشرها و گروه‌ها در سراسر ایران در دفاع مقدس مشارکت فراگیر و گسترده‌ای داشتند؟

۴ــ امام خمینی رحمه‌الله در مقام فرماندهی کل قوا چه نقشی در دوران دفاع مقدس داشتند؟

۵ــ با راهنمایی دبیر و استفاده از محتوای درس، نمودار خط زمان رویدادهای مهم دوران دفاع مقدس را ترسیم کنید.

۱ــ در پی اعلام پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، منافقین با پشتیبانی کامل تدارکاتی و تسلیحاتی ارتش صدام از طریق مرز قصر شیرین وارد خاک ایران شدند (۳ مرداد ۱۳۶۷) و تا ۳۰ کیلومتری شهر کرمانشاه پیش آمدند. اما در گردنهٔ چهارزبر، که پس از آن به تنگهٔ مرصاد (کمینگاه) معروف شد با مقاومت رزمندگان ایرانی روبه‌رو شدند و پس از شکستی مفتضحانه و با دادن تلفات زیاد به عراق گریختند (۶ مرداد ۱۳۶۷).

منـابـع و مـآخـذ

آبراهامیان، یرواند، **ایران بین دو انقلاب**، ترجمهٔ احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲ش.

ـــــــــ، **تاریخ ایران مدرن**، ترجمهٔ محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹ش.

آخوندزاده، فتحعلی‌خان، **مقالات فارسی**، به کوشش حمید محمدزاده، تهران، نگاه، ۱۳۵۵ش.

آدلر، فیلیپ جی، **تمدن‌های عالم**، ج ۲، ترجمهٔ محمد حسین آریا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳ش.

آداموا، آ. ت، **نگاره‌های ایرانی گنجینهٔ ارمتیاژ**، سدهٔ پانزدهم تا نوزدهم میلادی، ترجمهٔ زهره فیضی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶ش.

آدمیت، فریدون، **اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی**، تهران، کتابخانهٔ طهوری، ۱۳۶۶ش.

آرین‌پور، یحیی، **از صبا تا نیما** (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی)، ج ۱، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی ایران، ۱۳۵۱ش.

آصف (رستم‌الحکما)، محمد هاشم، **رستم‌التواریخ**، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۸ش.

آیرونساید، سر ادموند، **خاطرات و سفرنامه ژنرال آیرونساید در ایران**، ترجمهٔ بهروز قزوینی، تهران، نشر آینه، ۱۳۶۱ش.

استرآبادی، میرزا مهدی، **جهانگشای نادری**، به کوشش عبدالله انوار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۱ش.

اسناد سخن می‌گویند : **مجموعهٔ کامل اسناد سری مربوط به رویدادها در روابط خارجی ایران با ایالات متحده و انگلستان در دوران ...**، ج ۱، پژوهش و ترجمهٔ احمدعلی رجایی و مهین سروری، تهران، قلم، ۱۳۸۳ش.

اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ترجمهٔ جواد شیخ‌الاسلامی، ج ۱، تهران، مؤسسهٔ کیهان، ۱۳۶۸ش، ج ۲ و ۳، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۶۸ش و ۱۳۷۷ش.

اشپولر، برتولد و دیگران، **تاریخ نگاری در ایران**، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۹۲ش.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن‌خان، **صدرالتواریخ**، به اهتمام محمد مشیری، تهران، وحید، ۱۳۴۹ش.

الهی، همایون، **اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ش.

امین‌الدوله، میرزا علی‌خان، **خاطرات سیاسی**، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، زیر نظر ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰ش.

اوبن، اوژن، **ایران امروز** (۱۹۰۶ـ۱۹۰۷)، ترجمه، حواشی و توضیحات علی اصغر سعیدی، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱ش.

اوُوِری، ریچارد، **اطلس تاریخی قرن بیستم**، ترجمهٔ حسین شهرابی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۱ش.

بنجامین، اس . جی . **دبلیو، ایران و ایرانیان**، ترجمهٔ محمدحسین کردبچه، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۴ش.

پوراحمد، احمد، **جغرافیای عملیات ماندگار دفاع مقدس**، به اهتمام حسن رسولی منفرد، تهران، صریر، ۱۳۸۶ش.

پهلوی‌ها، **خاندان پهلوی به روایت اسناد**، ۳ج، به کوشش فرهاد رستمی، تهران، مؤسسهٔ فرهنگی، پژوهشی چاپ و نشر نظر، ۱۳۷۸-۱۳۸۲ش.

تحویلدار اصفهانی، میرزا حسین‌خان، **جغرافیای اصفهان**، جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.

تهامی‌نژاد، محمد، **سینمای ایران**، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰ش.

جونز، سر هار فورد، **آخرین روزهای لطفعلیخان زند**، ترجمهٔ هما ناطق و جان گرنی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶ش.

خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله، **تاریخ ذوالقرنین**، ج۱، نامهٔ خاقان، به تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰ش.

خورموجی، محمد جعفر، **حقایق‌الاخبار ناصری**، به کوشش حسین خدیوجم، تهران، نشر نی، ۱۳۶۳ش.

دان، راس‌ئی [و دیگران]، **تاریخ تمدن و فرهنگ جهان؛** پیوندهای فراسوی زمان و مکان، ج ۴، ترجمهٔ عبدالحسین آذرنگ، تهران، طرح نو، ۱۳۸۴ش.

دانشنامهٔ جهان اسلام، ج ۵، مدخل پهلوی؛ ج ۸، مدخل تهران؛ ج ۶، مدخل تاریخ/ تاریخ‌نگاری.

دولت‌آبادی، یحیی، **حیات یحیی**، ج ۱ـ۴، تهران، انتشارات عطار و فردوسی، چ۴، ۱۳۶۲ش.

روحانی، سیدحمید، **بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی**، ج ۱، بی‌جا، انتشارات راه امام، بی‌تا.

روحانیت و اسناد فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت، به کوشش گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا، قم، دارالفکر، [۱۳۵۸ش].

روزنامهٔ خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان، به کوشش محمداسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها، تهران، رسا، ۱۳۷۱ش.

سفرنامهٔ خراسانِ ناصرالدین‌شاه قاجار، به خط میرزا محمد رضا کلهر، تهران، میردشتی، ۱۳۷۸ش.

سفرنامهٔ دوم مظفرالدین شاه به فرنگ، با مقدمه و حواشی احمد خاتمی، تهران، نشر شهر، ۱۳۸۷ش.

سفرنامهٔ رضاقلی میرزا نوهٔ فتحعلی شاه، به کوشش اصغر فرمانفرمائی قاجار، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش.

سفرنامهٔ نیپور، ترجمهٔ پرویز رجبی، تهران، توکا، ۱۳۵۴ش.
سودآور، ابوالعلاء، **هنر دربارهای ایران**، ترجمهٔ ناهید محمدشمیرانی، تهران، نشر کارنگ، ۱۳۸۰ش.
شوستر، مورگان، **اختناق ایران**، ترجمهٔ ابوالحسن موسوی شوشتری، با تصحیح و مقدمه و حواشی و اسناد محرمانهٔ منتشر نشده در ایران توسط فرامرز برزگر و اسماعیل رائین، بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ۱۳۵۱ش.
صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ش.
غنی، سیروس، **ایران: برآمدن رضاخان / برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها**، ترجمهٔ حسن کامشاد، تهران انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۰ش.
فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ج ۱ـ۳، شورای کتاب کودک، زیر نظر توران میرهادی و ایرج جهانشاهی، نشر فرهنگنامه.
فوران، جان، **مقاومت شکننده**، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمهٔ احمد تدین، تهران، رسا، ۱۳۸۵ش.
فوگل، اشپیل، **تمدن مغرب زمین**، ج ۲، ترجمهٔ محمد حسین آریا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ش.
کسروی، احمد، **تاریخ مشروطه ایران**، احمد کسروی، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
کرزن، لرد، **ایران و قضیه ایران**، ج ۲، ترجمهٔ وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹ش.
کن بای، شیلا، **نقاشی ایرانی**، ترجمهٔ مهدی حسینی، تهران، دانشگاه هنر، ۱۳۸۲ش.
گنجنامه، دفتر سوم، بناهای مذهبی تهران، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه بهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۷ش.
گنجنامه، دفتر نهم، بخش اول، بناهای بازار، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بهشتی و انتشارات روزنه، ۱۳۸۳ش.
گنجنامه، دفتر هفدهم، کاروانسراها، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و انتشارات روزنه، ۱۳۸۴ش.
مستوفی، عبدالله، **شرح زندگانی من**، ۳ج، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۸ش.
مناشری، دیوید، **نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن**، ترجمهٔ محمد حسین بادامچی و عرفان مصلح، تهران، نشر حکمت سینا، ۱۳۹۷ ش.
یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه، به کوشش پرویز بدیعی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸ش.
یزدانی، سهراب، **مجاهدان مشروطه**، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸ش.

مقـــالات

اتحادیه، منصوره، «تحولات فرش دستباف ایران در دورهٔ قاجاریه (با تکیه بر بازار بین‌المللی فرش دستباف)»، **فصلنامهٔ علمی و پژوهشی مطالعات تاریخ فرهنگی**، سال دوم، شمارهٔ ۵، پاییز ۱۳۸۹.
اشرف، احمد، «ویژگی‌های شهرنشینی در ایران دورهٔ اسلامی» **نامهٔ علوم اجتماعی**، دورهٔ اول، شمارهٔ ۴۸، تیر ۱۳۵۲.
حیدری، احمدعلی، «جایگاه فلسفه در تاریخ فرهنگی ـ اجتماعی قاجار و تداوم آن در مکتب فلسفی متأخر تهران»، **فصلنامهٔ مطالعات فرهنگی**، سال ششم، شمارهٔ ۲۴، تابستان ۱۳۹۴.
رضوی خراسانی، سیدحسین، محمدرضا نصیری، داریوش رحمانیان و علی‌رضا صوفی، «لوطیان و نقش آنان در حوادث و آشوب‌های تهران در دوره‌ی مشروطیت»، **فصلنامهٔ علمی ــ پژوهشی مطالعات تاریخ فرهنگی**، سال ششم، شمارهٔ ۲۴، تابستان ۱۳۹۴.
علیزاده بیرجندی، زهرا و علی آرامجو، «رشد کشاورزی تجاری و پیامدهای آن در نیمهٔ دوم قاجاریه، مطالعه موردی: ولایات قاینات»، **فصلنامهٔ علمی ــ پژوهشی مطالعات تاریخ فرهنگی**، سال دوم، شمارهٔ ۷، بهار ۱۳۹۰.
فشاهی، محمدرضا، «نهضت ترجمه در عهد قاجار»، **نگین**، سال نهم، شمارهٔ ۹۹و۱۰۰، مرداد و شهریور ۱۳۵۲.
قدیمی‌قیداری، عباس، «تکوین جریان انتقاد بر تاریخ‌نویسی در عصر قاجار»، **پژوهشنامهٔ انجمن ایرانی تاریخ**، سال دوم، شمارهٔ۲، زمستان ۱۳۸۸.
نورایی، فرشته، «گفتگوی ملکم‌خان و لرد سالیسبوری»، **مجلهٔ بررسی‌های تاریخی**، سال ۶، شمارهٔ ۴، مهر و آبان ۱۳۵۰.
وزین‌افضل، مهدی و ذبیح‌الله اعظمی‌ساردویی، «ورود سیب‌زمینی به ایران تحولی اساسی در کشاورزی سنتی دورهٔ قاجاریه»، **فصلنامهٔ علمی ــ پژوهشی مطالعات تاریخ فرهنگی**، سال سوم، شمارهٔ ۱۲، تابستان ۱۳۹۱.

منـــابـع انگلیســی

The Splendour of Iran, Volume ۳, London, WITITW

سایت‌ها

مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران ..... www.iichs.ir
رشد، شبکهٔ ملی مدارس، ویژهٔ دانش‌آموزان و معلمان .... http: //roshd.ir
..... www.negahmedia.ir
..... https: //www.en.wikipedia.org

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان دربارهٔ کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانهٔ راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائهٔ نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت کننده در اعتبارسنجی کتاب تاریخ (۳) ـ کد ۱۱۲۲۱۹

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	مهرداد رونقی	گیلان	۲۸	احسان قاسمی	ایلام
۲	فرانک ستاری	کردستان	۲۹	لعیا ضابط	خراسان جنوبی
۳	خیام علیزاده اقدم	آذربایجان شرقی	۳۰	حسن‌علی اصغرزاده	اردبیل
۴	محمدناصح رضانژاد	کردستان	۳۱	سید جلیل فانی	یزد
۵	فرخنده عباسی	همدان	۳۲	زهرا شریفات	خوزستان
۶	شمسی شعبانی	کرمانشاه	۳۳	شهلا میر شریفی	سمنان
۷	محمد لطفی	البرز	۳۴	بهنام علی پور	کهگیلویه و بویراحمد
۸	فرح طالب بیگی	مرکزی	۳۵	سوسن نیکجو	خراسان رضوی
۹	احمد بندکه	مرکزی	۳۶	امیر اکرم محمدی	کرمانشاه
۱۰	سید اسدالله بال افکن	چهارمحال و بختیاری	۳۷	مهدی احمدی اختیار	اصفهان
۱۱	محمدحسن ابوالفتحی	همدان	۳۸	علی اکبر شهابادی	خراسان رضوی
۱۲	رضوان نعمتی	اصفهان	۳۹	ناهید آقابالاپور	آذربایجان شرقی
۱۳	کریم مرسلی هیدجی	قزوین	۴۰	محمد امیری	خوزستان
۱۴	حسین شکرزاده	آذربایجان غربی	۴۱	محمد ملاکی	بوشهر
۱۵	بهرام شفیعی	بوشهر	۴۲	فاطمه فرحبخش	کرمان
۱۶	معصومه ملاحسنی	قزوین	۴۳	لادن رمضانی	شهرستان‌های تهران
۱۷	حیدر احسانی	خراسان شمالی	۴۴	علی ابوسعیدی منوچهری	کرمان
۱۸	اکرم صالحی هیکویی	مازندران	۴۵	زهرا حسن مصفا	گیلان
۱۹	ماندانا فرهمند	ایلام	۴۶	عصمت برزگر	یزد
۲۰	محمدعلی شیوانسب	گلستان	۴۷	سارا سرحدی	سیستان و بلوچستان
۲۱	محمد بهمنش	تهران	۴۸	مژگان شفاعی	خوزستان
۲۲	مرجان شاهی	هرمزگان	۴۹	علی نادریان فر	سیستان و بلوچستان
۲۳	فاطمه تقوایی	شهرستان‌های تهران	۵۰	روح اله رنجبر	فارس
۲۴	سیده آزیتا رضوی	چهارمحال و بختیاری	۵۱	شبنم حسنی	کرمانشاه
۲۵	هدایت بهنام	لرستان	۵۲	صغری اکبری	شهرتهران
۲۶	محمود نیکو	خراسان شمالی	۵۳	علی ابراهیمی	خراسان جنوبی
۲۷	سید حبیب حسینی	مازندران			

از تمامی دبیران محترم درس تاریخ به خصوص آقای یوسف حسن‌بیگی، سرگروه درس تاریخ استان گیلان که با بررسی و نقد ارزشمند خود، مؤلفان را در بازنگری و اصلاح چاپ دوم کتاب، یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.